# تاریخ و اماکن سیاحتی و زیارتی سوریه






اصغر قائدان



بسم الله الرحمن الرحيم

# اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه


نویسنده:

اصغر قائدان



ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه

## مشخصات کتاب

سرشناسه : قائدان اصغر، - ۱۳۴۳

عنوان و نام پدیدآور : تاریخ اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه تالیف اصغر قائدان مشخصات نشر : تهران نشر مشعر، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری : [۳۸۹]ص مصور، نقشه شابک : ۹۶۴-۶۲۹۳-۱۱-۵۱۳۰۰۰ریال ؛ ۹۶۴-۶۲۹۳-۱۱-۵۱۳۰۰۰ریال وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : عنوان روی جلد: تاریخ و اماکن سیاحتی و زیارتی سوریه

یادداشت : کتابنامهص [۳۵۵] - ۳۶۸

عنوان روی جلد : تاریخ و اماکن سیاحتی و زیارتی سوریه

موضوع : زیارتگاههای اسلامی -- سوریه موضوع : سوریه -- راهنماها

رده بندی کنگره : BP۲۶۳/۶/ق ۲ت ۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۶۵

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۰-۵۴۸۷

ص:۱

## اشاره

## مقدمه

سوریه کنونی که در گذشته، با کشورهای اردن، لبنان و فلسطین اشغالی بخشی از سرزمین شام شمرده می شد، سابقه ای بس دراز در تاریخ دارد که مورّخان، این قدمت را به حدود پنج هزار سال پیش می رسانند. از آنجا که این سرزمین در مدت یاد شده، از فرهنگ و تمدّن درخشانی برخوردار بوده، آثار و نشانه هایی از تمدن خود بر جا گذاشته است. پیش از فتح این کشور به دست مسلمانان، اقوام مختلفی؛ از جمله اقوام سامی آموری، آرامی، مصری، آشوری، بابلی، یونانی، رومی و ایرانی که هر از چند گاهی این کشور را سکونت گاه خویش ساخته و یا آن را در معرض تاخت و تاز قرار داده اند، نشانه هایی از تمدّن خاص خویش را برای اعصار بعدی به یادگار گذاشته اند.

با فتح شام، در سال سیزده یا شانزده هجری به وسیله سپاه اسلام، فرهنگ غنیِ این دین جدید، بر تمدّن های چندین سده اقوام یاد شده چیره شد. از این پس، آثار تاریخی این منطقه،صبغه ای اسلامی یافت و رنگ و بویی دیگر به خود گرفت. از یک سو علاقه ساکنان تازه مسلمان و حاکمان اسلامی آن، به این دعوت جدید و از سوی دیگر پویایی تمدّن اسلام، نیروی محرّکه و فعالی در میان آنان پدید آورد تا برای تثبیت و تحکیم این دین، به ساخت و احداث مساجد، ابنیه مذهبی، مدارس، دارالقرآن ها و ... بپردازند که امروزهصدها اثر تاریخی در این خصوص زینت بخش آن سرزمین است. حضور ده ها تن ازصحابه و تعدادی از بازماندگان اهل بیت پیامبرخداصلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و مهاجرت ایشان به این ناحیه برای نشر عقاید اسلام و سرانجام خاکسپاری آنان در آن جا، ناخودآگاه انبوه مقابر و مشاهد متبرکه ای را به وجود آورد که امروزه پس از گذشت قرن ها، بسیاری از مسلمانان، مشتاقان و ارادتمندان اهل بیت را برای زیارت این قبور، به ویژه مرقد

مطهّر زینب کبری و رقیه بنت الحسین علیها السلام از اقصی نقاط عالم و نیز ایران اسلامی به سوی خود می کشاند.

حادثه جانفزا و مصیبت بار کربلا- و ورود کاروان اسیران اهل بیت و نیز سرهای مقدس شهدای واقعه عاشورا به دمشق، مظلومیت شیعه در این سرزمین را به تصویر کشانیده است. آثار مرتبط با آن واقعه دردناک در این کشور، دل هر مسلمانی را به درد می آورد و چشم هر بیننده ای را پر از اشک می سازد؛ گویی آن حادثه، دوباره پا به عرصه وجود نهاده است.

در قرن های پنجم و ششم هجری، که مقارن با جنگ هایصلیبی بود، حکّام بسیار مقتدر و دینداری در این کشور بر اریکه سلطنت نشستند و پرچم جهاد بر ضدّصلیبی ها و رومیان را بر افراشتند. کسانی چون نورالدین محمود زنگی شهید، سلطانصلاح الدین ایوبی، ملک عادل ایّوبی، ملک ظاهر بیبرس، سیف الدوله حمدانی و ... از افتخارات عالم اسلام بودند که نه تنها امور جنگی و نظامی را در رأس اقدامات خود قرار دادند و به ایجاد پایگاه های نظامی، ساخت قلعه ها، حفر خندق ها و ... پرداختند، بلکه به خاطر عشق وافری که به گسترش و تحکیم اسلام و تمدّن افتخارآفرین آن داشتند، نسبت به ایجاد بناهای مذهبی و فرهنگی؛ اعم از مساجد، مدارس و ... اهتمام ورزیدند که امروزه وجودصدها اثر تاریخی، از آن دوران، بیانگر این مدعاست.

در قرون بعد، ممالیک و سر انجام ترکان عثمانی، پس از استیلا بر این سرزمین، سیاست پیشگامان خود را تداوم بخشیده و ضمن حفاظت و بازسازی آن آثار اسلامی، به احداث بناهای دیگری نیز پرداختند.

امروزه هر انسانی که به این کشور گام می نهد، در جای جای آن، آثاری از قرن ها فرهنگ و تمدّنِ درخشان مشاهده می کند و از اهل علم کمتر کسی است که از این همه اعجاب، غرق در حیرت و شگفتی نشود.صدها و هزاران اثر تاریخی، از دوران قبل و بعد از اسلام، در دمشق و دیگر استان های سوریه، با سکوتِ خویش، از هزاره ها و سده ها سخن می گویند و راست گفته اند که «تاریخ، پرونده ملّیِ ملّت ها و عامل بقا و سند مالکیت آنان است» و باید گفت: آثار و اماکن تاریخی نیز اوراق این پرونده و مهر سند این مالکیت است.

مورّخان عرب و به ویژه تاریخ نگاران شام، منابع و تألیفات ارزشمندی در مورد این سرزمین برجای گذاشته اند، لیکن هر یک به ابعاد خاصی از تاریخ و یا مقطع و دوره ای خاص و یا شهری معین از آن توجه داشته اند و کمتر تمامیِ ابعاد و دوره های تاریخی و یا تمامی کشور را مورد تشریح قرار داده اند. در عصر حاضر نیز محققانِ آن خطه، در باره پیشینه تاریخیِ خود قلم ها برگرفته و اثرها به تحریر درآورده اند ولی آنان نیز به همان راه رفته و اثری جامع و مانع ارائه نکرده اند و یا بعضی نیز بر اساس سلایق مذهبی و اعتقادیِ خود، از شرح و توصیف آثار مرتبط با شیعه طفره رفته و یا به عمد آن ها را نادیده گرفته اند.

در سال های اخیر نیز بعضی از محقّقان شیعه در ایران، دست به تألیفاتی در این باره زده اند لیکن آنان توجه خود را بیشتر به اماکن منسوب به شیعه و یا شهر دمشق معطوف ساخته اند. خلل و کاستی هایی که در این مورد وجود داشت ضروری می نمود تا تحقیقی عمیق، علمی، همه جانبه و مستند در باره آثار تاریخی و اسلامیِ تمام نواحی این کشور ارائه گردد تا دانش پژوهان و علاقمندان به مسائل تاریخی و هنری، از تمامی ابعاد و جوانب مورد نظر بهره مند گردند و سیّاحان، به ویژه زائران مرقد منوّر زینب کبری، عقیله بنی هاشم و رقیه بنت الحسین علیهما السلام با بینشی کافی و وافی به این کشور گام نهند.

گفتنی است، نگارنده تمامیِ آثار توصیف شده را از نزدیک و به طور مستقیم دیده و به تشریح آن پرداخته است.

در پایان، بر خود فرض می دانم از معاونت محترم آموزش و پژوهش بعثه مقام معظّم رهبری، که به چاپ این اثر اهتمام ورزیده اند، سپاسگزاری کرده و توفیق دیگر دست اندرکاران را که در نشر آن کوشیده اند، از خداوند منان مسألت کنم.

اصغر قائدان

پنجم جمادی الاول ۱۴۱۵ هجری قمری

سالروز ولادت زینب کبری علیها السلام

## مقدمه چاپ جدید

حامداً علی نعمه و مصلیّا علی نبیه و آله

هم اکنون که نزدیک به پانزده سال از نخستین چاپ این اثر می گـذرد، تغییرات و تحولات در آثار تاریخی این سـرزمین، اگر چه رونـد پرشـتابی نـدارد، بـا این حـال تلاشـهای سازمانهای فرهنگی سوریه برای حفظ، توسـعه و بازسازی اماکن و آثار قابل تقـدیر است که البته در این راه حمایتهای مادی و معنوی جمهوری اسـلامی بویژه برای بازسازی اماکن مـذهبی متعلق به جهان تشیع نیز بر سـرعت این رونـد تاثیر گـذار بوده است. بر این اساس نگارنـده بر آن شد که چاپ جدید این اثر را با تجدید نظر کلی همراه با اصـلاحات و اضافات، اطلاعات و آمارها و تصاویر جدیـد به راهیان حرم عقیله بنی هاشم تقـدیم کند در این راه از همکاری جانب آقای سـید علی علوی در انتخاب و تنظیم عکسها و طراحی اثر برخوردار بوده ام. هم چنین آقای سیدصلاح موسوی نیز زحمت حرفچینی مجـدد آن را بر عهده داشـته اند که از خداوند توفیق ایشان را خواهانم. در پایان بر خود لازم می دانم از معاونت محترم آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری در سازمان حج و زیارت و همکاران محترمشان در نشر مشعر که به چاپ این اثر در گذشته و حال اهتمام ورزیدند سپاسگذاری کنم.

با آرزوی سلامتی و توفیق همه آنان

والسلام علی عباد الله الصالحین

اصغر قائدان

پاییز ۱۳۸۶

## فصل اول: آشنایی با موقعیت جغرافیایی، تاریخی و مذهبی سوریه

### اشاره

۱- موقعیّت جغرافیایی و طبیعی سوریه

۲- موقعیت تاریخی و سیاسی شام و سوریه

۳- مذاهب و گروه های مذهبی در سوریه

## ۱– موقعیّت جغرافیایی و طبیعی سوریه

### اشاره

مساحت: سوریه با ۱۸۰، ۱۸۵ کیلومتر مربع وسعت، هشتاد و سوّمین کشور جهان است و در جنوب غربی قاره آسیا، کنار دریای مدیترانه قرار دارد.

همسایگان: سوریه با کشورهای ترکیه (در شمال)، عراق (در شرق و جنوب شرقی)، اردن (در جنوب)، فلسطین اشغالی (در جنوب غربی) و لبنان (در غرب) مرز مشترک دارد.

آب و هوا: این کشور در کناره ها و نواحی جنوب غربی، آب و هوایی معتدل و مرطوب (مدیترانه ای) دارد و در دیگر نقاط، گرم و خشک است.

ارتفاع: بلندترین نقطه سوریه از دریا، جبل شیخ با ۲۸۱۴ متر ارتفاع است و مهمترین ارتفاعات آن عبارت اند از: کوه های لبنان شرقی، علویین، جبل الدروز، بشری، عبدالعزیز و قاسیون.

جلگه ها: بیشتر جلگه های سوریه، در کناره ها و نواحی جنوب غربی واقع شده اند.

قسمت اعظم آن را بیابان ها پوشانده و در جنوب شرقی آنصحرای سوریه (بادیه الشام) واقع شده است.

رودها: از مهم ترین رودهای سوریه، می توان به فرات، خابور، عاصی، عفرین، قویق و دجله اشاره کرد. رود فرات با ۶۹۶/ ۲ کیلومتر طولانی ترین آن ها است که حدود نیمی از آن در ترکیه و عراق جاری است.

جمعیت: طبق آخرین آمار (سال ۲۰۰۲ م.) سوریه بالغ بر ۰۰۰، ۸۶۶، ۱۸ نفر جمعیت دارد و شصت و سوّمین کشور جهان محسوب می شود. از این تعداد، ۵۰٪ آن

شهر نشین اند. پر جمعیت ترین شهرهای آن عبارت اند از: حلب، دمشق، حمص، حماه و لاذقیه.

بنادر: از بنادر مهم سوریه می توان به لاذقیه، طرطوس و بانیاس اشاره کرد که در کنار دریای مدیترانه واقع شده اند.

صنایع:صنایع مهم این کشور، عبارت اند از پالایش نفت، نساجی، سیمان، شیشه، مواد غذایی،صابون سازی، پوشاک وصنایع دستی.

معادن و منابع: گاز طبیعی و نفت، فسفات، گچ، کرم، نیکل، منگنز، سرب، سنگ نمک و «(۱)» ... از منابع با ارزش سوریه به شمار می رود.

استان ها و شهرهای مهم: بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، سوریه از ۱۳ استان تشکیل شده که زیر نظر فرماندار و یک شورای منتخب اداره می شود و استان های آن به ترتیبِ وسعت عبارت اند از:

۱. حُمص ۲. دَیر الزُّور ۳. حَسکَه ۴. رِقَّه ۵. حَلَب ۶. دمشق ۷. حَماه ۸. سُوَیدا ۹. دَرعا ۱۰. ادْلب ۱۱. لاذقیه ۱۲. قُنَیطره ۱۳. طَرسوس.

### وجه تسمیّه شام و سوریه

در دوران گذشته، سوریه کنونی، بخش عمده ای از شام بوده و در واقع سرزمین شام، شامل کشورهای کنونیِ سوریه، لبنان، فلسطین و اردن می شده است. «(۲)» «الشأْم و الشَأم و الشآم» در واقع «(۳)» نامی بوده که جغرافی دانان عرب بر این منطقه نهاده انـد. منطقه ای که از یک سو به دریای روم و بیابان ممتد- از ایله تا فرات- و از سوی دیگر- از فرات تا مرز روم- منتهی می شود. بدین صورت، سرزمین های روم در شمال، مرز مصر و بیابان بنی اسرائیل در جنوب آن واقع شده و آخرین محدوده آن- در سمت مصر «رَفَحْ» و

---

۱- محمود محبوب، فرامرز زیارودی، گیتاشناسی کشورها،ص ۱۸۴؛ المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری، ج ۱،ص ۲۳

۲- تقسیم این سرزمین به چهار کشور کنونی، به دنبال جنگ جهانی اول و در پی اهداف استعماری کشورهای سلطه گر انجام گردیده است.

۳- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳،ص ۳۱۱

سمت روم «الثغور» است. «(۱)»

در دوران های گذشته، به سرزمین شام، سوریه نیز می گفتند. بکری گوید: «سوریه» (به ضم اول و کسر الراء و تخفیف الیاء) نامی برای شام است. «(۲)»

ارنست هرتز فیلد گوید: سوریه نامی «آشوری» است که هنگام غلبه آشوریان بر این کشور اطلاق می شده و سین و شین در زبان سامی، به طور یکسان به کار می رفته است. نام سوریه برای نخستین بار در اثر «هرودوت» به شکل «shryn»، در خط «میخی» و «siryon» در زبان «عبری» استعمال می شده که بر لبنان شرقی اطلاق می شده است. «(۳)»

در دوران یونانی ها و بعد از آن، استعمال این نام گسترش یافت و بر همه منطقه نهاده شد و تا پایان جنگ جهانی اول به همین معنا به کار می رفت. «(۴)» بنابراین، سوریه نامی است بر گرفته از قوم آسوری یا آشوری.

در اثر هرودوت، فلسطین قسمتی از سوریه بوده و مورّخان جنگ هایصلیبی، فلسطین را جزئی از سوریه دانسته اند. اصطلاح «syrian»- در زبان انگلیسی- در عصر حاضر، برای این کشور استفاده می شود که البته منظور کشور جمهوری عربِی سوریه است و گاهی به پیروان کنیسه قدیم سوریه یا کنیسه سریانیه کاتولیک نیز گفته شده است. «(۵)»

در حقیقت اسم سریانی «syriac» مفهومی لغوی و دینی و «syrian» نیز برای اعراب مفهومی جغرافیایی و وطنی دارد. «(۶)»

جغرافی دانان و زبان دانان، هر یک در مورد وجه تسمیه شام چیزی گفته اند. بعضی معتقدند آن را بدین سبب شام نامیده اند که قومی از کنعان در این سرزمین ساکن شده اند؛ «فَتَشاءَمُوا إِلَيْها» برخی دیگر گویند: بدین علت که اهل یمن در آن «تشاءُمْ» کرده اند؛

---

۱- اصطخری، المسالک و الممالک،ص ۵۵

۲- محمد کرد علی، خطط الشام، ج ۱،ص ۴۷

۳- محمد کرد علی، همان کتاب، ج ۱،ص ۴۷؛ عفیف البهنسی، الشام الحضاره،صص ۲۳- ۲۲

۴- نجدت خماس، الشام فیصدر الاسلام،ص ۴۰ به نقل از: « ۱۶۹۱- The modern encyclopedia «syria history Article

۵- -۲۲۹- ۹۱۹. Syria religeouse groups ,Encyclopedia britannica ۵۱ th .p

۶- نجدت خماس، همان کتاب،ص ۴۰

یعنی به آنجا رو آورده انـد. گروهی نیز گفته انـد: به علّت کثرت و فراوانی قریه ها و دهات آن، که نزدیک به یکدیگرنـد، یا این که سرزمین شام به رنگ های مختلفی مثل سرخ، سفید و سیاه است، همان طور که خال بدن انسان را شام گویند. «(۱)»

مجموع سـرزمین های این منطقه را شامات گوینـد. گاهی دمشق را نیز از باب اطلاق کل بر جزء، شام گفته اند و عرب شـهرها را اغلب به اسم سرزمین های آن می نامیده است. «(۲)»

فضایـل فراوانی در مورد شـام گفته انـد. بعضـی از مورّخـان احادیثی از پیامبر خداصـلی الله علیه و آله در مورد فضایل آن نقل کرده اند «(۳)» که به نظر می رسد این احادیث را وابستگان و محدثان اموی ساخته اند تا به گونه ای سرزمین شام را در مقابل شهر پیامبر؛ یعنی مدینه النبیصلی الله علیه و آله مطرح کنند؛ زیرا این سرزمین، مقرّ حکومتی بنی امیه بوده است.

## ۲- موقعیت تاریخی و سیاسی شام و سوریه

### الف) قبل از اسلام

شـام و سوریه کنونی، از قـدیمی ترین منـاطق مسـکونی آسـیا بوده و در هزاره سوم قبـل از میلاـد، قوم «سـامی آموری» در این سرزمین ساکن و حکومتی در آن تشـکیل دادند که تا سال ۱۷۰۰ قبل از میلاد پایـدار بود. در اواخر قرن یازدهم قبل از میلاد، قوم دیگری به نام «آرامی» نیز در این کشور مستقر شدند.

سوریه در پیش از میلاـد، بارها به تصـرّف مصـریان، آشوریان، بابلیان و ایرانیان در آمـد و هر یک از آنان، این سـرزمین را در زمانی کوتاه یا طولانی در دست داشتند. «(۴)» ۲ کندر مقدونی، ۲ اسکندر مقدونی نیز آن را تصرف کرد و سپس این سرزمین با مرگ وی، جزو

---

۱- مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم،ص ۱۴۰؛ نجدت خماس، همان کتاب،ص ۴۰

۲- محمد کرد علی، همان کتاب، ج ۱،ص ۴۸

۳- نـک: ابی البقـاء عبـداللّٰه البـدری، نزهه الأنام فی محاسن الشام، بیروت، دارالرائـد ۱۹۸۰؛ ابن طولون، بهجهالأنـام فی فضـل دمشق الشام

۴- ر. ک. به: احسان عباس، تاریـخ بلاد الشام،ص ۵۰ به بعد؛ عفیف البهنسـی، همان کتاب،صص ۱۴۰- ۱۲۰. نجدت خماس، همان کتاب،ص ۴۵ به بعد.

قلمرو سلوکیان شد. در سال ۶۳ میلادی، حکومت سلوکی ها بر این سرزمین به وسیله امپراتوری روم پایان یافت. در طی دوره تسلّط روم، جنگ های فراوانی با دولت اشکانی در سوریه به وقوع پیوست. دولت ساسانی نیز مدتی بخش هایی از آن را به تصرّف درآورد. در سال ۳۹۵ میلادی، پس از تجزیه دولت روم، به شرقی و غربی، این کشور جزو قلمرو امپراتوری روم شرقی (بیزانس) گردید. «(۱)» سرانجام استیلای بیزانس بر سوریه، به تدریج روبه ضعف نهاد تا این که در قرن اول هجری (هفتم میلادی) در زمان خلافت ابوبکر، خالدبن ولید مأمور فتح شامات گردید.

## ب) پس از اسلام

پیامبر خداصلی الله علیه و آله در مدت حیات خویش، دو بار به مرزهای امپراتوری روم در سرزمین شام حمله کرد. سپاه اسلام نخستین بار در غزوه «مؤته» با سپاه انبوه و تا دندان مسلّح رومیان روبه رو شد. این غزوه بود که مقدمات نفوذ به سرزمین شام را برای مسلمانان فراهم ساخت. پیامبر خداصلی الله علیه و آله در زمانی دیگر، خود همراه لشکریانش به «تبوک» رفت و به مرزهای روم یورش برد. آن حضرت در واپسین روزهای حیات خود (سال یازدهم هجری)، سپاهی به فرماندهی اسامه بن زید برای هجوم به سرزمین شام تدارک دید، لیکن خود به ملکوت اعلی پیوست و ابوبکر اعزام آن سپاه را دنبال کرد.

سپاه اسامه در یک درگیری با رومیان به پیروزی رسید و موفق شد نتیجه تلخ شکست موته را به یک پیروزی تبدیل کند. پس از اندکی، خلیفه اوّل، هجوم به مناطق تحت سلطه روم؛ از جمله شامات را در استراتژی نظامی خویش قرار داد.

او در این جنگ، با فراخوانی مسلمانان از نقاط مختلف، سپاهی در مدینه فراهم آورد و آن را چهار گروه کرد؛ گروهی را به فرماندهی «ابوعبیده بن جراح» به سوی «حمص»، دسته دیگر را به فرماندهی «عمرو بن عاص» راهی فلسطین و دسته سوم را به فرماندهی «یزید بن ابی سفیان» به سوی «دمشق» و دسته چهارم را به سرپرستی

---

۱- المعجم القطر العربی السوری، ج ۱،ص ۲۴ به بعد.

«شرحبیل بن حسنه» عازم «اردن» کرد. اندکی بعد، از شام خبر رسید که ابو عبیده، از عهده مقابله با رومیان برنیامده است، از این رو خلیفه نامه ای به خالدبن ولید نوشت که به کمک سپاه شام بشتابد و به جای ابوعبیده فرماندهی سپاه را به عهده گیرد. خالد به سوی شام رفت. او ابتدا «بُصری» را فتح کرد و سپس به مصاف با رومیان شتافت. این جنگ در تاریخ اسلام به «یرموک» معروف شد، «(۱)» زیرا در کنار رودی به همین نام، که امروزه در کشور اردن جاری است،صورت گرفت.

رومیان در این نبرد، ۱۴۰ هزار نفر تلفات دادند و سه هزار تن از مسلمانان نیز کشته شدند. آنان رومی ها را تعقیب و «ماهان» سردار آنان را کشتند و سپس به طرف دمشق رفتند؛ پس از آن که یک ماه بر دروازه آن شهر متوقف شدند، خبر وفات ابوبکر و خلافت عمر به ایشان رسید. «(۲)»

«هِرَقْل» (: هراکلیوس، امپراتور روم) در بیت المقدس از فتح مسلمانان در یرموک خبر یافت و با شتاب به سوی حمص روانه شد تا آن جا را مرکز جنگی خود قرار دهد.

ابوعبیده نیز با سپاه حرکت کرد تا به «مرج الصفر» رسید و از خلیفه کسب تکلیف کرد که اول دمشق را فتح کند یا به فحل هجوم برد؟ عمر نیز باصحابه مشورت کرد. در این میان امام علی علیه السلام نظر داد، اول دمشق را بگشایید که قلعه شام است و سپس سپاهی برای جلوگیری از سپاه فحل و مردم فلسطین وحمص بفرستید. خلیفه نیز به همین گونه فرمان داد.

محاصره دمشق هفتاد روز طول کشید؛ مسلمانان راه آذوقه و کمک رسانی ساکنان شهر را بستند. چون دیوارها و خندق های اطراف مانع نفوذ مسلمین می شد، چاره ای جز ادامه محاصره نداشتند. مردم دمشق که از محاصره به تنگ آمده بودند، از درصلح درآمدند؛ بعضی از دروازه های دمشق بهصلح باز شد و مسلمین بدان راه یافتند و شهر را

---

۱- ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱،صص ۱۱۹- ۸۰؛ واقدی، فتوح الشام،ص ۲۰ به بعد؛ محمد بن عبداللّه ازدی، تاریخ فتوح الشام، تحقیق عبدالمنعم عبداللّه عامر،صص ۷۳- ۲۱

۲- Muir ,william ,the coliphate its rise ,Dcline and fall ,p .۹۰.

فتح کردند. مورّخان در تاریخ فتح دمشق اختلاف دارند؛ بعضی سال سیزده هجری و بعضی سال چهارده و یا هفده هجری گفته اند.

پس از فتح شام، «یزید بن ابی سفیان»، که یکی از چهار فرمانده فاتح دمشق بود، از سوی عمر به حکومت این شهر منصوب شد. وقتی او مرد، عمر قلمرو او را به معاویه سپرد و وی مالك مطلق العنان این سرزمین گشت. «(۱)»

در فتح شام بیشتر مهاجران و انصار حضور داشتند. به گفته ابن سعد، ۱۱۳صحابه در آن شرکت کردند. «(۲)» شهر «حُمص»- در جنوب دمشق- محل ملاقات و الحاق اصحاب پیامبر خداصلی الله علیه و آله به یکدیگر بود. «ابو مسلم خولانی» وقتی داخل مسجد حمص شد، سی تن از ریش سفیدان اصحاب را در آن دید و کثیر بن مره حضرمی نیز هفتاد بدری، ازصحابه پیامبر خداصلی الله علیه و آله را در آن جا ملاقات کرد. آنان مقدمه لشکر اسلام بودند که آموزش فقه و قرآن در سپاه اسلام بر عهده آنان بود. بسیاری از تابعین در شام به دست عباده بنصامت، ابو دردا و معاذ بن جبل فقه آموختند. این کار به سبب درخواست یزید پسر ابوسفیانصورت گرفت که به عمر نوشته بود مردم شام فراوان اند و به تعلیم قرآن و فقه نیاز دارند. بدین سان حمص پایگاه عباده شد، ابو دردا به دمشق رفت و معاذ نیز عازم فلسطین گردید. «(۳)»

معاویه پس از آن که از سوی عمر به جای برادرش یزید بن ابوسفیان به حکومت دمشق منصوب شد، به فتح سایر شهرهای شام اقدام کرد. وی در دوران خلافت عثمان قدرت بلامنازعی یافت و علاوه بر شام به حکومت «جزیره» نیز دست یافت. او تمامی ولایات شام را به قیسی ها سپرد و همین قیسی ها و بعد کلبی ها بودند که او را در مقابل امام علی علیه السلام تقویت کردند. معاویه پیراهن خونین عثمان را بر منبر مسجدی، که بعدها، جامع اموی به جای آن ساخته شد، گذاشت و رؤسا، اشراف و قبایل را فراخواند. آنان نیز

---

۱- نك: واقدی، همان کتاب،ص ۵۰ به بعد؛ ابن اعثم کوفی، همان کتاب، ج ۱،صص ۱۳۰- ۸۰؛ نویری، همان کتاب، ج ۳،ص ۸۰- ۱۴۰؛ حسن ابراهیم حسن، تاریخ السیاسی الاسلام، ج ۱،صص ۲۸۱- ۲۷۶

۲- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۷،صص ۱۵۱- ۱۱۱

۳- نجدت خماس، همان کتاب،صص ۹۸- ۹۷؛ احسان عباس، همان کتاب،صص ۲۴۳- ۲۲۲

سوگند خوردند که کشندگان عثمان را قصاص کنند. «(۱)» سپس جنگصفین را علیه امام به راه انداختند. در این جنگ تمامی مردم شام جز «ابو دردا» و «ابو امامه باهلی» حضور یافتند. «(۲)»

## ج) دوران معاصر

سوریه در ۱۷۹۹ م، پس از فتح مصر، توسط ناپلئون بناپارت، به اشغال فرانسه در آمد. پس از چندی با استقلال نسبی مصر، سوریه نیز بار دیگر به عثمانی واگذار گردید.

آزار مسیحیان و سرکوبی شورش های آنان در این شهر، راه مداخله دولت های اروپایی را بیش از پیش به این کشور باز کرد و سرانجام در ۱۸۶۰ م. فرانسه به عنوان کمک به سلطان عثمانی در اداره سوریه، نیروهای نظامی خود را در بیروت (که آن زمان جزو سوریه بود) پیاده کرد. «(۳)» با ورود دولت عثمانی به جنگ جهانی اول (در ۱۹۱۴ م)، ملّی گرایان عرب، زمینه را برای اجرای مقاصد استقلال طلبانه خود مساعد دیدند و آغاز به فعالیت کردند. در همین زمان ها بود که زمینه برای ایجاد یک دولت یهودی در فلسطین نیز آغاز شده بود. با پایان یافتن جنگ اول جهانی و شکست دولت عثمانی، امیر فیصل بن حسین (که بعدها پادشاه عراق شد) از سوی کنگره مردم سوریه به پادشاهی این کشور برگزیده شد. «(۴)»

در ۱۹۱۸ م. با حکومت وی، موقعیت و مرکزیت سیاسی دمشق تثبیت شد و با رهایی از یوغ ترکان عثمانی می رفت تا اهمیت خود را مثل دوران ایوبی ها وصلاح الدّین ایّوبی باز یابد امّا زمان این آزادی اندک شد؛ زیرا در سال ۱۹۲۰ م، سوریه و لبنان با رأی جامعه ملل، تحت قیمومت و سلطه فرانسه قرار گرفت.

---

۱- طبری، تاریخ الطبری، ج ۴،ص ۵۶۲

۲- منطقهصفین، در شمال شرقی سوریه کنونی قرار داشته است. برای آگاهی بیشتر در خصوص این منطقه، نک: بحث مربوط به استان رقّه در همین کتاب.

۳- » A .H .Hourani syria and lebanon under french mandate oxford university by press. » stephen hemsley . ۱۹۶۸م.

۴- نک: علی سلطان، تاریخ السوریه ۱۹۱۸- ۱۹۰۸ دارطلاس ۱۹۸۷

در ۱۹۲۶ م لبنان از سوریه تجزیه و کشوری جداگانه شد. پس از مذاکرات طولانی در ۱۹۳۰ م و ۱۹۳۲ م توافق هایی برای تأسیس سوریه خود مختار به عمل آمد.

با واگذاری ناحیه اسکندرون از سوریه به ترکیه در ۱۹۳۲ م. احساسات ضدّ فرانسوی شدت یافت. «(۱)» فرانسوی ها در اوایل جنگ جهانی دوم، پایگاه هایی در سوریه مستقر کردند که پس از شکست فرانسه در سال ۱۹۴۰ م.- به دست آلمان هیتلری- نسبت به دولت دست نشانده نازی ها اعلام وفاداری کردند.

در ۱۹۱۴ م نیروهای انگلیس و فرانسه آزاد، سوریه را به اشغال خود در آوردند.

ژنرال کاترو، فرمانده نیروهای فرانسه آزاد، استقلال و سپس تأسیس جمهوری سوریه را در شانزدهم سپتامبر ۱۹۴۱ م. اعلام کرد و «شیخ تاج الدین حسنی» رییس جمهور شد.

در سال ۱۹۴۳ م نیز «شکری الغوتلی» به عنوان رییس جمهور این کشور انتخاب و از این سال استقلال کامل سوریه با خروج سربازان خارجی آغاز شد. این کشور در ۱۹۴۸ م در جنگ اعراب و اسرائیل شرکت کرد. «(۲)» از ۱۹۴۹ م تا ۱۹۵۳ م چند کودتا در سوریه به وقوع پیوست که طی آن در ۱۹۵۴ م «هاشم الاتاسی» قدرت خود را باز یافت. در این زمان حزب سوسیالیست بعث با ائتلاف با ملّیون محافظه کار، درصدد اتحاد با مصر در دوران ناصر بود و سوریه با انعقاد پیمانی با شوروی به دول سوسیالیستی پیوست. «(۳)» در این هنگام (۱۹۵۸ م) اتحاد با مصر محقق شد و سوریه و مصر جمهوری متحد عرب را تشکیل دادند که ریاست این جمهوری به عهده جمال عبدالناصر بود.

از ۱۹۶۱ م تا ۱۹۶۶ م چند کودتای دیگر در این کشورصورت گرفت و مخالفان اتحاد با مصر در این سال ها به حکومت رسیدند. در همین دوران روابط سوریه با عراق

---

۱- برای اطلاع از چگونگی تسلّط فرانسه بر سوریه و لبنان نک: longrig Stephen hemsley syria and lebanon under french mondete ,oxford university press ,۱۹۶۸.

۲- نک: هیثم گیلانی، الاستراتیجیات العسکریه الحروب العربیه الاسلامیه، مرکز دارسات الوحده العربیه، بیروت ۱۹۹۱ م.

۳- بشار الجعفری، السیاسه الخارجیه السوریه،ص ۱۴۱؛ عدنان الملوحی، الطریق الی دمشق،ص ۴۳، ۱۹۹۱ م.

رو به تیرگی نهاد. «(۱)» در ۱۹۶۷ م پس از جنگ با اسرائیل، قسمتی از خاک سوریه- از جمله ارتفاعات جولان و بخشی از قنیطره- اشغال شد. سر انجام در ۱۹۷۰ م ژنرال حافظ اسد با کودتایی قدرت را به دست گرفت و به ریاست جمهوری مادام العمر برگزیده شد.

در ۱۹۷۳ م سوریه بار دیگر در جنگ اعراب و اسرائیل شرکت کرد و خسارات زیادی بر اسرائیل وارد آورد. «(۲)» در ۱۹۷۶ م سوریه به سبب خیانت سادات به اعراب و انعقاد پیمان کمپ دیوید، روابط خود را با مصر قطع کرد و با شرکت چند کشور مترقی عربی «جبهه پایداری» را بنیان نهاد. در ۱۳۵۹ ش، پس از به قدرت رسیدنصدام حسین در عراق و جنگ آن کشور با ایران، روابط سوریه با عراق نیز کاملًا قطع شد. از آن هنگام، سوریه متّحد استراتژیک جمهوری اسلامی ایران گردید که این اتحاد و اتفاق همچنان ادامه دارد.

در ۱۹۸۲ م. سوریه به دنبال هجومصهیونیست ها به جنوب لبنان، تا حدّی درگیر نبرد لبنان بود. «(۳)» از آن هنگام، سوریه و لبنان در کنار یکدیگر، در برابر اسرائیل به عنوان دو متّحد قدرتمند به پایداری و مقاومت پرداختند. نیروهای نظامی سوریه در مناطق غربی و جنوبی لبنان از این کشور در برابر تهاجم اسرائیل ایستاد و در مقاومت مردم مسلمان و حزب اللّه لبنان در برابر اشغال جنوب و تسلیح و حمایت مادی و معنوی از آنان سهم مؤثری ایفا کردند تا ناچار نیروهای اسرائیل خاک لبنان را ترک کردند. حافظ اسد رییس جمهور سوریه، تمامی تلاش های خود را مصروف تحقّق این هدف ساخت. سرانجام وی پس از بیش از ۳۰ سال ریاست جمهوری، دار فانی را وداع گفت.

در ۱۹۹۴ م که ۲۴ سال از ریاست جمهوری حافظ اسد می گذشت، فرزند او ملقّب به «اباباسل» که قرار بود بعد از پدر جانشین او شود، در یک تصادف کشته شد و لذا فرزند دیگر او بشار اسد به ریاست جمهوری رسید.

---

۱- همچنین پاتریک سیل، الصراع علی سوریه، تعریب سمیر عبده و محمود کلام،ص ۱۹۸ به بعد.

۲- اینامار رابینوویچ، جنگ برای لبنان ۱۹۸۵- ۱۹۷۰ ترجمهصفایی و رجبی،صص ۴۶- ۴۹

۳- نک: هیثم گیلانی، الاسترا تیجیات العسکریه للحروب العربیه الاسلامیه ۱۹۹۱؛ پیشین،صص ۱۴۱ و ۱۵۰

قوه مقننه از یک مجلس قانونگذاری به نام «مجلس خلق»، با ۱۹۵ عضو تشکیل یافته است. مهم ترین احزاب در سوریه حزب سوسیالیستی عربی بعث، جنبش سوسیالیست های عرب، حزب کمونیست، اتحادیه سوسیالیست های عرب هستند. «(۱)»

## ۳- مذاهب و گروه های مذهبی در سوریه

مسلمانان ۸۶٪ جمعیت این کشور را تشکیل می دهند و مسیحیان با ۵/ ۱۳٪ اقلیت نسبتاً قابل توجهی در این کشور هستند. حدود پنج هزار یهودی نیز در دمشق و پیرامون آن زندگی می کنند و اما در میان مسلمانان، فرقه های مذهبی گوناگون در سوریه وجود دارند که پس از اهل سنت، که اکثریت را تشکیل می دهند، عبارت اند از:

۱. دروزی ها

گروهی از غالیان شیعه هستند که بیش از دو میلیون نفر از جمعیت سوریه را تشکیل می دهند. اغلب دروزی ها در استان سویدا و «جبل دروز» واقع در جنوب لاذقیه ساکن اند. فرقه دروزیه ترکیبی از عقاید شیعه، زرتشت و مسیحیت دارند که «شیخ عقل» اکنون مرجع دینی آنان است.

۲. علویان

آنان خود را شیعه می دانند، بیش از سه میلیون نفر هستند و بیشتر در کوه های شمال غرب سوریه به موازات ساحل طرطوس تا انطاکیه پراکنده اند. علویان پست های حساس در سوریه را بر عهده داشته اند. حافظ اسد نیز خود یک علوی بوده است. گفتنی است علویان بیشترصحابه اولیه پیامبر خداصلی الله علیه و آله؛ از جمله عمار بن یاسر، مقداد، سلمان و اباذر را قبول دارند و به آنان و اهل بیت پیامبرصلی الله علیه و آله عشق می ورزند. از لحاظ عمل به دستورات دینی چندان تقیّد ندارند و آداب و احکام دینی را به جا نمی آورند.

---

۱- ماجد اللحام، دمشق فی نصف قرن،صص ۶۰- ۱۴؛ تاریخ معاصر کشورهای عربی، گروه نویسندگان آکادمی علوم شوروی ترجمه محمد حسین روحانی ۱۳۶۷ ش.

۳. شیعه امامیه یا اثنی عشریه

جمعیت ایشان بیش از هفتصد هزار نفر است. آنان در غرب «باب توما» در دمشق و در قریه داریا زندگی می کنند واکنون نیز قریه راویه و اطراف مرقد مطهّر حضرت زینب علیها السلام محل سکونت بیشتر آنان گردیده است. در گذشته مرحوم «محسن الأمین»صاحب دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه و «سید علی مکی» منشأ تلاش هایی برای انسجام اعتقادی و فکری شیعه شده اند.

ص: ۳۵

نقشه

ص: ۳۶

نقشه

ص: ۳۷

نقشه

ص: ۳۸

نقشه

ص: ۳۹

## فصل دوم: آثار سیاحتی زیارتی دمشق

### اشاره

۱- دمشق در گذر تاریخ

۲- مرقد و مزار عقیله بنی هاشم زینب کبری علیها السلام

۳- مقام و مقبره حضرت رقیّه علیها السلام

۴- مسجد اموی دمشق در بستر تاریخ

۵- سایر مساجد تاریخی و مشهور دمشق

۶- مدارس و دار القرآن های تاریخی دمشق

۷- قبرستان باب الصغیر

۸- سایر قبرستان های معروف دمشق

۹- سایر آثار تاریخی دمشق

## ۱- دمشق در گذر تاریخ

واژه «دمشق» یا «دماسکو» «Demascus»، در اصل، آرامی، کلدانی یا سریانی قدیم بوده است. در نوشته ای «هیروگلیفی»، که از پانزده قرن قبل از میلاد به دست آمده، نام «تمسقو» یا «دماسکو» در آن دیده شده است. همچنین نام دماسکو در آثار معبد «کرنک» متعلق به ۱۸ قرن قبل از میلاد نیز به چشم می خورد. «(۱)»

برای دمشق اسامی بسیار گفته اند. نخستین نام آن «جَلِقْ» و سپس به علت انتساب به جیرون بن سعد بن عاد بن ارم بن سام بن نوح «جیرون» بوده است. «ارم ذات العماد» که در قرآن کریم آمده است و همچنین عذراء، بیت رامون، عین الشرق، باب الکعبه، فسطاط المسلمین نیز از نام های دیگر آن است. «(۲)»

دمشق از قدیمی ترین شهرهای آباد جهان و از مهم ترین پایتخت های تمدّنی قدیم محسوب می شود و پیشینه تاریخی آن، به حدود پنج هزار سال قبل می رسد و از لحاظ قدمت، بعد از «اریحا» (در قدس) است. امّت ها و ملت های زیادی در این شهر ساکن شده اند؛ مانند: لودی ها، آرامی ها، فینیقی ها، حیثون، عبرانیان، آشوریان، بابلی ها، میدیون، (مادها- ایرانیان) یونانی ها، رومی ها، اعراب و اقوام دیگری چون ترک ها، کردها و ... «(۳)»

---

۱- یوسف جمیل نعیسه، مجتمع مدینه دمشق، ج ۱،ص ۶۷، دمشق به معنای سرعت نیز آمده است.
۲- پیشین، همان جا؛ ماجد اللحام، دمشق،ص ۲۲
۳- برای آگاهی بیشتر از دولت های عرب شام قبل از اسلام نک: احسان عباس، تاریخ بلاد الشام، چاپ عمان ۱۹۹۱،ص ۵۳ به بعد.

در مورد بـانی این شـهر در منـابع، اختلاـف فراوانی وجود دارد که هر یک آن را به کسـی نسـبت داده انـد؛ بعضـی گفته انـد: دماشق بن قالی بن مالك بن ارفخشد بن سام بن نوح و یا یقطان بن عامر بوده است و برخی دیگر بیوراسف را بانی آن دانسته اند. «(۱)»

گروهی برآننـد، نخسـتین شـهری که حضـرت نوح، بعـد از طوفـان، احـداث کرد، دمشق بوده است. عـدّه ای براین باورنـد که ضحاك آن را بنا کرد و جمعی به کسان دیگری چون عاد بن عوض، اسـکندر، غلام حضرت ابراهیم به نام دماشق، سلیمان بن داوود، دمشق بن قاین بن مالك بن ارفخشد بن سام بن نوح و دماشق بن نمرود بن کنعان نسبت داده اند. «(۲)»

به روایتی دیگر، آن را فرزنـد ارم بن سـام بن نوح؛ یعنی دمـاشق که برادر فلسـطین، ایلیا وحمص بود بنا کرد و هر یک از آنان ولایتی را آباد کرده و به اسم خویش نامیدند. «(۳)»

امّیا بر اسـاس نظر بیشترمورخـان، اوّلین کسـی که دمشق را بنـا کرد «ارَم بن سـام بن نوح» بوده که در آن زمین بـاغی ساخت و طرح عمارت انـداخت. چون بی نظیر و ضـرب المثل بود، آن را باغ ارم گفتنـد، آنگاه «شداد بن عاد» در آنجا بناهاهای فراوان ساخت و چنانکه گویند، طرح بهشت و دوزخی در آن محل ریخت که خداوند در قرآن کریم از آن یاد کرده است؛ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ* الَّتِی لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِی الْبِلَادِ. «(۴)»

پس از آنکه اسـکندر مقدونی این شـهر را ویران کرد، تارخ، که او را آذر نیز گویند (عموی حضرت ابراهیم علیه السلام) و به وزارت نمرود نیز اشتغال داشت، آن را تعمیروترمیم کرد.

گویند دمشق حدود ۳۱۴۵ سال پس از آفرینش زمین ساخته شـد و بعضـی گوینـد هفت هزار سال پس از آن بوده و حضـرت ابراهیم علیه السـلام پنجاه سال پس از بنای دمشق، در آن سـرزمین متولـد شد. «(۵)» آثـار تاریخی فراوانی؛ از جمله کتیبه های متعلّق به هزاره های اول

---

۱- مسعودی، مروج الذهب، ج ۲،ص ۱۱؛ نویری، منتهی الارب فی فنون الادب، ج ۴،صص ۱۳۶- ۱۳۵

۲- زین العابدین شیروانی، ریاض السیاحه، ج ۱،ص ۴۱۷؛ مسعودی، همان کتاب، ج ۲،ص ۱۱۳

۳- شیروانی، همان کتاب، ج ۱،ص ۴۱۹

۴- فجر: ۷ و ۸

۵- مسعودی، همان کتاب، ج ۱،ص ۱۱۳، همچنین برای اطلاع از شام در دوران قبل از اسلام نک: محمداحمد باسمیل، العرب فی الشام قبل الاسلام، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم ۱۴۰۸

و دوم قبل از میلاد مسیح در این شهر به دست آمده است که دکتر عفیف البهنسی این کتیبه ها و مجسمه های الهه های شام و ظروف متعلق به آن دوران را با تصاویر تشریح کرده است.(۱)

دمشق پس از اسلام

در سال ۴۱ هجری، معاویه پس ازصلح با امام حسن علیه السلام، دمشق را مرکز خلافت قرار داد. او ۲۰ سال امیر و ۲۰ سال نیز خلیفه بود. پس از مرگ معاویه دوم، که چهل روز بیشتر خلافت نکرد، حکومت دمشق و در حقیقت خلافت به خاندان مروانیان انتقال یافت.

مروان بن حکم نخستین خلیفه اموی بود. در میان خلفای اموی، «ولید بن عبدالملک» و «عمر بن عبدالعزیز» همواره برای توسعه بناهای فرهنگی و تاریخی شام می کوشیدند. دمشق تا سال ۱۳۳ هجری- که عباسیان به خلافت رسیدند- همچنان پایتخت خلافت اسلامی بود تا این که در این سال مرکز خلافت به عراق منتقل شد. «(۲)»

از این سال، خلفای عباسی از جانب خود والیانی به دمشق می فرستادند. احمد بن طولون پس از تشکیل سلسله طولونیان در مصر، در ۲۶۴ هجری، دمشق را از دست عباسیان خارج ساخت. «(۳)»

در قرن چهارم هجری، پس از آن که اخشیدیون در مصر به حکومت رسیدند، دمشق را جزئی از ولایت خود قرار دادند. پس از انقراض دولت اخشیدی ها به وسیله فاطمیان (۳۵۸ هجری)، دمشق به سلطه آنان در آمد.

در سال ۲۸۲ و ۳۶۰ هجری، قرامطه دوبار به دمشق هجوم بردند و فجایع فراوانی نسبت به مردم انجام دادند. «(۴)»

---

۱- همو، الشام الحضاره،ص ۱۷ تا ۱۵۰

۲- .۲۳۹ Caetanny, leone. ANNALY Dell'Islam, V. ۲. p

۳- صلاح الدین ایبکصفدی، تحفه ذوی الألباب فیمن حکم بدمشق من الخلفاء و ...، ج ۱،صص ۳۱۷- ۳۱۳

۴- حمزه ابن قلانسی، ذیل تاریخ دمشق،صص ۳ - ۱؛ یوسف نعیسه، مجتمع مدینه دمشق، ج ۱، ص ۶۸؛صلاح الدین ایبکصفدی، همان کتاب، ج ۱،صص ۳۳۶ و ۳۳۷

در سال ۴۶۸ هجری سلجوقیان این شهر را از دست فاطمیان بیرون ساختند «(۱)» تا این که در طی سال های (۵۴۳- ۵۲۳) برابر با (۱۱۴۸ - ۱۱۲۸ م.)صلیبی ها برسرزمین های شام هجوم آورده و بارها دمشق را ویران کردند. در ۵۴۹ هجری نورالدّین محمود زنگی (حاکم حلب) توانستصلیبی ها را از شهر اخراج سازد. دوران محمود زنگی وصلاح الدین ایوبی اعتلای دمشق را به دنبال داشت ولی متأسفانه فرزندانصلاح الدین؛ یعنی ملک عادل، افضل و عزیز برای تسلط بر شهر، درگیری هایی داشتند و این شهر را دچار ویرانی ساختند.

با این وجود دمشق در ایام «ملک عادل» فرزندصلاح الدین رشد چشمگیری یافت و ابنیه و آثار تاریخی فراوانی در آن ساخته شد. در سال ۶۵۸ هجری هلاکو خان مغول، به این شهر حمله کرد و حاکمان ایوبی آن را برانداخت. پس از نیم قرن، ممالیک مصر از جمله «ملک ظاهر بیبرس» دمشق را به تصرّف خود در آوردند که دوباره، این شهر رو به رشد و آبادانی رفت. «(۲)»

دمشق در دوران ممالیک پایتخت دوم آنان بود. چون این شهر راه اصلی قافله های حجاج و یا کسانی بود که به سوی پایتخت ایشان؛ یعنی قاهره می رفتند، اعتبار فراوانی کسب کرد و بازارهای آن در این دوران گسترش یافت. ممالیک به ساخت مساجد و اماکن فراوانی همت گماشتند و ویرانی های دوران مغول را تا حدودی ترمیم کردند. «(۳)» امروزه در جای جای شهرهای سوریه آثار ایوبیان و ممالیک حکایت از این امر دارد.

---

۱- صلاح الدین ایبکصفدی، همان کتاب، ج ۲،صص ۵۶- ۵۴. همچنین نک: ابن طولون، اعلام الوری بمن ولی نائباً من الاتراک بدمشق الشام الکبری، تحقیق احمد دهقان ۱۳۸۳ ق.

۲- یوسف نعیسه، همان کتاب، ج ۱،صص ۶۹- ۶۸؛ همچنین نک: به جوزیف نسیم یوسف، العدوان الصلیبی علی بلاد الشام، دارالمعرفه. مصر[ بی تا] و نیز نک: Cambridge. The History of Islam. V. ۲. p. ۱۲۳.

۳- اکرم العلبی، دمشق،ص ۱۷؛ همچنین برای اطلاع از تاریخ قرون میانه دمشق و شام و همچنین ممالیک مصر و والیان مصری در شام رک به لطیفه محمد سالم، الحکم المصری فی الشام قاهره، مکتبه مدبولی ۱۴۱۰ ق.

در ۶۹۹ هجری این شهر باز دچار هجوم سپاه مغول به فرماندهی غازان خان شد و سرانجام در ۸۰۳ هجری به دست تیمور ویران گردید تا این که در نبرد «مرج دابق» در ۹۲۳ هجری به تسلّط عثمانی ها در آمد. «(۱)»

عثمانی ها این شهر را به پاشا نشین هایی تبدیل کردند و به آبادانی و ترقّی آن همت گماشتند. «(۲)» در این زمان مساجد، تکایا، خان ها، زوایا، کاروانسراها، قصرها و مدارس فراوانی در این شهر ساخته شد که تمامی آن ها امروزه زینت بخش این شهر تاریخی است.

این شهر هم اکنون در تقسیمات استانی به عنوان یک شهر مستقل محسوب می شود و بر اساس آمار ۲۰۰۲ میلادی (۱۳۸۱ ش) با ۰۰۰، ۸۰۰، ۳ نفر دومین شهر پر جمعیت سوریه بعد از شهر حلب است.

---

۱- دائره المعارف الاسلامیه، ج ۹،ص ۲۶۴ ماده دمشق؛ محمد محمد نرسی الشیخ، الامارات العربیه فی بلاد الشام مصر ۱۹۸۰ م.

۲- نک: احمد البدیری، سعید القاسمی، حوادث دمشق الیومیه،ص ۱۵۰ به بعد.

نقشه

## ۲- مرقد و مزار عقیله بنی هاشم زینب کبری علیها السلام

### اشاره

یکی از زیارتگاه های بسیار مهم و مورد توجه همه مذاهب اسلامی در دمشق، مرقد و آرامگاه زینب کبری، دختر امیر مؤمنان علیه السلام است که همواره خیل مشتاقان و ارادتمندان آن بانوی فداکار و بزرگوار، از سرزمین های اسلامی به ویژه ایران، برای زیارت قبر او عازم این سرزمین هستند.

امیرالمومنین، علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام دو دختر و از سایر زنان نیز چندین دختر داشتند که چند تن از آنان نام زینب داشته و یا ملقّب به امّ کلثوم بوده اند. بر اساس گفته «مصعب بن عبداللَّه زبیری»، نسب شناس مشهور عرب، زینب کبری که به همسری عبداللَّه بن جعفر در آمد و امّ کلثوم کبری (زینبصغری) که همسر عمر بن خطاب شد؛ «(۱)» هر دو از

---

۱- در مورد ازدواج امّ کلثوم با عمر بن خطاب اختلافات فراوانی در منابع تاریخی بوده و علما و مورخان شیعه نیز نسبت به آن مواضعی مختلف دارند. بعضی چون شیخ مفید، عبدالرزاق مقرم و شیخ محمد جواد بلاغی، این مسأله را انکار کرده و نمی پذیرند. در حالی که کسانی چون قزوینی رازی، ابن شهر آشوب، سید محسن امین و محمد هاشم خراسانی آن را پذیرفته اند. در این میان عدّه ای چون شیخ طوسی، کلینی، و طبرسی از اجله علما و محدثان و فقهای شیعه ضمن پذیرش آن، ازدواج را امری اجباری دانسته و اظهار می دارند که علی علیه السلام در قلب به این امر راضی نبوده است. از سوی دیگر، مورخان اهل سنت، بالاتفاق به این مطلب اشاره داشته، می گویند عمر می خواست به وسیله این ازدواج با خاندان پیامبرصلی الله علیه و آله از طریق فاطمه علیها السلام ارتباط نسبی و سببی برقرار کند؛ زیرا خود گفته است: از پیامبرصلی الله علیه و آله شنیده ام که« کُلُ نَسَبٍ و سبب مُنْقَطِع الی یُوم القیامه إلّا نسبی و سَبَبی» لذا امّ کلثوم کبری را که فرزند فاطمه علیها السلام بود، از علی علیه السلام خواستگاری کرد و چون عباس واسطه شد علی علیه السلام پذیرفت. در این میان مورخان و محققان اهل سنتِ متمایل به شیعه؛ از جمله محمدبن جریر بن رستم طبری، ابنصباغ مالکی، محب الدین طبری، ابن عنبه، گنجی شافعی و ... نیز آن را به تشریح، مورد بررسی و پذیرش قرار داده اند. در هر حال در متون تاریخی به زید و رقیه به عنوان دو فرزند حاصل از این ازدواج اشاره شده است. زید و مادرش زینبصغری در یک روز در مدینه وفات یافتند و به گفته حرّ عاملی در وسائل الشیعه بر هر دو در یک زمان نماز گزاردند. برای اطلاع بیشتر نک: سید محسن امین اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵؛ محب طبری، ذخائرالعقبی،صص ۱۶۷ تا ۱۷۱؛ قزوینی رازی، النقض،ص ۲۷۸؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۶،ص ۸۱؛ شریف مرتضی، نکاح علی ابنه عمر، رساله خطی ش ۲۱،ص ۲۷- کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

فـاطمه زهرا علیهـا السـلام بوده انـد. وی دختران معروف دیگر ایشان را، که از غیر فاطمه علیها السـلام بوده انـد، چنین نام برده است: رقیه دخترصَـهباء، که همسـر مسلم بن عقیل شد، زینبصغری به ازدواج محمد بن عقیل درآمد وامّ کلثومصغری که نامش نفیسه بود و همسر عبداللّه اکبر بن عقیل گردید. «(۱)»

مرحوم محسن امین، تعـداد دختران علی علیه السـلام، که لقب ام کلثوم داشـته اند را چهار تن دانسـته است: ۱. همسر مسلم بن عقیل ۲. همسر عبداللّه اصغر بن عقیل ۳. همسر عمر بن خطاب ۴. همسر عبداللّه بن جعفر. «(۲)»

با توجه به تعداد دختران امام علی علیه السـلام که هجده تن بوده و برخی القاب مشابه داشـته اند، بدیهی است مورّخان و نسب شناسـان و همچنین محققـان تاریـخ اسـلام و شـیعه در مورد آنان و نیز محل دفن ایشان، تا حـدودی دچار اشـتباه و یا تناقض و سرگردانی شونـد. این اختلاف در مورد دفن زینب کبری، امّ کلثوم کبری و زینبصـغری شـدّت بیشتری می یابـد لیکن با نقد و بررسـی این اختلافات می توان به یک نتیجه ترجیحی دست یافت که در ادامه به ذکر اقوال مختصری در این خصوص خواهیم پرداخت.

از آنجاکه محقّقان و پژوهندگان شیعه و سنی، پژوهش گسترده ای در مورد محل

---

۱- کتاب نسب قریشصـص ۴۷- ۴۳؛ وی نـام هفت دختر دیگر از علی علیه السـلام که فرزنـدان همسـران آن حضـرت، غیر از فاطمه علیها السـلام بوده انـد را برشـمرده و ابن عنبه، نسابی معروف و مشـهور نیز بنقل از ابوالحسن العمری در المجدی، تعداد دختران علی علیه السـلام را هیجـده تن ذکر کرده است عمده الطالب فی انساب آل ابی طالبص ۸۳ همچنین ابنصباغ به نقل از روایات مختلف در مورد تعـداد دختران و پسـران علی علیه السـلام پرداخته است الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه،صـص ۱۳۴ و ۱۳۵

۲- اعیان الشیعه، ج ۳،ص ۴۸۵

دفن زینب کبری علیها السلام به عمل آورده اند و ما نیز اشاره ای به آن ها خواهیم داشت؛ با یک بررسی و تدقیق علمی، به نظر می رسد روایت دفن زینب کبری علیها السلام در شهرک راویه ۱ شق، ۲ دمشق بهصحت نزدیکتر باشد. در این مبحث کوتاه ابتدا به شمه ای مجمل از دوران حیات پرافتخار آن بانوی فداکار پرداخته و سپس نظریات و آرای مختلف در مورد محل دفن ایشان را تشریح خواهیم ساخت.

زینب کبری، ملقّب به امّ کلثوم، در سال ششم هجرت- پس ازصلح حدیبیه- و دو سال بعد از تولد حسین بن علی علیهما السلام پا به عرصه وجود گذاشت. محیطی که او در آن رشد کرد، مهبط جبرئیل امین و جایگاه وحی سرمدی بود. روزی که خداوند به رسولش فرمان داد تا تمامی درهایی را که به مسجدالنبیصلی الله علیه و آله گشوده می شدند مسدود کند، زادگاه او را مستثنی ساخت. مادرش پاره تن رسول اللّهصلی الله علیه و آله، پدرش بهترینصحابه و نخستین مسلمان در اسلام؛ و خاندان او افضل خاندان عالم بود که خداوند متعال رجس و پلیدی را از آنان دور کرده و تحت «کساء» رسولش، در ظلّ حمایت خویش وارد ساخت.

زینب علیها السلام تحت تربیت چنین خاندان استثنایی رشدکرد. ازهمان ابتدا با مصیبت های فراوانی روبه رو شد که تحمّل آن بر بسیاری امکان پذیر نبوده و نخواهد بود. هنوز پنج سال از تولد او نگذشته بود که- پیامبر خداصلی الله علیه و آله پدر بزرگ گرامی وی- آن که همواره او و برادرانش حسن و حسین علیهما السلام در آغوش پر مهر و محبت او روزگار می گذرانیدند، به سوی حق شتافت. این مصیبت عظیم برای او و به ویژه مادرش طاقت فرسا و گران بود.

او ازهمان ابتدا درکنار مادر بیمار خودکه به دنبال ارتحال جانسوز پدرومصیبت های وارده پس از آن، به بستر بیماری افتاده و روزهای آخر را می گذرانید، به پرستاری از او پرداخت و سرانجام شاهد مرگ او و بهترین پناه دوران کودکی خود شد. او شب هنگام، همراه برادرانش حسن و حسین علیهما السلام، پدرش علی علیه السلام و چند تن دیگر از محرمان اهل بیت، در مراسم خاک سپاری مادر حضور یافت و پس از آن تلاش می کرد تا برای دو برادر، مادری مهربان باشد.

زینب علیها السلام پس از آن که به سن ازدواج رسید، طبق گفته پیامبر خداصلی الله علیه و آله، که روزی به فرزندان علی علیه السلام و جعفر نگاه کرده و فرموده بود: «دختران ما برای پسران ما و پسران ما

برای دختران ما»؛ از میان آن همه خواستگارانی که داشت به همسری عموزاده اش، عبداللّه بن جعفر بن ابی طالب علیه السلام- که پنج سال از او بزرگتر بود- در آمد. وی نخستین نوزاد اسلام در حبشه بود «(۱)». پدر عبداللّه؛ یعنی جعفر طیار در غزوه موته به شهادت رسید و مادر او، اسماء بنت عمیس، پس از شهادت همسر، به ازدواج ابوبکر درآمد. اسماء پس از مرگ او، همراه فرزند خردسال خود محمد بن ابی بکر و پس از پیمان همسری به خانه علی علیه السلام رفت و برای آن حضرت یحیی و محمد اصغر را به دنیا آورد. «(۲)»

نتیجه ازدواج زینب و عبداللّه، چند پسر و دختر بود که در تعداد آنان اختلاف است.

مصعب بن عبداللّه زبیری، فرزندان او را جعفر اکبر، عون اکبر، علی، امّ کلثوم و ام عبداللّه ذکر کرده است. «(۳)» علاوه براین ها، فرزندان دیگری به نام عباس، عبداللّه و محمد نیز به او نسبت داده اند. «(۴)» ابن عنبه، او را بدون فرزند دانسته است «(۵)» در حالی که عون، عبداللّه و محمد در رکاب امام حسین علیه السلام- در کربلا- به شهادت رسیدند و امّ کلثوم نیز به ازدواج قاسم بن محمد بن جعفر طیّار در آمد. «(۶)»

در هر حال، اندک زمانی نگذشته بود که زینب کبری علیها السلام دوباره شاهد مصیبتی دیگر شد و آن، از دست دادن پدر بزرگوارش علی علیه السلام بود، که در سال چهلم هجری به شهادت رسید. پس از این مصیبت، زینب علیها السلام بیش از بیش تنها ماند و وظیفه او در قبال برادرانش سنگین تر شد.

از آنجا که او باید در آتش حوادث می سوخت و آبدیده تر می شد. هنوز از غم فقدان پدر فارغ نشده بود که پاره های جگر برادر، مقابل چشمان او ظاهر گشت. او با این

---

۱- ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴،ص ۸۷

۲- عایشه بنت الشاطی، السیده زینب،ص ۴۸؛ در مورد اسماء بنگرید به پاورقیصفحه ۱۰۴ از کتاب حاضر.

۳- کتاب نسب قریش،ص ۸۲

۴- محب الدین طبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القری،ص ۱۶۷؛ اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵،ص ۲۶۹

۵- ابن عنبه، عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب،ص ۵۵

۶- زبیر بن بکار، همان کتاب،ص ۸۲؛ عایشه بنت الشاطی، همان کتاب،ص ۴۸

همه مصیبت، آموخت که چگونه در کنار تنها برادر بازمانده اش، امام حسین علیه السلام، چون کوهی استوار بایستد و پذیرای مصیبت های بزرگتر باشد.

زینب علیها السلام در فاجعه کربلا ده ها تن از بهترین و عزیزترین کسانش را از دست داد.

سرانجام خود و سایر زنان اهل بیت به اسارت شامیان پلید و ننگین چهره درآمد و با آن همه مصیبت جان فزا، دلیرانه در مقابل عبیداللّه بن زیاد در کوفه به خطبه ایستاد و چهره ننگین او را رسوا کرد. سپس، همین اقدام را در مقابل یزید در دمشق کرد و با خطبه های غرّا و آتشین خود، به پاسداری از خون امام حسین علیه السلام و قیام او پرداخت. «(۱)»

آن معصومه فداکار، پس از چند روز توقف در دمشق، همراه دیگر زنان اهل بیت و کاروان اسرای کربلا به مدینه بازگشت و در سال ۶۲ هجری از دنیا رفت.

### نظریه مورخان و پژوهشگران در مورد محل دفن زینب کبری علیها السلام

در جای دفن عقیله بنی هاشم، میان مورّخان اختلاف است. برای دفن ایشان سه نظریه وجود دارد:

نظریه اوّل

بعضی محل دفن آن بانوی بزرگوار را با استناد به کتاب «اخبار الزینبات» نوشته عبیدلی (متوفای ۲۲۱ هجری) در محلّی به نام «قنطره السباع» در قاهره ذکر کرده اند. «(۲)» از جمله استاد حسن قاسم مصری در پاسخ به نظر شیخ بخیت المطیعی- که معتقد بود در «زینبیه» قاهره، زینب بنت یحیی بن زید بن علی علیه السلام مدفون است نه زینب کبری علیها السلام، به کتاب عبیدلی استناد جسته است. «(۳)»

---

۱- برای اطلاع از خطبه های کوبنده زینب علیها السلام نک: طبرسی، الاحتجاج، جلد دوم؛ مجلسی، بحارالأنوار، جزء ۴۵ از مجلد پانزدهم؛ ابن طیفور، بلاغات النساء؛ عبدالرزاق مقرم، مقتل الحسین أو حدیث کربلاء.

۲- ابوالحسین یحیی بن الحسن عبیدلی، اخبار الزینبات، به اهتمام سید محمود مرعشی،ص ۱۱۰ به بعد.

۳- محمد زکی ابراهیم، مراقد اهل البیت بالقاهره،ص ۵۳ به بعد.

امّا روایت دفن ایشان در مصر قطعاً نمی تواندصحیح باشد زیرا این روایت را تنها عبیدلی ذکر کرده است. عبیدلی می گوید چون زینب علیه بنی امیّه در مدینه تحرکاتی داشت حاکم مدینه به یزید نامه نوشت و او دستور داد زینب را از مدینه دور سازد لذا او به همراه چند تن از زنان بنی هاشم به مصر رفت و مورد استقبال مسلمه بن مخلد حاکم مصر قرار گرفت و او در بهترین مکانها جای داده شد. این روایت قابل قبول نیست زیرا: ۱- در آن زمان (سال ۶۲) بر اثر قیام ابن زبیرمدینه به دست عبداللّه بن حنظله غسیل الملائکه افتاده و از حاکمیت بنی امیّه خارج شده بود. ۲- چگونه زینب حاضر است تنها بدون همسر و یا هیچ مردی با چند زن به یک سرزمین دور مسافرت کند. ۳- چگونه زینب مصر را انتخاب کرده در حالی که در این سرزمین کسی نسبت به بنی هاشم و اهل بیت چندان نظر خوشایندی نداشته و آنان بیشتر طرفدار عثمان و بنی امیّه بوده اند. ۴- حاکم انتصابی یزید یعنی مسلمه بن مخلد از محبان بنی امیّه و عثمان است چگونه از زینب به خوبی استقبال کرده است مطلب دیگر که می تواند نظر عبیدلی را منتفی و بی اعتبار سازد اینکه چرا هیچ یک از مورخان مشهور مصری که در مورد مقابرصحابه در مصر، و زینب های مدفون در آن جا و کسانی که به مصر وارد شده اند، سخن گفته اند به زینب کبری دختر علی علیه السلام اشاره نداشته اند. این مورخان عبارت اند از: ۱. عبدالرحمان بن عبدالحکم مصری (م ۲۵۷ ق.)صاحب منهج السالك فی اخبار مصر والقری و الممالك ۲. ابو عمرو محمد بن یوسف کندی (م ۳۵۴ ق.) مؤلف ولاهمصر ۳. ابو محمد حسن بن ابراهیم بن ذولاق لیثی مصری (م ۳۸۷ ق.) «(۱)»صاحب ولاه مصر ۴. قاضی سلامه قضاعی (م ۴۵۳ ق.)صاحب انس الزائرین ۵. عبدالقادر مقریزی (م ۸۴۵ ق.)صاحب الخطط و الاعتبار ۶. شمس الدین انصاری مصری (م ۸۱۴ ق.) مؤلف الکواکب السیاره فی ترتیب الزیاره. «(۲)» ۷. شمس الدین سخاوی (م ۹۰۲ ق.)صاحب رساله زینبیات. «(۳)» ۱۰. ابراهیم بن علی فخرومی مصری (م ۸۹۱ ق.) مؤلف الفضائل الباهره فی محاسن مصر و القاهره

---

۱- وی گوید: نخستین کس از اولاد علی علیه السلام که داخل مصر شد سکینه دختر امام سجاد علیه السلام بود.

۲- وی نیز گوید که یک نفر از فرزندان علی علیه السلام در مصر از دنیا نرفته است همان کتاب،ص ۳۴۲.

۳- سخاوی سخن مؤلف الکواکب السیاره را تأیید کرده است الخطط التوفیقیه، ج ۵،ص ۱۰.

۱۱. سخاوی حنفی مصری (م ۸۱۴ ق.)صاحب تحفه الاحباب ۱۲. عبدالرحمان سیوطی (م ۹۱۱ ق.)صاحب حسن المحاضره فی تاریخ مصر و القاهره و نیز درّالسحابه فیمن دخل مصر من الصحابه «(۱)» ۱۳. ابن تغری بردی (م ۷۰۴ ق.) مؤلف النجوم الزاهره فی الخبار ملوک مصر و القاهره ۱۴. ابن دقماق (م ۷۹۲ ق.)صاحب الانتصار لواسطه عقد الامصار. در هر حال امروزه در شهر قاهره مقام و مرقد باشکوهی با نام سته زینب وجود دارد که مردم آن را به عنوان زینب کبری بنت علی می دانند و بسیار به آن احترام گذاشته و به زیارت آن می شتابند. به نظر نگارنده این قبر باید متعلق به زینب بنت یحیی بن متوج بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام باشد که واسطه های آن را حذف و آن را زینب بنت علی علیه السلام دانسته اند.

نظریه دوّم

مرحوم محسن امین، از دانشمندان شیعه، قول دیگری مطرح کرده و آن این که قبر ۲ نب، ۲ زینب علیه السلام در بقیع است. این نظر قطعاًصحیح نیست زیرا هیچ یک از مورّخان مدینه و حجاز به نام زینب کبری که در بقیع مدفون باشد، اشاره نکرده اند و زینبی که در بقیع به خاک سپرده شده، امّ کلثوم کبری- همسر عمر بن خطاب مادر زید- بوده که هر دو در یک روز از دنیا رفته اند. «(۲)»

نظریه سوّم

بیشتر محققان شیعه؛ از جمله علّامه بحر العلوم، میرزا حسین نوری، محدث قمی، حسون بن زینی حسینی، علامه حسنین سابقی «(۳)» و برخی از مورّخان اهل سنت؛ از جمله ابن بطوطه «(۴)» ابن حورانی «(۵)» ابن جبیر «(۶)» عزالدین محمدصیادی شافعی و ... معتقدند که

---

۱- سیوطی در این کتاب به نام تمامیصحابه ای که به مصر آمده اند، اشاره کرده و از زینب بنت علی علیه السلام دررساله زینبات خود نامی نبرده است همان کتاب،ص ۱۹- ۷.

۲- . ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸،ص ۴۶۴؛ محب طبری، ذخائر العقبی،ص ۱۷۱

۳- شیخ عباس قمی، نفس المهموم،ص ۲۹۷

۴- الرحله، همان جا.

۵- زیارات الشام،ص ۱۳۳

۶- الرحله، همان جا.

زینب علیها السلام در «قریه راویه دمشق» به خاک سپرده شده و علت سفر عقیله بنی هاشم را نیز واقعه حرّه (به سال ۶۳ هجری) «(۱)» یا قحطی در مدینه دانسته اند که زینب علیها السلام به همراه همسرش عبداللّه به دمشق رفتند. عبداللّه در آن شهرک زمین هایی داشته و به کشاورزی مشغول بوده است.

در این میان، بعضی چون ابن حورانی و محسن امین، قبر زینب در راویه دمشق را ام کلثومصغری، دختر علی علیه السلام و همسر عمر بن خطاب دانسته اند که این سخن در سطور گذشته مورد نقد و پاسخ قرار گرفت. این اشتباه بیشتر به خاطر لقب آن دو؛ یعنی ام کلثوم است؛ زیرا چنانکه گفتیم چهارتن از دختران علی علیه السلام لقب ام کلثوم داشته اند. در هر حال بر اساس شواهد و قرائن تاریخی این قول ترجیحاً مقرون بهصحت است.

قریه ای که حضرت زینب علیها السلام در آن مدفون هستند، در گذشته به «راویه» و اکنون به زینبیه مشهور است. در حال حاضر به شهر متصل و در هفت کیلومتری شرق دمشق قدیم به طرف فرودگاه واقع است.

در خیابان اصلی این شهرک، گنبد و مأذنه های مقبره آن بانوی گرامی از دور به چشم می خورد. گنبد این مرقد، طلایی است و در سمت شرقی و غربی آن دو مناره کاشی کاری شده قرار دارد.

در مدخل درِ غربی حرم و سمت راست آن- داخل اتاق کوچکی- سه قبر وجود دارد که یکی از آن ها قبر «آیهاللّه سید حسین یوسف مکی عاملی» متوفای ۱۳۹۷ هجری و دیگری مرحوم «محسن امین عاملی»،صاحب تألیف معروف اعیان الشیعه و سومین آن ها نیز دختر میرزا تقی بهبهانی است.

حرم حضرت زینب دارایصحن مربع مستطیل است که شبستان و گنبد و ضریح در

---

۱- در سال ۶۲ هجری، پس از شهادت امام حسین علیه السلام، مردم مدینه برضدّ حاکم اموی این شهر شوریدندو یزید را از خلافت خلع کردند. آنان براساس دعوت عبداللّه بن زبیر در مکّه دست به چنین اقدامی زده و بسیاری نیز تحت تأثیر شدید حادثه شوم کربلاـ واقع شده بودند. یزید نیز مسلم بن عقبه، یکی از خونخوارترین و سفاک ترین مأمورین خود را برای سرکوبی مردم مدینه فرستاد. وی چند شب و روز به کشتار بازماندگان پیامبر خداصلی الله علیه و آله سادات و ... پرداخت.

وسط آن قرار گرفته و چهار درِ ورودی دارد. سقف شبستان و حرم از سه قسمت تشکیل شده که بهصورت پله ای بر روی هم قرار دارند و گنبد نیز در وسط آن است. بر روی این گنبد، آیاتی از قرآن به خط ثلث زیبا نوشته شده و طلاکاری آن نیز در دهه های اخیر توسط ایران انجام گردیده است.

در سمت شرقصحن مطهّر، مصلای زینبیه به همّت مرحوم آیه اللّه فهری زنجانی، نماینده ولیّ فقیه در سوریه ساخته شده و مراسم نماز جماعت، دعای کمیل و نماز جمعه در آن برقرار می گردد. این شبستان بسیار بزرگ است. مساحت کلّصحن، حرم و سایر مراکز وابسته حدود ده هزار متر مربع است. درصحن ها جمعاً ۱۱۴ اتاق وجود دارد که ۶۴ اتاق آن درصحن بزرگ و بقیه درصحن دوم و حسینیه های اطراف است.

مقبره آن بانوی بزرگوار در میان حرم، با ضریحی نقره ای است و هشت ستون کاشی کاری شده، گنبد حرم را نگه داشته اند. دیوارهای حرم مطهّر تا نصف آن سنگ سفید و بقیه آیینه کاری بوده و جلوه ای از هنر و معماری ایرانی- اسلامی است. بنای داخل و خارج حرم و همچنین مناره ها و گنبد، از حدود یکصد سال پیش است ولی توسعه های اطرافصحن و تزیینات آن ها همگی از سوی جمهوری اسلامی انجام شده است.

قبر نواده پیامبر خداصلی الله علیه و آله، فرزند بهترین حامی و یاور او و خواهر شهید مظلوم کربلا همواره مورد زیارت عامه مردم دمشق و کشورهای مختلف قرار می گیرد که به مقصد زیارت آن بانوی مظلوم و ستمدیده با هرگونه وابستگی و اعتقاد مذهبی فرسنگ ها راه پیموده و به این قریه کوچک می آیند. در میان اهل سنت نیز عقیله بنی هاشم از حرمت و وجاهت ویژه ای برخوردار است.

تصاویر شماره ۱ و ۱- ۱ و ۲

قبر مرحوم محسن امین

محسن امین عاملی، از علمای برجسته شیعه در سوریه وصاحب کتاب معروف «اعیان الشیعه» در راهروی ورودی درِ غربی حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام، داخل

اتاقکی به خاک سپرده شده است. وی در تاریخ ۱۳۷۱ هجری وفات یافت. گسترش شیعه در سوریه مرهون زحمات اوست.

قبر مرحوم دکتر علی شریعتی

در مجاورت مرقد عقیله بنی هاشم، در کوچه کنار حرم، قبرستان کوچکی است که قبر مرحوم شریعتی در یک چهار دیواری قرار دارد که با دری آهنین آن را بسته اند و در داخل آن سنگ، قبر زیبایی است. عکس ها و سخنان و گفته های وی این چهاردیواری را زینت بخشیده است.

تصویر شماره ۳

## ۳- مقام و مقبره حضرت رقیّه علیها السلام

از زیارتگاه هایی که پس از مقبره حضرت زینب علیها السلام مورد توجه شیعه قرار دارد، مقبره و حرم «رقیّه علیها السلام»، دختر معصوم و کودک خردسال امام حسین علیه السلام است. بر اساس گزارش های منابع، سید الشهدا علیه السلام پنج پسر و دو دختر داشته اند. دختران آن حضرت عبارت بودند از: «سکینه» دختر رباب بنت امرءالقیس و خواهر علی اصغر. «فاطمه» دختر امّ اسحاق بنت طلحه بن عبیداللّه. در برخی منابع نیز سه دختر گفته شده و طبق این نقل، سوّمین آن «زینب» است که او نیز خواهر فاطمه و هر دو از یک مادر بوده اند.

بیشتر نسب شناسان، به نام این سه دختر اشاره کرده اند. «(۱)» احتمال می رود رقیّه لقب زینب باشد؛ و این که از زینب، بر خلاف فاطمه و سکینه، نقش مؤثر و فعالی در کربلا گزارش نشده، به نظر می رسد وی کودکی بیش نبوده است.

براساس آنچه مشهور است، او همراه سایر اهل بیت امام حسین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام به اسارت در آمد و در مکانی کنار «باب الفرادیس»- که در آن زمان خرابه ای بود- استقرار یافت. رقیّه در این زمان چهار ساله بود که چشم از جهان فرو بست.

آن کودک را، کنار آن مکان، که مقبره ای عمومی به نام «مقبره باب الفرادیس» بود، به خاک سپردند. این مقبره در شمال غربی محله قدیمیِ دمشق و کنار باب الفرادیس قرار داشت و امروزه به «العماره» معروف است. در ابتدا سلاطین ایوبی بر قبر او، که داخل

---

۱- محمد بن جَریر طبری، دلائل الامامه،ص ۷۴؛ ابنصباغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفه الائمه،ص ۱۸۸؛ ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، ج ۹،ص ۱۷۴؛ سید حسن الامین، دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۱، جزء دومص ۲۵؛ مصعب بن زبیر، کتاب نسب قریش،ص ۵۹

مسـجد «رأس الحسـین» واقع بود، مقبره ای کوچک ولی زیبا ساختند؛ سنگ قبری که نهاده شد، از سنگ موزاییک تزیین شده به وسـیله عـاج و مرمر بود که اطراف آن را ضـریح زیبایی احاطه کرده بود و بر فراز آن نیز گنبـد و عمارتی بنا شـد. مکان یاد شده که از همان ابتدا بهصورت مسجد و مقبره بود، در سال ۱۱۲۵ ق بازسازی شد و در سال ۱۳۲۳ ق نیز(۱)

توسط میرزا علی اصـغرخان امین السـلطان،صـدر اعظم ناصـرالدین شاه دوباره ترمیم گردیـد. در آن زمان، سه کتیبه سـنگی در داخـل حرم، در سـمت محراب شبسـتان بود. در کتیبه اول چنـد حـدیث در فضایل اهل بیت و نام میرزا بابا مسـتوفی گیلانی به عنوان تعمیر کننـده بقعه مقـام رقیه، به تاریـخ ۱۱۲۵ هجری دیـده می شـد. درکتیبه دوم به مکـان دفن ملک کامل ناصـرالدین محمد که در ۸۸۰ هجری در این مکان مدفون شده بود، اشاره و بر کتیبه سوم نیز چند بیت شعر نوشته شده بود. «(۲)»

امّـا ساکنـان محله الامین که رقیه در آن مـدفون است نکته ای را متـذکر می شونـد و آن اینکه ایشان به خواب یکی از سادات علوی از خانـدان مرتضـی آمـده که آب به داخل قبر ایشان نفوذ و آن را تخریب کرده است. این فرد رقیه علیها السـلام را سه شب در خواب می بینـد و لـذا قبر را حفر و در آن جنـازه دو کودک خردسـال که ۵ سال بیشتر نداشـتند را مشاهده می کند و آنگاه قبر را تعمیر و مرمت می کند و سپس خود از دنیا می رود.

چون فضـای این مکـان گنجایش زائران را نـداشت، مرحوم شـیخ نصـراللّه خلخالی در ۱۳۵۰ ش درصـدد توسعه مقبره و حرم برآمد؛ لذا خانه های اطراف را با کمک مردم خَیِّر محل خریداری کرد ولی عده ای راضی نشدند و به همین منوال باقی بود تا در سال ۱۳۶۳ ش به گفته جناب حجهالاسلام فهری زنجانی، نماینده وقت مقام معظم رهبری در سوریه، با خرید آن خانه ها و پرداخت چنـدین برابر قیمت آن ها، امر پی ریزی بنای جدیـد حرم از سوی جمهوری اسلامی و با حضور مقامات سوریه آغاز شد.

مسـاحت ساختمـان حرم بیش از چهارهزار متر مربع است که ششـصد متر مربع از آن،صـحن و فضای باز است و بقیه را حرم و شبستان آن و مسجد دیگری که در مجاورت

---

۱- قتیبه شهابی، همان کتابص ۳۱۶؛ محسن الأمین، اعیان الشیعه، ج ۷،ص ۳۴

۲- یوسف بن عبدالهادی، ثمار المقاصد فی ذکر المساجد،ص ۲۲۹

ضریح ساخته شد، تشکیل می دهند. در بازسازی های اخیر، اطراف ضریح و شبستان ها را توسعه فراوانی داده اند وصحن های جدیدی نیز در حال احداث است.

نوع معماری، که اکنون در بنای حرم به کار رفته، معماری ایرانی- اسلامی است.

صحن مسجد که گرداگرد آن بهصورت ایوانی به اندازه یک و نیم متر مسقف است، با ستون های بسیار زیبای سنگی سفید و کنگره ای ساخته شده اند. گنبد آن به کلی تعویض و براساس معماری ایرانی ساخته شده و دوازده ستون مرمرین در داخل حرم آن را نگه داشته اند. گرداگرد سقف و دیواره ها نیز کاشی کاری است.

ضریح حرم که از دوران امین السلطان،صدراعظم ناصرالدین شاه مانده بود، در ۱۳۷۲ ش با ضریح دیگری که به وسیله چهل تن از هنرمندان برجسته اصفهانی، بهصورتی زیبا ساخته شد، تعویض گردید. البته ضریح قبلی برداشته نشد بلکه در داخل ضریح جدید قرار گرفت. نگارنده خود در مراسم تعویض آن حضور داشته و تلاش های شبانه روزی سازندگان و عشق آنان به اهل بیت را شاهد بوده است. هر چند که این ضریح تقریباً ۱/ ۵ برابر ضریح قبلی است و به علت بزرگی زیاد با سن حضرت رقیّه و کودکی وی تناسبی ندارد، لیکن از شاهکارهای هنر ایرانی و اسلامی است.

کنار حرم مطهّر، بازاری است که در طول تاریخ اسلام به «سوق العماره» مشهور بوده است و باب الفرادیس مذکور نیز در داخل این بازار و حدود بیست متری مقام حضرت رقیّه قرار دارد. گفتنی است از شمال حرم به جامع اموی نیز راهی وجود دارد.

تصاویر شماره ۴ و ۵

## ۴– مسجد اموی دمشق در بستر تاریخ

### اشاره

جامع اموی، جلوه ای شگفت انگیز از تمدّن و معماری اسلامی

مسجد اموی، از شاهکارهای درخشان تمدّن و فرهنگ اسلامی است و پیشینه آن به دوران هزار و سیصد ساله اسلامی محدود نمی شود بلکه ریشه و بنیانی دیرینه، به بلندای چهار هزار سال در تاریخ بشریت دارد و در حقیقت بیانگر سیر و تاریخچه تحول و دگرگونی ادیان و مذاهب است.

مکان این مسجد در چهار هزار سال پیش معبد آتش پرستان بوده است؛ هنگامی که قبیله «حَِدَدْ» آرامی به سرزمین شام آمدند، حدود هزار سال، این مکان را معبد خود قرار دادند. این بنا در طول چند قرن تسلّط مصری ها بر این سرزمین، به معبد خدایان ایشان؛ یعنی «رامون» و «آمون» تبدیل شد. پس از چندی یونانیان با تصرف این سرزمین، آن را معبد خود قرار دادند و تا قرن اول میلاد حضرت مسیح علیه السلام در این مکان به عبادت خدایان خود می نشستند.

پس از یونانی ها، رومیان با حضور و سلطه بر این سرزمین، این معبد را توسعه داده و آن را به محل عبادت خدای خویش «ژوپیتر» تغییر دادند. با گسترش مسیحیت درجهان و به ویژه در شام، قسمت کوچکی از معبد ژوپیتر به کنیسه تبدیل گشت که به نام «قدیس یوحنا» یا «ماری یوحنا» خوانده می شد.

سرانجام در سال هفده هجری، با فتح دمشق به وسیله مسلمانان، این معبد و کلیسا، به مسجد و محل عبادت ذات باری تعالی و خدای واحد تبدیل شد که البته نیمی از آن بر اساس مصالحه ای کهصورت پذیرفته بود، همچنان بهصورت کلیسا باقی ماند. مساحت

اولیه آن براساس آنچه که ابن جبیر نقل کرده است از شرق به غرب؛ یعنی در طول دویست قدم (حدود ۱۵۰ متر) و از سمت جنوب به شمال؛ یعنی در عرض ۱۳۵ قدم (حدودصد متر) بوده و در مجموع به پانزده هزار متر مربع می رسیده است. «(۱)»

هنگامی که دمشق به وسیله سپاه اسلام محاصره شد، کلیساهای فراوانی در این شهرپوجود داشت که بعضی از آن ها طبق معاهدهصلح در مقابل نیمی از کلیسای اصلی شهر؛ یعنی مکانی که بعدها جامع اموی ساخته شد، در دست مسیحیان ماند و مسلمانان نیمه مذکور را تبدیل به مسجد کرده و در آن به نماز پرداختند. مسیحیان که نسبت به دین جدید با بی اعتنایی برخورد می کردند، با ایجاد سر وصدای عمدی در مراسم خود؛ از جملهصدای مهیب ناقوس به هنگام اقامه نماز جماعت، خواندن سرودها بهصدای بلند، برای عبادت مسلمانان مزاحمت فراهم می کردند.

وقتی معاویه، در شام ولایت یافت، تصمیم گرفت نیمه باقی مانده کلیسا را به مسجد ملحق کند ولی مسیحیان نپذیرفتند. پس از وی عبدالملک بن مروان، اموال فراوانی به آنان داد تا اجازه دهند این قسمت نیز به مسجد ملحق شود ولی ایشان نپذیرفتند تا این که ولید، فرزندش مال فراوانی به مسیحیان داد و حتی گفت اگر نپذیرید، کنیسه باب توما را که با زور و این قسمت را باصلح گرفتیم، به جای آن تخریب خواهم کرد. (آن کلیسا بزرگتر و مهمتر بود)؛ لذا مسیحیان راضی شدند که نیمه باقی مانده نیز به مسجد افزوده شود. «(۲)»

بعضی گویند: آنان راضی نشدند و ولید تهدید کرد که اگر نپذیرید، خود آن را تخریب می کنم، سپس کلنگ به دست گرفت و دیوار آن را خراب و مسجد را بنا کرد.

بعضی نیز گفته اند، وی به جای آن چند کلیسای دیگر در داخل شهر به مسیحیان داد و آنان را راضی کرد. «(۳)»

ولید بن عبدالملک که علاقه فراوان به ساختن مساجد و بناهای مذهبی داشت، برای تبدیل این کلیسا به مسجد، مالیات هفت سال کشور خود را خرج آن کرد و گویند

---

۱- ابن جبیر، الجامع الأموی، تحقیق مطیع الحافظ،ص ۱۳

۲- نعیمی، الدراس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۲۸۵؛ ابن بطوطه، الرحله« تحفه النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار،ص ۶۳

۳- نعیمی، الجامع الأموی،ص ۹۹؛ ابن العمری، الجامع الأموی، تحقیق مطیع الحافظ،ص ۵۱

وقتی اسـنادِ مخارج آن را بر هیجده شتر بار کردند و برای تصویب نزد خلیفه بردند، وی بدون بررسی، همه آن ها را امضا کرد و گفت: این چیزی است که به راه خدا داده ایم و در مقابل آن حسابی نمی خواهیم.

جـامع امـوی یکی از شاهکارهـای معمـاری اسـلامی و البته تلفیـق و ترکیـبی از معمـاری اسـلامی و رومی است؛ «(۱)» زیرا در ساخت آن از مهنـدسان رومی نیز کمک گرفته شد. ولید در ابتدا طرح اولیه بنای آن را به روم فرسـتاد و هزار نفر از معماران و مهندسان آن سرزمین را برای ساخت آن به دمشق دعوت کرد. عملیات احداث آن از ۸۶ ق آغاز شد «(۲)» و بهترین مصالح و سنگ های مرمر برای تزیین آن به کار رفت.

به گفته ابن معلی، پـولی که خلیفه اموی در این راه خرج کرد، داخـل یـک صدصـندوق قرار داشت که هرصـندوق ۲۲۸ هزار دینار در آن بود و مجموع آن به بیش از ۰۰۰/ ۸۰۰/ ۲۲ دینار می رسید. «(۳)»

ولید دوازده هزار سنگ رخام و مرمر در آن به کار برد، که هزینه هر قطعه از آن ۱۴۴ قنطار دمشقی بود. هنگام بنای آن، کتیبه ای مربوط به هزاران سال پیش، به زبان های مختلف، در دیوار قبله و همچنین مناره شـرقی یافت که بر آن پنـدها و انـدرزهای اخلاقی نوشته شده بود. «(۴)»

بر فراز شبسـتان مسـجد، گنبـدی به نـام «نسر» یـا «عقـاب» سـاخت و سـتون هایی در زیر آن قرار داد و آن را با طلا و جواهر و پوشـش های حریر مزیّن ساخت. محراب مسـجد را با قندیل های طلا و نقره، معرّق های زیبا و زنجیرهای طلا آراست. مخارج ساختمان مسـجد چنـدان زیاد بود که مردم ولیـد را به اسـراف متهم کردنـد و گفتند: مسـجد را از بیت المال ساخته و از آن به مسلمانان نفعی نمی رسد.

هنگامی که عمر بن عبدالعزیز به حکومت رسید، چون معتقد بود مالی که در

---

۱- حسن ابراهیم حسن، تاریخ السیاسی الاسلام، ج ۱،صص ۲۷۶ و ۲۷۷ همچنین نک: -Encyclopedia of Islame ,V ۲۳۲. p. ۷. .

۲- ابن بطوطه، الرحله،ص ۶۳

۳- ابن جبیر، الجامع الأموی،ص ۱۳؛ ابن العمری، الجامع الأموی،ص ۵۲ و ۵۳

۴- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲،ص ۸؛ نعیمی، الدراس فی تاریخ المدارس، ج ۲،ص ۲۸۶

ساختمان مسجدصـرف شد، اسراف بوده درصدد برآمد معرق ها و زینت های دیگر را بردارد ولی هنگامی که هیأتی رومی از این مسـجد دیدن کردند و از عظمت و زیبایی آن در شـگفت شدند، عمر بن عبدالعزیز از تصـمیم خود منصرف شد. «(۱)» س در این زمان مسـیحیان که عمر بن عبدالعزیز را با رأفت و نرمی یافتند، از سخت گیری هایی که ولید در حق آنان کرده بود، به وی شـکایت بردند وخواسـتند کلیسای خود را، که در نیمی از مسجد اموی قرار داشت، بار دیگر بسازند. عمر بن عبدالعزیز نیز اگرچه به دادن چنین اجـازه ای تمایل داشت ولی مسـلمانان گفتنـد: مسـجدی را که ما در آن اذان گفته و نماز گزارده ایم می خواهی تخریب کنی؟! در این هنگام فقها و علما نیز مخالفت کردند و نزد مسـیحیان وساطت کرده، گفتند: هر کلیسایی که در داخل و اطراف دمشق هست و مسـلمانان آن را به زور تصـرف کرده انـد، در اختیار مسـیحیان قرار گیرد؛ لذا ایشان از کلیسای خود در مسجد اموی گذشتند و رضایت خود را به خلیفه اعلام داشتند. «(۲)»

گفتنی است گرچه ساخت مسـجد در دوران ولیـدبن عبدالملک هفت سال (۶۸ تا ۷۵ ق.) طول کشـید، ولی همچنان نیمه تمام مانـد و بقیه قسـمت ها را سـلیمان ب عبـدالملک به پایان رسانید. در طول قرون مختلف، تعمیرات و توسـعه هایی در آن انجام شد، البته بر اثر چندین آتش سوزی، بسیاری از قسمت های آن در آتش سوخت که به شرح آن خواهیم پرداخت.

اکنون جـامع اموی پس از مختصـر تعمیراتی که در اواخر حکمرانی ممالیـک؛ یعنی تـا قرن هشـتم در آنصورت گرفته به همان حال باقی مانده است.صـحن حیاط و دیوارهای آن از سـنگ های دوران ممالیك و از سـنگ های بسیار بزرگ است. نیمی از دیواره هـای شـمالی، شـرقی و غربی از کلیسا و معبـد باقی مانـده از دوران قبل از اسـلام است و نیمه فوقانی دیواره ها در دوره ولید و دوره های بعد افزوده شده است. ولید بر دیواره ها سـقف بنا کرد و آن را بر ستون های سنگی به سبك گوتیك یا نعل اسبی استوار ساخت. در دوره

---

۱- حسن ابراهیم حسن، همان کتاب، ج ۱،ص ۵۲۵ به بعد.

۲- نعیمی، الجامع الأموی،ص ۹۹ و ۱۰۰؛ ابن عمری، همان کتاب،ص ۶۰ و ۶۱؛ در فضائل مسجد اموی گفته اند: منظور از« وَ التِّینِ» در قرآن کریم مسـجد دمشق است. چون تعـدادی در این مسـجد درختی از تین یا انجیر دیده بودند که قبل از بنای ولید وجود داشته است.

ممالیک سقف دیواره های غربی با نقاشی هایی به رنگ طلایی که در عربی آن را «فسیفساء» می گویند، تزیین گردید. متأسفانه فسیفساء بیشتر سقفها به مرور تخریب شده و اکنون جز بخشی از آن باقی نیست.

تصاویر شماره ۶ و ۷

۱- آثار داخل مسجد اموی

## ۱- قبّه ها و گنبد

### اشاره

درصحن سه قبه و گنبد کوچک ساخته شده است.

### ۱/ ۱. قبّه المال

این قبه در ۱۷۲ هجری توسط امیر دمشق «فضل بنصالح بن علی العباس» پسر عموی منصور عباسی ساخته شد و چون اموال و ذخایر مسجد را در آن نگهداری می کردند، به «قبه المال» معروف گردید. «(۱)» این قبه در غربصحن مسجد قرار دارد که بزرگتر از دو قبه دیگر است. هشت ستون مستطیل از مرمر بر زیر گنبد مذکور قرار دارد.

این قبه و یا مخزن دارای نقاشی های زیبا و مزیّن به فسیفساء است.

تصویر شماره ۸

### ۲/ ۱. قبّه الغواره

این قبه در وسطصحن قرار دارد و در ۳۶۹ هجری ساخته شده است. در زلزله سال ۱۱۷۳ هجری تخریب گردید و عثمان پاشا به سال ۱۱۸۲ هجری آن را بازسازی کرد. این گنبد کوچک، بر شش ستون از سنگ مرمر قرار داد.

گنبد یاد شده به «صخره قربان» نیز معروف بوده است. گویند حضرت هابیل قربانی خویش را، که گوسفندی بود، بر اینصخره قرار داد. چون مورد قبول حق قرار گرفت، به وسیله آتش سوخت و قربانی قابیل که گندم بود پذیرفته نشد و به همان حال باقی ماند، لذا به برادرش حسادت ورزید و او را در کوه قاسیون به قتل رسانید. از آن روز این مکان به

---

۱- . نعیمی، همان کتاب،ص ۱۱۳

صخره قربان معروف شد. «(۱)»

### ۳/ ۱. قبّه الساعات

این قبه در شرقصحن اموی و کنار «باب الساعات» قرار دارد که در قرن پنجم هجری ساخته شده و محل استقرار ساعت آبی مسجد بوده است. «(۲)»

این ساعت که دوازده استوانه پلاستیکی مدوّر داشت و بر محوری به سقف قبه الساعات تعبیه شده بود، به وسیله آب کار می کرد و پر شدن هر یک از این استوانه ها، نشانه یک ساعت بوده است. سازنده ساعت مذکور، محمد بن عبدالکریم، حارثی دمشقی بود که در بسیاری از علوم از جمله هندسه، ریاضی، نجوم و طب استاد بوده است. وی در سال ۵۵۹ هجری وفات یافت. «(۳)»

صفدی سازنده آن را رضوان خراسانِی ساعاتی دانسته، که از خراسان به شام آمده است. «(۴)» گفتنی است که ساعت پیش گفته در زمان ملک عادل نورالدین محمود زنگی نصب شد و ازآن هنگام، کسانی متولّی حفظ و اداره آن بوده اند. اکنون ساعت که در وسطصحن جامع اموی قرار دارد، از کار افتاده ولی ادوات آن همچنان بر جای مانده است.

تصویر شماره ۹

### ۴/ ۱. قبّه النسر یا عقاب

قبّه النسر یا گنبد عقاب بر فراز شبستان، از سنگ مرمر ساخته شده است؛ در زیر این گنبد، سه گنبد کوچک وجود دارد؛ گنبدی که به محراب و گنبدی دیگر به دیواری که در سمتصحن قرار دارد متصل است و سوّمین گنبد نیز زیر گنبد مرمر و بین آن دو است.

مجموع این گنبدها به همراه دو سقف پیرامونی بر فراز شبستان، شکل یک عقاب را تشکیل می دهند که گنبد بزرگ سر این پرنده و دو سقف شیب دار اطراف آن در شرق و

---

۱- مسعودی، مروج الذهب، حاشیه، ج ۲،ص ۱۱۲؛ نصرالدین البحره، دمشق الأسرار،ص ۱۲ به نقل از عبدالوهاب المقدسی.

۲- مطیع الحافظ، الجامع الأموی،ص ۱۸

۳- نعیمی، همان کتاب،ص ۱۱۴ و ۱۱۵

۴- پیشین همان جا؛ ابن عمری، همان کتاب،ص ۷۰

غرب، دوبال او هستند، گویی این پرنده میان آسمان در حال پرواز است. وجه تسمیه آن به نسر یا عقاب نیز به همین علت است.

تصویر شماره ۱۰

## ۲- درهای مسجد اموی

در دوران معاویه، پیش از آن که جامع اموی به شکلی که در دوران ولید ساخته شده تبدیل شود، چهار دروازه به نام های: ۱. المسکیه ۲. باب العماره ۳. باب النوفره ۴. باب الخلفا ساخته بودند. وجه نامگذاری آن ها بدین گونه است:

۱. «باب المسکیه» گفتند چون بوی مشکی که از سر حضرت اباعبداللّٰه علیه السلام- که بر این دروازه گذاشته بودند- به مشام می رسید.

۲. «باب العماره» محل ورود حضرت زینب و اسرای کربلا بوده است. گویند آن حضرت، از این دروازه تا مصلّا و محرابِ مسجد، شش مرتبه از فرط خستگی و شدت مصیبت بر زمین نشستند.

۳. «باب النوفره»، به محله قدیمی شام منتهی می شد و گویند سر شهدای کربلا از این دروازه وارد مسجد شده است.

۴. باب الخلفا خوانده شد، زیراکه راه ورود خلفای اموی به داخل مسجد بود.

درهای کنونی مسجد عبارتند از:

۱ / ۲. باب الزیاده؛ در سمت دیوار قبله و جنوب مسجد، که در دوره عثمانی به «باب العنبرانیین» و بعدها نیز به «باب القوافین» مشهور شد. کاخ معاویه معروف به «قصرالخضراء» در کنار آن قرار داشته است. «(۱)» این در، از سمت قبله به داخل شبستان باز می شود. در بیرون آن نیز بازار طلا فروشان است.

۲ / ۲. باب الناطفین؛ در شمال مسجد قرار دارد که به «باب الفرادیس» و «باب العماره» نیز معروف است. «(۲)» در کنار دیوار خارجی این در، «مدرسه سمیساطیه» و «خانه

---

۱- ابن جبیر، الجامع الأموی،ص ۲۲

۲- پیشین، همان جا؛ ابن بطوطه، همان کتاب،ص ۶۶

عمر بن عبدالعزیز» قرار داشته که اکنون به «معهدالدراسات الشرعیه» تبدیل شده است.

۲ /۳. باب الساعات؛ باب الساعات که در شرق مسجد قرار دارد. از آن رو، آن را «باب الساعات» گفته اند که در مقابل آن قبه الساعات را ساخته بودند.

۲ /۴. باب الحمیـدیه؛ این درب در مقابل بازار حمیـدیه قرار دارد که در غرب مسـجد واقع شـده و در کنار این درب، غزالیه و محل تدریس امام محمّد غزالی قرار داشته است.

### ۳- مأذنه های جامع اموی

این مسـجد دارای سه مأذنه بزرگ است که از سـنگ و بهصورت مربع ساخته شـده و در سـمت شـمال، جنوب غربی و جنوب شرقی قرار گرفته است.

۳ /۱. مأذنه شرقی؛ این مئذنه به «مناره البیضاء» و «مناره عیسی» معروف است.

گوینـد حضـرت عیسـی علیه السـلام در آخرالزمان بر این مأذنه فرود خواهـد آمد. در گذشـته سـنگی در کنار آن بوده که می پنداشـتند قطعه ای از همان سـنگ است که موسـی با عصای خود بر آن زد و دوازده چشـمه از آن جاری شد. «(۱)» نعیمی در قرن نهم کتیبه ای یونانی به تاریـخ ۲۲۴ قبل از میلاد بر روی مئـذنه شـرقی مشاهده کرده است. «(۲)» بنابراین، روشن است این مناره متعلق به کلیسا و بنای قبلی آن بوده است.

۲. مـأذنه شـمالی؛ این مئـذنه به «العروس» مشـهور است. آن را بـدین جهت عروس گفته انـد که در زمـان های قـدیم، مردم به هنگـام اجرای مراسم عروسـی و جشن ها، با نصب چراغ و آویزان کردن دسـتمال ها و پارچه های رنگارنگ، آن را تزیین می کرده اند و معتقد بودند این عمل باعث برکت خواهد شد.

۳. مأذنه غربی؛ به مئذنه «آق بای» معروف است. «(۳)» زالیه یا محل تدریس امام محمد

---

۱- مسعودی، همان کتاب، ج ۲،ص ۱۱۸

۲- نعیمی، همان کتاب،ص ۲۸

۳- قتیبه شهابی، مأذن دمشق،صص ۵۷، ۶۵

غزالی در کنـار این مـأذنه بـوده است. این محـل که شبسـتانی کوچـک است. امروزه در مجـاورت درِ غربی؛ یعنی راه ورود به مسجد در انتهای بازار حمیدیه قرار دارد.

تصویر شماره ۱۱

## ۴- آثار و مقام انبیا در جامع اموی

### ۴ /۱. قبر و مقام هود علیه السلام

در روضه الأنـام آمـده است که مقبره «حضـرت هـود» در دیـوار جنـوبی (دیـوار قبله شبسـتان) مسـجد امـوی است. بسـیاری از مورخان دمشق گفته اند که قبر هود در اینجا است و بعضـی گفته اند در اینجا سـنگ قبری بوده که بر آن نوشته شده بود: «من هود بن جلود بن عاد ... هسـتم که به رسالت نزد قوم خود آمـدم و مدّت عمرم را نزد آنان بودم، مرا تکذیب کردند و خداوند ایشان را به بادی شدید عذاب کرد. «(۱)»

این مکان در سـمت چپ «مقام رأس یحیی» یعنی در مقابل سـتون چهارم، در دیوار قبله از سـمت شـرق شبستان قرار دارد و بر سنگ دیوار قبله به خطی زیبا در زمینه دایره ای سبز نوشـته شده است: «هذا مَقام هُود النّبی علیه السـلام» در این مکان کتیبه ای در دوران ولید یافت شد که وقتی ترجمه کردند، پند و اندرزهایی از حضرت هود بوده است. «(۲)»

بعضـی گویند: این جا معاویه اول مدفون شده است که ممکن است بنی امیه چون از خوارج وحشت داشـته اند او را در دیواره قبله مسجد مدفون کرده باشند. «(۳)»

### ۴ /۲. مقام حضرت خضر علیه السلام

گوینـد حضـرت خضـرِنبی علیه السـلام در مسـجد اموی همواره عبـادت می کرده است. «(۴)» مکان آن در سـمت شـرقی قبله (جنوب شرقی) نزدیک مأذنه شرقی بوده است. اکنون نزدیک به

---

۱- فهری زنجانی، مراقد اهل بیت در شام،ص ۲۴

۲- ابن عمری، همان کتاب،ص ۴۷

۳- گفتنی است قبری نیز درپشت جامع اموی، درکوچه معاویه منسوب به معاویه است که ذکر خواهد شد. همچنین ابن بطوطه قبری در یمن که به حضرت هود منسوب بوده را دیده است الرحله،ص ۶۵

۴- ابن حورانی، زیارات الشام،صص ۱۴ و ۱۵

محراب اصلی مسجد و به موازات مقام هود بر دیوار قبله عنوان «هذا مقام خضر النبی» بر دایره ای سبزرنگ دیده می شود. گفتنی است مقام حضرت خضر در بسیاری ازنقاطسوریه دیده می شود. آن حضرت بر اساس روایات، تا ظهور حضرت مهدی (عج) زنده هستند.

### ۳/ ۴. مکان نزول عیسی علیه السلام

مسلم از اوس بن اوس و او از پیامبر خداصلی الله علیه و آله نقل کرده است که حضرت عیسی بن مریم، کنار مناره شرقی دمشق؛ یعنی جامع اموی نزول خواهد کرد و کنار آن مناره، قطعه سنگی که حضرت موسی در «کوه طور» با عصای خود بر آن زد و دوازده چشمه جاری شد، وجود دارد. «(۱)»

### ۴/ ۴. مقام و محل دفن سر یحیی علیه السلام

حضرت یحیی علیه السلام، به قدرت الهی، از پدر و مادر پیری است که امید به فرزند نداشتند. خداوند یحیی را در کودکی علم و حکمت عنایت کرد؛ وَآتَیْنَاهُ الْحُکْمَصَبِیّاً .... وی از دوران جوانی با عفت و با تقوی بود. همواره در «مسجد الاقصی» به عبادت و ریاضت مشغول بود و از اختلاط با اهل دنیا پرهیز می کرد. او به هنگام بعثت عیسی علیه السلام نبوت ایشان را شهادت داد و در همین دوران بود که به دستور پادشاه بنی اسرائیل به قتل رسید.

قتل وی بدین سبب بود که در میان قوم بنی اسرائیل پادشاهی به نام «سردوس» از همسرش، دختری به غایت زیبا داشت. این زن که بسیار مفسد و پلید بود، همواره می کوشید تا مانع ازدواج شوهرش با زنی دیگر شود، لذا از او می خواست که دختر خود را به نکاح خویش درآورد! پادشاه خدمت حضرت یحیی علیه السلام رفت تا نظر شرع را در مورد ازدواج با دختر خود سؤال کند. یحیی علیه السلام آن را جایز ندانست، همسر پادشاه که بدین علت کینه یحیی علیه السلام را به دل گرفته بود، شوهرش را به قتل حضرت یحیی علیه السلام تحریک کرد. پادشاه نیز دستور داد تا سر یحیی را از بدن جدا سازند.

بر اساس روایتی، پس از شهادت او، خداوند فردی بی رحم را بر بنی اسرائیل مسلط

---

۱- پیشین، همان جا.

ساخت و او در بیت المقدس هفتاد هزار نفر از بنی اسرائیل را کشت. «(۱)»

از «زید بن واقد» که سرپرست ساختمان و بنای جامع اموی در دوره ولید بود، نقل شده است که: من به هنگام کار در جامع اموی شکافی در دیوار یافتم و به ولید بن عبدالملک گزارش دادم. وی آمد و آن را بررسی کرد. در داخل آن شکاف،صندوقی بود، وقتی آن را گشودیم، در داخل سبدی سری بریده یافتیم. بر روی آن سبد نوشته شده بود: «هذا رَأسُ یَحْییَ بْنِ زَکَریا». ولید فرمان داد آن را بر جای خود گذاشته، ستون هایی بر آن قرار دادیم. «(۲)» از «ولید بن مسلم» نقل شده که آن سر را از زیر گوشه ای از زوایای دیوار قبله به دست آوردیم که پوست و مو داشت و هنوز تغییر نیافته بود.

گویند سر یحیی علیه السلام در ابتدا از دمشق به «بعلبک» منتقل شد و پس از آن به حمص و آنگاه در قلعه حلب قرار داده شد. هنگام تسلّط مغول بر حلب و قلعه آن، این سر به مکان جامع دمشق منتقل گردید. «(۳)»

اکنون مدفن رأس یحیی علیه السلام در داخل شبستانِ جامع اموی و نیمه شرقی آن- که پیش تر کلیسا بوده و بعد به مسجد اضافه شده- قرار گرفته است. مقام بهصورت مربع با ۲۲ ستون سنگی سفید ساخته شده که حدّ فاصل میان آن ها پنجره هایی ضریح مانند قرار گرفته است. بر بالای این مقام، گنبدی کوچک میان دو ستون، که با رنگ سبز تزیین شده، استقرار یافته است. داخل مقام، سنگ قبر بزرگی است که با پارچه ای سبز رنگ پوشانیده شده و فاصله مقام تا دیوار قبله، حدود ده متر است.

تصویر شماره ۱۲

## ۵- شبستان جامع اموی

### اشاره

شبستان مسجد، بیست ستون در سمت شرق و بیست ستون در سمت غرب دارد و

---

۱- زین العابدین شیروانی، ریاض السیاحه، ج ۲،صص ۴۷۸ و ۴۷۹

۲- ابن حورانی، زیارات الشام،صص ۱۶ و ۱۷؛ نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲،ص ۲۸۶؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲،ص ۱۰؛ ابن عمری، همان کتاب،صص ۵۸ و ۹۷

۳- نعیمی، الجامع الأموی،صص ۹۷ و ۹۸

چهار ستون اصلی و بزرگ به ابعاد ۳* ۲ متر در وسط آن قرار یافته که پایه های گنبد بزرگ مسجد؛ یعنی «قبّه النسر» را تشکیل می دهد. ارتفاع داخلی این گنبد بیش از سی متر است و همه از سنگ و با گچ سفید تزیین و بازسازی شده است. بر روی چهل ستون مذکور، چهل ستون کوچک دیگر قرار دارد. این ستون ها به صورت هلالی شکل هستند که سقف مسجد را- که شاید بتوان گفت بلندترین سقف موجود در میان مساجد جهان است- نگه داشته اند.

شبستان جامع، همانندصحن و سایر قسمت های دیگر، از معماری بسیار عالی برخوردار است. شبستان سه در دارد. در جنوبی آن یکی از ابواب اصلی مسجد است به خارج از مسجد؛ یعنی سوق الصاغه و بازار طلافروشان کنونی باز می شود.

تصویر شماره ۱۳

### ۱/ ۵. محراب های چهار گانه

شبستان مسجد اموی، چهار محراب دارد که مخصوص گروه های چهارگانه اهل سنت است. یکی از آن ها در وسط و دو محراب دیگر در سمت راست آن و محرابی نیز در سمت چپ آن قرار دارد. محراب وسط، که اصلی و بزرگتر از بقیه است، مخصوص مالکی ها است. محراب های سمت راست از حنفی ها و حنبلی ها و محراب سمت چپ نیز از آنِ شافعی ها است. در عصر ممالیک، در هر چهار محراب نماز می گزاردند. «(۱)»

محراب مالکی ها کنار منبر واقع شده و به محراب الصحابه نیز معروف است. این نخستین محراب مسلمانان درصدر اسلام بوده که در بنای آغازین مسجد ساخته شده و مالکی ها تا قرن هشتم در آن نماز می گزاردند. گفتنی است هریک از این محراب ها مؤذن، مدرس، امام و جماعتی از فقها داشته اند که در کنار آن به تدریس و خطابه می نشسته اند. «(۲)»

تصویر شماره۱۴

---

۱- اکرم العلبی، دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی،ص ۱۶۶

۲- ابن عمری، همان کتاب،ص ۶۷؛ ابن بطوطه، همان کتاب،ص ۶۴

### ۲/ ۵. مصحف عثمانی

در گوشه شرقی محراب اصلی مسجد، مخزنی است کهصندوق بزرگی داخل آن قرار دارد و در اینصندوق یکی از قرآن های عثمان- خلیفه سوم- نگه داری می شود.

این قرآن در دوران وی به شام فرستاده شده بود. در روزهای جمعه این مخزن باز و مردم آن قرآن را تبرّک می کنند. «(۱)» البته به نظر نمی رسد این قرآن همان قرآن دوران خلیفه سوم باشد؛ زیرا چنانکه در شرح آتش سوزی های جامع اموی خواهیم گفت، آن قرآن در آتش سوخته است.

### ۳/ ۵. منبر مسجد

در کنار محراب اصلی، منبری بسیار زیبا و بی مانند و یکپارچه از سنگ مرمر ساخته شده است. این منبر که درصدر اسلام از چوب بوده، در سمت راست محراب کنونی مسجد قرار دارد و بربالای آن قبّه کوچکی موجود است. منبر مذکور، از آثار معماری دوره عثمانی هاست.

### ۴/ ۵. جایگاه اسیران کربلا

در مقابل محراب و منبر اصلی مسجد اموی در شبستان،- بین دو ستون اصلی مسجد- جایگاهی از سنگ با نرده های چوبین ساخته شده است. این مکان بهصورت مربع مستطیل با ابعاد ۱۲* ۶ متر و ارتفاع چهل سانتی متر است. گویند این جا مکان نشستن اسرای اهل بیت و نماز گزاردن امام سجاد علیه السلام بوده است.

### ۵/ ۵. محل غسل تعمید مسیحیان

همانگونه که در شرح تاریخ جامع اموی گفته شد، نیمی از آن (نیمه شرقی) کلیسا بود و سپس توسط ولید به نیمه دیگر آن الحاق و کلیسای مذکور تخریب شد. دراین نیمه و کنار درِ ورودی شرقی شبستان به فاصله بیست متری، بقایای استوانه و چاهی است که

---

۱- مطیع الحافظ، الجامع الاموی،ص ۲۲؛ العلبی، همان کتاب،ص ۱۶۶؛ نعیمی، الدراس فی تاریخ المدارس، ج ۲،ص ۳۰۷؛ ابن بطوطه، همان کتاب،ص ۶۴

مسیحیان فرزندان خود را در آن غسل تعمید می داده اند. این مکان نزد آنان از ارزش خاصی برخوردار بوده است. اکنون این چاه و استوانه های آن، که از مرمر ساخته شده، موجود ولی چاه آن پوشیده شده است. گویند سر مبارک حضرت یحیی را در این چاه شستشو و غسل داده اند.

### ۶- مقام رأس الحسین علیه السلام

هنگامی که کاروان اسرا و سرهای بریده شهدا را به سمت دمشق می بردند، سر مبارک امام حسین علیه السلام در پایان همه سرها و مقابل زنان و اهل بیت حرکت داده می شد.

پس از ورود کاروان، یزید (لعنه اللّه علیه)، سر مبارک را طلبید، آن را در حالی که در تشتی از طلا بود، در مقابل او گذاشتند، زنان در پشت آن نشسته، سکینه و فاطمه به آن می نگریستند و می گریستند. سپس مردم به داخل مسجد آمدند، یزید با چوب بر دندان های مبارک می زد «(۱)» و می گفت: امروز در مقابل روز بدرا! «(۲)»

ابو برزه اسلمی به یزید می گفت: این چوب را از لب ها بردار که پیامبرصلی الله علیه و آله را دیدم بر این لب ها بوسه می زد. «(۳)» آنگاه به فرمان یزید سر مبارک را از مجلس بیرون برده و به همراه سایر سرهای شهدا، سه روز بر باب القصر آویزان کردند. «(۴)» پس از آن مدت، سر مبارک امام حسین علیه السلام را پایین آورده و در گوشه شمال شرقی مسجد در اتاقکی قرار دادند. این سر چند روز در این مکان قرار داشت. بعدها در آن جا به یاد بود این حادثه غم انگیز بقعه ای ساختند که به «رأس الحسین علیه السلام» مشهور شد. «(۵)»

---

۱- طبری، تاریخ الطبری، ج ۶،ص ۲۶۷؛ ابن اثیر، الکامل فی تاریخ، ج ۴،ص ۳۵؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۸،ص ۱۹۲

۲- در روز بدر بسیاری از بزرگان بنی امیه به دست علی علیه السلام و سپاه اسلام کشته شدند و این کینه ای بود که آل ابی سفیان و بنی امیه همواره از بنی هاشم به دل داشتند. سخن وی که بیانگر کینه های جاهلی است بدین معنی است که انتقام روز بدر را امروز گرفته ایم.

۳- طبری، همان کتاب، ج ۶،ص ۲۶۷؛ ابنصباغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفه الائمه،ص ۱۸۳؛ باقرشریف القرشی، حیاه الامام حسین، ج ۳،ص ۳۷۴

۴- خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲،ص ۷۵؛ ابن کثیر، همان کتاب، ج ۸،ص ۲۰۴

۵- نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، ترجمه مهدوی دامغانی، ج ۷،صص ۲۰۵- ۲۰۳؛ ابن بطوطه، الرحلهص ۶۵

این مکـان در کنـار محراب و مسـجد «امـام زین العابـدین علیه السـلام» در داخل اتاقی به ابعاد ۴* ۳ متر قرار دارد و در جـدار داخلی گنبد آن، اسامی ائمه نقش بسـته است. در داخل شبسـتان مقام امام سـجاد علیه السـلام قابی از نقره و بسـیار کوچک به انـدازه سر یک انسان در داخل دیوار به یاد محل قرار دادن سر مبارک حضـرت جاسازی شده است. در سـمت چپ این قاب نقره ای، شبسـتان و یـا اتاقی که از آن یاد کردیم به وسـیله دری آهنین جـدا می شود. در سـمت چپ آن ضـریحی کوچک از نقره و بهصورت مستطیل با ابعاد ۱/۵ ۱* ۱ متر دیده می شود. داخل این ضریح، پایه ای مستقر شده و بالای آن سنگی با پوشش قرمز رنگ که قرار داده شده است.

در باره محل دفن سر نواده پیامبر خداصلی الله علیه و آله اختلاف است. مورّخان شیعه معتقدند که سر مبارک آن حضرت به وسیله حضرت سجاد علیه السلام به کربلا باز گردانیده و کنار جسد مطهّر آن حضرت به خاک سپرده شده است. «(۱)» بعضی از آنان نیز معتقدند که در کنار بدن مقبره حضـرت علی علیه السـلام در نجف اشـرف مدفون شده و لذا در بالای سر امام علی علیه السلام زیارت امام حسین علیه السلام نیز سفارش شده است. «(۲)»

در این میان، کسانی چون ابن جوزی، ابن ایاس، قلقشـندی، مقریزی و سایر مورخان اهل سـنت گفته انـد سـر مبارک در خزانه یزید بود، سپس او را کفن کرده و در باب الفرادیس (نزدیک حرم حضرت رقیه) به خاک سپردند. بعدها خلفای فاطمی آن را از باب الفرادیس به عسقلان مصر و سپس به قاهره منتقل کردند و در قصر زمرد به خاک سپردند که اکنون مقام رأس الحسین علیه السلام در آنجا معروف است. «(۳)»

---

۱- ابن شـهر آشـوب، المنـاقب الائمه، ج ۲،ص ۲۰۰؛ سـبط بن جـوزی، تـذکره خواص الامه فی معرفه الائمه،ص ۱۵۰؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین،ص ۱۶۵؛ ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف،ص ۱۱۲

۲- مجلسی، بحارالأنوار، ج ۴۵،ص ۱۷۸ و ج ۱۰۰،صص ۲۹۳- ۲۵۷؛ عباس قمی، سفینهالبحار، ج ۱،ص ۴۹۲

۳- محمد زکی ابراهیم، مراقد اهل بیت بالقاهره،صـص ۴۵- ۲۷؛ رأس الحسـین در قاهره یکی از اماکن زیارتی و مقدس مردم است که در داخل مسجدی قرار دارد و ضریحی پیرامون آن را احاطه کرده است. از اول تا ۱۵ شعبان هر سال در رأس الحسین قاهره مردم که از اهل سنت و شافعی هستند، تولد امام حسین علیه السلام را جشن می گیرند.

تصویر شماره ۱۵

روایت دیگری حاکی است که سر مبارک تا دوران سلیمان بن عبدالملك در خزانه بنی امیه بود و او دستور داد سر را آوردند، در حالی که تنها استخوان سفیدی از آن باقی بود و داخل کیسه ای قرار داشت. پس از معطر ساختن، آن را کفن کرده و در قبرستان مسلمانان (احتمالًا باب الصغیر) به خاک سپردند. پس از آن که عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید، از محل دفن سر جویا شد و آن محل را شکافت و سر را برداشت و کسی نمی داند چه کرد؟ بعضی معتقدند به کربلا فرستاد تا در کنار بدن مطهر به خاک سپرده شود. «(۱)» در هر حال، این مکان یکی از شریف ترین اماکن است.

### ۷- محراب و مقام حضرت زین العابدین علیه السلام

هنگامی که امام سجاد علیه السلام در مسجد اموی، در حال اسارت بودند، در شمال شرقی جامع و کنار در شرقی آن، در مکانی به تهجّد و عبادت می پرداختند.

ابن عساکر گوید آن حضرت هر شب و روز در این مکان هزار رکعت نماز می گزاردند. «(۲)» نمازگاه امام سجاد علیه السلام که پس از شبستان بزرگی قرار داشته و دارای محرابی زیبا از سنگ به وسیله محفظه ای شیشه ای حفاظت می شود. این محراب در مجاورت رأس الحسین علیه السلام قرار دارد.

### ۸- مَشاهد خلفای راشدین

در زوایای چهارگانه مسجد، چهارمشهد به نام سه خلیفه وامام علی علیه السلام موجود است:

۸/ ۱. مشهد ابی بکر؛ در شرق دیوار قبله، که در آن تعدادی کتب و خزائن وقف بوده است.

۸/ ۲. مشهد علی علیه السلام؛ در شمال شرقی مسجد، همان جا که اکنون مقام رأس

---

۱- نویری همان کتاب، ج ۷،صص ۲۱۳- ۲۰۸

۲- ابن حورانی، زیارات الشام،صص ۲۱- ۲۰

الحسین علیه السلام قرار دارد. درداخل مشهد علی علیه السلام مکانی به نام «السجن» بوده است. گویند امام سجاد علیه السلام هنگامی که بر ضدّ یزید سخنانی ارائه کردند، در آن جا محبوس شدند.

۸/ ۳. مشهد عمر؛ در غرب دیوار قبله مسجد بوده و اکنون به مشهد عروه معروف است. در این مکان جماعتی از علما به درس نشسته و کتب و خزائنی در آن داشته اند.

۸/ ۴. مشهد عثمان؛ در سمت شمال مسجد بوده و نایبِ سلطان، بر سمت پنجره آن و حاکم شافعی به سمت راست آن نماز می گزاردند. به این مکان کلاسه نیز گفته می شد که به مدرسه کلاسه در پشت جامع اموی راه داشت.

در این مشاهد، علمای مذاهب اسلامی به تدریس پرداخته و یا برای حل مشکلات به والیان مشاوره می رسانده اند.

### آتش سوزی های جامع اموی و بازسازی های آن

جامع اموی در دوران های مختلف دچار آتش سوزی شده و قسمت های عمده ای از آن از میان رفته، ولی دوباره بازسازی شده است.

۱. نخستین آتش سوزی

در نیمه شعبان ۴۶۱ هجری رخ داد. علت آن درگیری میان سپاهیان امیر سپاه مصر؛ یعنی بدرالجمالی در دمشق بوده است. دسته ای از آنان خانه ای در مجاورت جامع اموی را به آتش کشیدند و لذا آتش به مسجد سرایت کرد. مردم بلافاصله به خاموش کردن آن اقدام کردند ولی آتش ازصحن گذشت و به شبستان و محراب و بالای قبه رسید. «(۱)»

۲. دوّمین آتش سوزی

در ۷۴۰ هجری به واسطه آتش سوزی که در بازار «طرائفیین» در مجاورت جامع رخ داد، آتش به دیوار قسمت معروف به مشهد ابی بکر سرایت کرد و به مناره شرقی

---

۱- ابن عمری، همان کتاب،ص ۷۱؛ اکرم العلبی، همان کتاب،ص ۲۸۸؛ ابن کثیر، همان کتاب، ج ۱۲،ص ۹۷ و ۹۸؛ نعیمی، الجامع الأموی،ص ۱۱۹

رسید. «(۱)» البته نسبت به نخستین آتش سوزی، خسارات و خرابی کمتری داشت و بلافاصله مناره آن نیز مرمّت شد.

۳. سومین آتش سوزی

در شعبان ۸۰۳ هجری رخ داد ولی خسارت فراوانی ببار نیاورد «(۲)» که علت آن روشن نیست.

۴. چهارمین آتش سوزی

در سال ۸۸۴ هجری، باز جامع اموی دچار حریق گردید، «(۳)» که علت آن نیز روشن نشد.

۵. پنجمین آتش سوزی

در روز شنبه چهارم ربیع الثانی ۱۳۱۱ هجری حریق بزرگی در مسجد رخ داد و علت آن نیز تعمیر سقفصحن غربی بود که به وسیله جرقه ای سقف آتش گرفت؛ و شبستان غربی به کلی سوخت ولی در ۱۳۱۶ هجری دوباره تعمیر شد؛ رأس یحیی علیه السلام و رأس الحسین علیه السلام نیز که دچار حریق شده بود تعمیر گشت. گویند در این آتش سوزی مصحف عثمان که به خط کوفی بوده و از مسجد عقیق در بُصری آورده شده بود، سوخت.

در ۱۳۱۷ هجری نیز قسمت شرقی مسجد و در سال ۱۳۲۰ هجری قسمت غربی آن تعمیر گردید. از بنای قدیم این قسمت ها جز دو دیوار و بعضی از کتیبه های سلاجقه، و ایوبیان و ممالیك چیزی باقی نماند. به جای منبر و محراب آن که سوخته بود محراب جدیدی ساختند. تمامی این تعمیرات به دستور سلطان عبدالمجید عثمانی انجام گردید. «(۴)»

تصویر شماره ۱۶

---

۱- ابن عمری، همان کتاب،ص ۱۳۵ و همچنین الدراس فی تاریخ المدارس، ج ۲،ص ۳۰۲
۲- اکرم العلبی، همان کتاب،ص ۲۸۸
۳- پیشین، همان جا.
۴- مطیع الحافظ، حریق الجامع الأموی،صص ۱۳ و ۵۹؛ اکرم العلبی، همان کتاب،ص ۲۸۸

## سیر تاریخی توسعه و بازسازی جامع اموی

از هنگام بنای جامع اموی، در قرون مختلف، تعمیرات و اصلاحاتی در آن انجام گرفته و گاهی نیز توسعه یافته است. از جمله:

۱. سال ۱۶۰ ه. ق.- ساخت گنبد شرقی درصحن (صخره قربان).

۲. سال ۱۷۲ ه. ق.- ساخت گنبد غربی به نام قبّه المال.

۳. سال ۳۹۶ه. ق.- ساخت گنبد نوفره مقابل باب جیرون (باب ساعات).

۴. سال ۴۷۵ ه. ق.- تعمیر گنبدها و طاق ها در ایام پادشاه سلجوقی تتش بن آلب ارسلان.

۵. سال ۵۰۳ ه. ق.- تعمیر رواق شمالی.

۶. سال ۵۵۵ ه. ق.- تجدید مناره عروس.

۷. سال ۵۶۵ ه. ق.- اصلاح و تجدید داخل.

۸. سال ۶۰۲ ه. ق.- سنگفرش مرمر کف مسجد.

۹. سال ۶۰۷ ه. ق.- تعمیر درهای جامع اموی.

۱۰. سال ۶۰۷ ه. ق.- فواره مسجد.

۱۱. سال ۶۱۳ ه. ق.- ترمیم قبه نسر (عقاب).

۱۲. سال ۶۱۴ ه. ق.- اتمام شبستان های داخلی.

۱۳. سال ۶۱۷ ه. ق.- ساخت محرابی برای حنبلی ها در رواق سوم (غربی) در داخل شبستان، که اکنون موجود است.

۱۴. سال ۶۶۸ ه. ق.- تعمیر و سنگ مرمر ستون ها و دیوارها.

۱۵. سال ۷۲۷ ه. ق.- تزیین دیوار شمالی جامع با سنگ مرمر.

۱۶. سال ۷۲۹ ه. ق.- تزیین دیوار قبله جامع با سنگ مرمر. «(۱)»

---

۱- نک: نعیمی، الجامع الاموی،صص ۱۲۸- ۱۲۲؛ اکرم العلبی، همان کتاب،صص ۲۸۹ و ۲۹۰

ص: ۷۹

نقشه

## ۵- سایر مساجد تاریخی و مشهور دمشق

### اشاره

پس از فتح دمشق، حکّام اسلامی و بزرگان شهر در طی قرون مختلف، اهتمامی ویژه به بنای مساجد داشتند و اکنون هزاران مسجد در این کشور بیانگر سیر تحولات فرهنگی و تمدّن اسلامی در آن است که در این جا پس از جامع اموی به چند مسجد مشهور و تاریخی اشاره می گردد:

### ۱. مسجد السّادات

از کهن ترین مساجدِ دمشق، پس از جامع اموی، «مسجد السادات» است.

مکان آن قبل از اسلام همانند جامع اموی کلیسا بوده و پس از فتح دمشق به مسجد تبدیل شد. این مسجد در قرن سیزدهم هجری بازسازی شده است.

«مسجد الصغیر» و «جامع الحمادی» از اسامی دیگر آن است، «(۱)» دارای مناره ای کوچک بوده و در نزدیکی «باب توما»- در محله مسیحی نشین دمشق- قرار دارد و دیر لاتین نیز کنار آن واقع است.

### ۲. جامع بابُ المُصَلّی

یکی از مساجد بسیار قدیمی دمشق، که هم زمان با مسجد السادات و پس از جامع اموی ساخته شده، جامع باب المصلی است. بنای کنونی آن از عصر سلجوقی و سال ۴۹۷

---

۱- قتیبه شهابی، اسواق دمشق،ص ۲۸۷

هجری است. این مسجد در «سوق المصلی» یعنی بین السویقه و میدان یرموک در مسیر باب الصغیر ساخته شده است. «(۱)»

### ۳. مسجد الاقصاب: القصب

این مسجد در سمت «باب الفرادیس» و خیابان اصلی مسیر حرم حضرت رقیه و حدود پانصد متر پایین تر از «سوق العماره» قرار دارد. در این مکان سرهای شهدای «مرج عذراء» یعنی حجر بن عدی و یارانش را به خاک سپرده اند. «(۲)» اسامی هفت تن از شهدا بر کتیبه ای در بالای اتاقکی، که در سمت راست راهروی مسجد است، دیده می شود. این مسجد امروزه به «جامع منجک» نیز معروف است. بنای آن را به امیر ناصر الدین بن منجک نسبت می دهند که وی مکان آن را تخریب و جامع بزرگی در سال ۷۲۱ به جای آن ساخت. «(۳)» گفتنی است بدن های این شهدا در مرج عذراء کنونی، در ۳۶ کیلومتری دمشق قرار دارد. «(۴)»

### ۴. مسجد ابیّ بن کعب انصاری

مسجد ابی بن کعب انصاری به سال پانصد هجری ساخته شده است و دارای دوگنبد سبز و یک مناره کوچک است. دیوارهایش کوتاه و با سنگ های سفید و سیاه که گویا در دوره عثمانی ترمیم گشته است. مکان آن در یکصد متری باب شرقی و کنار میدان باب شرقی است. «(۵)» امروزه در آن نمازهای پنجگانه اقامه می گردد.

---

۱- پیشین،ص ۴۳۴

۲- نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲،ص ۲۶۴؛ حجر بن عدی و یارانش از شیعیان خاص امام علی علیه السلام بودند که توسط زیاد بن امیه به شهادت رسیدند.

۳- پیشین، ج ۲،ص ۳۳۲

۴- بنگرید بهص ۱۶۰ از کتاب حاضر.

۵- یوسف بن عبدالهادی، ثمار المقاصد فی ذکر المساجد،ص ۱۹۱

### ۵. جامع قیمریه

این جامع که ابتدا مدرسه بوده، در ۶۶۵ هجری به وسیله امیر «سیف بن فوارس قیمری»، حاکم دمشق ساخته شده است. اکنون مدرسه ای برای طلاب و مسجدی برای عامه است. مکان آن در سوق القیمریه، حدود ده متر بالاتر از جامع فتحیه است. بازار قیمریه در سمت شرق جامع اموی و در کوچه «رابعه العدویه» قرار دارد که از در شرقی جامع اموی می توان به آن بازار راه یافت.

### ۶. جامع ابی دردا

مسجد ابی دردا در داخل قلعه دمشق (کنار بازار حمیدیه) است. «(۱)» مسجدی است بسیار کوچک که در گوشه شمال شرقی آن مقامصحابی پیامبر خداصلی الله علیه و آله قرار دارد. بر دیواره این مسجد کتیبه ای با تاریخ ۳۳۳ هجری و به خط کوفی است که اشعاری در مورد ابو دردا بر آن حک شده است. اکنون از پشت دیوار بیرونی قلعه، مقام ابو درداء را می توان زیارت کرد.

### ۷. جامع هشام

این مسجد به وسیله «قاضی بدرالدین بن هرمز» به سال ۸۳۱ ساخته شد. «(۲)» مناره آن از زیباترین مناره های دوران ممالیک بوده است که اکنون به علت وجود سقف بازار به سختی دیده می شود. مکان مسجد هشام در سوق مدحت پاشا (اول بازار) در پشت «خان الدکه و سوق الصدف» قرار دارد.

### ۸. جامع جرّاح

این مسجد به وسیله «ملک اشرف موسی ایوبی» به سال ۶۳۱ هجری ساخته شده

---

۱- احمد دهمان، فی رحاب دمشق،ص ۸۰؛ یوسف بن عبدالهادی، همان کتاب،ص ۱۹۰

۲- قتیبه شهابی، همان کتاب،ص ۲۶۰

است. «(۱)» جامع جراح دارای گنبد و مناره ای است و بر سر در ورودی، کتیبه ای به خط کوفی دیده می شود که از قرن هفتم هجری است. مکان آن در خیابان منتهی به «باب الصغیر» (شارع جراح) واقع و درِ قبرستان مجاور باب الصغیر نیز در کنار آن باز می شود.

### ۹. جامع درویشیه

این مسجد به وسیله «درویش احمد پاشا» والی عثمانی دمشق در قرن دهم هجری ساخته شد. «(۲)» جامع بزرگی است که دارایصحن مستطیل شکلی بوده و مقبره درویش پاشا نیز در آن قرار دارد. مکان جامع درویشیه در محله «درویشیه» و «شارع المستقیم» و حدود دویست متر بالاتر از مدخل بازار حمیدیه در نبش خیابان قرار دارد. در سمت راست محراب آن کتیبه ای به تاریخ ۴۸۸ هجری دیده می شود.

تصویر شماره ۱۷

### ۱۰. جامع سیباهیه

ساخته «امیر سیبای بن بختجا» آخرین نایب السلطنه عهد مملوکی سال ۹۱۹ هجری است. «(۳)» این مسجد در پایان جنوب شرقی بازار درویشیه در شارع مستقیم و پشت مدخل بازار مدحت پاشا بوده و جامع درویشیه نیز کمی بالاتر از آن است.

### ۱۱. جامع نقشبندیه

این مسجد در ۹۸۱ هجری به وسیله «مراد پاشا» والی عثمانی دمشق برای فرقه نقشبندیه ساخته شد. «(۴)» روبه روی این مسجد «مقبره شیخ حسن جباوی» (متوفای ۹۱۴ ق.) است که از اقطاب و بزرگان «فرقه سعدیه» بوده است. مکان جامع نقشبندیه در خیابان

---

۱- قتیبه شهابی، همان کتاب،ص ۲۶۰

۲- یوسف بن عبدالهادی، همان کتاب،ص ۲۱۶؛ قتیبه شهابی، همان کتاب،ص ۳۵۴

۳- قتیبه شهابی، همان کتاب،ص ۳۷۳

۴- قتیبه شهابی، همان کتاب،ص ۴۱۷

«میدان» و کمی بالاتر از درب غربی مقبره باب الصغیر و در مدخل سوق الساروجیه است.

### ۱۲. جامع احمدیه

ساخته «شمس احمد پاشا» والی عثمانی دمشق در ۱۲۶۰ هجری است «(۱)». این مسجد در سمت غربی «سوق الحمیدیه» پشت دیوار جنوبی قلعه دمشق قرار دارد که امروزه به جامع حمیدیه- مدرسه احمدیه و خانقاه احمدیه نیز معروف است.

### ۱۳. جامع سنانیه

جامع سنانیه از بناهای عثمانی است که توسط سنان پاشا، والی دمشق در ۹۹۹ هجری ساخته شد. «(۲)» جامع مذکور در سوق الجابیه و شارع سعد زغلول کمی بالاتر از مدخل سوق الحمیدیه قرار دارد و جامع درویشیه نیز پایین تر از آن است.

تصویر شماره ۱۸

---

۱- پیشین،ص ۷

۲- پیشین،ص ۳۸۱

## ۶- مدارس و دار القرآن های تاریخی دمشق

### اشاره

به علّت اهمیت و اعتباری که اسلام نسبت به علم و آموزش علوم، به ویژه علوم اسلامی و در مجموع تعلیم و تربیت قائل است، از هنگام نفوذ اسلام در شام و از جمله در دمشق برای تعلیم قرآن، حدیث و علوم شرعی، مدارسی ساخته شد. ساخت مدارس از سوی حکام، امرا و علما به ویژه در قرون چهارم تا هفتم هجری به اوج خود رسید. در این مدارس، دارالقرآن ها و دارالحدیث ها، جوانان و نوجوانان به کسب علوم شرعی و فراگیری قرآن و حدیث اشتغال یافتند. انبوه این مدارس در دمشق و سایر شهرهای شام، دلیلی بر اهمیت فراوان قرآن و حدیث و امر تَعلّم در این سرزمین است. طُلابی در آن مدارس به کسب علم پرداختند که پس از چندی، خود عالم بزرگی شده و نقش بسزایی در پیشرفت وتوسعه علوم اسلامی داشتند. قدیمی ترین مدرسه یا دارالقرآنی که در دمشق ساخته شد، «مدرسه الرشائیه» بود که در ۴۴۴ هجری توسط «رشاءبن نظیف بن ماشاءاللّه» احداث گردید «(۱)» و به زودی یکی پس از دیگری دارالقرآن ها و دارالحدیث ها در دمشق ساختند که در مجموع به بیش از پانصد عدد می رسید.

هر یک از فرقه های اهل سنت؛ برای خود مدرسه ای ساخته و به تعلیم و آموزش فقهِ مذهب خویش می پرداختند که نام این مدارس و تاریخچه آن در منابع اختصاصی آن آمده «(۲)» و ذکر هریک از آن ها از محدوده مبحث ما خارج است. در این جا تنها به چند

---

۱- محمد کرد علی، غوطه دمشق،ص ۱۲۴؛ نعیمی، دورالقرآن بدمشق، تحقیقصلاح الدین المنجد،ص ۱۵ به بعد.

۲- نک: نعیمی، الدّراس فی تاریخ المدارس و همچنین دور القرآن بدمشق؛ یوسف بن عبدالهادی، ثمارالمقاصد فی ذکر المساجد.

نمونه از مدارس مشهور و تاریخی دمشق اشاره می گردد که بنیانگذاران آن از سلاطین و علمای بزرگ «(۱)» بوده و خود بعدها در آن مدارس مدفون شده اند.

## الف) مدارس

### ۱. مدرسه نوریه کبری

از قدیمی ترین مدارس دمشق است که به دستور «نورالدّین محمود زنگی» (ملقب به شهید) یکی از امرای بزرگ شام و از فاتحین جنگ هایصلیبی در ۵۵۶ هجری ساخته شد. این مدرسه که از آن به عنوان دارالحدیث استفاده می شد، اوّلین دارالحدیث بر روی زمین بوده است. «(۲)» اکنون پس از گذشت بیش از هشت قرن، همچنان محل تدریس طلاب است. مدرسه مذکور در دو طبقه با حجره های فراوان و دو شبستان بزرگ- که در یکی از آن ها نماز جماعت برگزار می شود- ساخته شده است. مقبره بانی آن؛ یعنی نورالدّین شهید نیز در آن جا است که از طریق پنجره ای در بازار خیاطهای سابق آن را زیارت می کنند. مکان مدرسه نوریه در پشت جامع اموی، در سمت چپ، انتهای بازار حمیدیه و در شارع «(۳)» نورالدّین واقع است. این شارع به «سوق الخیاطین و سوق العصرونیه» نیز معروف است.

### ۲. مدرسه عادلیه کبری

یکی دیگر از مدارس مشهور و قدیمی دمشق توسط «ملک عادل سیف الدین ابی بکربن ایوب» برادر سلطانصلاح الدین ایوبی، فاتح جنگ هایصلیبی در ۶۱۲ هجری ساخته شده است. این مدرسه نقش بسیار مهمی در رشد وتوسعه علوم شرعی و اسلامی داشته است. در این مکان ابوشامه الروضتین خویش را تألیف کرده و مورخ و

---

۱- برای اطلاع از بیوگرافی بانیان این مدارس به بخش قبور سلاطین شام از کتاب حاضر مراجعه شود.

۲- ابن حورانی، زیارات الشام،ص ۲۶

۳- منظور از شارع در این مباحث کوچه است؛ زیرا بسیاری از کوچه های باریک و کوچک دمشق نام شارع یعنی خیابان بر آن نهاده شده است.

نسّاب معروف «ابن خلکان»، کتاب و فیات الاعیان را به رشته تحریر در آورده است. ابن خلدون جامعه شناس بزرگ اسلامی و ابن مالکصاحب الفیه نیز در این مدرسه به تدریس پرداخته اند. «(۱)»

ملک عادل، بانی مدرسه، که به سال ۶۱۵ هجری وفات یافت، در حجره واتاق سمت چپ مدرسه مدفون شد. در یکی از شبستان های مدرسه، کرسی و کتابخانه استاد شهیر معاصر دمشق مرحوم «محمد کرد علی»صاحب کتاب خطط الشام و غوطه دمشق قرار دارد. مدرسه در دو طبقه و چندین حجره برای طلاب ساخته شده است. در قرون بعدی و در عصر حاضر آن را بازسازی کرده اند.

در ۱۹۱۹ م. مدرسه مذکور محل موزه ملی دمشق و سپس محلّ فرهنگستان شد و اکنون به عنوان مدرسه علمیه از آن استفاده می شود. نمای بیرونی آن، از سنگ است و گنبدی با رنگ قرمز دارد. مکان آن در سمت راست درِ شرقی جامع اموی- که به سوی بازار حمیدیه باز می شود- و در نبش «شارع الکلاسه و سبع طوالع» قرار دارد. مدرسه ظاهریه نیز مقابل آن است.

### ۳. مدرسه ظاهریه کبری

یکی دیگر از مدارس قدیمی و مشهور دمشق است که توسط «ملک ظاهر بَیْبَرس بُنْدُقداری» یکی از امرای بزرگ شام و از فرمانروایان و فاتحان جنگ هایصلیبی به سال ۶۷۶ هجری ساخته شده است. «(۲)» مدرسه ظاهریه بعدها به بزرگترین کتابخانه دمشق به نام «دارالکتب الظاهریه» تبدیل شد که در آن هزاران نسخه خطی و نفیس نگهداری شده و هم اکنون نیز پا برجاست. تمامی نسخ خطی آن فهرست نویسی شده و فهرست آن به چاپ سپرده شده است.

تعمیرات اندکی در این مدرسهصورت گرفته و قرار است به موزه ملی دمشق تبدیل شود. داخل مدرسه مذکور- در سمت راست درِ ورودی- قبر ملک ظاهر بیبرس بانی آن

---

۱- اکرم العلبی، خطط دمشق،ص ۱۴۱؛ احمد دهمان، فی رحاب دمشق،ص ۹۲

۲- احمد دهمان، همان کتاب،ص ۱۱۲؛ نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۱،ص ۲۵۷

قرار دارد که در آن محراب و گنبدی از سنگ و گچ ساخته و دیوارهای آن نقاشی شده است. مدرسه از دو طبقه تشکیل شده و علاوه بر محلّ کتابخانه، مکانی برای تدریس طلاب نیز در آن وجود دارد.

مکـان مـدرسه ظاهریه در مقابل مـدرسه عادلیه؛ یعنی در شـمال غربی جامع اموی و نبش شارع کلاسه و سبع طوالع است. در سمت راست آن نیز حمام ظاهریه- یکی از قدیمی ترین حمام های دمشق- واقع شده است.

تصویر شماره ۱۹

### ۴. مدرسه عزیزیه

این مـدرسه به فرمان ملک عزیز، فرزنـد سلطانصـلاح الدین ایوبی ساخته شد «(۱)» و مقبرهصـلاح الـدین نیز در آن قرار دارد. اکنون مردم از مقبره و محـل دفنصـلاح الـدین که در اتاقـک کوچکی است، دیـدار می کننـد و قرن هـاست از حالت مدرسـه خارج شده است.

این مـدرسه که کوچـک و دارای گنبـدی قرمز است. در خـارج بـاب شـمالیِ جامع اموی و سـمت چپ آن واقع شـده و تقریباً حدود پنجاه متر با درِ شـمالی جامع فاصـله دارد. درصـحن و حیاط مدرسه قبر سه افسـر از دوره عثمانی ها است که در سـقوط هواپیما کشته شده اند. قبر دکترصالح شهبندی یکی از مقامات سوریه نیز که در ۱۳۵۹ هجری به شهادت رسیده در کنار آن ها است.

### ۵. مدرسه سمیساطیه

این مدرسه خانه «عمر بن عبدالعزیز» حاکم اموی بوده که به دست ابوالقاسم علیّ بن محمد معروف به «سـمیساطی»، از بزرگان و رؤسای دمشق به مـدرسه و خانقاه تبـدیل شـد. وی در ۴۵۳ هجری وفـات یـافت و در خانقاه خود مـدفون گشت. این خانقاه برای فقرایصوفی وقف شده بود. «(۲)» کتیبه ای به خط کوفی،

---

۱- نعیمی، همان کتاب، ج ۱،ص ۲۹۰

۲- ابن عماد، شذرات الذهب، ج ۱،ص ۹۵؛ نعیمی، همان کتاب، ج ۲،ص ۱۱۸؛ مطیع الحافظ، الجامع الأموی،ص ۲۸

که بر بالای این مدرسه نصب گردیده، از بانی و مالک آن یاد کرده است. در این مدرسه علمای اهل تصوّف به زاویه و تهذیب می نشسته اند.

مدرسه سمیساطیه در کنار درِ شمالی جامع اموی معروف به «باب الناطفیین» و سمت راست کسی است که از جامع خارج می شود. مدرسه یاد شده اکنون به «معهد الدراسات الشرعیه» تبدیل شده و جوانان در آن به تدریس مشغول اند.

تصویر شماره ۲۰

### ۶. مدرسه جوزیه

این مدرسه توسط «محی الدین ابوالفرج یوسف بن عبدالرحمان بن جوزی»، معروف به سبط بن جوزی، مورخ مشهور در قرن هفتم هجری بنا شده است. و خود در این مدرسه تدریس می کرده است. این مورخ به همراه «المستعصم» آخرین خلیفه عباسی به دست هلاکو خان مغول کشته شد. «(۱)»

اکنون این مکان که به جامع و مسجد الجوزه معروف است، در خیابان اصلی مسیر حرم حضرت رقیه (جنوب آن)، کمی پایین تر از بازار العماره قرار دارد. این مدرسه در ۸۴۰ ق. به مسجد تبدیل شد و مناره آن در ۱۰۷۸ ق. تعمیر گردید.

### ۷. مدرسه جُقْمُقیه

این مدرسه که به فرمان «امیر سیف الدین جقمق»، از امرای شام به سال ۸۲۲ ق. بنا شد، تیمور لنگ آن را به آتش کشید ولی بار دیگر ترمیم گردید. «(۲)»

مدرسه یاد شده، در سمت شمال جامع اموی، در «شارع الکلاسه و باب البرید» واقع است که درِ شمالی جامع اموی به آن گشوده می شود. مدرسه جُقمقیه مدفن «امیر سیف الدین جقمق» است و مدرسه ای است بزرگ که اکنون به «معهد العلوم الشرعیه للجمعیه القراء» تبدیل شده است که تابلو در ورودی آن از این امر حکایت می کند و

---

۱- پیشین، ج ۲،صص ۴۰- ۲۳

۲- نعیمی، همان کتاب، ج ۱،ص ۳۷۴

تاریخ تأسیس آن، سال ۱۳۵۶ ق. می باشد. در کنار مدرسه جقمقیه بقایای ستون های معبد ژوپیتر دیده می شود.

### ۸. مدرسه شامیه

به وسیله «دختر نجم الدین ایوب» و خواهر توران شاه ایوبی به سال ۵۸۷ هجری بنا شده است. «(۱)» درصحن این مدرسه، قبور فرزندش حسام الدین و همسرش محمد بن شیرکوه و برادرش توارن شاه نیز قرار دارد. مکان آن در خیابان یوسف العِظَمه و نزدیکی هتل های محل استقرار ایرانیان و زیر پل هوایی است. که انتهای این پل به قلعه و بازار حمیدیه منتهی می شود.

## ب) دار القرآن ها

### ۱. دارالقرآن الرشائیه

از قدیمی ترین دارالقرآن هایی که در دمشق ساخته شد، دارالقرآن الرشائیه است که به سال ۴۰۰ یا ۴۴۴ ق. به وسیله «شیخ رشا بن نظیف بن ماشاءاللَّه» بنا گردید. «(۲)» این مدرسه از ابتدا برای تعلیم قرآن در نظر گرفته شد و بعدها در ۸۲۰ هجری مدرسه اخنائیه به جای آن احداث گردید که اکنون موجود و در خارج باب شمالی جامع اموی و کنار مدرسه سمیساطیه است. قاضی القضاه اخنایی شافعی نیز در این مکان مدفون است.

### ۲. دارالقرآن صابونیه

این دارالقرآن به وسیله «احمد بن سلیمان بن محمد البکری الصابونی» به سال ۸۶۸ هجری ساخته شد. و آن دارای گنبد و مناره بوده و دیواره هایش از سنگ است. «(۳)» اکنون علاوه بر تعلیم قرآن، نماز جماعت نیز در آن بر پا می شود. دارالقرآنصابونیه در خارج

---

۱- پیشین، ج ۱،ص ۲۲۷

۲- نعیمی، همان کتاب، ج ۱،ص ۹؛ اکرم العلبی، خطط دمشق،ص ۶۶

۳- محمد کرد علی، غوطه دمشق،ص ۱۲۴

«باب الجابیه» در شارع میدان و روبه روی درِ غربی مقبره باب الصغیر است.

### ۳. دارالقرآن افریدونیه

این مکان به دست فریدون العجميِ ایرانی، از تجار خیّر و مشهور دمشق در ۷۴۹ ق.

بنا شد و خود نیز در آن مدفون گشته است. این دارالقرآن در خارج باب الجابیه و نرسیده به دارالقرآنصابونیه، و در غرب باب الصغیر است. «(۱)» .

### ۴. دارالقرآن تنکزیه

در ۷۲۸ هجری به فرمان «امیر تنکز» نایب مملوکی دمشق ساخته شد و در ۱۳۲۹ ق.

«شیخ کامل القصاب» آن را مرمّت کرد. «(۲)» مقبره امیر تنکز نیز در همین مکان است. این مدرسه در شرق بازار «البزوریه» در شارع مستقیم است.

### ۵. دارالقرآن الاسعریّه

«خواجه ابراهیم اسعری»، از تاجران بزرگ دمشق به سال ۸۱۷ ق. آن را ساخته است. بعدها بانی این مدرسه در همان مکان مدفون گردید. «(۳)» این دارالقرآن در کنار «جامع ماردانیه» به سمت محله محی الدین ساخته شده و اکنون نیز جوانان در آن به تعلیم قرآن مشغول اند.

### ۶. دارالقرآن تفتازانیه

«شریف تفتازانی» از علمای معروف دمشق در سال ۷۶۷ ق. آن را بنا کرده و تاج الدین سبکی در این مدرسه مشغول به تدریس بوده است. مدرسه مذکور در شمال «مدرسه بادرائیه» در محله بادرائیه است. «(۴)»

---

۱- اکرم العلبی، همان کتاب،ص ۶۰

۲- قتیبه شهابی، اسواق دمشق،ص ۲۳۹

۳- اکرم العلبی، همان کتاب،ص ۵۶

۴- پیشین،ص ۶۱

## ۷- قبرستان باب الصغیر

### اشاره

قبرستان باب الصغیر، از قبرستان های بسیار مهم و تاریخی دمشق است. این گورستان در نزدیکی «باب الصغیر»، واقع است که از دروازه های اصلی شهر قدیمی دمشق به شمار می رود. این مکان مدفن ده ها نفر از امام زادگان،صحابه گرانقدر پیامبر خداصلی الله علیه و آله، سرهای شهدای کربلا، علمای بزرگ اسلام و شیعه، سادات جلیل القدر، مورخان و محدثان وصدها تن از بزرگان و رجال اسلامی است. در این مبحث به مشهورترین قبور آن اشاره می گردد.

### الف) قبور فرزندان گرامی ائمه اطهار علیهم السلام

#### ۱. قبر سکینه دختر امام حسین علیه السلام

«آمنه»، ملقّب به «سکینه» یکی از دختران حضرت امام حسین علیه السلام بود که در حادثه جان فزای کربلا حضور داشت. مادر وی «رباب بنت امرءالقیس بن عدی بن اوس بن جابر بن کعب بن علیم بن جناب» بوده است. «(۱)» سکینه با عبداللَّه بن حسن علیه السلام یا حسن بن حسن علیه السلام ازدواج کرد، لیکن همسرش قبل از زناشویی با او در کربلا به شهادت رسید. «(۲)» او

---

۱- مصعب بن زبیر، کتاب نسب قریش،ص ۵۹؛ ابنصباغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه،ص ۱۸۵؛ مجلسی، بحار الانوار ج ۱۵،ص ۳۲۹؛ حسن الأمین، دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۲،ص ۲۵

۲- ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق ابن عساکر، ج ۲۰،ص ۳۵۹

به همراه خواهرش فاطمه و عمه اش زینب و سایر اهل بیت امام حسین علیه السلام به اسارت در آمده و به دمشق وارد شد. او در سال ۱۱۷ هجری؛ یعنی در سن هفتاد وچند سالگی وفات یافت. «(۱)»

مرحوم محسن امین محلّ دفن او را مدینه دانسته است. و این قبر را از آنِ سکینه دختر یکی از امرای دمشق می داند که البته باید گفت هیچ منبعی به دفن سکینه دختر امام حسین در بقیع اشاره نکرده است. «(۲)»

مقبره آن بانو، گنبدی بزرگ به رنگ سبز دارد که دو گنبد دیگر نیز اطراف آن هستند. مناره ای به رنگ سبز نیز جلوه ای زیبا به این قبرستان بخشیده است. در این زیارتگاه، دختر امام حسین علیه السلام ونیز امّ کلثوم، زینبصغری دختراامام علی علیه السلام دفن هستند.

ساختمان کنونی این مرقد، مربوط به سده پیش است که به احتمال زیاد در آن دوران تجدید بنا شده و بر اساس تابلویی که بر درِ ورودی نصب گردیده، در سال ۱۳۳۰ ق. نیز مرمت شده است. در داخل شبستان و حجره مذکور- و سمت راست- ضریحی از چوب و پوشیده از پارچه سبز رنگی دیده می شود که به سکینه علیها السلام تعلّق دارد.

سمت چپ آن نیز ضریح دیگری به همان شکل از امّ کلثومصغری است. در کنار دیوار پلکانی است که به زیر زمین باز می شود. در آن جا ضریح و تابوت هر دو قبر در دو اتاقک بسیار کوچک، با سقفی کوتاه قرار دارند. قبر سکینه علیها السلام به وسیله محفظه ای شیشه ای احاطه شده و سنگ قبری از قرن پنجم هجری، که مزین به آیاتی از قرآن به خط کوفی عصر سلجوقی و فاطمی است، دیده می شود.

### ۲. قبر امّ کلثوم، دختر امام علی علیه السلام

در کنار مرقد سکینه- دختر امام حسین علیه السلام- قبر امّ کلثوم، دختر امام علی علیه السلام است.

چنانکه در فصل اوّل گفته شد، امام علی علیه السلام چهار دختر با لقب امّ کلثوم داشت: ۱. زینب

---

۱- محسن الأمین، اعیان الشیعه، ج ۷،ص ۲۷۴؛ ابن خلکان، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ج ۱،ص ۲۹۷

۲- محسن الأمین، همان جا، برای اطلاع بیشتر از زندگانی این بانوی فداکار نک: عایشه بنت الشاطی، سکینه بنت الحسین، بیروت ۱۴۰۶ ق.

کبری علیها السلام ۲. رقیه، امّ کلثوم کبری نیز که از فـاطمه علیها السـلام بود و در مـدینه- هنگام حیات امام حسن مجتبی علیه السـلام- همراه فرزنـدش زیـد بن عمر در یک روز از دنیا رفت و در بقیع مدفون شد. «(۱)» ۳- نفیسه (امّ کلثومصغری)، همسر عبداللَّه اکبر بن عقیل ۴. زینبصغری، همسر محمد بن عقیل. «(۲)» این مرقد متعلّق به نفیسه و ملقب به ام کلثومصغری است.

این بانو در حادثه کربلا، حضور داشته و به هنگام اسارت، با خطبه های غرّا و کوبنده، پاسدار خون آن شهدا بوده است. «(۳)»

امّ کلثوم وقتی همراه کاروان اسـرا وارد کوفه شد، چون مردم به زنان اهل بیت نگاه می کردند، فریاد زد: آیا از خدا و رسولش شرم ندارید که این گونه به حرم پیامبرصـلی الله علیه و آله نگـاه می کنیـد؟ ایشـان همچنین قبل از ورود به دمشق، نزد عمر بن سعد رفت و از وی خواست تا زنان حرم را از دری که مردم کمتری حضور داشـته باشـند وارد شهر کنند، ولی او نپذیرفته بود. «(۴)»

گفتنی است در قریه داریا، در اطراف دمشق، آرامگاهی نیز به نام سکینه دختر امام علی علیه السلام وجود دارد که مردمِ محل، او را از فـاطمه علیها السـلام دانسـته انـد که این انتساب به یقینصـحیح نیست و حتی امام علی علیه السـلام دختری به نام سـکینه نداشته اند.

تصاویر شماره ۲۱ و ۲۲

### ۳. قبر منسوب به فاطمه صغری دختر امام حسین علیه السلام

فاطمهصـغری- دختر امام حسـین علیه السـلام- از «امّ اسـحاق، بنت طلحه بن عبیداللَّه بن تَیمی» بوده است. «(۵)» وی در سی ام هجری به دنیا آمد و در واقعه کربلا نیز سی سال سن

---

۱- ابن سـعد، طبقات الکبری، ج ۸،ص ۴۶۴؛ محب طبری، ذخـائر العقبی،ص ۱۷۱. یعنی در حقیقت ام کلثـوم کـبری در واقعه کربلا در قید حیات نبوده است.

۲- . مصعب بن عبداللَّه زبیری، کتاب نسب قریش،ص ۴۴

۳- مجلسـی، بحـار الأنـوار، ج ۱۵، ص ۱۱۲؛ ابـن اثیر، اسـدالغابه فی معرفـه الصـحابه، ج ۵،ص ۴۶۹؛ همچنین نـک: الاحتجاج طبرسی، بلاعات النساء ابن طیفور و ...

۴- عبدالرزاق مقرم، مقتل الحسین أو حدیث کربلاء،صص ۴۰۰ و ۴۷۷

۵- زبیر بن بکـار، کتـاب نسب قریش،ص ۵۹؛ مجلسـی، همان کتاب، ج ۴۵،ص ۳۳۱؛ حسن الامین، دائرهالمعارف الاسـلامیه الشیعیه، ج ۱، جزء دوم،ص ۲۵

داشته است. «(۱)» لذا می توان گفت: فرزند ارشد امام حسین علیه السلام بوده است.

فاطمهصغری زنی بزرگوار و دارای مقام عالی دینی و علمی و ادبی بود. به طوری که پدرش سیدالشهدا به این امر شهادت داده است و آن هنگامی بود که حسن مثنّی؛ یعنی برادر زاده او برای خواستگاری یکی از دختران امام حسین علیه السلام آمد، حضرت به او فرمود:

من فاطمه را برای تو برمی گزینم که در ظاهر، به مادرم فاطمه دختر رسول اللّهصلی الله علیه و آله بسیار شبیه؛ و درعبادت، تمام شب درنماز و روزها روزه دار ودرشکل، مشابه حورالعین است. «(۲)»

او از پدر و برادرش- زین العابدین علیه السلام- و عمّه اش- زینب- و نیز عبداللّه بن عباس و اسماء بنت عمیس حدیث روایت می کرده و امّ جعفر، ابو المقدام و زهیر بن معاویه نیز از او حدیث نقل کرده اند. احادیث او در کتب حدیثی اهل سنت از جمله در سنن ترمذی، ابوداود، ابن ماجه، نسائی و تألیفات ابن حجر آمده است. فاطمهصغری ابتدا در منزل فاطمه علیها السلام- مادر بزرگش- در جوار مسجدالنبیصلی الله علیه و آله می زیست. وقتی ولید دستور تخریب خانه های کنار مسجدالنبیصلی الله علیه و آله راصادر کرد، او به خارج مسجد رفت و در آن جا خانه ای ساخت و چاهی حفر کرد که برکت فراوانی داشت. مردم این چاه را زمزم می خواندند و از آن تبرّک می جستند. «(۳)»

فاطمه همانند زینب، در حوادث کربلاـ مأمن و پناهگاه اهل بیت بود و در بارگاه عبیداللّه ابن زیاد و یزید خطبه های غراء خواند. «(۴)» او به سال ۱۱۰ هجری، در هشتاد سالگی وفات یافت.

در قبرستان باب الصغیر، پشت قبر سکینه و امّ کلثوم علیهما السلام قبری منسوب به ایشان است

---

۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴،ص ۳۵؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۱۲،ص ۴۴۲

۲- عبدالرزاق مقرم، همان کتاب،ص ۴۰۵ بنقل از اسعاف الراغبین،ص ۲۰۲

۳- سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۳،ص ۹۰۹

۴- مجلسی، همان کتاب، ج ۱۵،ص ۳۳۱؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲،ص ۳۰۲؛ سید عبدالکریم سیدعلیخان، مقتل الحسین بن علی،صص ۷۱- ۶۹

که در داخل یک حجره و اتاقک کوچکی قرار دارد. گنبد آن به رنگ سبز و دیواره های آن به وسیله سنگ های سیاه و سفید بر پا شده است. در داخل آن تابوتی چوبین، که به وسیله پارچه ای سبز پوشیده، دیده می شود و در کنار اتاق پلکانی است که به زیر زمین باز می شود. در آن جا بر سنگ قبر او آیهالکرسی با خط کوفی حجاری شده است.

در پایین این کتیبه جمله ای با عنوان «هذا قبْر فاطِمه بِنْت أَحْمَد بنِ الحُسَینْ الشهید علیه السلام» و تاریخ ۴۳۹ هجری به چشم می خورد. این امر ما را در این که قبر یاد شده به فاطمه بنت الحسین تعلّق داشته باشد با تردید مواجه می سازد، اگرچه عبارت کوفی نیزصحیح نیست؛ زیرا امام حسین علیه السلام فرزند پسری به نام احمد نداشته است. البته در میان فرزندان ایشان به محمّد نامی نیز اشاره شده که شاید این احمد فرزند او یا یکی از نوادگان امام حسین علیه السلام باشد که واسطه های آن حذف شده است.

از سوی دیگر، بیشتر منابع روایت می کنند که فاطمهصغری در منزل خود؛ یعنی در پشت مسجد النبیصلی الله علیه و آله وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد. «(۱)» پس به احتمال زیاد، چون روایتی هم مبنی بر سکونت فاطمهصغری در دمشق نداریم، قبر مذکور باید متعلق به نواده امام حسین علیه السلام- نه دختر او- باشد، واللّٰه العالم.

### ۴. قبر عبداللّٰه بن جعفر الصادق علیه السلام

قبر فرزند گرامی امامصادق علیه السلام، کمی بالاتر از قبر فاطمهصغری و در سمت چپ آن است که گنبدی کوچک به رنگ سبز دارد و داخل آن تابوتی چوبین با محفظه ای فلزی دیده می شود.

### ۵. قبر عبداللّٰه بن سجاد علیه السلام

قبر عبداللّٰه بن امام زین العابدین علیه السلام- معروف به عبداللّٰه باهر- در کنار دیواره شرقی باب الصغیر، البته در بیرون از قبرستان و پس از درِ اصلی قرار دارد. این مزار دارایصحن

---

۱- برای تحقیق بیشتر در این مورد نک: به تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، تألیف نگارنده این سطور، چاپ سازمان حج و زیارت، نشر مشعر ۱۳۷۲،ص ۲۶۰

و گنبد سبز و شبستان نسبتاً بزرگی است. اطراف مقبره و مرقد او که در ۱۳۳۰ ه. بازسازی شده است «(۱)» دیواری کشیده اندکه آن را از قبرستان جدا ساخته اند.

## ب) مدفن سرهای شهدای کربلا در باب الصغیر

پس از آن که اهل بیت پیامبر علیهم السلام را در کربلا به خاک و خون کشیدند، عمر بن سعد دستور داد سرهای شهدا را قطع کنند. پس از این اقدام شنیع، سرها را میان قبایل تقسیم کرد تا آنان بدین وسیله به ابن زیاد تقرّب جویند. قبیله کنده سیزده سر، به ریاست محمد بن اشعث کندی. قبیله هوازن دوازده سر، به ریاست شمر بن ذی الجوشن. تمیم هفت سر. بنی اسد شانزده سر و بقیه قبایل تعدادی را (که در مجموع به ۷۱ سر بریده می رسید) حمل کردند و وارد کوفه شدند. «(۲)» عبیداللَّه دستور داد تمامی سرها را از جلویِ کاروان اسرا حرکت دهند و به شام ببرند. در شب اول ماهصفر، کاروان به دمشق رسید.

قبل از ورود آن، به دستور حکومت یزید، شهر را آراستند. زنان و مردان، هلهله کنان ایستاده و سرهای مقدس را بر نیزه ها و کاروان مصیبت دیدگان اهل بیت را به دنبال آن می نگریستند. سر مقدس عباس بن علی علیه السلام جلوتر از همه و سر مقدس امام حسین علیه السلام در آخر سرها و در جلو زنان بر نیزه افراشته بود «(۳)»؛ گویی هنوز عباس بن علی علیهما السلام جلو دار و علمدار کربلا بود.

امّ کلثوم از رییس قافله خواسته بود سرها را جلوتر از کاروان وارد شهر کنند تا مردم متوجه سرها شده وبه حرم اهل بیت نگاه نکنند. هنگام طلوع آفتاب سرهای مقدس شهدا و کاروان اسرا از «باب الساعات» وارد مسجد اموی شد. آنگاه به دستور یزید لعنه اللَّه، تمامی سرها به مدت سه روز بر دروازه های شهر و مسجد اموی آویزان گردید. امام

---

۱- یوسف بن عبدالهادی، همان کتاب،ص ۲۵۲

۲- عبد الرزاق موسوی المقرم، مقتل الحسین أو حدیث کربلاء،ص ۳۹۱؛ ابنصباغ مالکی، همان کتاب،ص ۱۹۷

۳- ابوالحسن شعرانی، دمع السجود،ص ۲۴۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، همان کتاب، ج ۴۵،صص ۱۲۸- ۱۲۴؛ باقر شریف القرشی، حیاه الامام الحسین علیه السلام، ج ۳،صص ۳۶۹- ۳۶۸

زین العابـدین علیه السـلام پس از چنـدی، موافقت یزیـد را گرفت تا سـرها را به بدن ها ملحق سازد و لذا سـر امام حسـین علیه السلام و سایر شهدا را به کربلا برد و به اجساد مطهرشان ملحق کرد. «(۱)»

در عین حال، چند سـر از شـهدا را در پیرامون «باب الصـغیر» به خاک سپردند. امروز این مکان که حدود پنجاه متر بالاتر از درِ اصلی قبرسـتان بـاب الصـغیر و سـمت چپ کوچه و در حقیقت خارج از قبرسـتان است، دارای محوطه ای بزرگ است که در وسط آن حجره ای کوچک بوده و سرهای مقدس در این حجره دفن شده اند.

بر اساس کتیبه سـنگی بالای حجره، ضـریح قبلیِ آن را که از نقره بوده، فرمانده سپاه فاطمی مصر؛ یعنی جوهرصقلی ساخته که متعلق به قرن چهـارم است. امـا در سـال هـای اخیر به جـای آن، ضـریحی از نقره ساخته انـد. هر چنـد که بر سـقف این حجره، اسـامی شانزده تن از شـهدای کربلا نوشـته شـده، لیکن به احتمال قوی تنها سـر سه تن از شـهدای کربلا در این مکان به خاک سپرده شده اند. این سـرها عبارت اند از: ۱. سـر مقدس حضرت ابوالفضل العباس علیها السلام ۲. سر مقدّس حضرت علی اکبر علیها السلام ۳. سر مقدس حبیب بن مظاهر علیها السلام.

سیـد محسن امین، در ۱۳۲۱ ق. کتیبه ای بر بالاـی درِ ورودی این مقـام، با این عبارت دیـده است: «هَـذَا رأس عباس و علی بن الحسین علیهم السلام و حبیب بن مظاهر». بعدها که ضریحی بر روی این محل گذاشته شد، نام شانزده تن ذکر گردید. «(۲)» با توجه به این که منابع تاریخی شـیعه اذعان دارند سـرهای شهدای کربلا به بدن های آنان ملحق شده است، به نظر نمی رسد در این مکان بیش از سه سر به خاک سپرده شده باشد. واللّٰه اعلم بالصواب.

نام سرهایی که بر سقف گنبد این مکان ثبت شده، عبارت اند از:

۱. عباس ۲. علی اکبر ۳. حبیب بن مظاهر ۴. قاسم بن الحسن ۵. عبداللّٰه بن علی

---

۱- . مجلسـی، همـان کتاب، ج ۴۵،ص ۱۲۸- ۱۲۴؛ ابوالحسن شـعرانی، همان کتاب،ص ۲۵۳؛ همچنین حسن الأـمین، در دائره المعارف الاسـلامیه الشـیعیه، جزء دوم،ص ۳۲ و هـاشم معروف الحسـینی در سیره الاـئمه الاثنی عشـریه، ج ۲،ص ۸۰، به نقل روایت های مختلف در مورد محل دفن سر مقدس امام حسین علیه السلام پرداخته اند.

۲- سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۱،ص ۶۲۷؛ حسن الامین، همان کتاب، ج ۱،ص ۳۲

۶. عمربن علی ۷. حرّ ریاحی ۸. محمد بن علی ۹. عبداللَّه بن عون ۱۰. علی بن ابی بکر ۱۱. عثمان بن علی ۱۲. جعفر بن علی ۱۳. جعفر بن عقیل ۱۴. محمد بن مسلم ۱۵. عبداللَّه بن عقیل ۱۶. حسین بن عبداللَّه.

تصویر شماره ۲۳

### ج) مقابر صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

#### ۱. قبر منسوب به بلال حبشی

بلال بن رباح، ازصحابه پیامبر خداصلی الله علیه و آله و مؤذن آن حضرت، از بردگان سیاه پوستِ خریداری شده از حبشه بود که به خدمت امیّه بن خلف در آمد و سال ها زیر ستم وی به زندگی خویش ادامه داد تا این که پیامبرصلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث گردید. چون برابری و مساوات از شعارهای اصلی اسلام بود، بسیاری از بندگان و بردگان، از آن استقبال کردند تا خود را از ستم و ظلم اربابان و بی عدالتی در جامعه رهایی بخشند. یکی از این بردگان سیاه، بلال حبشی بود. او به رغم شکنجه های طاقت فرسایی که از مشرکان و به ویژه ارباب خود؛ امیّه می دید، باز از اسلام و آیین خود دست نکشید. ابوبکر او را ازصاحبش خرید و آزاد ساخت.

بلال پس از هجرت پیامبر خداصلی الله علیه و آله به مدینه مهاجرت کرد و آن حضرت او را مؤذن خود گردانید. هنگامی که پیامبر خداصلی الله علیه و آله وفات یافت، خلیفه (ابوبکر)، از بلال خواست تا همچنان اذان بگوید ولی او نپذیرفت و گفت: سوگند خورده ام که پس از پیامبرصلی الله علیه و آله برای هیچ کس اذان نگویم.

وقتی لشکر اسلام در مدینه آماده عزیمت برای فتح شام شد، بلال از ابوبکر اجازه عزیمت خواست. ابوبکر گفت: هر آنچه خواهی کن ولی دوست داشتم نزد من در مدینه می ماندی و اذان می گفتی، بلال نپذیرفت و وارد لشکر شد. «(۱)»

---

۱- ابن اعثم، الفتوح، ج ۱،صص ۹۷- ۹۶

او به دمشق آمـد و در «داریـا»، یکی از قریه های اطراف دمشق ساکن شـد و سـرانجام در سال بیست هجری «(۱)» یا به روایتی هفده هجری «(۲)» در دوران خلافت عمربن خطاب- در سن ۶۳ سالگی- وفات یافت. «(۳)»

در محـل دفن بلاـل اختلاـف است. ابن کثیر قبری که در باب الصـغیر به او منسوب است راصـحیح ندانسـته و محل دفن وی را همان قریه «داریا» می داند. او قبری که اکنون در باب الصـغیر است، را از «بلال بن ابی الدرداء» قاضـی دمشق دانسـته که فردی عابد و زاهد بوده است. «(۴)» در هر حال، قبری که اکنون به نام بلال در باب الصـغیر معروف است، کمی بالاتر از قبور سکینه و ام کلثوم قرار دارد؛ و با قبر منسوب به عبداللّه بن جعفر طیار در یک بقعه هستند.

قبر بلال بزرگترین قبرِ داخل این بقعه است که در میان قبور دیگر متمایز و اطراف آن نیز با محفظه ای از شیشه پوشانیـده شده است. تاریخ سنگ قبر وی ۶۳۵ هجری است.

بر بنـای مقبره بلاـل گنبـدی است به رنـگ سبز و سوّمین گنبـد از درِ ورودی قبرسـتان باب الصـغیر است. این گنبـد، در ۱۰۰۷ هجری و ۱۲۸۹ هجری مرمّت شد. در ۱۳۶۱ هجری در آتش سوخت و اداره اوقاف آن را بازسازی کرد. «(۵)»

#### ۲. قبر منسوب به عبداللّه بن جعفر بن ابوطالب علیها السلام

کنـار قبر بلال قبری منسوب به عبـداللّه بن جعفر، همسـر حضـرت زینب علیها السـلام است که به قطع ویقینصـحّت نـدارد؛ زیرا عبداللّه در سال جحاف، در مکه وفات یافت «(۶)» و در

---

۱- کرد علی، غوطه دمشق،ص ۱۱۴

۲- ابن حورانی، زیارات الشام،صص ۴۴ و ۴۵

۳- پیشین، همان جا.

۴- کرد علی، همان کتاب،ص ۱۱۵

۵- یوسف بن عبدالهادی، همان کتاب،ص ۱۹۸

۶- سـال جحـاف سال هشـتاد هجری است که سـیلی به مکه آمـد و حاجیان را در خود فرو برد. در این واقعه عبـداللّه نود سال داشـته است، ابن حجر، الاصابه، ج ۳،ص ۴۷؛ ابن منظور، مختصـر تاریخ دمشق ابن عساکر، ج ۱۲،ص ۷۲؛ محب طبری، ذخائر العقبی،ص ۲۲۱

قبرسـتان بقیع به خاک سپرده شد. «(۱)» عبـداللَّه اوّلین نوزادی بود که در حبشه به دنیا آمـد و هنگام وفات پیامبر خداصـلی الله علیه و آله ده سال داشت. پدرش- ملقّب به «ذوالجناحین»- در غزوه مؤته به شهادت رسید.

پیامبرصـلی الله علیه و آله، عبـداللَّه بن جعفر را از لحاظ شـکل ظاهری و اخلاق، شبیه خود خوانـده اند. «(۲)» بعضی وی را در بخشـندگی، هم شأن شـمرده اند. «(۳)» او فردی بسیار عابـد و بـا کرامت بـود و همواره به همراه همسـرش حضـرت زینب، در خدمت امام علی علیه السـلام حاضر و سه تن از فرزندان او به نام های عبداللَّه، عون و محمد، در رکاب امام حسین علیه السلام به شـهادت رسـیدند. قبر وی بسـیار کوچـک و بر بالاـی آن دو کتیبه به خـط کوفی دیـده می شود که به راحتی قابل خوانـدن نیست.

### ۳. قبر منسوب به عبداللَّه بن ام مکتوم

عبـداللَّه بن امّ مکتومصـحابی جلیل القـدر پیامبر خداصـلی الله علیه و آله و از مسـلمانان نخستین است. وی کاتب و حافظ قرآن بود و در موارد بسیار، به هنگام غزوات پیامبرصلی الله علیه و آله جانشینی آن حضرت در مدینه را بر عهده می گرفت. در کنار دیواره شرقی باب الصغیر؛ یعنی درِ دوم آن و به موازات قبور سکینه و امّ کلثوم- به فاصله دویست متری- اتاق کوچکی، بدون گنبد وبا سنگ های سیاه دیده می شود، که برآن نوشته شده: «هذا قبر امّ مکتومصحابی رسول اللَّهصلی الله علیه و آله».

گفتنی است که تنها «کمّونه حسینی» در تألیف خویش، به نام وی در قبرستان باب الصغیر اشاره کرده است. «(۴)» پ و او باید در مدینه دفن شده باشد.

---

۱- ابـن اثیر، اسـدالغابه فی معرفه الصـحابه، ج ۳،ص ۱۳۵. هنچنین نـک: تاریـخ و آثار اسـلامی مکه مکرمه ومـدینه منوره، اثر نگارنده این سطور،ص ۳۲۶

۲- محب طبری، همان کتاب،ص ۲۲۱

۳- ابن حجر، همان کتاب، ج ۳،ص ۴۷؛ ابن منظور، همان کتاب، ج ۱۲،صص ۷۸- ۷۲؛ ابن اثیر، همان کتاب، ج ۳،ص ۱۳۳

۴- کَمّونه حسینی، آرامگاه های خاندان پاک پیامبر و ائمه علیهم السلام وصحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلیصاحبی،ص ۱۱۱

### ۴. قبر اوس بن اوس

اوس بن اوس از دیگر اصحاب پیامبر خداصلی الله علیه و آله و از اهلصفّه است که همواره در مسجد پیامبر مشغول تهجّد و عبادت بود. اوس به شام هجرت کرد و پس از وفات (در دوران خلافت عثمان)، در باب الصغیر دفن گردید. «(۱)» مقبره او اکنون در مقابل مدرسهصابونیه، در سمت دیواره غربی مقبره باب الصغیر است.

### ۵. واثله بن اسقع

واثله نیز همراه اوس بن اوس و عمار بن یاسر و دیگران، در ایوانصفّه در مسجد النبیصلی الله علیه و آله روزگار می گذراند. وی عمری طولانی داشت و گویند در سن ۱۵۰ سالگی- در دوران خلافت عبدالملک مروان (سال ۸۳ هجری)- در دمشق از دنیا رفت و در باب الصغیر دفن گردید. او آخرینصحابی بود که در این شهر وفات یافت. «(۲)» واثله پس از شهادت امام حسین علیه السلام به شدّت خشمگین بود و همواره به نقل آیه تطهیر، که در شأن خاندان پیامبرصلی الله علیه و آله نازل شده، می پرداخت. «(۳)»

### ۶. قبر منسوب به ابان بن عثمان

ابان بن عثمان، فرزند خلیفه سوم و از تابعین است. وی و سه تن دیگر از محدّثان و مورّخان مشهورِ مدینه در قرن اوّل هجری، پدران تاریخ نگاری اسلامی محسوب شده و بیشتر محدّثان و تاریخ نگاران از نسل تابعین و دیگران به روایات آنان استناد می کرده اند.

ابان نزد خلفای اموی به ویژه معاویه احترامی ویژه داشت و به دستگاه خلافت بنی امیه نزدیک بود.

او در سال ۷۶ هجری، از سوی عبدالملک بن مروان به حکومت مدینه منصوب شد و به مدت هفت سال در این سمت باقی ماند. «(۴)» سر انجام به سال ۱۰۵ هجری در دوران

---

۱- ابن حورانی، همان کتاب،ص ۴۳

۲- پیشین،ص ۴۹

۳- باقر شریف القرشی، همان کتاب، ج ۳،ص ۳۹۷

۴- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۵،ص ۱۵۱

خلافت یزید بن عبدالملک از دنیا رفت.

در منابع تاریخی، نام وی جزو مدفونین در باب الصغیر دیده نمی شود ولی در سمت چپ مقابر سکینه و عبداللّٰه و حدود دویست متر بالاتر از آنان؛ یعنی پشت مقبره فضّه، حجره کوچکی است با گنبدی سبز رنگ که بر دیوار آن نام ابان بن عثمان دیده می شود.

### ۷. فضاله بن عبید

او ازصحابه ای بود که پس از فتح دمشق به این شهر آمد و در آن جا سکونت گزید.

در دوران معاویه، کرسی قضاوت در این شهر را بر عهده داشت و در سال ۵۳ هجری در گذشت. وی را در کنار ابی دردا و امّ دردا دفن کردند. «(۱)»

### ۸. ابو دردا و امّ دردا

«ابو دردا» عویمر بن مالک بن زید نیز ازصحابه بود. پیامبرصلی الله علیه و آله میان او و سلمان پیمان برادری بست و در مورد او فرمود: «عُوَیمر حکیم امت من است» «(۲)» وی که در تمامی غزوه های پس از احد حضور داشت، پس از فتح دمشق برای تبلیغ اسلام به این شهر مهاجرت کرد. ابو دردا در عصر خلیفه دوم و نیز حکومت معاویه قاضی دمشق بود.

سرانجام در ۳۰ هجری، در خلافت عثمان وفات یافت و در باب الصغیر، کنار مادرش «ام دردا» مدفون شد. وی در قلعه دمشق مسجد و معبدی داشت که به معبد ابی دردا معروف بود و همواره در آن جا به عبادت می نشست. «(۳)»

### ۹. سهل بن ربیع انصاری

وی نیز ازصحابی بزرگوار و از قبیله اوس بود که در دمشق ساکن شد و در اوایل خلافت معاویه از دنیا رفت. او را در جنوب قبرستان باب الصغیر به خاک سپردند. «(۴)»

---

۱- . ابن حورانی، همان کتاب،ص ۵۰.

۲- ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵،ص ۱۸۵.

۳- ابن حورانی، همان کتاب،ص ۳۱؛ همچنین نک: مبحث مساجد دمشق در کتاب حاضر.

۴- ابن حورانی، همان کتاب،ص ۵۱.

## د) مقابر زنان بنی هاشم و منسوبان به خاندان رسالت

### ۱. قبر فضه، خادمه بزرگوار فاطمه علیها السلام

«فضه نوبیه» را دختر یکی از پادشاهان حبشه و یا هند دانسته اند. «(۱)» این بانوی بزرگوار سال ها در خدمت حضرت فاطمه علیها السلام بود و گفته اند که بیست سال سخنی جز کلمات قرآن از وی شنیده نشده است. طبق نقل مفسّران در تفسیر آیه «هَلْ أَتی»، فضه، به خاطر شرکت در ایثار اهل بیت در دادن غذای خود به مسکین و یتیم، مشمول این آیه قرار گرفته است.

علی علیه السلام در باره اش دعا کرد: «اللّهمّ بارِكْ لَنا فِی فِضَّتِنا».

این بانو همواره اهل عبادت، زهد و علم بود و محرم اسرار خاندان رسالت به شمار می رفت؛ چنانکه علی علیه السلام در باره او می فرمود: «فاطمه از من پیمان گرفت آنگاه که از دنیا رفت، هیچ کس را بر مرگ او آگاه نکنم، جز امّ سلمه، امّ ایمن و فضّه را و از مردان ...». «(۲)»

بدین گونه فضّه تا پایان عمر فاطمه علیها السلام خدمتگزار آن حضرت و پس از ایشان در خدمت حسن، حسین و زینب علیهم السلام بود. او خاندان نبوت را در کربلا- همراهی می کرد و پس از بازگشت به مدینه، به احتمال زیاد همراه حضرت زینب علیها السلام به شام بازگشت و پس از وفات، در باب الصغیر به خاك سپرده شد. «(۳)» قبر وی کمی بالاتر از مرقد عبداللّه بن جعفرصادق علیه السلام و حدود یکصد متری سمت چپ آن؛ یعنی در انتهای دیوار غرب قبرستان واقع است. حجره و مرقد او گنبدی کوچک به رنگ سبز دارد و دیواره های آن از سنگ سیاه است.

### ۲. اسماء بنت عُمیس «۴»

(۴)

---

۱- ابن حجر، الاصابه، ج ۴،ص ۳۸۷.

۲- فهری زنجانی، مراقد اهل بیت،ص ۴۱.

۳- پیشین، همان جا.

۴- اسماء بنت عمیس، همسر جعفر بن ابی طالب یکی از مسلمانان فداکارهمراه همسرش به حبشه هجرت کرد و در آن جا عبداللّه را به دنیا آورد. در سال هفتم هجری به مدینه برگشت. جعفر طیار، در غزوه موته به شهادت رسید و لذا اسماء با ابوبکر ازدواج کرد و محمد بن ابی بکر را به دنیا آورد. پس از مرگ ابوبکر به همسری امام علی علیه السلام درآمد و یحیی و عون از او تولد یافت. محمد بن ابی بکر در سایه تعلیم و تربیت علی علیه السلام یکی از انسان های کامل و شجاع و از شیعیان خاص او شد. پیامبرصلی الله علیه و آله در مورد اسماء فرمودند« او از زنان بهشتی است» نك: ابن حجر، الاصابه، ج ۴،ص ۲۳۱؛ ابن اثیر، اسدالغابه ۵/ ۳۹۵؛ ابن عبدالبر الاستیعاب، ج ۴،ص ۲۳۶؛ طبرسی، الاحتجاج،، ج ۱،ص ۹۴. او در حدود سال ۴۰

هجری از دنیا رفت.

### ۳. میمونه دختر امام حسن علیه السلام

### ۴. حمیده دختر مسلم بن عقیل

این سه بانوی بزرگوار، در یک حجره و مقبره آرمیده اند که در پشت مقابر سکینه و امّ کلثوم و در سمت چپ قبر عبداللّه بن جعفرصادق علیه السلام واقع است. بر روی حجره آنان، گنبدی به رنگ سبز و در داخل آن تابوتی بزرگ و چوبین دیده می شود. حجره مذکور در ۱۳۳۰ ه. بازسازی شده و به وسیله پلکانی، به زیر زمین داخل آن راه است.

قبر اول از «حمیده دختر مسلم بن عقیل» (متوفای سال هفتاد هجری) قبر دوم از «اسماء بنت عمیس» (متوفای سال ۶۵ هجری) و سوّمین قبر از میمونه دختر امام حسن علیه السلام است.

### ۵ و ۶. قبور منسوب به امّ سلمه و امّ حبیبه، همسران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

در انتهای دیواره شرقی، کمی بالاتر از درِ اصلی قبرستان، پس از قبر عبداللّه بن سجاد علیه السلام حجره ای است مستقل، که در آن، دو قبر به نام های امّ حبیبه و امّ سلمه، همسران پیامبرصلی الله علیه و آله قرار داشته است. به یقین می توان گفت: امّ سلمه و امّ حبیبه در قبرستان بقیع، در مدینه، مدفون اند و این انتساب درست نیست.

## ه) قبور علما و دانشمندان و زهاد معروف دمشق

### اشاره

در قبرستان «باب الصغیر» ده ها تن از علمای بزرگ اسلام، زهّاد، فقها، محدّثان، ادیبان و ... آرمیده اند.

### ۱. شمس الدین الذّهبی (ف. ۷۴۸ ق.)

شمس الدین عثمان الذهبی، از مورّخان و محدّثان بزرگ اسلام وصاحب ده ها اثر تاریخی و حدیثی است. مشهورترین اثر او با نام «تاریخ الاسلام»، در ۳۰ جلد به چاپ رسیده است.

### ۲. ابن هشام نحوی

احمـد بن عبـدالرحمان بن هشام الأنصاری- دانشـمند بزرگِ علم نحو و ادیب مشـهور- در مصـر به دنیا آمد و در دمشق وفات یافت. وی در کنار قبر بلال حبشی، در باب الصغیر مدفون است.

### ۳. ابن رجب حنبلی

از محدثان بزرگ و فقهای دمشق بوده که ده ها تألیف در حدیث و فقه حنابله به رشته تحریر در آورد؛ «شرحصحیح بخاری»، «شرح اربعین النوویه» و «طبقات الحنابله» از تألیفات مشهور و مهمّ اوست.

### ۴. ابن قیم جوزی (۶۹۱– ۷۵۱ ق.)

ابن قیم جوزی،صاحب کتاب مشهور «زادالمعاد فی هدی خیر العباد»، از فقهای اسلام است که در رو به روی «مدرسهصابونیه»، کنار درِ غربیِ باب الصغیر الأولی، که به «شارع المیدان» باز می شود، به خاک سپرده شده و بر روی سنگ قبر زیبای او، اشعار و احادیثی حجاری گردیده است.

### ۵. ابن عساکر (ف. ۵۷۱ ق.)

علی بـن حسـین بـن هبـه اللّه بـن عبـداللّه، معروف بـه ابن عسـاکر شـافعی دمشـقی،صـاحب کتـاب معروف «تاریـخ دمشـق»، از بزرگترین نویسندگان و مورخان دمشق بود. «(۱)»

### ۶. ابن حورانی دمشقی (ف. ۵۵۱ ق.)

شیـخ ابوالبیان محمد بن محفوظ القرشـی- شـیخ الطائفه بیانیه- معروف به «ابن حورانی»صاحب کتاب «زیارات الشام»، یکی از علمـا و فقهـای بزرگ دمشق است. که در کتـاب مشـهور خود به شـرح و توصـیف مقابر دمشق به ویژه باب الصـغیر پرداخته و بخشی از اطلاعاتی را که در تحقیق حاضر استفاده کرده ایم، از تألیف او برگرفته شده است.

---

۱- ابن حورانی، همان کتاب،ص ۵۱

### ۷. بهلول (م. ۱۵۱ ق.)

در شارع میـدان و کمی نرسـیده به درب غربی باب الصـغیر- در داخل محوطه کوچکی- تعدادی قبر وجود دارد. یکی از قبور آن، که کمی جلوتر از سـایرین است، سـنگ نبشـته ای بهصورت اسـتوانه بر آن قرار داده شـده و عبارت هـذا قبر بهلول متوفی ۱۵۱ هجری بر آن دیده می شود.

### ۸. ابن مالک نحوی (م ۶۸۶ ق)

بدرالدّین بن جمال الدین مشهور به «ابن مالک»، از علما و ادبای بزرگ در علم نحو و ادبیات عرب بود. الفیه او شهرت خاص دارد و همواره در حوزه های علمیه تدریس می گردد. «(۱)»

### و) قبور سایر بزرگان تابعین و بازماندگان ائمه اطهار علیهم السلام

۱. خدیجه دختر امام زین العابدین علیه السلام.

۲. محسن بن جعفر بن هادی علیه السلام که در دوران خلافت عباسی، با شکنجه به قتل رسید.

۳. عبداللَّه بن محمد بن اطرف، فرزند امام علی علیه السلام.

۴. ابوالحسن بن علیّ بن ... امام زین العابدین علیه السلام.

۵. حسن بن عبداللَّه بن ... عمر بن علی علیه السلام.

۶. عبداللَّه بن امام محمد باقر علیه السلام.

---

۱- ابن حورانی، همان کتاب،ص ۶۲

۷. محمد بن ابو حذیفه عتبه بن ربیعه بن عبد شمس، والی مصر در دوران علی علیه السلام و از شیعیان خاص آن حضرت.

۸. عبدالرحمان بن عباس بن عبدالمطّلب.

۹. عبدالمطّلب بن ربیعه بن حارث بن عبدالمطّلب.

۱۰. رأس محمد بن ابی بکر (به روایتی دیگر در قاهره است). «(۱)»

۱۱. امّ الحسن، دختر حمزه بن جعفر الصادق علیه السلام.

۱۲. علی بن عبداللّٰه بن عباس.

۱۳. سلیمان بن علیّ بن عبداللّٰه بن عباس و همسرش. «(۲)»

---

۱- محمد زکی ابراهیم، مراقد اهل بیت در قاهره،ص ۱۰۵

۲- کمونه حسینی، همان کتاب،صص ۱۱۴ و ۱۱۵؛ ابن حورانی، همان جا؛ مسعودی، همان کتاب، حاشیه، ج ۲،ص ۱۱۸

نقشه

## ۸- سایر قبرستان های معروف دمشق

### الف) قبرستان صوفیه و قبور عارفان دمشق

#### اشاره

در غرب شـهر قدیمی دمشق، که محل زندگی بسـیاری از زهّاد و متصوّفه بوده است، قبرستانی وجود دارد که تنها اهل تصوف و بزرگان ایشان در آن به خاک سپرده شده اند.

قبرستان یاد شده در غرب باب الصغیر واقع شده و فاصله زیادی با آن ندارد. مشهورترین این متصوّفه عبارت اند از:

#### ۱. ابراهیم قونوی (۶۵۲- ۷۳۲ ق.)

ابراهیم بن سلیمان الحموی، از علمای بزرگ حنفیه و از زهاد و متصوّفه مشهور قرن هفتم هجری بود، تألیفات فراوانی؛ از جمله «شرح جامع الکبیر فی الفروغ الشیبانی» و «شرح منظومه نسفی» از او به جای مانده است.

#### ۲. احمد بن بدرالدّین (م ۹۳۴ ق.)

احمد بن بدرالدین الحنفی، از متصوفه بزرگ حنفی دمشق بود که در محله شویکه مدفون شد.

#### ۳. ابو عمرو بن صلاح (م ۶۳۴ ق.)

تقی الدین بنصلاح، مفتیِصلاح الدین ایوبی، فقیه، محدّث و مفسّر بزرگ، در

سمت غربی قبرستانصوفیه مدفون شد. «(۱)» نگارنده این سطور در شهر حلب قبری در کنار مشهد الحسین دیده که به عمرو بنصلاح منسوب بوده است.

### ۴. ابن المحدث (۶۴۲– ۶۹۵ ق.)

ابراهیم بن عبدالرزاق حنفی، معروف به ابن المحدّث، در موصل به دنیا آمد و در دمشق درگذشت. وی یکی از فضلا و شعرای بزرگ متصوّفه بود.

### ۵. عبدالرحمان بن نوح (م ۶۵۴ ق.)

از شیوخ بزرگ فرقه نوری بود. در دمشق فتوا می داد و از عرفا و زهاد متقی محسوب می شد. «(۲)»

### ۶. قطب الدین نیشابوری (م ۵۷۸ ق.)

مسعود بن محمد بن مسعود، قطب الدین ابوالمعالی نیشابوری امام شافعی، از متصوّفه، بلغا و ادبای بزرگ دمشق بود، که در شرق مقابرصوفیه مدفون شد.

### ۷. فخر بن عساکر (م ۶۲۰ ق.)

وی شیخ الشافعیه شام و از زهّاد و عبّاد بود، که گویند هیچ گاه زبانش از ذکر نام خدا باز نمی ایستاد. از فضایل وی بسیار سخن گفته اند. او در شرق مقابرصوفیه و در مقابل قبر عمرو بنصلاح مدفون گشت. «(۳)»

### ۸. ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ق.)

عمادالدین ابن کثیر قرشی الدمشقی– از مورّخان و سیره نویسان بزرگ اسلام– و

---

۱- ابن حورانی، همان کتاب،ص ۴۰

۲- پیشین،ص ۳۶

۳- پیشینص ۳۵. فخر بن عساکر با ابن عساکر مورخ مشهور دمشق تفاوت دارد.

صاحب کتاب مشهور «البدایه والنهایه» از شاگردان ابن تَیمیه بود، که در کنار قبر استادش ابن تیمیه در مقابرصوفیه مدفون گشت. «(۱)»

### ۹. ابن تیمیه

تقی الدین ابوالعباس احمد بن شهاب الدین عبدالحیم دمشقی حنبلی، در شهر حرّان، از توابع ترکیه کنونی به دنیا آمد. در دوران حیات او، مغولان به شهرهای اسلامی هجوم آوردند و همه جا را در معرض ویرانی و کشتار قرار دادند. ابن تیمیه به علت تهاجم مغول به حرّان، به دمشق آمد. در سایه تعلیمات پدر، در علوم متداول زمان خود؛ از فقه، حدیث، اصول، کلام، ریاضیات، ملل و نحل و ادیان دیگر خبره شد و در فقه حنبلی به درجه اجتهاد رسید. در فقه فتاوایی داد که با فتاوای مذاهب اربعه اختلاف داشت.

وی در دارالقرآن تنکزیه دمشق به تدریس می پرداخت. هنگام فتح این شهر از سوی مغول، مردم را به مقابله بر ضدّ آنان فرا خواند و خود نیز در جهاد عمومی علیه آنان حضور یافت. پس از آنکه در دمشق میان عقاید وی و سایر مذاهب اربعه اختلافات و درگیری هایی پدید آمد، او را بارها محاکمه و به زندان انداختند ولی از عقاید خود دست بر نداشت. ابن تیمیه سفر برای زیارت پیامبر خداصلی الله علیه و آله به مدینه را حرام می دانست و می گفت تنها برای اقامه نماز در مسجدالنبیصلی الله علیه و آله به آن جا مسافرت کرد. او به حدیثی استناد می کرد که «لَا تشدّ الرّحال إلّا ثلاثه مساجد ...» و یا توسل به پیامبرصلی الله علیه و آله و سایر بزرگان دین را جایز نمی دانست. خواندن نماز کنار قبور و ساختن بقعه و گنبد بر روی آن را شرک می شمرد. همچنین او به تجسیم خداوند قائل بود و در تفاسیر آیات الهی که از ذات احدیت سخن می رفت، برای خداوند دست و پا و زبان و ... تصوّر می کرد. این اعتقادات باعث برانگیختن خشم بسیاری از علمای اهل سنت شد. «(۲)»

حکام دمشق یا مصر نیز گاهی از عقاید او دفاع و یا بر ضد او دست به اقدام می زدند تا این که در نهایت، وی در زندان قلعه دمشق از دنیا رفت. او را در مقابرصوفیه- کنار قبر برادرش شرف الدّین عبیداللّٰه- دفن کردند. «(۳)» عقاید انحرافی ابن تیمیه به ویژه تعارض و

---

۱- ابن حورانی، همان کتاب،ص ۳۵

۲- محمد زکی ابراهیم، نویسنده مشهور اهل سنت مصر، مبحثی بسیار علمی و مستدل در ردّ احادیث شدّالرحال ابن تیمیه ارایه کرده و در تألیف خود به نام مراقد اهل بیت در قاهره، ده ها تن از علمای بزرگ اهل سنت که علیه ابن تیمیه موضع گرفته اند را معرفی کرده است همان کتابصص ۱۵۰ تا ۱۸۵.

۳- نک: ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج ۱۴،صص ۱۳۵ و ۱۳۶، ابن رحب حنبلی، طبقات الحنابله، ج ۲،ص ۳۸۸ به بعد، ابن شاکر، فوات الوفیات، ج ۱،ص ۷۰ به بعد.

خصومت وی با شیعه، از طریق شاگردان متعصب او؛ یعنی شمس الدین ابن قیم جوزیصاحب «زاد المعاد فی هدی خیر العباد» و ابن کثیر،صاحب «البدایه والنهایه» در عالم اسلام گسترش یافت و سرانجام محمد بن عبدالوهاب با استفاده از تعالیم او، مکتب جدیدی به نام «وهابیه» پدید آورد و پیروان او از جمله ابن سعود و فرزندانش (آل سعود)

پس از تسخیر شهرهای مقدس مکه و مدینه، بر اساس اعتقادات ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب، بسیاری از اماکن مقدس و مورد توجه عالم اسلام در این دو شهر، به ویژه قبور ائمه بقیع را تخریب کردند.

## ب) قبرستان باب توما و باب شرقی

### اشاره

قبرستان باب توما در شرق منطقه قدیمی دمشق، منطقه مسیحی نشین قرار دارد. در این مقبره چند تن ازصحابه و علمای اسلام مدفون اند؛ از جمله:

### ۱. شرحبیل بن حسنه

شرحبیل بن حسنه، یکی از چهار فرمانده اسلام است که دمشق را فتح کردند. وی ازصحابه پیامبر خداصلی الله علیه و آله و کاتب وحی بود. در دمشق وفات یافت و در نزدیکی باب توما به خاک سپرده شد. «(۱)»

### ۲. ضرار بن ازور اسدی

ازصحابه پیامبر خداصلی الله علیه و آله است که در فتح دمشق حضور داشت. وی در «خارج باب شرقی» در محله الجزماء مدفون شد. قبر او دارای ضریح و بارگاه است. «(۲)» قبر شیخ ارسلان دمشقی در نزدیکی او است.

### ۳. معاذ بن جبل

معاذ بن جبل،صحابی مشهور و رییس طایفه اوس، در مقبره باب شرقی مدفون

---

۱- نصرالدین البحره، دمشق الأسرار،ص ۱۲

۲- ابن حورانی، همان کتاب،ص ۸۵

است. «(۱)» این مطلب تنها در کتاب «زیارات الشام» ذکر شده است. و او باید قطعاً در مدینه دفن شده باشد.

### ۴. شیخ ارسلان دمشقی (ف. ۵۴۰ ق.)

عارف بزرگ و مشهور دمشق، ابی یعقوب بن عبدالرحمان عبداللّٰه الجعبری معروف به «شیخ ارسلان»، در مقبره باب شرقی مدفون است. «(۲)» وی از اکابر علما، زهاد و عرفا است که کرامات زیادی از او نقل کرده اند.

او در مسجد کوچکی- داخل باب توما- روزها و شب ها به عبادت می گذرانید که اکنون به مقام شیخ ارسلان معروف است. گویند در نهایت زهد می زیست و بیست سال تمام نجّاری می کرد و یک سوم از درآمد آن راصدقه و یک سوم را برای لباس و زندگی خود و یک سوم آن را به رییس و پیشوای خود می داد. «(۳)»

## ج) قبور سلاطین مشهور دمشق

### ۱. معاویه بن ابی سفیان

معاویه پسر ابوسفیان بن حرب بن امیه، تنها حاکمی است که چهل سال در دمشق بر مسند خلافت نشست و حکمرانی کرد. در مکان قبر وی اختلاف است؛ بعضی چون ابن حورانی گویند وی در باب الصغیر مدفون شد و دیواری بر گرد قبر وی کشیده بودند. «(۴)»

ابن طولون گوید: قبر معاویه همان قبری است که اکنون به قبر و مقام هود معروف است و در دیوار قبله جامع اموی قرار دارد؛ زیرا به اتفاق علما، هود به دمشق نیامده است. «(۵)»

---

۱- پیشین، همان جا.

۲- نصرالدین البحره، همان کتاب،ص ۱۳

۳- ابن حورانی، همان کتاب،ص ۸۷

۴- پیشین، همان کتابص ۴۶ و ۴۷

۵- پیشین، همان جا.

و اما در باب الصغیر، قبری بدین وصف نیست و شاید نظر دومصحیح باشد؛ زیرا کاخ معاویه (قصر الخضراء) در پشت دیوار قبله جامع اموی قرار داشته و بعدها خراب شده است. احتمال می رود معاویه را از ترس خوارج در دیوار جامع مدفون ساخته باشند و مکانی که امروز به عنوان قبر هود معروف است، تنها مقام هود باشد که در گذشته از آن سخن گفته ایم «(۱)» و در آن جا کتیبه ای از پند و اندرزهای هود یافت شده است.

امّا در پشت جامع اموی (در زقاق معاویه) که از سمت شرق جامع اموی بدان راه است، مقبره ای وجود دارد که به معاویه منسوب است. این مقبره حالتی نیمه مخروبه دارد و گنبدی نیز بر فراز آن به رنگ قرمز کم رنگ دیده می شود. در این قبه و مقبره که در داخل محوطه ای کوچک و در آخر کوچه بسیار باریکی است، خانواده ای زندگی کرده و از آن محافظت می کنند. متأسفانه آنان اجازه دیدار از داخل مقبره را به نگارنده ندادند.

تصویر شماره ۲۴

## ۲. معاویه بن یزید بن معاویه (معاویه ثانی)

معاویه بن یزید بن معاویه بن ابوسفیان، معروف به معاویهصغیر و معاویه دوم فردی زاهد و پارسا و گوشه گیر بوده است. پس از مرگ یزید، با او به عنوان خلیفه مسلمین بیعت شد ولی با اکراه پذیرفت و بیش از چهل یا بیست روز نیز خلافت نکرد و در عزلت و گوشه گیری در سن ۲۲ سالگی از دنیا رفت و به نقلی مسموم شد. وی آخرین حکمران و خلیفه اموی از نسل ابوسفیان است؛ که پس از وی خلافت به خاندان مروانیان- شعبه ای دیگر از بنی امیه- از فرزندان عاص و در رأس آن ها مروان بن حکم رسید.

مسعودی گوید: هنگام وفات وی، بنی امیه اطراف او را گرفتند و گفتند: خلافت را به هرکس از خاندانت می خواهی واگذار کن. او گفت: به خدا سوگند که شیرینی خلافت بر شما را نچشیدم، چگونه بار آن را بر گردن خود (پس از مرگم) بیندازم؟ حال که برای شیرینی آن می شتابید، آیا برای تلخی آن نیز چنین می کنید؟ خداوندا! من از تعیین خلیفه

---

۱- نک: مبحث جامع اموی از کتاب حاضر.

بر مردم بیزارم و از آن کناره می گیرم. خدایا! من کسی همانند اهل شوری (در هنگام مرگ عمر بن خطاب) را نمی یابم. پس خود کسی که اهلیّت آن را داشته باشد، بر این امر نصب کن. ای کاش این کار را بر عهده نمی گرفتم. آیا من بنی امیه را به شیرینی آن برسانم و بار آن را برگردن خود بگیرم و کسی که شایسته آن است از آن باز دارم؟ هرگز چنین نمی کنم.

ولید بن عتبه بن ابی سفیان بر او نماز گزارد به امید این که خلافت به او برسد، ولی هنگامی که تکبیر دوم را می گفت، کشته شد. «(۱)» ابن کثیر گوید: معاویه دوم در خارج باب الصغیر مدفون است و ابن طولون نیز چنین گوید؛ و ابن حورانی نیز می نویسد: قبر وی در گوشه مقبره باب الصغیر جنوبی است. «(۲)» با کاوش فراوان در داخل باب الصغیر، مقبره ای بدین نام یافت نشد.

اما در جنوب مسجد اموی، هنگامی که از باب جنوبی و شبستان بیرون می رویم در سمت چپ در داخل کوچه ای باریک امروزه قبری به نام او وجود دارد که مردم به زیارتش می روند و معتقدند از او حاجت می گیرند.

تصویر شماره ۲۵

### ۳. ولید بن عبدالملک بن مروان

ولید بن عبدالملك بن مروان در سال ۸۶ ق. به خلافت رسید حکومتش نُه سال و هشت ماه به طول انجامید. ولید در سن ۴۳ سالگی مرد. او در امر بنا و ترمیم مساجد و بناهای مذهبی اهتمام داشت و جامع اموی در دمشق نیز از ساخته های اوست که تاکنون در جهان بی نظیر و مایه اعجاب است. ولید نسبت به تعمیر و توسعه مسجدالنبیصلی الله علیه و آله و مسجدالحرام نیز توجهی خاص داشت. گویند در باب الصغیر، شمال قبر معاویه دوم مدفون است. «(۳)» البته آثاری از قبر او امروزه وجود ندارد.

---

۱- مسعودی همان کتاب، ج ۳،صص ۷۶ و ۷۷

۲- ابن حورانی، همان کتابص ۴۹؛ ابن کثیر، همان کتاب، ج ۸،ص ۲۳۷

۳- ابن حورانی، همان کتاب،ص ۷۵

### ۴. صلاح الدین ایوبی (م ۵۸۹ ق.)

صلاح الـدین بن ایـوب بن محمـد بن شـاذی بن مروان بن یعقـوب تکریـتی «(۱)»، یکی از فرماندهان بزرگ سـپاه اسـلام در مقابلصـلیبی ها و فاتـح بیت المقدس است. وی در ۵۳۲ هجری در تکریت عراق به دنیا آمـد. ابتـدا به خدمت نورالدین محمود زنگی شهید و سپس در دولت فاطمی نفوذ یافت و آن خلافت را مضمحل ساخت و به ایجاد دولت بزرگی بنام «ایّوبیان» دست زد. جنگ های متعدد او باصلیبی ها برخاسته از روح سلحشوری و علاقه فراوان وی به «قُدس» بود. تنها او بود که توانست بیت المقدس را با تلاش فراوان دوباره از تصرّف مسیحیان و متجاوزان در آورد و به دامان اسلام بازگرداند. «(۲)»

قبر او در «مدرسه عزیزیه» و پشت جامع اموی؛ یعنی حدود بیست متری درِ شـمالی جامع و سمت چپ کسی است که از مسجد خارج می شود. مدرسه عزیزیه اکنون فقط محل مقبرهصلاح الدین است.

درصـحن حیاط مدرسه، قبر سه شـهید از دوره عثمانی ها است و پس از آن حجره ای قرار دارد که بر فراز آن گنبدی با رنگ قرمز ساخته انـد. در وسط این حجره قبرصـلاح الـدین ایوبی واقع است. سـنگ قبر بزرگی داشـته که با پارچه ای سبز پوشانیده شده و بر بالای آن نیز سرپوش و یا عمامه ای به رنگ سبز قرار داده اند.

تصویر شماره ۲۶

### ۵. ملک عادل ایّوبی (۵۳۴– ۶۱۶ ق.)

ملـک عـادل ابـوبکر بن ایّوب، برادر سلطانصـلاح الـدین ایوبی، در بعلبـک به دنیـا آمـد. وی دو سـال از برادرشصـلاح الـدین کوچکتر بود. ابتدا به همراه پدر و برادرش در خدمت نورالدین زنگی شهید وارد شد و در جنگ هایصلیبی همراه برادرش

---

۱- . برای آگاهی بیشتر از شـرح زنـدگانی وی، نک: زبیـدی، ترویج القلوب فی ذکر الملوک بنی ایوب، تحقیق صـلاح الدین المنجد، بیروت، دارالکتاب الجدید ۱۹۸۳ م.

۲- صلاح الدینصفدی، تحفه ذوی الالباب، ج ۲،صص ۹۲- ۸۰

صلاـح الـدین شـرکت کرد. ملک عـادل پس از برادر بر مسـند حکومت نشـست. وی از کرج تا همـدان، جزیره، شام، مصـر، حجاز، یمن و حضـرموت حکم می رانـد. فردی بردبار، مجاهـد،صابر و آمر به معروف و ناهی از منکر بود. در قلب مردم جای داشت و به انصاف و عدالت حکومت می کرد. «(۱)» ملک عادل را پس از مرگ، ابتدا در قلعه دمشق مدفون ساختند و سپس به داخـل مـدرسه ای که خود ساخته بود منتقل کردنـد؛ یعنی مـدرسه عادلیه که در سـمت شـمال غربی جامع اموی و در شارع کلاسه، مقابل مـدرسه ظاهریه است. در داخل مدرسه و در راهروی ورودی سـمت چپ، حجره ای است که قبر ملک عادل در وسط آن واقع شده و این بقعه در حال ترمیم است. وی در دمشق آثار و بناهای تاریخی فراوانی از خود بر جای گذاشته است.

### ۶. نورالدّین محمود زنگی شهید (۵۱۱– ۵۶۰ ق)

سلطـان نورالـدین محمـود بن ابی سـعید زنگی بن سـیف الـدین، از سـلحشوران و مجاهـدان اسـلامی است که فـداکاری هـا و مجاهـدت های فراوانی از خود در تاریـخِ جنگ هایصـلیبی به ثبت رسانیـده است. وی پس از مرگ پدر، به ولایت شام رسـید «(۲)» و نخستین کسـی است که در دمشق دارالحدیث ساخت و اکنون نیز دارالحدیث نوریه، پابرجاست. در امور خیریه و بنای مدارس، مساجد و نشر علم و مذهب اهل سنت کوشا بود. او قناعت می ورزید و کمتر می خورد و می آشامید. از غنایم جنگ استفاده نمی کرد و آن راصدقه می داد و خرید و فروش شراب را در سرتاسر قلمرو خود ممنوع کرده بود.

قلعه هایی در حلب، حمص، حماه و بیمارسـتانی در دمشق ساخت و آن را وقف مسـلمین کرد. نورالدین را پس از شهادت، در مـدرسه خود مدفون ساختند. «(۳)» مـدرسه نوریه که از بناهـای او به سـال ۵۵۶ قمری است، در بـازار خیـاطین سـابق و «سوق العصرونیه» کنونی در سمت چپ انتهای بازار حمیدیه قرار دارد. مدفن وی در سمت چپ راهروی

---

۱– نعیمی، همان کتاب، ج ۲،ص ۲۰۸؛ همچنین نک: زبیدی، ترویج القلوب فی ذکر الملوک بنی ایوب.

۲– صلاح الدین الصفدی، تحفه ذوی الألباب، ج ۲،ص ۷۲

۳– ابن حورانی، زیارات الشام،ص ۲۶

مدرسه است که حجره ای کوچک؛ محراب و گنبدی دارد و پنجره ای از این مقبره به بازار باز کرده اند که مردم آن را از بیرون زیارت می کنند. در کرامات وی مطالبی گفته شده و بعضی او را مستجاب الدعوه دانسته اند.

### ۷. ملک ظاهر بَیبَرْس (ف. م. ۶۷۶ ق.)

ملک ظاهر بیبرس بَنْدُقْداری، از سلاطین ممالیک است. «(۱)» او از سلاطینِ پرکار در زمینه ساختِ بناها و مساجد و آثار اسلامی در شام و دمشق است. بناهای فراوانی به نام او ثبت شده است. یکی از آن ها مدرسه ظاهریه است که خودش را نیز در آن به خاک سپرده اند. این مدرسه مقابل مدرسه عادلیه- در شمال غربی جامع اموی- در شارع کلاسه است که قبر او در راهروی ورودی مدرسه- در سمت راست- داخل حجره بزرگی است.

این مقبره دارای محراب بوده و گنبدی نیز بر فراز آن قرار دارد.

### ۸. ملک اشرف موسی (ت. ۵۷۶ ق.)

ملک اشرف موسی، پسر ملک عادل ایوبی، جوانی خود را در بیت المقدس گذرانید و آنگاه در جنگ هایصلیبی، در خدمت پدر و عمویشصلاح الدین حضور یافت و نقش مهمی ایفا کرد. «(۲)» وی برای شافعی ها مدرسه ای بنا کرد و خود نیز در فقه شافعی و حدیث،صاحب نظر بود.

مدرسه معروف «دارالحدیث الأشرفیه» از بناهای اوست که خود در آن به خاک سپرده شده است. «(۳)» دارالحدیث الأشرفیه در سمت غرب جامع اموی و نزدیک قلعه دمشق است.

### ۹. سیف الدین جقمق (م. ۸۲۴ ق.)

امیر سیف الدین جقمق از والیان دوره ممالیک دمشق «(۴)» و بانی مدرسه ای به نام

---

۱- صلاح الدین الصفدی، همان کتاب، ج ۲۰،صص ۲۴۶- ۲۴۴

۲- صلاح الدینصفدی، همان کتاب، ج ۲،صص ۱۲۹- ۱۲۳

۳- نعیمی، همان کتاب، ج ۲،ص ۲۲۴

۴- صلاح الدینصفدی، همان کتاب، ج ۲،صص ۲۰۰- ۱۹۵

جقمقیه است. این مـدرسه که مـدفن او نیز هست، در پایـان کوچه ای است که درِ شـمالی جامع اموی به سوی آن گشوده می شود.

### ۱۰. درویش پاشا

یکی از والیان معروف دوره عثمانی در دمشق است که در ۹۷۹ ق. در این شهر به حکومت رسید. وی در کنار جامع درویشیه، که ساخته خود بود، به خاک سپرده شد.

مقبره وی در کنار خیابان درویشیه و حدود یکصد متر بالاتر از مدخل بازار حمیدیه است که دارای قبه و دیواری هشت ضلعی است.

### ۱۱. شاهنشاه بن ایّوب (م. ۵۳۴ ق.)

وی برادرصـلاح الدین و یکی از امرای بزرگ ایوبی بود، که در یکی از جنگ های مسـلمانان با رومی ها شـهید شد. مقبره او در کنـار مـدرسه شـامیه قرار دارد. این مـدرسه در پایـان خیابـان یوسف العظمه، کنـار پـل هوایی است و هتل های محل اقامت زائران ایرانی نیز معمولًا در نزدیکی آن قرار دارد. آرامگاه او در کنارِ مدرسه و بهصورت مستقل با گنبدی قرمز رنگ است که قبر او نیز از داخل خیابان دیده می شود.

### ۱۲. تورانشاه بن ایّوب (م. ۵۷۶ ق.)

وی یکی دیگر از برادرانصـلاح الـدین ایوبی و از والیان دمشق و قاهره بود. «(۱)» آرامگـاه او که جنب مقبره شاهنشاه بن ایوب برادرش و در کنار مدرسه شامیه قرار دارد، دارای گنبدی به رنگ قرمز است.

### ۱۳. اسدالدین محمد شیره کوه

وی شوهر خواهرصـلاح الـدین ایوبی است که از طرف او به اسـتانداری حمص گماشـته شـد. او کنـار تورانشـاه و شاهنشاه بن ایوب و در مجاورت مدرسه شامیه

---

۱- پیشین، ج ۲،صص ۹۷- ۹۵

مدفون است. «(۱)»

## ۹- سایر آثار تاریخی دمشق

### الف) ابواب تاریخی دمشق

#### اشاره

در قرون و ازمنه بسیار دور، شهرهایی که موقعیت خاص نظامی و جغرافیایی داشتند، به وسیله دیوارهایی، که گرداگرد آن کشیده شده بود، حفاظت می شدند. از آنجا که دمشق همواره در معرض هجوم ها و تاخت و تازهای پی در پی بود، گرداگرد آن، دو حصار کشیده بودند. ارتفاع دیوار اوّل حدود یک متر و نیم و ارتفاع دیوار دوم نزدیک به دو متر و در فاصله هفت متری دیوار اول قرار داشته است.

برای استحکام و تقویت بیشترِ موضعِ دفاعی آن، خندقی میان آن دو حصار حفر کرده بودند. برای دیوارها، برج های دایره ای به ابعاد دو متر و نیم، برای نگهبانی ساخته شده بود و خندقی نیز در خارج دیوارها حفر و به این وسیله شهر به سختی و شدّت محافظت می گردید.

حاکمان ممالیک دیوارهای یاد شده را ساختند تا در مقابل تیمور لنگ نقش مهمی در حفاظت از شهر ایفا کند و در نتیجه، وی ناگزیر شد با خدعه و فریب وارد شهر شود. «(۲)» در این دوران شهر به شکل مستطیل بود که از شرق به غرب آن؛ یعنی از باب الجابیه تا باب الشرقی ۱۵۰۰ متر و از شمال تا جنوب آن؛ یعنی از باب الفرادیس تا باب الصغیر

---

۱- ابی یعلی حمزه ابن قلانسی، ذیل تاریخ دمشقص ۳۱۶؛صلاح الدین الصفدی، همان کتاب، ج ۲،ص ۷۹

۲- اکرم العلبی، دمشق بین عصر ممالیک و عثمانیص ۴۹؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهره فی ملوک المصر و القاهره، ج ۱۲،ص ۲۳۸

حدود ۷۵۰ متر مساحت داشت. چون این ابعاد با دیوار به طور کامل محصور گشته بود؛ لذا برای ورود و خروج مردم ابواب و درهایی قرار داده بودند. قسمت هایی از این دیوارها در دوره رومی ها ساخته شده و ابواب آن نیز متعلّق به آن دوران بود که تا کنون نیز باقی مانده و قسمت هایی از آن نیز به دوران های اسلامی تعلّق دارد. ابواب اصلی شهر عبارت اند از:

### ۱. باب توما:

این دروازه در سمت شمال شرقی شهر واقع شده و از بناهای دوران رومی ها است.

باب توما را به یکی از سرداران رومی، به نام «توما» نسبت می دهند که از قریه «دومه» یا «دوما» بود. «(۱)» باب توما در دوره اسلامی نیز پا برجا؛ و در قرن ششم هجری به وسیله ایّوبی ها تعمیر و تجدید بنا شد؛ سپس امیر تنکز از ممالیک، دوباره آن را مرمّت کرد. «(۲)» این اثر اکنون پس از چند هزار سال، همچنان در وسط میدان باب توما، در خیابانی به همین نام قرار دارد. قسمتی از دیوار شهر در فاصله اندکی با این دروازه دیده می شود. بر بالای این دروازه، کتیبه ای وجود دارد که متعلق به دوران ایوبی است. محله باب توما سکونتگاه مسیحیان است و بیشتر ساختمان های آن را در دوران تسلّط فرانسوی ها (۱۹۲۰- ۱۹۴۵ م.) ساخته اند.

تصویر شماره ۲۷

### ۲. باب شرقی:

یکی دیگر از ابواب اصلی بازمانده از دوران رومی ها است که در سمت شرق شهر قرار دارد و دارای سه دهانه است. «(۳)» دهانه بزرگ در وسط و دو دهانه کوچک نیز در دو طرف آن واقع شده است. «باب شرقی» در نزدیکی باب توما بوده و دارای یک مناره و دیواره ای بزرگ است که تا میدان مجاور نیز کشیده شده است. این منطقه نیز همانند باب

---

۱- محمد کرد علی، غوطه دمشق،ص ۱۶۶

۲- قتیبه شهابی، اسواق دمشق،ص ۲۸۴ تعمیر این دروازه در دوران امیر تنکر به سال ۱۲۲۷ میلادی انجام شده است.

۳- جان سوفاجیه، الآثار التاریخیه فی دمشق، تعریب اکرم حسن العلبی،ص ۱۶

توما مسیحی نشین است و چند کلیسا نیز در آن قرار دارد.

تصویر شماره ۲۸

### ۳. باب الفرادیس:

از دیگر دروازه های اصلی است که در سمت شمال دمشق قرار دارد و به باب العماره نیز معروف است. «باب الفرادیس» در کنار حرم حضرت رقیه (شمال غربی) و در مدخل سوق «العماره» است. دیوارهای سنگی این دروازه به سختی قابل دیدن است؛ زیرا در داخل بازار و دکان ها محو شده است. این دروازه نیز به دوره رومی ها تعلّق داشته و در دوره ملک عادل ایوبی (۶۱۳ ه.) ترمیم و بازسازی شده است. «(۱)» قابل گفتن است که «فرادیس» در زبان عربی به معنای بساتین و باغ ها است. بر بالای آن کتیبه ای به خط نسخ کوفی و مربوط به قرن هفتم هجری دیده می شود که از سلطان ملک عادل ایوبی است ولی بیشتر خطوط آن ناخوانا است و از بین رفته اند. در سمت چپ آن نیز بر روی در کوچکی کتیبه دیگری از قرن هفتم وجود دارد.

### ۴. باب الصغیر:

این دروازه چون از سایر ابواب دمشق کوچک تر بوده به «باب الصغیر» معروف گشته است. «(۲)» باب الصغیر در جنوب شهر قدیم دمشق واقع شده و از آثار دوران رومی ها است که به وسیله نورالدین شهید در قرن دوازدهم میلادی تجدید بنا شده است. «(۳)» قبرستان باب الصغیر نیز در نزدیکی آن است.

### ۵. باب السلام:

در شمال دمشق و حدود پانصد متر پایین تر از «باب توما» یعنی انتهای دیواره شمال غربی آن قرار دارد و در جوار نهری کوچک است. این دروازه به وسیله «ملکصالح

---

۱- قیتبه شهابی، اسواق دمشق،ص ۳۱۴

۲- اکرم العلبی، دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی،ص ۵۰، مقبره باب الصغیر در مبحث دیگر تشریح خواهد شد.

۳- جان سوفاجیه، الآثار التاریخیه فی دمشق،ص ۱۷

نجم الدين ايوب» در ۶۴۱ ق. ترميم شده است. باب السلام نيز يكى از ابواب اصلى دمشق در دوره رومى ها بوده است.

### ۶. باب الفرج:

كمى پايين تر از باب الفراديس (در شمال شهر) و در داخل بازار «المناخليه» قرار دارد. از اين دروازه، به جامع اموى و همچنين حرم حضرت رقيه راه است. «باب الفرج» در دوران اسلامى و به وسيله نورالدين زنگى شهيد بنا شده است. اين نام بدين علت بود كه ساكنان شهر با گشودن آن در مقابل دشمن فرجى يافتند. «(۱)»

### ۷. باب كيسان:

اين دروازه در جنوب شرقى شهر و در غرب باب شرقى بود كه در بسيارى مواقع آن را مى بستند. مقبره اى نيز به همين نام در كنار آن قرار دارد. البته اين باب تخريب شده و كنيسه قديس پطرس را در جاى آن ساخته اند. «(۲)»

### ۸. باب الجناز:

در غرب دمشق قرار داشت و به باب النصر و باب دارالسعاده نيز معروف بود. كه اكنون اثرى از آن نيست.

### ۹. باب الحديد:

اين دروازه مخصوص قلعه دمشق است كه آن را از آهن خالص ساخته اند و لذا نام «باب الحديد» بر خود گرفت.

### ۱۰. باب الجابيه:

آين دروازه همانند باب شرقى سه دهانه دارد كه در گذشته دوتاى آن بسته

---

۱- اكرم العلبى، همان كتاب،ص ۵۰

۲- جان سوفاجيه، همان كتاب،ص ۵۹

می شد. «(۱)» باب الجابیه در غرب شهر قرار دارد و به شارع مستقیم (بازار مدحت پاشا) متصل است.

هنگامی که لشکر ابراهیم پاشا خواست شهر را بگشاید، به علت وجود دیوارها و درهای مذکور، با مشکلات جدّی روبه رو شد. وی تنها زمانی توانست به شهر راه یابد که مردم شهر کلیدهای درهای دمشق را به او دادند. دیواری که شهر را محصور ساخته بود از غرب به شرق، به موازات جنوب «قلعه» و «بازار الاروم» کشیده شده و سپس از سمت شمال تا «باب السلام» و از آن جا به «باب توما» و در شرق تا «باب الشرقی» امتداد می یافت. در این دوران؛ یعنی پس از تسلّط ابراهیم پاشای مصری (قرن سیزدهم) قسمت های جنوبی و غربی دیوار از بین رفت و حتی اهمیت سیاسی- نظامی خود را نیز از دست داد. «(۲)»

## ب) بازارهای تاریخی و مشهور دمشق

### اشاره

از آنجا که دمشق در قبل و بعد از اسلام یکی از مراکز تجاری و اقتصادی مهم بوده، همه ساله بسیاری از تجّار و کاروان های تجارتی از شبه جزیره و سایر نقاط مجاور به آنجا می آمدند و در بازارهای مختلف آن به خرید و فروش و تجارت می پرداختند. در دوران جاهلیت، سفرهای تجارتی قریش از مکه به شام و به ویژه سفرهای تجارتی پیامبرصلی الله علیه و آله در دوران جوانی- که با اموال حضرت خدیجه به سوی این سرزمین آمده بودند- مشهور است و در قرآن کریم به این امر اشاره شده است: لِإِيلافِ قُرَيْشٍ إِيلافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتاءِ وَ الصَّيْفِ.

ایوبی ها و ممالیک (قرن ششم و هفتم هجری) حدود ۱۴۰ بازار (بازارچه) در

---

۱- پیشین، همان جا.

۲- یوسف جمیل نعیسه، همان کتاب، ج ۱،صص ۷۷ و ۷۸؛ همچنین نک: جان سوفاجیه، همان کتاب،صص ۱۶، ۵۷ و ۵۹

دمشق ساختند که هریک مخصوص حرفه ای خاص بود و بسیاری از آن ها با تغییرات و بازسازی هایی همچنان موجود است.» (۱)

در این بخش، به چند بازار تاریخی دمشق اشاره می شود که اکنون از شهرت و معروفیت ویژه برخوردار هستند:

### ۱. بازار حمیدیه

از مشهورترین و بزرگترین بازارهای دمشق «سوق الحمیدیه» است. پیشینه آن به طور دقیق مشخص نیست لیکن مسلم است این بازار، به نام سلطان عبدالحمید عثمانی معروف است که او آن را بازسازی کرده است و در دوران های مختلف نیز تعمیرات و بازسازی هایی بر آن انجام شده است.

بیشترین سهم در ترمیم و بازسازی آن، به محمد پاشا بن مصطفی العظم، والی عثمانی اختصاص دارد که در ۱۱۸۵ ق. در دمشق حکومت می کرد. او بازار را از نزدیک خانه خود در کنار مدرسه احمدیه؛ یعنی در اواسط سوق الحمیدیه به سال ۱۱۹۵ هجری گسترش داد و به طور کامل از نو بازسازی کرد. تعداد دکان های آن به ۱۲۰ باب می رسید.

رشدی پاشا نیز در ۱۳۲۳ ق. تعمیراتی بر آن انجام داد. در ۱۳۲۹ و ۱۳۳۸ ق. این بازار در آتش سوخت و محله های بسیاری را در خود فرو برد که تا ۱۴۰۹ ق. همواره تعمیر و مرمّت می شد. «(۲)»

در داخل سوق الحمیدیه «خانقاه» یا «مدرسه احمدیه» قرار داشت که بعدها «جامع الحمیدیه» در مکان آن ساخته شد و امروزه در همان بازار موجود است. طول بازار ششصد متر و عرض آن پانزده متر است که از شارع حمیدیه و کنار قلعه دمشق آغاز و تا درِ غربی جامع اموی امتداد می یابد. امروزه بقایای ستون های معبد ژوپیتر از دوران روم، در انتهای بازار حمیدیه دیده می شود.

---

۱- اکرم العلبی، دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی،ص ۲۵۱؛ یوسف جمیل نعیسه، مجتمع مدینه دمشق، ج ۱،صص ۱۱۵- ۹۸

۲- اکرم العلبی، دمشق،صص ۴۵۹ و ۴۶۰؛ قیتبه شهابی، اسواق دمشق،ص ۶۲

ص: ۱۲۷

تصویر شماره ۲۹

### ۲. بازار مدحت پاشا

یکی دیگر از بازارهای بزرگ و مشهور کنونی دمشق «سوق مـدحت پاشا» است. این بازار جزو قسمت غربی «شارع مستقیم» است که در عهد رومی ها ساخته شده و در میان مردم دمشق به «سوق الطویل» یا «الطویله» معروف است.

بـازار مـدحت پاشا از غرب به شرق، بین شارع «درویشیه» و «سوق البزوریه» امتداد یافته و از سمت جنوب موازی «سوق الحمیدیه» است. در عصر ممالیک به نام «سوق الجقمق» برگرفته از نام نایب شام امیر سیف الدین جقمق (متوفای ۸۲۲ ه) مشهور بوده است.

مـدحت پاشا، والی عثمانی دمشق (۱۲۹۵ ق.) این بازار را گسترش داد و از این رو به «سوق مـدحت پاشا» تغییر نام یافت. این بازار نیز یک بار دچار آتش سوزی شد ولی باردیگر ترمیم گردید. «(۱)» از بناهای تاریخی در آن می توان به: ۱. جامع هشام ۲. مناره ۳.

خان الدکه ۴. خان الزیت ۵. خان جقمق ۶. خان سلیمان پاشا اشاره کرد که در دوران عثمانی ساخته انـد. گفتنی است مدخل سوق مدحت پاشا، کمی بالاتر از آغاز سوق الحمیدیه است و قسمتی از بازار در داخل شارع المستقیم قرار می گیرد و انتهای آن نیز به نزدیکی باب شرقی می رسد.

### ۳. بازار درویشیه

این بازار میان دو مدخل غربیِ بازار حمیدیه و بازار مدحت پاشا قرار دارد. پیشینه آن، همانند بازار مدحت پاشا به دوران ایوبی ها می رسد، که البته توسط «درویش پاشا» والی عثمانی دمشق تجدید بنا و بازسازی شده است. در این بازار بناهای زیر قرار دارد: ۱.

جامع درویش پاشا ۲. جامع خراطین یا مدرسه سیبائیه ۳. جامع سیبائیه ۴. مرقد درویش پاشا. گفتنی است بازار درویشیه پیاده روهای دو طرف خیابان هستند. «(۲)»

---

۱- قتیبه شهابی، همان کتاب،ص ۲۴۶

۲- پیشین،ص ۳۵۴

### ۴. سوق العماره: بازار نطافین

این بـازار نزدیـک مقـام و مرقـد حضـرت رقیّه و در مـدخل جنوبی آن قرار دارد و از داخل خیابان ملک فیصل آغاز می شود. سابقه تاریخی سوق العماره شایـد به قبل از دوران ممالیک برسد. «(۱)» آثار تاریخی که در آن وجود دارند: ۱. باب الفرادیس (یکی از دروازه های اصلی شهر قدیمی دمشق) ۲. مرقد حضرت رقیه علیها السلام ۳. مسجد السادات ۴.

جامع العمریه ۵. جامع النطافین.

## ج) قصرهای تاریخی

### اشاره

در دوره هـای مختلف، قصـرهای فراوانی در دمشق ساخته شـده که بعضـی از آن ها در طول زمان رو به تخریب و ویرانی رفته است. قدیمی ترین و مشـهورترین قصرهای دمشق، «قصر الخضراء» (قصر الأموی) است که دارالاماره معاویه و سپس یزید بوده است. عباسـیان این قصر را، که در سمت قبله جامع اموی و به دیوار آن متصل بوده، تخریب کردند که امروزه مکان آن تبدیل به بازار شده است. «(۲)» از این قصـر، در دیوار قبله جامع، دری گشوده می شده که «باب الحدید» نام داشـته و معاویه از قصـر خود به داخل مسـجد و محراب وارد می شده است. بقایای قصـر خضـراء در حریق مسـجد اموی سوخت و از میان رفت. قصـر معروف دیگر؛ مانند قصر عاتکه دختر یزید و همسر عبدالملک نیز از بین رفته است. قصرهای موجود دمشق عبارت اند از:

### ۱. قصر العظم: قصر اسعد پاشا

این قصـر که ابتدا خانه «امیر تنکز»، از امیران ممالیک دمشق در قرن هشتم بوده، در ۱۱۶۳ هجری توسط «امیر اسعد پاشا العظم» والی عثمـانی دمشق «(۳)» سـاخته شـده و بنای آن در ۱۱۷۴ ق. پایان پـذیرفته است. قصـر اسـعد پاشا بر قسـمتی از معبد ژوپیتر رومی واقع و به

---

۱- پیشین،ص ۳۱۰

۲- ابن بطوطه، الرحله،ص ۶۵؛ جان سوفاجیه، الآثار التاریخیه فی دمشقص ۱۰۸

۳- برای آگاهی بیشتر، از حکمرانی اسـعد پاشا در دمشق نک: به احمـد البدیری و سـعید القاسـمی، حوادث دمشق الیومیه،ص ۸۵ به بعد.

احتمال زیاد قسمتی از قصر معاویه؛ یعنی قصر الخضراء را نیز در برمی گرفته است. «(۱)» این قصر در ۱۹۲۵ میلادی دچار آتش سوزی شد و بار دیگر بازسازی گردید. مکان آن در سوق البزوریه (در جنوب جامع اموی) است. امروزه این قصر را، که یکی از زیباترین قصرهای موجود دمشق است. به موزه ملّی تبدیل کرده اند. قصر العظم حیاطی بسیار بزرگ با ۳۶ اتاق دارد که اکنون هر کدام بخشی از موزه های مردم شناسی، سلاح و البسه و ... را تشکیل می دهند.

تصویر شماره ۳۰

### ۲. قصر الأبلق

در تکیه سلیمانیه کنونی است و برای ضیافت میهمانان و مأمورین کشورهای دیگر ساخته شده است. این قصر را که ملک ظاهر بیبرس ساخته بود، به دستور امیر تیمور لنگ تخریب کردند. «(۲)» سپس سلطان سلیمان قانونی بر مخروبه آن «تکیه سلیمانیه» کنونی را ساخت. گفتنی است قصر الأبلق نیز بر مکان قصر دارالاماره فاطمی ها ساخته شده بود.

## د) – تکایا

### ۱. تکیه سلیمانیه

این تکیه به فرمان سلطان سلیمان قانونی، در ۹۶۶ قمری به جای قصر ابلق ساخته شد که در دوره تیمور لنگ تخریب گشته بود. «(۳)» این تکیه از دو عمارت غربی و شرقی ساخته شده و در بنای آن از معماری اسلامی، رومی بهره برده شده است.

تکیه مذکور که نبش خیابان اصلی دمشق پس از پل روگذر اصلی یوسف العظمه قرار دارد، سه در اصلی و چندین گنبد کوچک و بزرگ دارد. قسمت مسقف داخلی آن، به وسیله ستون هایی از سنگ برپاست و گنبدی بزرگ نیز بر فراز آن است. دو مناره نیز در

---

۱- قتیبه شهابی، اسواق دمشقص ۲۴۱؛ یوسف نعیسه مجتمع مدینه دمشق، ج ۲،ص ۵۰۴

۲- نصرالدین البحره، دمشق الاسرارصص ۱۶۸- ۱۶۵

۳- یوسف نعیسه، همان کتاب، ج ۱،ص ۱۶۰

سمت شرقی و غربی آن ساخته اند.

تکیه سلیمانیه در زلزله دمشق ویران شد و در ۱۱۵۹ قمری ترمیم گردید که از آن هنگام، سربازان عثمانی در آن ساکن می شدند. اکنون نیز به عنوان موزه نظامی و یک اثر تاریخی زیبا برای بازدید سیاحان است.

تصویر شماره ۳۱

### ۲. تکیه سلیمیه

به فرمان سلطان سلیم عثمانی در «صالحیه» ساخته شد که در ذکر آثار تاریخیصالحیه به آن خواهیم پرداخت. «(۱)»

### ۳. تکیه شمس احمد پاشا

سلطان سلیمان شمس احمد پاشا، والی عثمانی دمشق، آن را در پشت قلعه دمشق- سمت جنوب آن- و کنار خندق ساخته است. در داخل این تکیه حجره هایی برایصوفیه قرار دارد. «(۲)»

### ۴. تکیه مولویه

در ۹۹۳ قمری برای «فرقه مولویه»، که به جلال الدین رومی صاحب مثنوی منسوب بودند، ساخته شد. این مولوی خانه، در غرب جامع و دارالقرآن تنکز واقع است. «(۳)»

گفتنی است به علت کثرتصوفیه در داخل دمشق، تکیه ها و خانقاه های مربوط به فرقه ها، فراوان است که برخی از آنها هنوز پابرجا مانده است.

### ه) قلعه تاریخی، نظامی دمشق

از آنجا که شهر دمشق در طول تاریخ حیات خود، از موقعیّت خاص نظامی و

---

۱- نک:ص ۱۴۹ از کتاب حاضر.

۲- یوسف نعیسه، همان کتاب، ج ۱،ص ۱۶۲

۳- پیشین، همان جا.

سوق الجیشی برخوردار بوده، بنای قلعه ای مستحکم برای حفاظت و امنیت آن و استقرار فرماندهی نظامی جنگ ها، به ویژه هنگام جنگ هایصلیبی، امری ضروری بوده است.

این قلعه در دوران رومی ها ساخته شده و برای محافظت از شهر، حالت دژ مانندی داشته است. قلعه دمشق تنها در دوران سلاجقه (قرن پنجم) بهصورت یک قلعه کامل و پایگاهی نظامی در آمده است.

این قلعه در دورانصلاح الدین ایوبی- به سال ۵۷۰ هجری- پایگاه نظامی وی در جنگ هایصلیبی بود، لذا وی به امر توسعه آن همت گماشت. «(۱)» قلعه یاد شده، در ۶۱۰ هجری. نیز به وسیله ملک عادل- برادرش- توسعه یافت. وی که از رزمندگان و فرماندهان بزرگ سپاه اسلام در نبرد باصلیبی ها بود، این قلعه را وسعت بسیار بخشید و حتی به احداث کارخانه سلاح سازی، ضرب سکه، بیت المال، زندان، حمام، مسجد و بازاری در آن پرداخت و در حقیقت آن را به یک شهر کوچک نظامی تبدیل کرد.

قلعه دمشق که بهصورت مستطیل و دارای ابعاد ۲۲۰* ۱۶۰ متر است، به وسیله خندقی که اطراف آن حفر شده بود محافظت می شد. چهار برج دیده بانی مرتفع نیز در اطراف آن قرار داشت. عمق خندق یکصد ذرع (برابر با پنجاه متر) و مملو از آب بود.

بر درِ اصلی قلعه و روی خندق، پلی متحرک ساختند که هنگام ورود یا خروج افراد، باز و بسته می شد.

در این قلعه، براحتی حدود بیست هزار مرد جنگی با اسبان خویش جای می گرفتند.

قلعه، دری به نام «باب السرّ» داشته است که مخفی بود و به وسیله پلی که از چوب بر روی خندق نهاده می شد- می توانستند به آن راه یابند. «(۲)» در کنار قلعه دمشق بازاری به نام «الخیل» قرار داشت که در آن نیروهای نظامی به تعمیر سلاح و رسیدگی به اسب های خود می پرداختند.

قلعه دمشق در هجوم تیمور لنگ دچار حریق و ویرانی گردید و دوباره بازسازی

---

۱- ابن کثیر، همان کتاب، ج ۱۳،ص ۳۲۶

۲- اکرم العلبی، دمشق بین العصر الممالیك و العثمانیین،صص ۵۲ و ۵۳

شد. «(۱)» قلعه مذکور اکنون در کنار بازار و میدان حمیدیه، جلوه ای تاریخی و نظامی به شهر بخشیده است. دیواره های آن از سنگ های بزرگ است و هنوز برج های آن در هر چهار سمت سالم بر جای مانده است. بر دیوار پشت قلعه که از طرف جامع اموی به آن راه است، دو کتیبه به خط نسخ و کوفی دیده می شود که از ترمیم و تجدید بنای آن در دوره ملک عادل یاد می کند. قلعه در دهه گذشته پایگاه پلیس بوده ولی اکنون پس از تعمیر به موزه ای نظامی تبدیل شده است.

تصویر شماره ۳۲

## و) حمام های تاریخی

### اشاره

نظافت و حفظ بهداشت، همواره میان مسلمانان جایگاه و اهمیت ویژه ای داشته است. یکی از افتخارات دین اسلام این است که ملتهای مسلمان در قرون مختلف اسلامی از نظیف ترین و بهداشتی ترین ملتها محسوب می شده اند. در قرون وسطی که کشورهای غربی وصاحب تمدنِ امروزین از نظافت و بهداشت چیزی نمی دانستند، در سراسر کشورهای اسلامی، برای حفظ بهداشت و سلامت مردم حمام هایی وجود داشته است. معرفی و بررسی تاریخی این حمام ها می توانند بیانگر این سابقه تمدنی باشد.

سرزمین شام و بویژه شهر دمشق به عنوان یکی از مناطق اسلامی، از همان آغاز ورود اسلام و نیز در قرون چهارم و پنجم هجری دارای حمام های فراوانی بوده است. به طوری که العلبی می نویسد: «در اوایل عصر ممالیک (قرن پنجم و ششم) در دمشق حدود ۸۵ باب حمام وجود داشته و در اواخر آن عصر به دهها برابر رسیده که هنوز آمار کاملی از آنها به دست نیامده است «(۲)».

این حمام ها نیمی از روز مخصوص زنان ونیمی دیگر مخصوص مردان بوده است.

امروزه بعضی از آنها موجود و مورد استفاده هستند که به دو باب از معروف ترین

---

۱- جال سوفاجیه، همان کتاب،صص ۶۴- ۵۸

۲- . اکرم العلبی، همان کتاب،ص ۱۱۸

آنها اشاره می گردد.

### ۱. حمام نورالدین شهید

این حمـام در «سوق البزوریه»- در جنوب جـامع اموی و نزدیکی قصـر العظم- توسـط سـلطان نورالـدّین محمود زنگی در سال ۵۶۵ هجری ساخته شده است «(۱)». حمام نورالدّین پس از اینکه چند قرن مورد استفاده بود، تعطیل و دوباره در ۱۴۰۰ هجری بازسازی شد.

اکنون روزانهصدها نفر از این حمام که بسیار زیبا بازسازی شده استفاده می کنند.

بر در ورودی حمام، نام ملک نورالـدین شـهید و سال احداث و بازسازی آن دیده می شود. داخل آن دو ایوان شـرقی غربی و دوش هایی وجود دارد. این حمام به رغم تجدیـد بنا و تعمیراتی که در آن انجام شـده، معماری قـدیمی و سـنتی خود را حفظ کرده است.

تصویر شماره ۳۳

### ۲. حمام ظاهریه

در کنار مدرسه «ظاهریه»- در سمت شمال غربی جامع اموی- یعنی در شارع کلاسه، که از حرم حضرت رقیه نیز بدان راه دارد ملک ظاهر بیبرس در قرن ششم حمامی ساخته است «(۲)» که پس از بازسازی همچنان مورد استفاده اهالی است.

## ز) بیمارستان های تاریخی دمشق

### اشاره

در قرون چهـارم و پنجم هجری- در بسـیاری از سـرزمین هـای اسـلامی از جمله شام، علم پزشـکی هماننـد سایر علوم اسـلامی پیشـرفت قابـل ملاحظه ای کرد. اطِبّا و حکیمان اسـلامی در نقاط مختلف این سـرزمین به طبابت و تـدریس علوم پزشـکی می پرداخته و بـه علـت حمـایت حکـام و امرای دمشـق از آنـان، بسـیاری از اطبّـای بزرگ اسـلامی از جملـه ابن سـینا، ابن نفیس، دخواریه، نجم الدین لبودی را به سوی خود کشانیده است.

---

۱- اکرم العلبی، همان کتاب،ص ۵۳۶

۲- پیشین،ص ۵۳۲

برای نخستین بار در جهان اسلام، بیمارستان های تخصصی در دمشق ساخته شد.

بعضی از آنها مخصوص جذامی ها و بعضی مخصوص مسلولین و ... بوده است. نخستین کسی که در این شهر بیمارستان ساخت ولید بن عبدالملك بود در دوران های بعد نیز از جمله توسط نورالدین شهید و سیف الدین قیمری بیمارستانهایی ساخته شد. در کنار این بیمارستانها برای آموزش و تدریس علوم پزشکی، مدارس طبی نیز تاسیس شده و پزشکان به تدریس در آن می پرداختند. مشهورترین آنها که اکنون در دمشق باقی مانده اند عبارتند از:

### ۱. بیمارستان ولید بن عبدالملک

یکی از بیمارستان های بسیار قدیمی دمشق، بیمارستانی است که خلیفه ولید بن عبدالملك برای جذامی ها ساخت تا آنان را در این مکان نگهداری و از انتقال مرض جذام به سایر مردم جلوگیری کنند «(۱)». بنای مخروبه آن در محله «اعاطله»، نزدیک باب شرقی همچنان موجود است.

### ۲. بیمارستان نوریه

این بیمارستان نیز یکی از بیمارستان های قدیمی دمشق است که توسط نورالدین شهید در ۵۴۹ هجری ساخته شد. در آن مدرسه ای به نام «دینسریه» وجود داشته که علمای طب در آن جا به تدریس می پرداخته اند. از بزرگانی که نام آنان به عنوان استاد طب در این بیمارستان ذکر شده می توان به ابن سینا، پزشك و فیلسوف شهیر ایرانی و زهراوی اشاره داشت.

بیمارستان نوریه توسط «بدرالدین طبیب» در قرن هفتم توسعه یافت و تا سال ۱۳۱۷ هجری نیز از آن استفاده می شد ولی از آن تاریخ به موزه پزشکی تبدیل شده است «(۲)».

اکنون بیمارستان نوریه در غرب سوق الخیاطین و جنوب غربی مسجد اموی است

---

۱- احمد عیسی بک، تاریخ البیمارستانات فی الاسلام،ص ۲۰۳؛ یوسف جمیل نعیسه، همان کتاب، ج ۱،ص ۱۳۳

۲- همان،ص ۲۰۳؛ یوسف جمیل نعیسه، همان کتاب، ج ۱،ص ۱۳۳

که از داخل بازار حمیدیه نیز به آن راه است. کوچه ای که از بازار حمیدیه بدان منتهی می شود در سمت چپ کسی است که از جامع اموی وارد بازار می شود. بیمارستان در حدود یکصد متری این کوچه و در سمت چپ قرار دارد. گنبدی کوچک به رنگ قرمز و با ابعاد هندسی برفراز آن استوار است. داخل آنصحن بزرگ و دو ایوان و چند غرفه و حجره است که اکنون لوازم پزشکی و سیر پیشرفتهای پزشکی در طول تاریخ اسلام در این غرفه ها به نمایش گذاشته شده است.

تصویر شماره ۳۴

### ۳. بیمارستان قیمری

این بیمارستان توسط «سیف الدین قیمری» به سال ۶۵۳ هجری در محلهصالحیه ساخته شده است که در مبحث آثار تاریخیصالحیه شرح کاملی از آن ارائه خواهد شد.

### ۴. بیمارستان عسکری (نظامی)

این بیمارستان مخصوص نیروهای نظامی بوده که توسط «ابراهیم پاشای عثمانی» در ۱۸۳۱ م ساخته شده است. مکان آن در نزدیکی مقابرصوفیه در غرب دمشق است «(۱)».

### ۵. مدرسه پزشکی دخواریه

این مدرسه در نزدیکی قصر العظم- یعنی در سمت قبله و جنوب جامع اموی به فاصله یکصد متری- آن است که مهذب الدین عبدالرحیم بن علی بن حامد معروف به «الدخوار» به سال ۶۲۱ هجری ساخته است. دخواریه خود ازعلمای بزرگ طب در دمشق بود که به لقب «شیخ الاطباء» مفتخر گردیده است. ساختمان آن اکنون بلااستفاده است «(۲)».

### ۶. مدرسه الدینسریه

در داخل بیمارستان نوریه و سمت چپ درِ ورودی- جنوب بیمارستان-

---

۱- یوسف نعیسه، همان کتاب، ج ۱،ص ۱۳۳

۲- نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲،صص ۱۰۹- ۱۰۰؛ احمد عیسی بک، همان کتاب،ص ۴۵

«عمادالدین ابوعبداللّه دینسری» به سال ۶۸۶ هجری مدرسه ای ساخته است «(۱)» که اکنون مکان آن در داخل موزه پزشکی بیمارستان نوریه واقع شده است.

### ۷. مدرسه اللبودیه

به وسیله «نجم الدین اللبودی»- در ۶۶۴ هجری- در خارج از شهر قدیمی دمشق ساخته شده است. وی از اطبای حاذق دمشق بوده و قبر وی نیز در داخل آن قرار گرفته است. از این مدرسه متاسفانه جز قبر داخل آن چیزی نمانده است «(۲)».

## ح) آثار تاریخی مسیحیان

چنانکه در گذشته گفته شد تا قبل از ظهور اسلام، سرزمین شام- در قرن های متمادی- به رومیها متعلق و دین مسیحیت در آن جا رایج بود. به این لحاظ، مسیحیان از هر طایفه ای- برای انجام عبادات خویش- کلیساهایی ساخته و آثاری تاریخی از خود بر جای گذاشتند که تاکنون نیز بعضی از آنها باقی است. و برخی نیز به مسجد تبدیل شد قدیمی ترین آثار و اماکنی که اکنون از مسیحیان باقی است عبارتند از:

۱. قبر جرجس حواری

وی که یکی از حواریّون حضرت مسیح علیه السلام بود به فرار «بُولُس حواری» کمک کرد و خود نیز به خاطر این امر به قتل رسید. جرجس حواری را در پشت باب کیسان به فاصله ۳۶ متری آن مدفون ساختند «(۳)».

۲. کنیسه حوبریا الیاهو

در نیم فرسخی خارج دمشق قدیمصخره و یا غاری است که گویند «الیاس نبی» به هنگام فرار از ایزابل در آن مخفی شده است. بعدها کنیسه زیبایی به نام «جوبر یا الیاهو» به

---

۱- نعیمی، همان کتاب، ج ۲،صص ۱۰۹- ۱۰۰

۲- پیشین، همان جا، کردعلی، غوطه دمشق،ص ۱۲۸

۳- فارس دارقیو، وصف دمشق،صص ۹۸- ۹۲

جای آن ساختند. این کنیسه از قدیمی ترین کنایس دمشق است. در کنار آن نیز مسجدی به نام محمدصلی الله علیه و آله ساخته شده که تاریخ بنای آن به قرن اول هجری می رسد. «(۱)»

۳. کنیسه مریم عذراء

در نیم فرسخی مقام ابراهیم در «قریه برزه «(۲)»»- در شرق کوه قاسیون (صالحیه) ساخته شده است. اسم این محل قریه «صیدنایا» است که امروزه نیز به همان نام مشهور است «(۳)».

۴. کنیسه بولس حواری

این کنیسه که در مشرق دمشق، نزدیک مقبره مسیحیان و کنار «مدخل باب کیسان» است، در ۱۹۳۹ م توسط فرانسویها ترمیم و تجدید بنا شد «(۴)».

۵. کنیسه قدیس حنانیا

یکی دیگر از قدیمی ترین کنیسه های دمشق است که در ۱۹۲۱ میلادی آثار مخروبه آن در حفاری ها به دست آمده است. بر مکان این کلیسا- در دوران نورالدین زنگی- مسجدی ساخته شده بود. این کنیسه در «شارع مستقیم» قرار داشته است. «(۵)»

### ط) معبد ژوپیتر

این معبد به خدای رومیها یعنی «حَدَد» تعلق داشته است که آرامی ها آن را در هزاره اول قبل از میلاد ساخته اند و ابتدا معبد اله آرامی بوده است «(۶)». بعدها با تسلط رومیان، به پرستش اله آنان یعنی ژوپیتر اختصاص یافت.

---

۱- پیشین،صص ۵۹- ۵۶

۲- بنگرید:ص ۱۵۹ از کتاب حاضر.

۳- فارس دارقیو، همان جا.

۴- پیشین، همان جا.

۵- جان سوفاجیه، الآثار التاریخیه فی دمشق،ص ۲۳

۶- نک: جان سوفاجیه، همان کتاب،صص ۲۲- ۱۷؛ نصر الدین البحره، دمشق الاسرار،ص ۵۹

متأسفانه این اثر مهم تاریخی به مرور زمان از بین رفته و بخشی از آن در دوره رومیها به کنیسه بزرگ دمشق که بعدها نیمی از آن داخل جامع اموی شد تبدیل گشته است. اکنون بعضی از دیواره ها و ستون های سنگی آن که اغلب از بین رفته اند دیده می شوند. از جمله در پایان بازار حمیدیه و در پیرامون مسجد اموی. چنانکه از بقایای ستون های آن در باب شمالی مسجد اموی و باب غربی و شرقی آشکار است، این معبد دارای مساحتی بسیار زیاد بوده که شاید به دو برابر جامع اموی کنونی می رسیده است؛ زیرا قسمتهایی از این ستون ها در فاصله دویست متری و گاهی سیصد متری جامع اموی دیده می شود و قسمتهای دیگر آن نیز از طرفی به جامع اموی متصل است. مساحت آن را ۳۸۰ م* ۳۱۰ متر ذکر کرده اند.

درب اصلی و ورودی معبد به نظر می رسد در سمت پایان بازار حمیدیه بوده است؛ زیرا ستون های راهروی ورودی و سنگهای یک پارچه ای که به عنوان مدخل و سردر استفاده شده بخوبی حاکی از این امر و شباهت کامل به معبد بل در شهر تدمر سوریه دارد. بسیاری از قسمتهای باقی مانده دیوارها در بازارها و کوچه های اطراف از دید پنهان شده و به سختی می توان آنها را دید. در داخل محوطه، دیوار دیگری به طول ۱۵۶ متر و عرض ۹۷ متر بوده و داخل آن، مکان اصلی معبد، قربانگاه و سایر اماکن قرار داشته است.

تصویر شماره ۳۵

نقشه

ص:۱۴۰

سفید

# فصل سوم: کوه قاسیون و منطقه صالحیه

## قاسیون در گذر تاریخ

### اشاره

الف- آثار تاریخی قاسیون (صالحیه)

ب- آثار اسلامی قاسیون (صالحیه)

ج- مدارس و مساجدصالحیه

یکی از مناطقی که قدمت و سابقه آن بر شـهر دمشق نیز فزونی دارد «قاسیون» است، قبل از آنکه شهر دمشق ساخته شود، مردم بر دامنه کوه قاسـیون که امروز بهصالحیه معروف است زنـدگی می کردند و سالها بر همین منوال می گذشت تا اینکه به دنبال افزایش جمعیت خود، به بنای شـهر دمشق پرداختند «(۱)»؛ بنـابراین آثـاری که در دامنه این کوه قرار دارد گاهی از آثار داخل شهر دمشق قدمت بیشتری دارد. این کوه نزد مردم دمشق از تقدّس خاصی برخوردار است، زیرا شاهد حضور انبیاء الهی بوده و حتی بعضی از آنان را در دامن خود مدفون ساخته است.

روایـاتی در فضـل این کوه نقـل شـده است از جمله اینکه: ابوقتـاده گویـد: «منظور از تین در قرآن کریم [والـتین والزیتون کوه دمشق (قاسیون) است «(۲)»».

گوینـد در پایین این کوه، آدم ابوالبشـر سـکونت داشـته، و در بالای آن قابیل، برادرش هابیل را کشـته در شـرق آن (در منطقه برزه) حضـرت ابراهیم علیه السلام به دنیا آمده، در سمت غرب آن حضرت مسیح و مادرش مریم پناه گرفته اند و ام حنه، مادر مریم در دامنه آن ساکن بوده است.

از پیامبرصـلی الله علیه و آله روایت شـده که بر این کوه، حضـرت ابراهیم علیه السـلام، لوط علیه السـلام، موسـی علیه السـلام، عیسی علیه السلام و ایوب نبی علیه السلام نماز گزارده اند؛ لذا از دعا در کنار آن غافل نشوید «(۳)». همچنین آن

---

۱- ابن طولون، القلائد الجوهریه فی تاریخ الصالحیه، تحقیق محمد احمد همان،ص ۱۰ به بعد.

۲- ابن حورانی، زیارات الشامص ۹۶؛ نصرالدین البحره، همان کتاب،ص ۱۳

۳- محمد احمد دهمان، فی رحاب دمشق،ص ۹

حضرت فرموده اند: در دمشق کوهی است که در پایین آن ابی ابراهیم متولد شده است «(۱)».

گوینـد خداونـد بر کوه قاسـیون وحی کرد که سایه و برکت خود را بر بیت المقدس گسترده بدار. در این کوه چهل پیامبر یا- چهل تن از اولیاء خدا به غاری پناه برده و در آن جا وفات یافته اند که امروزه به «الاربعین» معروف است.

کوه قاسـیون از سـمت مغرب به سلسـله جبال لبنان و از شـمال و شـرق به سلسله جبال قلمون و منطقه حمص متصل است. شهر دمشق- از سـمت شمال- در دامنه آن قرار گرفته و در حقیقت، این کوه در جنوب آن واقع شده است. اکنون قاسیون- به علت گسترش شـهر- جزو دمشق است و هیچ فاصـله ای بین شـهر و کوه نیست.صالحیه یعنی محله ای که در دامنه کوه قاسـیون قرار گرفته بسـیار بزرگ و شاید باندازه نیمی از دمشق قدیم است که اکثر خانه های آن در دامنه کوه واقع شده و گاهی تا نزدیکی قله آن نیز می رسد. اشتهار این منطقه بهصالحیه، از قرن ششم هجری و به خاطر سکونت «خاندان بنی قدامه» در آن بوده است.

### الف- آثار تاریخی قاسیون (صالحیه)

#### ۱. مغاره الدّم:

در کوه قاسـیون، در محله الاـربعین، غـاری است که گوینـد حضـرت هابیـل در آن جـا توسط برادرش قابیل کشـته شـد «(۲)». هنگـامی که حضـرت هابیـل علیه السـلام در مکان جامع اموی و برصـخره ای به نامصـخره قربان، گوسـفندی را برای قربانی به درگاه خداونـد تقـدیم داشت، آتشـی فرود آمد و آن را برگرفت، بدین معنا که قربانی او پذیرفته شد؛ در این هنگام، قابیل نیز شاخه هایی از گندم را بر این صخره قرار داد ولی مورد قبول خداوند قرار نگرفت و همانند هابیل، آتشی، قربانی او را شعله ور نساخت لذا او کینه برادر را به دل گرفت.

---

۱- ابن حورانی، همان کتاب،ص ۹۶

۲- مسعودی، مروج الذهب حاشیه، ج ۲،ص ۱۱۲؛ ابن حورانی، همان کتاب،ص ۱۱۸؛ زین العابدین شیروانی، ریاض السیاحه، ج ۲،ص ۴۲۱

وی به دنبال هابیل علیه السلام در دامنه کوه قاسیون روان شد و کینه و حسد، در او همچنان شعله ور و به دنبال راهی برای از بین بردن برادر بود. در این حال شیطان بر او ظاهر شد و وی را به این امر تعلیم داد. قابیل نیز در نزدیکی قله کوه، در یک فرصت مناسب با سنگی بر سر برادر زد و او را بقتل رسانید «(۱)». خون هابیل برصخره و سنگی در آن جا ریخت، سپس نعش برادر را برداشت و همواره سرگردان بود تا اینکه چند فرسخ آن طرف تر به وسیله آموزشی که از دفن یک کلاغ دیده بود او را مدفون ساخت. اکنون قبر هابیل در آن مکان معروف است که شرح آن در جای خود خواهد آمد «(۲)». مکانی که خون هابیل در آن ریخته شد به «مغاره الدم» معروف شده است. گویند دعا در آن جا مستجاب است.

از حضرت علی علیه السلام نقل شده: «در دمشق کوهی است که به آن قاسیون گویند، در آن، فرزند آدم برادرش را کشته و خداوند عیسی و مادرش مریم را از خطر یهود پناه داده است؛ پس اگر به آن مکان رفتید از دعا در آن غافل نشوید» «(۳)». گفته می شود بعضی در این غار به استسقاء می نشسته و دعایشان مستجاب می شده است و اگر مردم دعایی داشتند به این مکان می رفتند. همچنین گویند یحیی بن زکریا و مادرش چهل روز در این غار اعتکاف کرده اند «(۴)».

مکان مغاره الدم کمی پایین تر از غار معروف اصحاب کهف و کنار مغارهالجوع است. امروزه این محل به «الاربعین» یا «جوعیه» معروف و نزد مردم دمشق شهرت دارد.

از آخر محله اربعین تا مغاره الدم حدود بیست دقیقه در دامنه کوه راه است که به وسیله پلکانهایی که از سنگ و سیمان ساخته شدهصعود بر آن آسان گشته است. در این مکان قبه و مسجد کوچکی با گنبدی از گچ و سیمان و به رنگ سبز ساخته شده که مغاره الدم و مغاره الجوع هر دو در این مسجد قرار دارند و تنها در بعضی از روزهای هفته از جمله

---

۱- مسعودی، همان جا؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴،ص ۲۹۶

۲- نک:ص ۱۵۷ از کتاب حاضر.

۳- ابن حورانی، همان کتاب،ص ۱۱۸

۴- پیشین، همان جا، ابن حورانی گوید: حضرت عیسی بن مریم و حواریون نیز در این غار نماز گزارده اند. ابن بطوطه نیز گوید: حضرت ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب و لوط علیهم السلام در آن نماز گزارده اند.

جمعه ها باز و مورد زیارت قرار می گیرد.

این مسجد را احمد پاشای عثمانی در ۱۰۸۱ ق ساخته است. «(۱)»

### ۲. مغاره الجوع: الاربعین

در کوه قاسیون و در محله الاربعین، کنار مغاره الدم، مغاره الجوع قرار دارد. گفته می شود در این مکان چهل پیامبر و یا به روایتی چهل تن ازصالحان و اولیاء خدا از گرسنگی وفات یافته اند. «(۲)» این پیامبران که از سوی حکومت های ستمگر مورد تعقیب بوده اند به کوه قاسیون پناه آورده و در آن جا روزگار می گذرانیدند، ایشان یکی پس از دیگری از فرط گرسنگی و سختی وفات یافته اند.

### ۳. غار منسوب به اصحاب کهف

در کوه قاسیون و در غرب مغاره الدم و مغاره الجوع، غار و مقامی به نام اصحاب کهف وجود دارد. هر چند که این امر از لحاظ تاریخی مستند نیست ولی مورد توجه مردم منطقه است، شایان گفتن است، مکان و غار اصحاب کهف در چند منطقه از جمله افسوس- از شهرهای روم، «(۳)» طرسوس و رجیب (در هشت کیلومتری عمان پایتخت اردن) احتمال داده شده است «(۴)» که مورد آخریصحیح تر است.

در هرصورت، این غار در دامنه کوه و در محله محی الدین قرار دارد. کوچه های بسیار تنگ، باریک، پرپیچ و خم دارد. عبور و مرور با ماشین در آن به سختی امکان پذیر است و مهارت زیادی لازم دارد. بر مکان اصحاب کهف، مسجدی بود که به مرور از بین رفته است و اکنون مدرسه ای به جای آن به نام «مدرسه فرقان» برای طلاب خارجی

---

۱- یوسف بن عبدالهادی، ثمار القاصد فی ذکر المساجد،ص ۱۹۲؛ مسجد مغاره الجوع و مغارهالدم بوسیله احمد پاشای وزیر در سال ۱۰۱۸ ساخته شده است همان جا.

۲- شیروانی، همان کتاب، ج ۲،ص ۴۲۱؛ ابن بطوطه گوید چهل یا هفتاد پیامبر الرحلهص ۷۲

۳- مسعودی، همان کتاب، ج ۱،ص ۳۰۲

۴- رومی ها گویند در کوهی در افسوس نزدیک طرسوس ترکیه است و محققین معاصر نیز آن را در اردن می دانند عظیمی حلبی، تاریخ حلبص ۶۶

ساخته شـده است. داخل این مـدرسه و در طبقه بالای آن، داخل سالنی غاری به طول پنج متر و ارتفاع ۲/۵ متر دیده می شود که به وسیله دری آهنین از این سالن جدا می شود.

تصویر شماره ۳۶

## ب – آثار اسلامی قاسیون (صالحیه)

### ۱. جامع و مقبره محیی الدین ابن عربی (۵۶۰– ۶۳۸)

ابوعبـداللّه محمـد بن علی بن محمـد حاتمی طائی اندلسـی مکی شامی معروف به «ابن عربی» و مشـهور به، از عرفا و زهاد قرن ششم هجری وصـاحب تـألیف مشـهور فتوحـات مکیه والفصوص الحکم است. او از نویسـندگان فعال و پرکار بود، که حـدود ۳۰۰ اثر تألیف داشته است. ابن عربی از خاندان فضل بزرگی بوده و قبله قائلان به وحدت وجود محسوب می گشته است.

شیـخ علاءـ الـدّین سـمنانی از عرفـا و متصوفه قرن هفتم هجری در بسـیاری از حواشـی فتوحات وی، به عظمتِ شأن او اعتراف کرده و او را با این عبارات مورد خطاب قرار داده است. «ایُّها الصّدیق وایُّها المُقَّربَ، ایُّها الوَلی وایُّها العارِفُ الحَقانی «(۱)».

او در علم تصوف و عرفـان سـرآمد علمـای عصـر خود بوده است و او را می توان بزرگـترین و برجسـته ترین بنیانگـذار فلسـفه عرفانی در تاریخ اسـلام دانست که تا قرنها بعد تمامی عارفان و اندیشـمندان عارف مسلک تحت تأثیر اندیشه های او بوده اند. حتی اندیشـمندان غربی نیز از او بسیار الهام گرفته اند. دانته، فیلسوف و متفکر فرانسوی در اثر خود کمدی الهی، به طور کامل تحت تـأثیر انـدیشه هـای ابن عربی بوده و تألیف او تقلیـد و اقتباسـی کامل از تألیف ابن عربی یعنی الفصوص الحکم است. در مورد وی علما و اهل علم مواضع مختلفی داشته اند که می توان بدین گونه تقسیم کرد:

۱– گروهی بویژه علمای دمشق مثل تفتازانی، ۲، سخاوی و ... او را تکفیر کرده اند.

---

۱– شیروانی، همان کتاب، ج ۲،صص ۴۵۶– ۴۵۳

۲- عده ای مثل فیروزآبادی، نابلسی، کورانی و ... او را از بزرگان اولیاء، عرفاء، علما و مجتهدین دانسته اند.

۳- کسانی چون جلال الدین سیوطی، حصکفی و ... معتقد به ولایت او هستند ولی نگاه کردن به کتابهای او را حرام می دانند»(۱).

۴- کسانی چون قاضی نوراللّه شوشتری (از علمای معروف شیعه) وی را از جمله شیعیان علی علیه السلام و مخلصان ائمه معصومین می دانند.

شایان گفتن است، در میان کتب و تألیفات محیی الدین به رسالاتی بر می خوریم که می تواند تمایلات شیعی او را آشکار سازد. او در مورد حضرت مهدی (عج)، ائمه معصومین و ... چند رساله دارد.

مرحوم استاد مطهری او را چنین توصیف کرده اند:

«محی الدین بن عربی عرفان را بصورت یک مکتب درآورد و در مقابل فلاسفه عرضه داشته، و آنان را تحقیر کرد. بدون شک پدر عرفان نظری در اسلام، محی الدین بن عربی، این اعجوبه روزگار است. او هم در عرفان عملی قدم راسخ داشته و هم در عرفان نظری بی نظیر بوده است. محیی الدین غوغایی عرفانی در جهان اسلام- از اندلس گرفته تا مصر و شام و ایران و هند- بر انگیخت.صدرالدین قونوی، فخر الدین عراقی، ابن فارض مصری، داود قیصری، عبدالرزاق کاشانی، مولوی بلخی، محمود شبستری، حافظ، جامی همه از شاگردان مکتب او هستند» «(۲)».

حضرت امام (قدس اللّه نفسه الزکیه) نیز در نامه سرنوشت ساز و تاریخی خویش به گورباچف و دعوت او به اسلام و مطالعه در علوم و فلسفه و عرفان اسلامی، مطالعه کتب محیی الدین ابن عربی و بویژه فتوحات مکیه او را سفارش کردند. این امر برای کسانی که با حربه تکفیر در مقابل محیی الدین ابن عربی ظاهر شده بودند بسیار گران آمد.

مکان جامع و مدرسه محیی الدین بن عربی درصالحیه- محله محیی الدین کنونی-

---

۱- فهری زنجانی، مراقد اهل بیت،ص ۸۸

۲- . تماشاگه راز،ص ۳۰ به بعد.

و در دامنه کـوه قاسـیون قرار دارد. این محله دارای کوچه هـای پر پیـچ و خم و بـازاری قـدیمی است که حـدود هشت قرن به همین نام مشهور بوده است.

جامع محیی الدین که بر مزار این عارف قرار دارد به دست سـلطان سـلیم عثمانی در ۹۱۳ هجری ساخته شـده و کتیبه ای نیز بر بالای در ورودی آن، تاریخ و بانی این بنا را نشان می دهد. به نظر می رسد بنای جامع پس از دوره عثمانی تعمیر و ترمیم شده و گنبد و نمای آن بسـیار ساده و از سـیمان و گچ است. در جنوبصحن و سمت چپ شبستان جامع پلکانی است کهصحن را به زیر زمین متصل می سازد و قبر محیی الـدین نیز در این زیر زمین است. بر دیواره سـمت راست پلکان ورودی کتیبه ای به خط زیبا از دوران عثمانی است که چنـد بیت شـعر به زبان ترکی بر زمینه سبز نوشـته شـده است. در این زیر زمین که به ابعاد ۳* ۶ متر است، قبر محیی الـدین در وسـط قرار گرفته و محفظه ای از شـیشه بهصورت ضـریحماننـدی قبر او را احاطه کرده است. بر روی سـنگ قبر مـذکور که مرمرین است شـرحی از زنـدگی محی الـدین حجاری شـده است. در کنار مقبره وی سه قبر دیگر دیده می شود. قبر اول از شـیخ حسن جزایری، قبر دوم از محمود خربوطلی (احتمالًا برادر امین خربوطلی مؤلف مشهور سوریه) و امام جماعت مسجد و قبر سوم نیز از داماد اسد پاشای عثمانی است.

در بیرون جامع و سمت چپ یعنی کنار مناره، قبرستان کوچکی است که چند تن از والیان و امرای دوره عثمانی در آن مدفون هستند.

### ۲. تکیه سلیمیه

این تکیه روبروی جـامع و مقبره شـیخ محی الـدین ابن عربی قرار دارد که سـلطان سـلیم اول پادشـاه عثمانی آن را به سال ۹۲۴ هجری بنا کرده است «(۱)». این بنا که بسـیار زیبا بوده اکنون مسـدود و به حالتی نیمه مخروبه در آمده است. بر فراز تکیه، دو گنبد بزرگ به رنگ سفید قرار دارد. بر بالای در ورودی این تکیه، کتیبه ای به خط نسخ دیده می شود

---

۱- محمد کرد علی، خطط الشام، ج ۶،ص ۱۳۸؛ یوسف نعیسه، مجتمع مدینه دمشق، ج ۱،ص ۱۶۰

که به مؤسس و بانی آن یعنی سلطان سلیم اول اشاره دارد. شایان گفتن این مکان برای تدریس و اجتماعات اسلامی ساخته شده بود.

### ۳. بیمارستان قیمریه

یکی دیگر از بیمارستان های مهم و قدیمی دمشق است که توسط «امیر سیف الدین قیمری کردی»- از امرای ایوبی در ایام سلطان نجم الدین ایوب- در ۶۵۳ هجری بنا شده است «(۱)». این بیمارستان در غرب جامع و مقبره محی الدین بن عربی قرار دارد و گویند تا آن زمان بیمارستانی بهتر از آن در دنیا ساخته نشده بود. بنای آن از لحاظ هندسی بسیار زیبا است و شاید این ادعا نامعقول نبا شد. گفته اند وقتی تیمور لنگ به دمشق آمد دو ادار خویش را به داخل این شهر فرستاد و او نیز بیمارستانی بهتر از آن نیافت.

قسمتی از بیمارستان، مخصوص زنان و قسمتی مخصوص مردان و هر یک از بخشها به یک بیماری و تخصص ویژه ای مربوط بوده و در زیر آن نهری با آب بسیار زلالی می گذشته که آب آن را تأمین می کرده است. این بیمارستان تا قرن سیزدهم هجری دایر بوده است «(۲)» ولی اکنون مسدود است. داخل آن حیاط بزرگی است که چهار ایوانِ بزرگ در اطراف و اتاقهای فراوانی دارد. درب آن چوبی است و بالای آن کتیبه ای دیده می شود که از بانی و مؤسس آن یعنی سیف الدین قیمری سخن می گوید. به علت وجود بازار و دستفروش ها در مقابل آن، این ساختمان به سختی دیده می شود.

### ۴. مقام سیف الدین قیمری

در مقابل بیمارستان قیمری قبه و مقبره ای به نام سیف الدین قیمری وجود دارد که مؤسس بیمارستان قیمریه در آن مدفون است. این مکان از دوران ممالیک بوده و نمای آن از سنگ و دارای گنبدی قرمز رنگ است. این حجره اکنون بسته و مورد توجه کسی واقع نمی شود.

---

۱- قتیبه شهابی، اسواق دمشق،ص ۵۱۳

۲- احمد عیسی بک، تاریخ بیمارستانات فی الاسلام،ص ۲۲۵، یوسف جمیل نعیسه، همان کتاب، ج ۱،ص ۱۳۳

## ج- مدارس و مساجد صالحیه

### ۱- دار الحدیث الاشرفیه البرانیه

ساخته ملک اشرف موسی به سال ۶۳۴ هجری است که در دامنه کوه قاسیون- در کنار رودخانه یزید- ساخته شده است.

### ۲- دار الحدیث القلانسیه

به وسیله حمزه بن اسد بن قلانسی در ۷۲۰ هجری در نزدیکی نهر یزید- و کنار حمام زهور- کنونی قرار دارد «(۱)». این دار الحدیث اکنون نیز مورد استفاده بوده و در غرب مدرسه العمریه است.

### ۳- دار الحدیث الناصریه

در جنوب جامع الافرم کنونی است که توسط ملک ناصر بن ملک العزیز در سال ۶۴۵ هجری ساخته شده است.

### ۴- مدرسه شرکسیه

توسط چرکسیان در دوره ایوبی (سده هشتم هجری) ساخته شده است. دارای دو گنبد بزرگ به رنگ قرمز است. این بنا امروزه به عنوان جامع و مسجد محله محی الدین بن عربی استفاده می شود و مکان آن نیز کمی پایین تر از جامع محی الدین- در داخل همان بازار- و در سمت راست است.

### ۵- مدرسه العمریه

هنگام ورود احمد بن قدامه به این منطقه در حدود ۵۵۰ هجری ساخته شد. این مدرسه کتابخانه ای بزرگ دارد و در پایین دامنه کوه قاسیون واقع شده است «(۲)».

### ۶- مدرسه ماردینیه

---

۱- کردعلی، غوطه دمشق،ص ۱۲۵

۲- احمد دهمان، فی رحاب دمشق،ص ۷۳

این مـدرسه در حوالی جسـر الاـبیض کنونی است و توسط عزیزه الـدین خاتون- دختر ملک قطب الـدین ماردینی ظ- در قرن هفتم هجری بنا شده است.

### ۷- جامع حنابله

یکی از مساجـد مهم عصـر ایوبیـان است که توسـط شـیخ ابو عمر بن قـدامه مقدسـی- از بزرگان حنابله- در قرن شـشم هجری ساخته شـده است. چون مظفر الـدین کوکبوری- دامادصـلاح الدین- هزینه فراوانی برای آن مصـرف کرد به جامع مظفریه نیز معروف شد.

### ۸- جامع شیخ عبدالغنی نابلسی

جایگاه و محل سـکونت محـدث و عالم بزرگ اهل سـنت در قرن یازدهم هجری- یعنی شـیخ عبدالغنی نابلسـی- بوده که این مسجد را نوه اش شیخ مصطفی ساخته است. درصحن مسجد مقبره آن دو قرار دارد.

ص: ۱۵۳

نقشه

سفید

# فصل چهارم: آثار اطراف دمشق

## اشاره

الف- آثار و مقابر انبیاء در حومه دمشق

ب- آثار و مقابرصحابه و تابعین در حومه دمشق

ج- قنیطره و جولان

## الف- آثار و مقابر انبیاء در حومه دمشق

### ۱. قبر حضرت هابیل علیه السلام

هنگامی که قابیل در کوه قاسیون- مغاره الدم کنونی- برادرش هابیل علیه السلام راکشت، مسافت زیادی را پیمود و او را به خاک سپرد. در منابع تاریخی مکان دفن هابیل علیه السلام در کوه قاسیون ذکر شده است ولی اینکه در کجای آن قرار دارد به طور دقیق چیزی ذکر نشده است. با این حال امروزه قبری در دامنه کوه (در غرب دمشق) به هابیل منسوب است. این مکان نزدیکِ قریه «زُبدانی» و در مسیر دمشق- بیروت در ۴۵ کیلومتری دمشق است. مسیر آن از طریق ساحه الامویین و خیابان المزه به سوی بیروت است و پس از دو راهی قنیطره و زبدانی- به سمت زبدانی- در سمت راست مسیر، تابلویی با عنوان «نبی هابیل علیه السلام» دیده می شود. از این جا جاده ای خاکی و باریک در دامنه های کوه است که تا مقبره هابیل علیه السلام حدود ۴ /۵ کیلومتر فاصله دارد.

منطقه مذکور نظامی است و در ابتدای راه نیز دژبانی نظامی قرار دارد پس از طی مسافت مذکور مسجد و مقبره ای بزرگ با گنبدی سفید نمایان می گردد. این مقبره هابیل نبی علیه السلام است که از دو قسمت تشکیل شده وقسمتی از آن در سالهای اخیر ساخته شده است.

در یک قسمت، شبستان جامع آن است و در قسمت دیگر نیز «مقبره هابیل علیه السلام» قرار دارد که از بناهای دوره عثمانی است. در داخل حجره، سنگ قبری به طول هفت متر و عرض یک متر قرار دارد که با پارچه ای قرمز پوشیده شده است. در مورد طول

اعجاب انگیز این قبر باید گفت سازندگان این سنگ قبر، می پنداشته اند انسان های نخستین قد بسیار بلندی دارند. که البته از لحاظ علمی ثابت شده است آنها کوتاهتر هم بوده اند. این امر برای برخی دیگر از قبور پیامبران در شام نیز دیده می شود. قبر شیث بن آدم در بعلبک نیز بیست متر طول دارد.

گویند نخستین کسی که عمارت و مقبره ای بر این قبر ساخت، اسکندر مقدونی بود.

سپس در دوره های اسلامی نیز تجدید بنا گشت. در دوره عثمانی ها گنبدی بر فراز آن ساختند و بعدها نیز قسمتهایی بدان اضافه گردید. بیرون حجره و مرقد،صحن بزرگی است که در سده اخیر ساخته شده و جامع آن نیز در کنار آن قرار دارد.

تصاویر شماره ۳۷ و ۳۸

### ۲. قبر منسوب به حضرت موسی علیه السلام در قریه نَیْرَب

در قریه «نَیْرَب» یکی از قرای شرق دمشق- در نزدیکی ربوه- به روایتی قبر حضرت موسی علیه السلام و به روایتی دیگر قبر ام حنه مادر مریم قرار دارد. این قریه در چهار کیلومتری دمشق و در دامنه کوه قاسیون بوده و مسجد بزرگی در آن به نام «جامع القدم» ساخته شده است. وجه تسمیه آن بخاطر جای پاهایی است که بر روی سنگی دیده می شود و گویند جای قدم های حضرت موسی علیه السلام است «(۱)». در این مسجد یک چهار دیواری کوچکی است که بر آن نوشته است: «بعضی ازصلحا، پیامبرصلی الله علیه و آله را در خواب دیده اند که می فرمود: این جا قبر برادرم موسی است.

گویند در آن جا حضرت خضر نیز نماز گزارده است. مسجد مذکور در ۱۰۴۴ هجری به وسیله سلطان سلیمان عثمانی و احمد پاشا تجدید بنا شد. مقبره نیز توسط شیخصالح البرکه ساخته شده و مورد زیارت و تبرک مردم و اهالی قرار دارد «(۲)».

بنای کنونی آن از همان دوره عثمانی است.

---

۱- ابن بطوطه، الرحله،ص ۷۰؛ نَیْرب امروزه دو قسمت است« النیرب الاعلی» و« النیرب الادنی» که داخل شهر شده و نزدیکی ساحه الاموین کنونی است.

۲- نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲،ص ۳۳۹، ابن حورانی، همان کتاب،صص ۹۶ و ۸۲

### ۳. محل سکونت حضرت مریم و عیسی علیه السلام در رُبْوَه

در دامنه کوه قاسیون- سمت مغرب آن- (انتهای قاسیون) قریه «رُبْوَه» محل سکونت حضرت عیسی علیه السلام و مادرش مریم بوده که بدان پناه برده اند. در قرآن کریم نام این محل نیز آمده است «وآوَینا هُما الی رُبْوَه ذاتِ قرارٍ ومعین» «(۱)».

در این مکـان مسـجدی قرار دارد که کتیبه ای به خـط کوفی از دوران فـاطمی ها بر بالای آن دیـده می شود. کمی پایین تر از آن، قریـه «نیرَبْ» و در جنـوب آن، قریـه «الْمِّزِه» قرار دارد. مکـان رُبـوه چـون در دامنـه کـوه اسـت و از زیر آن نیز نهر معروف «بَرُدی» می گذرد بسـیار زیبا و باصفاست. در کنار مسجد مذکور غار کوچکی است که مردم می پندارند عیسی در آن به دنیا آمده است «(۲)».

### ۴. مکان تولّد یا حضور ابراهیم علیه السلام در بَرْزَه

در دامنه کوه قاسـیون و در شـرق آن، قریه ای به نام «البرزه» است که به عبدالعزیز بن محمد البرزی منسوب است «(۳)». در آن قریه مسـجدی ساخته انـد که گویند حضـرت ابراهیم علیه السـلام در آن مکان کوکب یا سـتاره زهره را- که در قرآن کریم از آن یاد شده- دیده است. «فَلَمّا جَنَّ عَلَیْهِ الَّلیل رأی کوکباً قال هذا رَبّی فَلَمّا افَلَ ...» «(۴)». و برخی گفته اند در آنجا متولد شده است. «(۵)»

در نزدیکی این مسـجد، حضرت لوط علیه السلام و سایر انبیا حضور یافته و بزرگان و شیوخ نیز در آن اقامت کرده یا اعتکاف نموده انـد. مسـجد مـذکور امروزه به «جـامع ابراهیم علیه السـلام» معروف است و روایـات زیادی نیز در فضـیلت آن نقل شـده است. در خارج باب آن مسجد، مکانی است که ابراهیم از نمرود در آن مخفی شده است.

---

۱- محمد احمد دهمان، همان کتاب،ص ۹؛ ابن بطوطه همان کتاب،ص ۷۲

۲- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۳،ص ۲۶

۳- پیشین، ج ۱،ص ۳۸۲

۴- انعام: ۷۶

۵- مسـعودی، همـان کتـاب، ج ۲،ص ۱۱۳؛ یـاقوت حموی، همـان کتـاب، ج ۱،ص ۳۸۳. در مکـان تولـد ابراهیم علیه السـلام اختلاف است اما بیشتر روایات حاکی است در شهر اور، در فلسطین کنونی به دنیا آمده است.

همچنین روایت شـده است کسـی که در این مکان چهار رکعت نماز بخوانـد گناهانش هماننـد روزی که از مادر متولـد شـده پاک خواهد شد «(۱)».

## ب– آثار و مقابر صحابه و تابعین در حومه دمشق

### ۱. مَرج عَذراء: مرقدحُجر بن عُدَی و یارانش

در ۵۳ هجری، حجر بن عُدَی یکی ازصـحابه و شـیعیان فداکار و عالی مقام حضـرت علی علیه السلام، به دستور معاویه بن ابی سفیان در «مرج عذراء» در ۳۶ کیلومتری شرق دمشق که امروزه در زبان محلی به «عَذْراءِ» معروف است. به شهادت رسید. مرج عـذرا نخسـت توسـط حجر بن عـدی فتـح و مردم آن به اسـلام گرویدنـد و سـرانجام نیز خـود به علت آزادگی و اسـتواری در اعتقادات خود در این مکان شـهید شـد. مزار اینصـحابی راستین پیامبر خداصـلی الله علیه و آله و پیرو حقیقی علی علیه السـلام همواره از سوی مسلمانان و بویژه شیعیان زیارت می شود.

حجر بن عدی بن معاویه بن جبله به رغم کمی سن، جزو کبار و فضلایصـحابه محسوب می شد. وی محضر پیامبر خداصلی الله علیه و آله را جز چند سال درک نکرد و پس از رحلت آن حضـرت به علّت اعتقادی که به نص و ولایت امام علی علیه السلام داشت، همراه قبیله خود «کنـده» از بیعت بـا خلیفه وقت سـرپیچید. در دوران سه خلیفه نیز چنـدان نقش و اثری از او در حیـات سیاسـی اجتماعی اسـلام جز یک مورد– در لشـکر کشی به جلولاء– که فرماندهی جناح چپ سپاه مسلمین را بر عهده داشت و نیز فتح مرج عذرا در شام گزارشی نیست «(۲)».

حجر در دوران خلافت علی علیه السلام نقش مؤثری در حکومت آن حضرت داشت. در جنگهای جمل وصفین امیر و فرمانده نیروهـای قبیله کِنـده بود و در رکـاب امیرالمؤمنین فـداکاری ها و جانفشانی های فراوانی کرد. در جنگ نهروان نیز فرمانـدهی جناح چپ سپاه امام را بر عهده داشت. در دوران خلافت معاویه، اینصحابی شجاع همواره به عنوان

---

۱– ابن حورانی، همان کتاب،ص ۱۱۵

۲– بلاذری، فتوح البلدان،ص ۲۶۴؛ ابن حجر، الاصابه، ج ۱،ص ۳۱۳

یکی از شیعیان علی علیه السلام از اعتبار ویژه ای برخوردار و به علت کثرت عبادت و نماز و زهد و تقوی زبانزد خاص و عام بود. اعتبار و احترام دینی و مذهبی حجر در جامعه از یک طرف و اعتراض جدّی و تعرض او به معاویه و بویژه والی فاسق وی در کوفه- مغیره بن شعبه- از طرف دیگر، برای معاویه و والی انتسابی او خطر ساز بود. هنگامی که مغیره با ناجوانمردی تمام در مسجد کوفه به علی علیه السلام دشنام می داد و کسی را یارای اعتراض نبود؛ حجر بن عدی باصلابت و شجاعت تمام به او پرخاش کرد.

هنگامی که زیاد بن ابیه یا به عبارتی زیاد بن سفیان «(۱)» به حکومت کوفه رسید و دشمنی خود با شیعیان علی علیه السلام را آشکار کرد، حجر همچنان حمایت خود از امام را ادامه می داد.

او همواره از خطری که حجر، خلافت بنی امیه را تهدید می کرد در هراس بود، ابتدا سعی کرد تا به وسیله مصلحان و یا متمایلان به شیعه با تطمیع و تهدید، حجر و یارانش را آرام سازد. ولی نتیجه ای نگرفت سرانجام، زیاد، حجر را به همراه تعدادی دیگر از شیعیان سرسخت دستگیر کرد و سایر پیروانش را نیز مورد تهدید قرار داد که همگی آنان حجر را رهاکردند.

دستگیری حجر بن عدی با توجه به اعتبار مذهبی و سیاسی که در جامعه داشت کاری سهل نبود و باید زیاد، مستمسکی قوی برای دستگیری و حتی قتل او می یافت لذا بزرگان کوفه را جمع کرده و از آنان خواست تا اتهاماتی علیه او رائه کنند؛ ایشان نیز نامه ای به معاویه تنظیم کرده و اتهاماتی را به حجر بستند که نظر زیاد را تأمین نکرد لذا زیاد اتهامات زیر را شخصاً تنظیم کرد:

۱- حجر پیمان خود با خلیفه را شکسته است.

---

۱- زیاد بن ابیه فرزند سمیه از ابوسفیان است. سمیه زنی بدکاره بود که ابوسفیان در شبی میان راه مکه بااو خلوت کرد و حاصل این عمل زشت فرزندی بود که او را زیاد نامیدند. معاویه نیز برای آنکه زیاد را به سوی خود متمایل سازد وی را فرزند پدرش یعنی زیاد بن ابوسفیان خواند و او را برادر ناتنی خویش دانست. زیاد در ابتدا به علی علیه السلام تمایل داشت ولی با این عمل به سوی معاویه گروید و در محو و نابودی شیعیان علی علیه السلام دست به جنایاتی زد. عبیداللّه قاتل امام حسین علیه السلام نیز فرزند او بود.

۲- به خلیفه دشنام می دهد.

۳- مردم را به خلع خلیفه و پیمان شکنی با او تحریک می کند.

۴- باعث ایجاد اختلاف در جامعه شده است.

۵- حجر به خدا اعتقاد ندارد «(۱)».

زیاد سرانجام حجر و چهارده تن از یاران او را به همراه این شهادت نامه کذایی و مجعول که کفر حجر و یارانش را ثابت می کرد به شام فرستاد. هفت نفر به وساطت بزرگان و مصلحان قوم خویش مورد شفاعت قرار گرفته و آزاد شدند. به حجر و هفت تن باقیمانده گفته شد تا با دشنام دادن به علی علیه السلام- در ملاء عام- جان خود را نجات دهند.

به روایت مسعودی، حجر و یارانش گفتند به خدا سوگند! ضربه های شمشیر از آنچه که ما را بدان می خوانید گواراتر و دیدار و لقاء خدا و رسولصلی الله علیه و آله و وصیّ او بر ما از داخل شدن در آتش بهتر است.

آنگاه مأمور معاویه آنان را یکی پس از دیگری گردن زد «(۲)». حضرت علی علیه السلام به حجر فرموده بود: تو را چه می شود اگر به بیزاری و دشنام نسبت به من دعوت کنند؟ حجر پاسخ داد: به خدا سوگند! اگر با شمشیر قطعه قطعه ام کنند و بسوزانند آن را بر این کار ترجیح می دهم «(۳)». افرادی که به شهادت رسیدند عبارت بودند از:

۱- حجر بن عدی.

۲- شریک بن شداد حضرمی.

۳-صیفی بن شبل شیبانی.

۴- قبیصه بنصبیعه عیسی.

۵- محرز بن شهاب فهری.

۶- کدام بن حیان.

۷- عبدالرحمان بن حسان.

---

۱- طبری، همان جا.

۲- مسعودی، همان کتاب، ج ۳،ص ۱۹

۳- شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ترجمه شعرانی،ص ۶۴ به بعد.

بدن های مبارک این عدّه، امروزه در مکانی که ذکر شد یعنی «عذراء» مورد زیارت قرار می گیرند. و سرهای آنان در «مسجد الاقصاب» نزدیکی مقام حضرت رقیه مدفون است «(۱)». مقبره آنان دارای ضریحی فلزی برنگ زرد است. بر روی ضریح از بانی آن حاج عبدالنبی عبداللّه القطان کویتی- به سال ۱۴۱۳ ق- یاد شده است. فضای مقبره حدود ۲۵* ۲۵ متر مربع بوده و محرابی بسیار ساده دارد. در سمت چپ آن، جامع حجر است که از طرف جمهوری اسلامی در ساخت آن همکاری هایی به عمل آمده است.

شایان ذکر است کمی پایین تر از این مکان، منطقه ای به نام «مرج راهط» است که جنگ بین طرفداران عبداللَّه بن زبیر و مروان بن حکم در آن جا رخ داده است.

تصویر شماره ۳۹

## ۲. المِزَّه و قبور صحابه

قریه «المِزّه» یکی از نواحی بسیار قدیمی دمشق است که روزگاری حدود سه کیلومتر با دمشق فاصله داشته ولی اکنون در داخل آن قرار گرفته است. المزّه در سمت شمال شرقی دمشق و در خیابانی به همین نام واقع شده است. المزه در نزدیکی سفارت جمهوری اسلامی ایران است. چند تن ازصحابه و امامزادگان در این قریه مدفون هستند از جمله:

دَحیه کلبی

«دحیه کلبی» یکی ازصحابه بزرگ پیامبر خداصلی الله علیه و آله و از زهاد و عُبّاد بود. گویند روزی جبرئیل علیه السلام درصورت وی بر پیامبرصلی الله علیه و آله ظاهر شد «(۲)». به خاطر وجود قبر او، این قریه به «مزّه الکلب» نیز معروف است. قبر اینصحابی بزرگوار در قبرستان عمومی محله- که حدود پانصد متری خیابان اصلی المزّه و در کوچه های باریک و قدیمی است- قرار

---

۱- نک:ص ۸۱ از کتاب حاضر.

۲- این روز زمانی بود که پیامبر خداصلی الله علیه و آله برای محاصره بنی قریظه حرکت کردند؛ وقتی در آن مسیر بودندازصحابه پرسیدند آیا کسی را ندیدید از این جا بگذرد؟ گفتند آری دحیه بن کلبی را سوار بر استری دیدیم. پیامبرصلی الله علیه و آله فرمود: اودحیه نبود بلکه جبرئیل بود که می رفت تا در میان خانه های بنی قریظه زلزله افکند ابن شهاب زهری، المغازی النبویه،ص ۸۱

دارد. این قبر در یک چهار دیواری و اتاقک کوچکی در وسط قبرستان است.

کتیبه ای به خط کوفی نیز بر سنگ قبر او نصب شده که این جمله بر آن دیده می شود «هذا قَبر الصَّحابیُّ الجَلیل سیدی دَحَیه کَلبی، الـذّی کانَ یَهْبِطُ الوَحی احیاناً بِصُورتَه عَلی النَّبیصلی اللَّه علیه والسلام» در پایین این کتیبه تاریخ ۱۷۴ هجری دیده می شود.

قبر منسوب به سعد بن ابی وقاص

در خیابان سعد بن ابی وقاص در قریه المَزّه و کوچه ای به همین نام، قبری منسوب به سعد بن ابی وقاص یکی ازصحابه پیامبر خداصلی الله علیه و آله و عضو انتصابی شورای شش نفره خلافت- از سوی خلیفه دوم- قرار دارد.

در حدود ۱۰ متری کوچه، چهار دیواری بسیار کوچک و محقری است که توجه کسی را به خود جلب نمی کند. بر روی این حجره تابلویی دیده می شود که بر آن نوشته است «هذا مقامصحابی الجلیل سعد بن ابی وقاص». در داخل آن نیز قبری است که با پارچه ای سبز آن را پوشانیده اند. شایان گفتن است که به احتمال زیاد قبر وی در بقیع است.

قبر محمد بن حسن علیه السلام و ابوالقاسم بن محمد بن الحسن علیه السلام

در این قریه، قبر محمد- فرزند امام حسن علیه السلام- و ابوالقاسم بن محمد نوه آن حضرت قرار دارد که با کمال تأسف در میان کوچه های باریکِ قریه المَزّه- در یک چهار دیواری محقر و مخروبه- از دیدها پنهان است. از خیابان المَزّه، حدود سیصد متری داخل قریه مذکور، سمت چپ کوچه، دیواری است که روزنه و پنجره کوچکی از آن باز شده است. دوصورت قبر در آن دیده می شود که بر سنگ قبر آن دو به خط کوفی نام آنان نوشته شده است.

جامع یا مقبره اسامه بن زید

کمی پایین تر از قبور فرزند و نوه بزرگوار امام حسن علیه السلام در سمت چپ کوچه اصلی، کوچه فرعی و باریک دیگری است که جامع و مسجدی به نام «اسامه بن زید» در آن قرار دارد. ظاهراً وی در این مکان زندگی کرده و در آن جا فوت نموده است. مسجد مذکور بسیار کوچک و دارای مناره ای کوتاه است. مردم محل می گفتند اسامه بن زید در این جا

مدفون است ولی در منابع تاریخی چنین مطلبی ذکر نشده است.

### ۳. داریّا و آثار آن

«داریّا» یکی از قریه های بزرگ اطراف دمشق است که در حدود چهار کیلومتری غرب این شهر قرار دارد. این قریه منسوب به فردی به نام دارانی است. چند تن ازصحابه، زهاد و عرفا در این قریه مدفون هستند از جمله:

ابی مسلم خولانی

«عبداللَّه بن ثوب خولانی» از بزرگان زهاد و تابعین بود. کرامات فراوانی از وی نقل کرده اند گویند: از روی آب رودخانه دجله راه می رفت. و نیز گفته اند. وقتی اسود عنسی کذّاب در یمن ادعای پیامبری کرد، وی را احضار و به او گفت شهادت بده که من پیامبر خدایم، او نیز گفت محمد پیامبر خداست. اسود عنسی دستور داد آتش عظیمی برافروخته و ابی مسلم را در آتش انداختند. گویند آتش هیچ آسیبی به ابو مسلم نرسانید؛ لذا او را از یمن اخراج کردند. وی در قریه داریا ساکن و در همان جا وفات یافت. امروزه ضریح و مقبره او مورد زیارت مردم و اهالی قرار می گیرد «(۱)».

ابی سلیمان دارانی

عبدالرحمان بن احمد بن عطیه دارانی از اولیاء زُهاد بزرگ قرن سوم هجری، اهل واسط و عراق بود که در ۲۳۵ هجری در این قریه وفات یافت. فرزند او یعنی سلیمان نیز از عباد و زهاد قرن سوم هجری در سال ۲۳۷ ق وفات یافت «(۲)». اکنون مقبره ابی سلیمان دارانی در آن جا مورد زیارت اهالی است «(۳)».

ضریح حزقیل

در قریه داریا ضریح «حزقیل، مؤمن آل فرعون» که در قرآن (سوره غافر) از آن یاد شده قرار دارد. بعضی گویند وی حزقیل بن بوری نبی است که خداوند قومش را به سبب

---

۱- ابن حورانی، همان کتاب،ص ۱۲۵

۲- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲،ص ۴۳۱

۳- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲،ص ۴۳۱

نافرمانی به طاعون مبتلا کرد و آیات ۲۴۳ سوره بقره را در مورد آنان نازل فرمود «(۱)».

قبر بلال حبشی

در قریه داریا قبر بلال حبشی مؤذن پیامبر خداصلی الله علیه و آله است. همان گونه که در مبحث باب الصغیر و و قبر بلال حبشی گفته شد، ابن کثیرصاحب البدایه والنهایه قبر وی را در قریه داریا می داند؛ زیرا او پس از ورود به شام در این مکان اقامت گزید و از دنیا رفت.

ابن کثیر قبری که در باب الصغیر به او منسوب است را قبر «بلال بن ابی درداء» قاضی دمشق می داند.

قبر سکینه بنت علی علیه السلام

در داریا قبری منسوب به سکینه بنت علی است که امروزه بقعه و بارگاهی دارد امّا این انتسابصحیح نیست زیرا امام علی علیه السلام دختری به نام سکینه نداشته است.

تصاویر شماره ۴۰ و ۴۱

### ۴. قریه المَنیحَه: قبر سعد بن عُباده خزرجی

قریه «مَنیحَه» در شرق دمشق قرار دارد که در حدود چهار کیلومتری آن قبر سعد بن عُباده خزرجی رئیس قبیله خزرج وصحابی بزرگ پیامبر خداصلی الله علیه و آله است. سعد بن عُباده نخستین کاندیدای خلافت از انصار در سقیفه بنی ساعده بود «(۲)». او با ابوبکر بیعت نکرد لذا از مدینه تبعید شد و تاوان مخالفت خویش را در دوران خلافت عمر بن خطاب پس داد.

وی در این زمان در حُوران- یکی از استان های شام و سوریه کنونی- سکونت یافته؛ و به طرز مرموزی به قتل رسید «(۳)». بعدها قتل او را گردن جنیان انداختند. شعر معروفی نیز در مورد قتل او و منسوب به جنیان در منابع مضبوط است «(۴)». مقبره او امروزه مورد زیارت اهالی قریه است. این قبر داخل مسجدی است و کتیبه ای نیز به خط کوفی دیده می شود که

---

۱- محمد بن علی العظیمی الحلبی، تاریخ حلب،ص ۶۳

۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲،ص ۳۳۱؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۳،ص ۶۱۶

۳- ابن عبد ربه، العقد الفرید، ج ۵،ص ۱۴

۴- پیشین، همان جا. قریه منیحه به« ابوالعباس ولید بن عبدالملک بن خالد بن یزید المنیحی» منسوب است یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵،ص ۲۱۷

بر آن نوشته است «هذا قبر سعد بن عباده رئیس الخزرج».

### ۵. قریه بیت أرانِس: قبر کناز صحابی

یکی از قریه های اطراف دمشق است که اکنون به «بیت رانِس» مشهور است. در این قریه، قبر ابی مَرثَدْ یکی ازصحابه پیامبر خداصلی الله علیه و آله و معروف به «کنّاز الصحابی» قرار دارد «(۱)».

امروزه قبر او در شمال این قریه زیارت می شود.

### ۶. قریه دیر مُرّان: قبر تمیم الداری انصاری

این قریه در خارج از دمشق در سمت غرب شهر قرار دارد و قبر «تمیم الداری بن حبیب الانصاری»،صحابی بزرگ پیامبر خداصلی الله علیه و آله در آن است. وی از اهلصفّه و از زهاد و علماء وصحابه بوده، و کرامات زیادی از او نقل شده است «(۲)». قبر او بسیار معروف و گنبد و بارگاهی زینت بخش آن است.

### ۷. قریه البجدلیه: مقام بایزید بسطامی

در جنوب دمشق مقام «بایزید بَسْطامی»، عارف وصوفی مشهور واقع شده است.

وی در این مکان به ریاضت و عبادت می نشسته است. اکنون جایگاه و عبادتگاه بایزید بسطامی مورد توجه مردم دمشق است «(۳)».

### ۸. شهرک صیدنایا: دیر صیدنایا

این شهرک در بیست کیلومتری شمال دمشق واقع است. «دیرصیدنایا» که محل حضور حضرت مریم بوده، اکنون با نام «کنیسه مریم عذراء» مورد توجه مسیحیان و حتی مسلمانان است «(۴)».

---

۱- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۱،ص ۵۱۹؛ ابن حورانی، همان کتاب،ص ۱۳۷

۲- ابن حورانی، همان کتاب،ص ۱۳۲

۳- پیشین،ص ۱۳۷

۴- فارس دارقیو، وصف دمشق،ص ۶۶- ۶۳

## ج– قنیطره و جولان

جولان منطقه ای است که در آخرین نقطه غرب و شمال غربی استان حوران قرار دارد و از لحاظ تقسیمات کنونی ایالتی سوریه، جزو استان قنیطره است. جولان از مناطق مشهور و قدیمی شام بوده و در دوران قدیم به آن «تراکونیت» می گفتند. این منطقه در گذشته از دامنه جبل شیخ تا وادی یرموک امتداد می یافته و شهر کنونی قنیطره یکی از شهرهای آن بوده است «(۱)». در عصر حاضر جولان تنها به تپه هایی اطلاق می شود که در این منطقه به اشغال اسرائیل درآمده است.

قبل از تجاوز اسرائیل، استان قنیطره ۱۵۳ هزار نفر جمعیت داشته است. وقتی رژیمصهیونیستی به این مکان تجاوز کرد اهالی آن را به زور بیرون راند؛ تنها پنج روستا از این منطقه را گرفته بودند که نیروهای امت واحده رسیده و نگذاشتند اسرائیلی ها به پیشروی خود ادامه دهد. اکنون جمعیت این روستاها به شانزده الی بیست هزار نفر می رسد که همه آنان زیر فشار اسرائیلی ها هستند، زمین های زراعی آنان گرفته شده و محصولات ایشان را ارزان می خرند.

اگر اهالی این پنج روستا که امروزه در اشغالصهیونیستها قرار دارد به داخل سوریه بیایند دیگر اجازه برگشت ندارند. در یکی از روستاها تپه ای به نام «صراع» وجود دارد که تنها حدود پانصد متر با نیروهای اسرائیلی فاصله دارد. اقوام این طرف اگر بخواهند از مردم آن طرف خبردار شوند باید به کنار این تپه بروند. روستاهای اشغال شده عبارتند از:

القجر، عین قیناع، سعد، بقعاث، مجدالشمس.

محله ها و روستاهایی که توسط اسرائیل از بین رفته ۱۴۲ روستا و شهر بوده، اکنون چهل محله و پنج روستا بانضمام تپه های جولان همچنان در اشغالصهیونیستها است.

با توجه به موقعیت جغرافیایی مطلوب و همچنین اشراف تپه جولان بر کل استان قنیطره، اهداف شوم اسرائیل مبنی بر تجاوز و اشغال این اراضی بخوبی روشن و آشکار می گردد.

---

۱– یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲،ص ۱۸۸؛ المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری، ج ۱،ص ۵۰۶

متأسـفانه اکنون شـهر قنیطره به کلی خراب شده است. خانه هایی که با بتون آرمه و سنگ ساخته و بنایی بسیار مستحکم داشته انـد، همگی بـا مواد انفجـاری و بلـدوزرهای اسـرائیلی تخریب گشـته انـد. در وسط شـهر، بیمارسـتان دو طبقه جولان است که متأسفانه از تخریب عمال جنایتکار رژیمصهیونیستی در امان نمانده و جز دیواره ها بقیه قسمتهای آن تخریب شده است.

در نزدیکی مرز کنونی منطقه قنیطره با رژیمصـهیونیستی، قبرسـتان شـهدای این تجاوز ددمنشانه قرار دارد. این شهداء مربوط به سالهای ۱۹۷۲ م و ۱۹۷۴ م هسـتند که بسـیاری از آنـان غیر نظامی بوده و چنـد قبر متعلق به افراد مسـیحی نیز در آن دیـده می شود، چون نیمی از مردم آن منطقه مسیحی بوده اند.

ص: ۱۷۰

سفید

## فصل پنجم: استان حلب

### اشاره

الف- اماکن زیارتی و مذهبی حلب

ب- اماکن سیاحتی و تاریخی حلب

ج- مساجد تاریخی حلب

د- بیمارستان ها و حمام های تاریخی حلب

ه- مدارس و کتابخانه های حلب

و- آثار تاریخی اطراف حلب

## موقعیت جغرافیایی و تاریخی حلب

«حلب» دوّمین شهر پر جمیعت سوریه پس از دمشق است که در شمال این کشور و به فاصله ۲۸۰ کیلومتری دمشق قرار دارد.

حَلَبْ در لغت به معنای شیر دوشیده و مترادف با حلیب است. وجه تسمیه آن نیز این است که چون ابراهیم علیه السلام در روزهای جمعه از گوسفندانش شیر دوشیده، به فقراصدقه می داد، آنان می گفتند «حلب، حلب» و لذا رفته رفته، این نام بر شهر اطلاق شد «(۱)».

بعضی گویند حلب و حمص و برذعه برادرانی از عمالیق بوده اند که هر یک از آنان شهری ساخته و به نام خویش خوانده اند. حلب جزو اقلیم چهارم بوده و آن را از مشهورترین منطقه شام، که از سی قرن قبل از میلاد دارای تمدن بوده دانسته اند.

در ذکر بانی و پایه گذار حلب اختلاف است ولی بیشتر مورخان آن را به فرزندان عمالیق نسبت داده اند. بعضی نخستین ساکنان آن را فرزندان حام بن نوح دانسته اند «(۲)». این شهر شاهد سکونت اقوام حیثون، آشوری ها، مصری ها، یونانی ها و رومی ها بوده است «(۳)».

لذا هر یک از این اقوام آن را به نامی می خوانده اند، حیثون آن را «حلبا و حلباس»،

---

۱- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۲،ص ۲۸۲؛ ابن شحنه، الدر المنتخب فی تاریخ مملکه الحلب،ص ۲۶؛ تیودور بیشوف، تحف الانباء فی تاریخ حلب الشهباء،ص ۸

۲- تیودور بیشوف، همان کتاب،ص ۸

۳- مآخذ پیشین، همان جا؛ ابن بطوطه، الرحله،ص ۵۳؛ ابن عدیم، زبده الحلب من تاریخ الحلب،ص ۱۵- ۱

آشوریان «حلوان»، یونانیان «باروا» و مصریان آن را «حلب» خوانده اند.

در قرون اسلامی این شهر به «حلب الشهبا» معروف بوده و اکنون نیز گاهی این نام در تحقیقات جدید به کار می رود «(۱)». حلب در سال هفدهم هجری توسط اباعبیده بن جراح و به فرماندهی عیاض بن غنم فهری بهصلح فتح شد. شهر، در آن زمان هفت دروازه داشت و پیرامون آن دیواری محکم کشیده شده بود «(۲)». پس از فتح این شهر به وسیله مسلمانان، مسیحیان به حفظ کلیساها و انجام آداب و رسوم خود مجاز شدند ولی بعضی از کنائس آنان باصلح، به مسجد تبدیل شد.

حلب در قرون چهارم و پنجم که در دست بنی مرداس از حمدانیان قرار گرفت، رونق بسزایی یافت. سیف الدوله حمدانی آن جا را پایتخت خویش قرار داد، به عمران و آبادانی آن همت گماشت. در این دوران شهر حلب، همواره مورد طمع رومیان بود قلعه بسیار مستحکم آن که به عنوان مقر فرماندهی سیف الدوله، موقعیت خاص نظامی و استراتژیک به حلب بخشیده بود و مانع عمده ای برای دستیابی رومیان به شهر محسوب می شد.

در دوران ایوبی ها، حلب یکی از پایگاههای مهم نظامی مسلمانان علیهصلیبی ها بود و حتی یک بار نیز از سوی آنان تسخیر گشت. در دوره مغول به تصرف آنان در آمد و بیشتر آن ویران و باقیمانده آن در دوران تیمور دستخوش تخریب و ویرانی شد «(۳)».

در دوران عثمانی این شهر دوباره رونق گرفته و یکی از مراکز نظامی و مهم آنان شد. با پایان یافتن جنگ جهانی اول و تقسیم سرزمین های تحت سلطه عثمانی، این شهر همانند سایر شهرهای سوریه، مستعمره فرانسه گردید. اکنون شهر حلب با آثار فراوان تاریخی خود یکی از مراکز توریستی و بسیار جذاب برای جهانگردان است. شایان گفتن است که حلب در گذشته یکی از مراکز شیعه بوده است. نفوذ تشیع در آن را باید به دوران

ابوذر غفاری و حضور وی در شام یا هجرت آل ابی شعبه از عراق به آن سرزمین باز گردانید. در دوره بنی حمدان و بنی مرداس تا حدودی فاطمی ها شیعه را در این شهر گسترش دادند. متاسفانه در طول تاریخ، جمعیت شیعه این شهر به خاطر قتل و عام آنان توسط حکومتهای متعصب و نیز مهاجرت علمای شیعه منطقه به عراق و سایر نقاط از بین رفته «(۴)» و اکنون نیز بیشتر مردم آن سنی بوده و شیعه چندانی ندارد. حلب، مرکز استان حلب است که جمعیت آن بر اساس سرشماری ۲۰۰۲ میلادی برابر با ۱۳۸۱ ش، چهار میلیون نفر است.

## الف- اماکن زیارتی و مذهبی حلب

### ۱. مشهد الحسین علیه السلام: مسجد النقّطه

---

۱- نک: پیشین،ص ۱۰- ۷؛ عفیف البهنسی، الشام الحضاره،صص ۱۵۳- ۱۵۲

۲- نک: ابن عدیم، بغیه الطلب فی التاریخ الحلب، تحقیق سهیل زکار،ص ۱۱ به بعد.

٣- محمد راغب الطباخ الحلبی، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء جلد دوم و سوم؛ تیودور بیشوف همان کتاب،ص ١٧ به بعد.
۴- شیخ ابراهیم نصراللّه، حلب و التشیع، مؤسسه الوفاء، بیروت ١۴٠٣،ص ١۵٠ به بعد.

یکی از اماکنی که نزد شیعه اهمیت بسزائی دارد، مشهد الحسین علیه السلام یا مسجد النقطه است. این مکان یادآوره خاطره تلخی در تاریخ تشیع است. هنگامی که کاروان اسرا و سرهای شهدای کربلا از سرزمین عراق به حلب رسیدند، در کنار تپه یا کوهی به نام جوشن «(۱)»- در غرب حلب- و کنار معبدی به نام «مارت مروثا» کاروان یک شب متوقف شد تا لَختی بیاساید وصبحگاهان حرکت به سوی دمشق را از سر گیرد. نگهبانان و حاملان سرهای مقدس نیز به استراحت نشستند. راهبی که در آن دیر بود بادادن مبلغی به نگهبانان کاروان، سر مبارک امام حسین علیه السلام را برصخره ای در داخل دیر قرار داد و تاصبح کنار سر مقدس بود. هنگام طلوع آفتاب که سر مقدس را برداشتند، چند قطره ای خون بر اینصخره یا سنگ جاری گشته بود. پس از حرکت کاروان، مردم حلب از این مسأله خبر یافته و اطراف آن سنگ، جمع شده و به عزاداری و شیون و زاری بر کشتگان کربلا و نواده پیامبر خداصلی الله علیه و آله پرداختند.

بر اساس روایات شیعه، همه ساله در روز عاشورا آن خون بر سنگ می جوشید و توجه بسیاری از مردم شام را به خود جلب کرده بود برخی گفته اند عبدالملک بن مروان اموی دستور انتقال سنگ را از آن نقطه داد و از آن پس اثری از آن دیده نشد «(۲)». اما نویسنده کتاب حلب و التشیع معتقد است این سنگ از ابتدا تا کنون برجای خود باقی بوده است مگر مدت کوتاهی در سال ۱۹۲۰ م که مشهد النقطه پایگاه ذخیره سلاح عثمانیها بوده و چون بخاطر انفجار در تسلیحات موجود، مشهد النقطه تخریب و دچار آسیب شد این سنگ موقتاً به مشهد المحسن در جوار آن منتقل و پس از بازسازی به سال ۱۹۶۰ م دوباره بر جای خود بازگشت داده شد. «(۳)» سیف الدوله حمدانی شیعه نخستین کسی است که بر مکان آن سنگ، یعنی دیر یاد شده حجره و جامعی به سال ۳۵۰ هجری ساخت و آن را مسجد النقطه نامید. او به این مکان اعتقاد ویژه ای داشت و همواره به زیارت آن می رفت. مشهد الحسین علیه السلام امروزه در شهر حلب معروف است و از سوی اهالی و زائران حضرت زینب علیها السلام- که از طریق ترکیه و مرز زمینی به سوریه می روند- زیارت می شود.

منطقه مشهد الحسین علیه السلام اکنون به «حیّ الانصاری» مشهور است. تپه جوشن نیز به رغم اینکه خانه های متعددی بر فراز آن ساخته شده است ولی همچنان باقی است. مکان مشهدالحسین علیه السلام سمت راست خیابان اصلی و حدود پنجاه متر بالاتر از پل هوایی است کهصحن بزرگی داشته و بر در ورودی، نام این مکان بر روی سنگی حجاری شده است.

در انتهایصحن و حیاط درب دیگری است که به داخل شبستان و محل اصلی مشهد مرتبط است، بر در ورودی آن کتیبه ای به خط کوفی دیده می شود که بر آن نوشته شده است «هذا مقام و مشهد الحسین علیه السلام» و پایین آن نیز نام سیف الدّوله حمدانی به عنوان سازنده این بنا به چشم می خورد. پس از ورود؛ به شبستان کوچک دیگری می رسیم که در انتهای آن ایوانی قرار دارد و کنار آن ضریحی کوچک به ابعاد ۱/۵ *۱ متر و به رنگ زرد دیده می شود. در داخل آن سنگی بر روی استوانه ای قرار داده شده و این

---

۱- آن را بدین علت جوشن نامیده اند که شمر بن ذی الجوشن سر مبارک امام حسین علیه السلام را بر این تپه گذاشته بود ابن شحنه، الدر المنتخب،ص ۸۵

۲- عبـداللّٰه حجـاز، معالـم حلب الاثريه،ص ۱۳۶؛ کامـل غزی، نهر الـذهب فی تاریـخ الحلب، ج ۲،ص ۲۰۹؛ خیرالدین اسدی، احیاء حلب و اسواقها،ص ۱۷۶

۳- ابراهیم نصراللّٰه، همان کتاب،ص ۳۱

جا همان مکانی است که سر مقدس امام حسین علیه السلام بر آن گذاشته شده و قطره هایی از خون بر آن ریخته است. در سال ۱۹۶۰ م برای بازسازی مشهد الحسین مؤسسه بازسازی و احسان اسلامی جعفری تأسیس شد و از آن سال ضمن بازسازی این مکان، اقدامات عمرانی دیگری از جمله مسجد، مرکز پزشکی تخصصی، حوزه علمیه به ریاست شیخ ابراهیم نصراللّٰه تا عصر حاضر انجام شده است. شیخ ابراهیم نصراللّٰه نویسنده کتاب حلب و التشیع، خود امامت نماز در مشهد الحسین را امروزه بر عهده دارد.

تصاویر شماره ۴۲ و ۴۳

## ۲. مشهد المحسن بن الحسين عليه السلام

یکی دیگر از اماکن زیارتی شیعه در حلب، مشهدالمحسن است که در سیصد متری مشهد الحسین یا مشهد النقطه قرار دارد. در این مکان، محسن فرزند امام حسین علیه السلام به خاک سپرده شده است. هنگام استراحت کاروان در این مکان، همسر امام حسین علیه السلام- که به روایتی باردار بوده- بر اثر سختیهای راه و فشارهای جسمی و روحی، فرزندش سقط شده است. روایات دیگری حاکی است، محسن که طفلی شیر خواره بوده در این مکان وفات یافته است. «(۱)» به نظر می رسد روایت اولصحیح تر باشد. زیرا امام حسین علیه السلام فرزندی به نام محسن نداشته است و این که مادرش او را محسن نامیده است شاید به یاد فرزند سقط شده حضرت فاطمه علیها السلام بوده است. در هر حال به گزارش ابن شحنه در ۳۵۱ هجری سیف الدوله حمدانی شبی در خواب دید که در یک نقطه شهر نوری به هوا برخاست، چونصبح شد به آن محل رفت و پس از حفاری آن مکان، سنگی یافت که بر آن نوشته شده بود «هذا قبر محسن بن الحسین بن علی علیه السلام» و لذا دستور داد تا مزار و مرقدی بر روی آن ساختند «(۲)». یاقوت حموی این مکان را «مشهد الدّکه» نیز نامیده است «(۳)».

---

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲،ص ۲۸۴

۲- ابن شحنه، الدر المنتخب فی تاریخ مملکه الحلب،ص ۸۵؛ کامل غزی، نهر الذهب فی تاریخ الحلب، ج ۲،ص ۲۷۸

۳- همو، معجم البلدان، ج ۲،ص ۱۸۶. کمونه حسینی وی را کودکی دانسته که در آن جا از دنیا رفته است آرامگاههای پاک خاندان پیامبر وصحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلیصاحبی،ص ۱۰۱؛ عبداللّٰه حجاز، معالم حلب الاثریه،ص ۱۳۹

این مکان نیز در دامنه تپه یا کوه جوشن است و با عبور از پلکان طویلی می توان بدان راه یافت. این مشهد دو گنبد کوچک و نمایی قدیمی دارد. بر سر در ورودی آن دو کتیبه به چشم می خورد، کتیبه بالاتر از سیف الدوله حمدانی است که از دستور وی برای احداث بنا در ۳۵۱ هجری و کتیبه دوم نیز از تجدید بنای این مکان توسط سلطان عبدالحمید عثمانی در تاریخ ۱۳۱۴ ق هجری خبر می دهد.

در سمت چپ دیوار بیرونی، کتیبه ای بسیار زیبا و خوانا به خط کوفی دیده می شود که به نورالدّین زنگی شهید، از امرای ایوبی مشهور دمشق تعلق دارد. در داخل شبستان وصحن نیز کتیبه هایی با نام «ملک ظاهر الدین بیبرس» یکی دیگر از امرای ایوبی با تاریخ ۶۹۰ هجری و همچنین کتیبه ای با ذکر اسامی ۱۴ معصوم از سیف الدوله دیده می شود. در سمت چپصحن یعنی در شبستان کوچکی قبر محسن بن الحسین علیه السلام با ضریحی از آهن و پوشش سبز قرار دارد.

تصویر شماره ۴۴

### ۳. مقبره ابن شهرآشوب، و قبور علمای بنی زهره

این مقبره که در بیست متری جنوب مشهد الحسین علیه السلام قرار دارد، بسیار کوچک و به وسیله نیم دیواره ای به ابعاد ۵* ۵ متر احاطه شده است. در این جا علمای بزرگی مدفون شده اند. بر این قبور سنگ قبرهایی با خط کوفی از سده های سوم و چهارم هجری دیده می شوند که اغلب شکسته و منهدم شده و بر این کتیبه ها نام آنان ذکر شده است. یکی از علما و مورخان بزرگ شیعه یعنی ابن شهرآشوبصاحب کتاب معروف مناقب الائمه و «عمرو بنصلاح حلبی» یکی از زهاد و فقهای بزرگ اسلام در این چهار دیواری متروک و مخروبه، که توجه هیچ کس را به خود جلب نمی کند مدفون هستند.

کمی پایین تر یعنی در پنجاه متری جنوب این مکان چهار دیواری کوتاه دیگری است که در آن علمای بنی زهره- از معروف ترین قبایل شیعه در قرن چهارم و پنجم

هجری- به خاک سپرده شده اند. در این جا نیز سنگهای قبور آنان که به خط کوفی آن سده هاست بسیار شکسته و منهدم شده و به طور پراکنده بر آن قبور ریخته شده اند. در این مقبره، «بهاء الدین بن زهره بن احمد حلبی»، «احمد حسین اسحاقی»- شاعر و ادیب و حافظ قرآن-، «ابن منیر طرابلسی»- شاعر مشهور شام- و ابوالمکارم حمزه بن زهره حلبیصاحب الغنیه- متوفی ۵۸۵ ق- مدفون هستند. در توسعه اخیر مسجد النقطه که به همت شیخ ابراهیم نصرالله انجام شده است این قبور نیز در داخل محوطه مورد توسعه واقع گردیده است.

### ۴. مقبره شهید شیخ شهاب الدّین سهروردی

شیخ شهاب الدین سهروردی، یحیی بن حبش بن امیرک، شیخ اشراق، حکیم الهی و بنیان گذار حکمت اشراق به سال ۵۴۹ هجری در سهرورد- از توابع زنجان- به دنیا آمد. وی در دوران کودکی به بیشتر علوم اسلامی و فلسفی احاطه یافت. در سالهای بعد با ابداع طریقه اشراقی در فلسفه، نسبت به بعضی از فلاسفه و قدما موضع گرفت؛ لذا از جانب کسانی که طریقه اشراقی او مورد پسند نبود، به الحاد و زندقه متهم شد و حتی بعضی از علمای حلب، خون او را مباح دانستند. شیخ شهاب الدّین در بسط و تشریح مسلک جدید خود در فلسفه و حکمت یعنی مکتب اشراقی، دهها کتاب و رساله به رشته تحریر درآورد.

حکمایی چون ملاصدرا (صدرالمتالهین) و ملاهادی سبزواری به پیروی و تشریح عقاید این فیلسوف بزرگ پرداختند. شیخ شهاب الدین از عرفا و حکمایی است که عده ای او را به شیعه منتسب کرده اند لذا باید گفت علت قتل او علاوه بر ایجاد مکتب جدیدی- بر اساس فلسفه افلاطونی و پیروی از فلاسفه ایران قبل از اسلام- می تواند همین گرایش های او به شیعه باشد. او بر اثر سعایت هایی که از وی نزد سلطانصلاح الدین ایوبی فرمانروای ایوبیان مصر و شام و سردمدار مبارزه علیهصلیبی ها شد به حبس افتاد و در ۵۸۷ ق به شهادت رسید.

اکنون مقبره این شهید در سمت شمال غربی میدان باب الفرج- داخل جامع

سهروردی قرار دارد. این جامع بسیار کوچک بوده و کمتر در معرض دید است. در داخل شبستان و سمت چپ آن مقبره سهروردی است که سنگ قبر کوچکی دارد. بر بالای این قبر شرحی مختصر از زندگی این فیلسوف ایرانی و مکان تولد و رشد او در ایران به نگارش در آمده است.

تصاویر شماره ۴۵ و ۴۶

### ۵. آرامگاه حضرت زکریای نبی علیه السلام

حضرت زکریای نبی علیه السلام یکی از پیامبران الهی و آخرین انبیای عهد قدیم بود.

حیات او را، شش قرن قبل از میلاد دانسته و گویند در دوران ترمیم هیکل اورشلیم- که به وسیله نبوکدنصر پادشاه بابل تخریب شده بود- می زیسته است. زکریا و همسرش که هر دو در پیری و کِبر سن قرار داشتند به قدرت الهیصاحب فرزندی به نام یحیی شدند.

خداوند در قرآن کریم از این موضوع چنین یاد می کند. «یا زَکَرِیَّا انا نُبَشْرک بِغُلامِ اسْمُه یَحْیی «(۱)» ...» (ای زکریا ما تو را به فرزندی به نام یحیی بشارت می دهیم ...)

مرقد مطهّر این پیامبر الهی در داخل شبستان جامع اموی حلب «(۲)» و در سمت چپ محراب قرار دارد. قبر او داخل ایوانی است که با ضریحی محصور شده و در آن تابوتی چوبین با پوشش سبز دیده می شود. ابتدا در این مکانصندوقی بوده که نام زکریا نیز بر آن دیده می شده است و بعدها در مکان آن، مقبره مذکور را ساخته اند. قبر حضرت زکریا امروزه از سوی مردم حلب و زائران زینب کبری علیها السلام زیارت می شود.

تصویر شماره ۴۷

### ۶. قبر معروف بن جمر از نوادگان امام صادق علیه السلام

معروف بن جمر یکی از نوادگان اسماعیل بن امامصادق علیه السلام است که در ۵۵۵ هجری به دنیا آمد. وی فردی شجاع، متهور و از فرماندهان سپاه «ملک ظاهر بَیْبرَس» و از

---

۱- . مریم: ۷

۲- نک:ص ۱۸۴ از کتاب حاضر.

مجاهـدین فی سبیـل اللّٰه بود که سالهایی از عمر خویش را در میـدان جهاد علیهصـلیبی ها سپری کرد. این مجاهـد بزرگوار در ۶۴۰ هجری در نبرد انطاکیه به شهادت رسید.

قبر معروف بن جُمر در داخل «سوق الزرب» که بازاری بسیار طولانی است قرار دارد. بازار یاد شده از کمی بالاتر از درب قلعه حلب آغـاز و به «جـامع کبیر» حلب ختم می شود. قبر او در حـدود دویست متری داخل بازار و سـمت چپ آن است که پنجره ای از مرقـد او به بیرون بـاز شـده است. مـدرسه ای که امروزه این قبر داخـل آن است توسـط ملـك ظـاهر بیبرس به سـال ۵۹۰ هجری ساخته شده است. در کنار قبر او کلاهخود و لوازم و ابزارهای جنگی او نگهداری می شود.

تصویر شماره ۴۸

## ب- اماکن سیاحتی و تاریخی حلب

### قلعه تاریخی و نظامی حلب

در مرکز شـهر حلب، در میدان اصـلی شـهر، قلعه ای بسـیار عظیم و زیبا، که شاید از باشکوه ترین و زیباترین قلاع جهان باشد، چشم هر بیننده ای را مبهوت می سازد.

گرداگرد این قلعه، خنـدق و دره ای بزرگ است که عمق آن به حـدود ده متر و عرض آن به بیست متر می رسد. قلعه بر روی تپه ای ساخته شده و مساحتی حدود ۳۷۵* ۳۷۳ متر مربع دارد. ارتفاع بالای قلعه تا کف خندق حدود چهل متر است.

این قلعه را در اصـل رومیان ساخته انـد و سـیف الـدوله حمـدانی- حاکم موصل، حلب و رقه- در سـده چهارم آن را بازسازی کرده است.

بعضـی گوینـد نخستین کسـی که قلعه حلب را بنا کرد سـلوکوس از سـلاطین سلسـله سلوکیه (یونانیان) بود «(۱)». در جنگهای مسـلمانان و رومیـان این قلعه یکی از اسـتحکامات بسـیار قوی و غیر قابل نفوذ مسـلمانان بوده و به عنوان مقر فرمانـدهی سـیف الدوله موقعیتی

---

۱- تیودور بیشوف، تحف الانباء فی تاریـخ حلب الشـهباء،ص ۱۹۶؛ کامل غزی، نهر الـذهب فی تاریخ الحلب، ج ۲،صص ۳۶ الی ۲۳؛ عبداله حجاز، معالم الحلب الاثریه،ص ۱۳

استراتژیکی داشته است. ناکفور فوکاس فرمانده سپاهیان روم نیز یک بار قلعه را به آتش کشید پس از دوران سیف الدوله، سلاجقه شام و امرای ایوبی از این قلعه به عنوان دژی مستحکم در مقابل نیروهایصلیبی بهره برده و تعمیراتی نیز در آن انجام دادند.

متأسفانه در هجوم مغول به حلب این قلعه نیز تقریباً تخریب شد ولی اشرف بن قلاوون آن را تجدید بنا کرد. قلعه یاد شده برای بار دوم به دست تیمور لنگ خراب شد ولی بازسازی شد. آخرین تعمیراتی که بر آنصورت گرفت در قرن سیزدهم و پس از آسیب هایی بود که بر اثر زلزله به آن وارد آمد «(۱)». امروزه بر دیوارهای درب قلعه سوراخهای فراوانی دیده می شود که اثر گلوله و توپهایی است که در جنگ جهانی اول و درگیری های عثمانی با دولتهای اروپایی به آن شلیک شده است.

هم اکنون قلعه حلب یکی از اماکن و آثار تاریخی و سیاحتی منحصر به فردی است که بسیاری از سیاحان و جهانگردان را به سوی خود جذب می کند. این قلعه به وسیله پلی که بر ستون ها و پله هایی از سنگ استوار است با خارج از آن مرتبط می گردد. در گذشته، این پل، چوبی و متحرک بوده و به هنگام لزوم باز یا بسته می شده است. طول آن حدود پنجاه متر و در انتهای آن، درب اصلی قلعه قرار دارد؛ که بسیار بزرگ با دو برج دیدبانی به ارتفاع دوازده متر و عرض چهار متر و دیواره های سنگی است.

بر سر در ورودی، کتیبه ای بسیار بزرگ و طولانی به خط کوفی قرن پنجم- از دوران سیف الدوله- و در کنار آن کتیبه ای دیگر که از تجدید بنای سلطان اشرف قلاوون خبر می دهد دیده می شود. شایان گفتن است قبل از این درب، برج کوچکی که در ۱۵۰۷ میلادی ساخته شده قرار دارد. پس از در اصلی، هر یک از راهروهای پرپیچ و خم و تاریک دارای دری هستند که اوّلین آن «باب الحیات» و دوّمین آن «باب الاسدین» (شعار دولت ایوبی) است. پس از طی مسافتی طولانی و پرپیچ و خم به داخل قلعه راه یافته و این آثار و ابنیه را در آن می بینیم:

۱. قصر و دارالاماره سلطان

در قسمت بالای قلعه، سالن بزرگی به ابعاد ۳۰* ۳۰ متر و ارتفاع پانزده متر قرار دارد

---

۱- تیودور بیشوف؛ همان کتاب،ص ۱۹۶؛ کامل غزی، همان کتاب، ج ۱،ص ۹

که قصـر الضـیافه سیف الدوله بوده است. این عمارت تا حدودی شبیه سالن عالی قاپوی اصفهان است؛ دارای سقفی بسیار زیبا از فسیفساء و منبت کاری شده از آثار هنری دوران ایوبی است.

۲. زندان قلعه

کمی بالاـتر از دارالاماره و قصـر الضـیافه، در سـمت راست، درب کوچکی است که پس از عبور از راهرویی به زیرزمین و در حقیقت به زندان مخوف قلعه راه می یابیم.

زندان از دو قسـمت تشـکیل شده است، اولی که زیر زمینی وسیع با دو سالن بزرگ است و قسمت دیگری که به وسیله پله ای بسـیار باریک به آن راه است، این جا مکانی عمیق تر و بسـیار وحشـتناک و تاریک است که هیـچ روزنه و نوری نـدارد. گویا این زندان برای مجرمان و یا افراد خطرناک با جرائم سنگین تر بوده است.

۴. حمام های قلعه

پس از زندان قلعه- در سـمت چپ- یک حمام عمومی است که تا حدودی سالم مانده است. این حمام برای اسـتفاده سربازان در نظر گرفته شـده و کمی بالاتر از آن- در سـمت راست- حمام سـلطنتی دیده می شود که مخصوص فرمانده و یا فرماندهان بوده و اکنون نیز سالم باقی مانده است.

۵. جامع کبیر و جامعصغیر قلعه

دو مسـجد در قلعه وجود دارد. اولی جامع الصـغیر و دومی جامع الکبیر ساخته نور الـدین زنگی شـهید است که در انتهای قلعه قرار دارد. بر بالاـی درب ورودی جامع کبیر کتیبه ای از ۶۱۰ ق به نامصـلاح الدین ایوبی دیده می شود. این جامع که همزمان با جامع الصـغیر ساخته شده دارایصـحن، شبسـتان و محرابی است و اطراف آن نیز با سـتون های سـنگی مسـقف و گنبدی نیمه مخروبه و مـأذنه ای بزرگ بر فراز آن قرار یـافته است. کتیبه دیگری نیز بر دیواره جنوبی جامع با این عنوان دیـده می شود «امَر بِانْشاءِ هذا المَسْجدِ، مَلکِ عادل نورالدین محمود بن زنگی و احسن خاتِمَته سنه ۵۶۳».

۶. مقام ابراهیم علیه السلام و رأس یحیی علیه السلام

در راهروی ورودی قلعه- در سمت راست- ایوانی است که داخل آن قبر و

صندوقی قرار دارد. گویند پاره ای از سر حضرت یحیی علیه السلام، فرزند زکریا علیه السلام در آن است.

اینصندوق در ۴۳۵ هجری کشف شده و مکان آن به مقام ابراهیم علیه السلام و مقام خضر نیز معروف و در کنار آن نیز باب الجنان یا مشهد علی علیه السلام است. وجه تسمیه آن به مشهد علی علیه السلام به خاطر سنگ نبشته ای است که یاقوت حموی گوید خط علی بن ابی طالب علیه السلام است «(۱)».

تصاویر شماره ۴۹ و ۵۰

## ج- مساجد تاریخی حلب

### ۱. مسجد اموی یا جامع الکبیر

یکی از مساجد بسیار قدیمی و تاریخی شهر حلب جامع الکبیر یا مسجد اموی است. در ابتدا مکان آن به کنیسه بزرگ روم تعلق داشته و پس از فتح حلب توسط مسلمانان به مسجد تبدیل شده است. بنای کنونی مسجد مذکور از دوران ولید بن عبدالملک اموی است که آن را همزمان با جامع اموی دمشق ساخته و سلیمان بن عبدالملک نیز آن را تکمیل کرده است. هر چند بنای آن از لحاظ زیبایی به جامع اموی دمشق نمی رسد ولی نمونه کامل و مظهری از معماری اسلامی (در قرن اول هجری) است که بر خلاف جامع اموی دمشق، معماری رومی در آن تأثیری نداشته و مهندسان رومی در ساخت آن دخیل نبوده اند.

این جامع در ۳۱۵ هجری پس از فتح شهر به وسیله ناکفور فوکاس- امپراطور روم- به آتش کشیده شد و سیف الدوله حمدانی پس از باز پس گیری شهر دوباره آن را ترمیم کرد. در دو مرتبه دیگر، یکی در دوره زنگیان و دیگری در دوره مغول نیز دچار آتش سوزی شد که آن را بازسازی کردند «(۲)». مأذنه آن که ۴۵ متر ارتفاع دارد در ۱۰۹۰ میلادی

---

۱- معجم البلدان، ج ۲،ص ۲۸۴

۲- ابن شحنه، الدر المنتخب فی تاریخ مملکه الحلب، باب نهم؛ ابن بطوطه، الرحله،ص ۵۲؛ محمدکردعلی، خطط الشام، ج ۶،ص ۴۹؛ محمد راغب الطباخ الحلبی، اعلام النبلاء بتاریخ الحلب الشهباء، ج ۲،ص ۶۹. کامل غزی، همان کتاب، ج ۲،ص ۱۸۰

ترمیم شـده است «(۱)». این مسـجد دارای چهـار درب اصـلی به نامهای «باب النحاسـین»، «باب الجراکسه»، «باب المسامیریه» و «باب سوق الطیبه» بوده که اکنون تنها دو باب آن مورد استفاده است.

جامع کبیر در نزدیکی قلعه حلب و کنار بازار اصـلی این شهر (سوق الذرب) قرار دارد و نمای آن از بالای قلعه دیده می شود. این مسـجد که تا حدودی شبیه جامع اموی دمشق است؛ دارایصـحنی بزرگ و دیواره های سـنگی است. در وسطصحن، دو قبه شبیه قبه هایصـحن جامع اموی دمشق ساخته انـد. مأذنه چهار گوشـی در کنار درب ورودی و سـمت شـمال غربی جامع ساخته اند.

در سـمت جنـوب صـحن، شبسـتان بسـیاربزرگ و زیبـایی اسـت که دارای منـبری چـوبین و منبت کـاری شـده است. بر بالای محراب، کتیبه ای به نـام منصور بن قلاوون و کتیبه دیگر از ۷۴۰ هجری- در سـمت راست منبر- دیده می شود. در سمت چپ منبر و محراب، مرقد مطهر «زکریای نبی علیه السـلام» است. سـقف شبسـتان بر سـتون های متعددی اسـتوار گشته و به نظر نمی رسد از آن دوران یعنی قرن هشتم به بعد تعمیراتی در آنصورت گرفته باشد.

تصویر شماره ۵۱

### ۲. جامع توته

شایـد جامع توته از لحاظ قـدمت، قدیمی تر از جامع کبیر حلب باشد ولی مسـجدی است کوچک و چندان مورد توجه نیست. این جامع نخستین مسـجدی بوده که پس از فتـح حلب توسط مسـلمانان، به سال شانزده هجری بنا شـده است. نامهای دیگر آن «جـامع عمری»، «جامع غضائری» و «جامع شـعیبه» است. در دوران زنگی ها به سال ۵۴۵ هجری و در عصـر ممالیک به سالهای ۸۰۴ ه و ۹۷۲ ه تعمیر «(۲)» و نمای آن همچنان از آن دوران باقی است. جامع توته در سـمت شمال جامع کبیر و حدود یکصد متری آن در کنار میدانی واقع

---

۱- عفیف البهنسی، الشام الحضاره،ص ۱۵۸

۲- کامل غزی، همان کتاب، ج ۲،صص ۷۱ و ۸۷ و ۱۵۲؛ خیرالدین اسدی، احیاء حلب و اسواقها،ص ۹۴

شده است.

### ۳. سایر مساجد حلب

این شهر به علت اینکه در دوران سیف الدوله و همچنین زنگیها و ایوبیها در تاریخ شام نقش بسیار مهمی داشته است، همواره توجه خاصی به آن مبذول و مساجد و ابنیه های فراوانی در آن احداث گشته است. غیر از دو مسجد قدیمی که ذکر شد، سایر مساجد حلب از بناهای قرون ششم به بعد است که در این جا به ذکر نام و سال بنای آنها اشاره می کنیم.

۱- جامع دباغه: از دوران ایوبی در میدان سبع بحرات.

۲- جامع مقامات: ساخته ۷۰۳ هجری.

۳- جامع طنبغا: ساخته ۷۲۳ ه توسط علاءالدین طنبغا امیر مملوکی در میدان نمک.

۴- جامع ابن: ساخته ۷۰۷ ه در زقاق الطویل.

۵- جامع رومی: ساخته ۷۶۸ توسط منگلی بغا، نائب مملوکی حلب.

۶- جامع زکی: ساخته ۷۰۰ هجری «(۱)».

## د- بیمارستان ها و حمام های تاریخی حلب

حلب به عنوان یکی از مظاهر تمدن اسلامی دارای شاخصه های تمدن در قرون اسلامی از جمله بیمارستان، حمام، مدرسه و کتابخانه بوده است که در این جا به قدیمی ترین آنها اشاره می گردد.

۱. بیمارستان نوریه

این بیمارستان همزمان با بیمارستان نوریه دمشق به سال ۵۹۹ هجری به دستور نورالدین محمود زنگی و توسط حارثی دمشقی- مهندس و پزشک حلب- ساخته شد «(۲)».

---

۱- پیشین، همان جا؛ خیرالدین اسدی، همان کتاب،ص ۱۳۳؛ عبداللّه حجاز، همان کتاب،صص ۶۱، ۷۸ و ۱۰۰

۲- خیرالدین اسدی، همان کتاب،ص ۱۶۷؛ محمد راغب الطباخ الحلبی، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، ج ۲،ص ۶۸

بعضـی بنای آن را ۴۵۸ هجری می داننـد که در دوران نورالـدین زنگی تجدیـد بنا گشته است. بیمارسـتان مـذکور که دارای بخشی مخصوص زنان بوده، امروزه بهصورت مخروبه ای است.

۲. بیمارستان ارغونی

توسط ارغون بن طیجو کاملی، نائب حلب به سال ۷۵۵ هجری ساخته شده و دارای معماری و بنایی بسیار عالی است «(۱)».

۳. حمام جوهری

از قدیمی ترین حمام های حلب است که در ۷۸۷ هجری توسط امیر علاءالدین جوهری ساخته شده است.

۴. حمام یلبغا (ناصری)

یکی از زیبـاترین حمام های دمشق است که توسط امیر یلبغا ناصـری به سال ۸۹۲ هجری تجدیـد بنا شده است. تاریخ بنای آن روشن نیست ولی در حمله مغول از بین رفته و دوباره مرمّت گشـته است. این حمام در میـدان قلعه حلب و سـمت راست درب قلعـه اسـت که اکنـون به مـوزه ای تبـدیل شـده است. امروزه چنـد حمـام دیگر از قرون نهم و دهـم نیز همچنـان در حلب فعـال هستند.

## ۵- مدارس و کتابخانه های حلب

اهمیت علمی و تـاریخی هر شـهری و نقش آن در فرهنـگ و تمـدن، بسـته به میزان وجود کتابخانه و مـدارس آن است که در فرهنـگ اسـلامی جایگاه ویژه ای دارد. شـهر حلب به عنوان یکی از شـهرهای متمـدن اسـلامی در قرون چهارم و پنجم هجری کتابخانه های فراوانی داشـته که متأسـفانه بسـیاری از آنها در حمله مغول تخریب و ویران شده اند. یکی از قدیمی ترین و مهم ترین کتابخانه های حلب که دچار این سرنوشت غم

---

۱- کامل غزی، همان کتاب، ۲،ص ۸۲؛ عفیف البهنسی، همان کتاب،ص ۱۵۸

انگیز شده کتابخانه بزرگ «جامع کبیر اموی» است که حدود ده هزار نسخه خطی از موقوفات سیف الدوله حمدانی را در خود جای داده بوده است. کتابخانه های «سلطانیه»، «حلاویه» و «عصرونیه» و چند کتابخانه دیگر، نیز متأسفانه از هجوم مغول در امان نبوده و نسخ خطی نفیس آن همگی از بین رفته اند.

کتابخانه هایی که اکنون در این شهر موجود هستند اغلب پس از حمله مغول بنا شده که به بعضی از آنها اشاره می شود.

۱- کتابخانه شیخ عبدالرحمن عجمی در مدرسه اشرفیه: (۶۵۸ هجری).

۲- کتابخانه جامع منگلی بغا: (۷۶۰ هجری).

۳- کتابخانه مولویه: (قرن یازدهم) ساخته شیخ احمد قاری.

۴- مدرسه حلاویه: قدیمی ترین مدارس حلب است که ابتدا کنیسه بوده و در قرن چهارم هجری به مسجد تبدیل و در عصر نورالدین محمود زنگی دوباره به مدرسه تبدیل شده است «(۱)».

۵- مدرسه شرفیه: ساخته ۵۶۰ ق توسط ابن عجمی در شرق جامع کبیر.

۶- مدرسه ظاهریه: ساخته ملک ظاهر بیبرس در قرن هفتم و در ضلع جنوبی قلعه حلب.

۷- مدرسه شابختیه: در ۵۸۹ ه ساخته امیر شابخت اتابکی.

۸- مدرسه فردوسیه: در ۶۳۳ ه ساخته برادرزادهصلاح الدین ایوبی «(۲)».

### و- آثار تاریخی اطراف حلب

۱. قلعه سمعان

یکی از آثار دیدنی اطراف حلب، قلعه سمعان است که در فاصله ۵۹ کیلومتری شمال غربی حلب قرار دارد. سمعان، همان شمعون الصفا یکی از قدیسان معروف

---

۱- کامل غزی، نهر الذهب فی تاریخ الحلب، ج ۲،ص ۲۱۹

۲- نک: شوقی شعث، حلب، تاریخها و معالمها التاریخیه، جامعه حلب ۱۹۹۱ م.

مسیحی است «(۱)». قلعه را رومی ها ساخته و در جنگهایصلیبی به عنوان دژی نظامی مورد استفاده مسلمانان بوده است. قلعه سمعان در دامنه «جبل سمعان» واقع و کنار آن نیز دیر معروف سمعان است که مخروبه آن همچنان در پنج کیلومتری شرق شهرک «معره النعمان» باقی است. در کنار آن دیر یک مسجد و در شمال آن سه قبر دیده می شود «(۲)».

بسیاری از آثار داخل آن قلعه از بین رفته ولی دیواره ها و برجک ها و ستون های آن به طور کامل باقی مانده است. معماری آن ترکیبی از معماری رومی و اسلامی است و تعمیراتی که در دوران اسلامی در آن انجام شده است به وضوح دیده می شود.

۲. قلعه حارم

یکی دیگر از قلعه های دیدنی اطراف حلب است که در حدود هفتاد کیلومتری مغرب حلب- در مسیر انطاکیه- قرار دارد. این قلعه در جنگهای رومی ها با سیف الدوله حمدانی- به تصرف ناکفور فوکاس- امپراطور روم- در آمده و به عنوان یکی از استحکامات دفاعی و نظامی آنان در جنگ با نیروهای مسلمانان مورد استفاده قرار بود.

در دوران سلاجقه شام و ممالیک نیز از پایگاههای نظامی و نقاط استراتژیکی اطراف حلب در جنگهایصلیبی بوده است.

قلعه حارم در حمله مغول تخریب و عثمانی ها در قرن سیزدهم هجری آن را تجدید بنا کردند.

۳. معره النعمان

شهرکی است در مسیر «ادلب- حماه» و به فاصله ۸۳ کیلومتری جنوب شرقی حلب، آن جا زادگاه و مدفن ابوالعلاء مُعّری شاعر و فیلسوف قرن پنجم هجری است. شهرک مذکور که کمی پایین تر از قریه «الدانا» واقع شده، دارای آثار و قلاع فراوانی از دوران

---

۱- کامل غزی، همان کتاب، ج ۱، صص ۳۶۸- ۳۵۷؛ تیودور بیشوف، همان کتاب،ص ۲۷ و ۲۸؛ عفیف البهنسی، همان کتاب،ص ۱۲۴

۲- ابن شحنه، الدر المنتخب،ص ۹۹، اولین آن متعلق به شیخ زکریا یحیی بن منصور مغربی، زاهد معروف بوده و دومین آن قبر فاطمه دختر عبدالملک مروان و همسر عمر بن عبدالعزیز است.

ایوبی ها و کاروانسراهایی از دوران عثمانی ها است «(۱)».

۴. شهرک دانا

این شهرک در مسیر «حلب- حماه» و به فاصله ۴۵ کیلومتری شمال غربی حلب قرار دارد. شهرکی است بسیار قدیمی و مخروبه که آثار معماری دوران رومی ها- در قرون قبل از اسلام- در آن دیده می شود. این شهرک با «قریه الدانا» که بالاتر از معره النعمان است، تفاوت دارد. شهرک دانا در جنوب قلعه و دیر سمعان است.

۵. شهرک کرکمیش (جرابلس)

یکی از شهرک های بسیار قدیمی سوریه است که در ۱۲۰ کیلومتری شمال شرقی حلب، نزدیک مرز ترکیه قرار دارد. این شهر در هزاره های قبل از میلاد، دارای تمدنی عالی و درخشان بوده و هم اکنون نیز آثاری از آرامی ها در آن موجود است. این شهر امروزه به جرابلس معروف است «(۲)».

۶. شهرک عین دارا

این شهرک در چهل کیلومتری شمال غربی حلب و کمی بالاتر از قلعه سمعان (شمال آن) قرار دارد. آثار تاریخی آن از دوره آرامی ها و هزاره های قبل از میلاد است.

---

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به محمد سلیم الجندی، تاریخ معره النعمان، دمشق، وزاره الثقافه ۱۳۸۳ ق.

۲- تیودور بیشوف، همان کتاب،ص ۱۳

ص: ۱۹۱

نقشه

ص: ۱۹۲

سفید

ص: ۱۹۳

## فصل ششم: استان رقه: منطقه صفین

### اشاره

۱- باب علی علیه السلام و دیوار قدیمی رقه

۲- مزار و مقبره عمار بن یاسر

۳- مرقد و مزار اویس قرنی

۴- مزار و مرقد منسوب به ابیّ بن کعب

۵- آثار تاریخی اطراف رقه وصفین

شهر رقه: منطقهصفین

یکی از مناطق تاریخی سوریه که در تاریخ اسلام و بویژه شیعه، جایگاه و یژه ای دارد «شهر رقه» و یا «منطقهصفین» است.صفین در حقیقت به ساحل روخانه و جایی که خشکی به داخل آب راه یافته باشد گفته می شود. این منطقه در ۳۷ هجری شاهد یکی از وقایع بسیار مهم در تاریخ اسلام و شیعه و در حقیقت مکانی برای رویارویی حق و باطل و نبرد با قاسطین بوده است. معاویه، به عنوان سردمدار جریان قاسطین به همراه بزرگان و اشراف القبایل اموی به ظاهر برای انتقام وخوانخواهی عثمان و در حقیقت، برای انتقام خون پدران و خاندان خود در جنگ بدر- که به وسیله امام علی علیه السلام ریخته شده بود- در محلی به نامصفین (در کنار رودخانه فرات) اردو زد. هدف وی از مبارزه و نبرد با امام علی علیه السلام این بود که درصورت پیروزی، سلطنت و ریاستی که از دوران عبدمناف، از قبیله و خاندان وی بیرون رفته بود را دوباره بازگردانده و عرب را تحت انقیاد بنی عبد شمس و بنی امیه در آورد.

در این مکان خون بهترینصحابه و شیعیان علی علیه السلام از جمله عمار بن یاسر، اویس قرنی و تعداد ۲۵ نفر ازصحابه بدری و حدود ۲۵ هزار نفر از یاران علی علیه السلام بر زمین ریخته شد. پیامبرصلی الله علیه و آله نیز در دوران حیات خویش از کشته شدن عمار در این منطقه خبر داده بودند «(۱)».

«شهر رقه» و یا «رافقه» در مجاورت منطقهصفین قرار دارد نام این شهر را از این

---

۱- نصر بن مزاحم المنقری، وقعه الصفین،ص ۳۰۰ به بعد؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲،ص ۳۷۴

جهت رَقَّه گذاشته اند که در کنار آن، فرات آب خود را بر آن می گسترانید و در اصطلاح به ساحل و یا زمین های رملی کنار فرات گفته می شد. شهر رقّه را جزو اقلیم چهارم دانسته اند. در سال هفدهم هجری عیاض بن غنم فرمانده سپاه سعد بن ابی وقاص مردم آن را به اسلام دعوت کرد و آنان به این دین جدید گرویدند «(۱)».

این شهر به «رَقَه البیضاء» نیز معروف بوده است. در سمت غربی آن، شهر دیگری به نام «رَقَه واسط» ساخته شده بود و در مجاورت آن نیز شهرک دیگری به نام «رقه السوداء» قرار داشت. این شهرك را منصور- خلیفه عباسی- ساخته و به رافقه معروف بود. بعدها در دوران هارون، شهر رافقه به شهر رقه متصل و هر دو اکنون یک شهر هستند که هم به رافقه و هم به رقه معروف اند «(۲)».

از حلب تا رقه- که در شرق آن واقع شده- ۱۸۰ کیلومتر فاصله است و در حقیقت، این شهر در ۵۴۷ کیلومتری شمال شرقی دمشق و شصت کیلومتری مرز جنوبی ترکیه قرار دارد. در آن مظاهر تمدن و شهرنشینی کمتر به چشم می خورد و حالت روستایی و قدیمی خود را حفظ کرده است. در میان مردم آن جمعیت اندکی از کردها نیز زندگی می کنند.

تعداد ساکنان استان حمص بر اساس آخرین سرشماری (۲۰۰۲ م- ۱۳۸۱ ش) ۰۰۰، ۵۰۰، ۱ نفر است. در این شهر چند اثر تاریخی مذهبی را می توان بازدید و زیارت کرد از جمله:

### ۱- باب علی علیه السلام و دیوار قدیمی رقه

در دوران منصور عباسی به سال ۱۵۵ ق اطراف این شهر با دیواری از خشت و گل و چهار برجک محصور و دروازه ای نیز بر آن نهاده شده بود. این دروازه بالنسبه در همان مکانی ساخته شد که حضرت علی علیه السلام برای ورود به منطقهصفین از آن عبور کرده ولذا به باب علی علیه السلام شهرت یافته است. اکنون این باب و همچنین نیمی از دیواره شهر رقه سالم باقی مانده و جلوه زیبایی به شهر بخشیده است ولی به علت گسترش شهر، دیواره مذکور کمی در داخل شهر واقع شده است.

---

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳،ص ۵۸؛ کامل غزی، همان کتاب، ج ۱،صص ۳۶۹ و ۳۷۰

۲- کامل غزی، همان کتاب، ج ۱،صص ۳۷۵- ۳۷۲

ارتفاع آن حـدود چهار متر و عرض آن حـدود پنـج متر است که در دوران هارون عباسـی به سال ۱۸۰ هجری تجدید بنا شده است. باب علی علیه السـلام در قرن پنجم هجری- در دوران سیف الدوله، که این شهر نیز یکی از پایگاههای نظامی سیاسی او بوده تجدیـد و بازسازی قرار شـده است. شایان گفتن است که شـهر رقه در حمله مغول دچار ویرانی شـد ولی دوباره عمران و آبادی یافت.

تصاویر شماره ۵۲ و ۵۳

## ۲- مزار و مقبره عمار بن یاسر

عمار بن یاسـر بن مالک بن کنانه از قبیله بنی ثعلبه، کنیه اش ابویقظان و مادرش سـمیه و پـدرش یاسـر نخستین شـهدای اسـلام بودنـد. پـدر و مـادر عمـار از کسانی بودنـد که در راه اسـلام شـکنجه فراوانی متحمل شدنـد. بارها مشـرکان بـدن عمار را می سوزانیدند.

پیامبرصـلی الله علیه و آله هنگام شـکنجه آنان دعا می کرد، «خـدایا خانـدان یاسـر را بیامرز! ای آل یاسـر! شـکیبایی کنید؛ زیرا موعد شـما بهشت است». عمار بن یاسـر یکی ازصـحابه خاص و فداکار پیامبر خداصـلی الله علیه و آله بود و در تمامی غزوات آن حضـرت حضور داشت. در نبرد یمامه نیز برای سـرکوبی مرتـدین حضور یافته، مجروح شد و باگوش بریده، سپاهیان را به جنگ و پایداری ترغیب می کرد.

پیامبرصـلی الله علیه و آله در حق او سـخنان بسـیاری فرموده است، از جمله: «عمار تا اسـتخوان سرش از ایمان آکنده است، هر که عمار را دشمن بدارد، پروردگار، او را دشمن می دارد «(۱)»».

پیامبرصـلی الله علیه و آله در جـای دیگری، از شـهادت عمار به دست گروهی سـتمکار خبر می دهـد «یَقْتُلُ العَمَّار الْفِئَهَ الباغَیه «(۲)»».

سرانجام عمار در نبرد با گروه یاغی و سـتمکار در جنگصفین- در رکاب علی علیه السلام- به شهادت رسید. وقتی عمار کشته شد، در سپاه معاویه اضطرابی پدید آمد که عمار کشته

---

۱- واقدی، المغازی، ج ۳،ص ۶۷۴؛ ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۷،ص ۴۰۹

۲- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲،ص ۴۷۳؛ مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۵،ص ۴۰

شده و پیامبرصلی الله علیه و آله فرموده اند عمار به دست گروهی ستمکار کشته می شود؛ و لذا سپاه معاویه پس از شهادت عمار به تردید و سستی گرویدند. معاویه که می خواست به گونه ای روحیه سپاهیان را بازگردانده و تقویت کند، می گفت: راست می گویند ولی تأویل آن این است که ما بر کشندگان عثمان باغی هستیم تا به گرفتن انتقام خون او پاک شویم «(۱)».

روایت شده است، مردم از پیامبرصلی الله علیه و آله سؤال کردند اگر فتنه روی آورد و اختلاف پدید آمد ما را چه دستور می دهید؟ پیامبرصلی الله علیه و آله فرمودند: بر شما باد پسر سمیه، به درستی که او هرگز حق را ترک نمی کند تا اینکه بمیرد «(۲)». سرانجام اینصحابی فداکار در سن ۷۳ سالگی و هنگام شب به شهادت رسید. علی علیه السلام او را بدون غسل در همان میدان جنگ مدفون ساخت «(۳)».

امروز بارگاه مقدس و ملکوتی آن یارِ فداکار علی علیه السلام در کنار شهر رَقّه- در منطقهصفین- یعنی در همان جایی که به دست آن گروه ستمکار کشته شد قرار دارد. این مقبره در سمت راست باب علی علیه السلام است. چند سالی است به اهتمام جمهوری اسلامی مقبره ای بسیار بزرگ و باشکوه در حال ساخت است. بر فراز مقبره عمار، گنبدی مرتفع از بتون و سیمان قرار دارد و ارتفاع و سقف مقبره نیز بسیار زیاد است. قبر مطهّر او در زیر این گنبد قرار دارد.

تصاویر شماره ۵۴ و ۵۵

### ۳- مرقد و مزار اویس قرنی

مزار و مرقد اویس قرنی یکی ازصحابه بزرگ پیامبر خداصلی الله علیه و آله و از شیعیان فداکار علی علیه السلام در سمت چپ قبر عمار در شبستانی دیگر قرار دارد. «(۴)» وی یکی ازصحابه زاهد و

---

۱- ابوبکر تلمسانی، جوهره در نصب و شرح حال امام علی علیه السلام ترجمه فیروز حریرچی،ص ۱۰۶

۲- ابن عبدالبر، همان کتاب، ج ۲،ص ۴۷۲

۳- مسعودی، همان کتاب، ج ۲،ص ۳۸۰

۴- مسعودی به قبر وی در رقه اشاه کرده و قبر دیگری نیز در اسکندریه و دیار بکر به او منسوب داشته است همان کتاب، ج ۲،ص ۱۱۸. البته چون اویس قرنی در جنگصفین به شهادت رسید بطور قطع باید مزار او همان جا باشد.

متقی و از شیعیان خالص علی علیه السلام بود که در رکاب آن حضرت در جنگصفین به شهادت رسید. بر فراز قبر آن شهید بزرگوار نیز گنبدی مرتفع استوار یافته است. قبر او را با پارچه ای سبز پوشانیده اند.

## ۴- مزار و مرقد منسوب به ابیّ بن کعب

در شبستان سمت چپ قبر اویس قرنی مقبره دیگری قرار دارد که به ابی بن کعب منسوب است. از آنجا که نام ابی بن کعب جزو شهدایصفین ذکر نشده و قبر او نیز در بقیع قرار دارد «(۱)»، به طور قطع این انتسابصحیح نیست. احتمال می رود این جا یکی دیگر از شیعیان علی علیه السلام که در جنگصفین به شهادت رسید به خاک سپرده شده باشد.؛ زیرا چنانکه می دانیم در جنگصفین بسیاری از شیعیان خالص علی علیه السلام که مقامی کمتر از اویس قرنی نداشته اند کشته شده و بعضی از آنان در همان منطقه به خاک سپرده شده اند که امروزه هیچ اثری از قبور آنان نیست.

## ۵- آثار تاریخی اطراف رقه و صفین

### ۱. شهر رُصافه

این شهر به «رصافه هشام» معروف است و در ۲۴ کیلومتری غرب شهر رقه واقع شده است. بنای آن را به هشام بن عبدالملك اموی نسبت می دهند که در هنگام طاعون شام، این شهر را بنا کرده بود «(۲)». البته چون قبل از اسلام به «راسابا» نیز معروف بوده و در دوره بیزانس نیز به نام «سرجیوبولیس» قدّیس، متوفی قرن چهارم هجری مشهور بوده است لذا به نظر می رسد هشام بن عبدالملك دیوار و بناهای آن را تجدید و بازسازی

---

۱- بنگرید تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره تألیف نگارنده این سطور، نشر مشعر، سازمان حج وزیارت ۱۳۷۲

۲- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۳،ص ۴۶؛ کامل غزی، همان کتاب، ج ۱،ص ۳۷۲

کرده است.

در این شهر آثاری از رومی ها مانند کلیسا، دیوار، برج و چند قصر متعلق به دوران هشام بن عبدالملک قرار دارد که ویرانه های آنها همچنان وجود است.

### ۲. شهرک عین دیوار

این شهرک در شمال شرقی سوریه و در تلاقی مرز سه کشور ترکیه، عراق و سوریه است. در این شهر تاریخی یکی ازآثار رومی ها یعنی پل رومی، که بر رودخانه دجله ساخته شده همچنان پابرجا است.

### ۳. قلعه جَعْبَر

یکی از نقاط بسیار دیدنی و جذاب اطرافصفین و رقه، قلعه زیبای جعبر است که در کنار رودخانه فرات واقع و چون در نزدیکی آن سد عظیمی ساخته شده این قلعه چون جزیره ای در وسط دریاست.

قلعه مذکور در مسیر حلب و حدود سی کیلومتری جنوب رقه وصفین قرار دارد. در این مسیر یک دوراهی ما را به سوی شهرک الثوره راهنمایی می کند. حدود ده کیلومتر به طرف این شهرک، پس از سد جدید الاحداثی، تابلویی با عنوان الی جعبر، مسیر قلعه را نشان می دهد. از این نقطه تا قلعه حدود دوازده کیلومتر راه است. پس از طی این مسافت به حاشیه رودخانه فرات می رسیم. از دور یک خشکی که همانند جزیره ای آب اطراف آن را فرا گرفته چشمان ما را به خود متوجه می سازد. قلعه مذکور بر فراز تپه ای ساخته شده که هر سه طرف آن را آب احاطه کرده است.

قلعه در گذشته به «دُوَسر» معروف بوده است. از تاریخ بنای نخستین آن اطلاعی در دست نیست ولی به گفته یاقوت حموی در دوران بنی عباس فردی از بنی قُشیر اعمی به نام جَعْبَر بن مالک، این قلعه را به تملک درآورده است. وی که فردی راهزن بوده، پس از راهزنی در این قلعه پناه می گرفته است. در ۴۷۷ هجری سلطان ملکشاه سلجوقی این قلعه را از تصرف وی خارج ساخت و بنی قشیر را از آن بیرون راند.

پس از چندی نورالدین محمود زنگی به سال ۵۴۱ هجری آن را متصرف شد. این

قلعه پس از چنـدی توسط ملک عادل برادر سلطانصـلاح الدین ایوبی بازسازی شد اما هولاکو آن را تخریب و در ۷۳۵ ق «امیر طنبغـا» نـائب حلب از بیست هزار نفر برای بازسازی آن کمک گرفت. این قلعه در دوران ایوبی ها یکی از مراکز مهم نظامی و پایگاههای استراتژیکی آنان بوده است. «(۱)»

قلعه جعبر دو دیوار دفاعی داشته که اطراف آن را خندق تشکیل می داده است.

ارتفاع آن تا سطح رودخانه ۳۴۵ متر است. در سمت جنوب غربی آن مدخل ورودی قلعه است، پل متحرکی بر آن قرار یافته و بعدها به جای آن پلکانی از سنگ ساخته اند.

اطراف قلعه و دیواره آن، برجهـای دفاعی فراوانی به شـکل مربع یا مـدور و مسـدس برای دیـدبانی قرار دارد. در گوشه جنوبی قلعه، باقی مانده بنای محکمی دیده می شود که محتمل است قصـر الاماره بوده باشد. امروزه بیشتر دیوارهای قلعه که از آجر و خشت است تخریب شده و یا روبه ویرانی است بعضی از قسمتهای کنگره ها و برجک های آن نیز به مرور از بین رفته است.

در حدود دو کیلومتری آن و در وسط رودخانه، تپه ای بهصورت جزیره نمایان است که بر بالای آن بنایی دیده می شود. گویا این جا پایگاه رصد یا کمین قلعه بوده است.

برای رفتن به آن مکـان بایـد از قـایق اسـتفاده کرد. هم اکنـون این قلعه و اطراف آن بصـورت تفرجگـاه تابسـتانی مردم اطراف است.

تصویر شماره ۵۶

---

۱- یـاقوت حموی همـان کتاب، ج ۲،ص ۱۴۲؛ کامـل غزی، همان کتاب، ج ۱،ص ۳۷۵؛صـلاح الدین ابیکصفدی تحفه ذوی الالباب، ج ۲،ص ۷۳

ص: ۲۰۳

## فصل هفتم: استان حَماه

### اشاره

ص :۲۰۴

الف- مساجد تاریخی حماه

ب- قلعه های حَماه

ج- قصرهای حماه

د- سایر آثار تاریخی حماه

استان حَماه

یکی دیگر از شهرهای تاریخی سوریه، شهر «حَماه» «(۱)» است که در ۱۸۵ کیلومتری شمال دمشق، ۴۵ کیلومتری شمال حِمص، و ۸۵ کیلومتری جنوب حلب قرار دارد. سابقه تاریخی این شهر به قرنها قبل از اسلام می رسد و نام آن در اشعار جاهلی شاعر عرب امرئُ القیس دیده می شود «(۲)». در آن دوران، شهر یا قریه حَماه یکی از قرای تابعه حِمص بوده است ولی اکنون یکی از استان های بزرگ سوریه است «(۳)».

گرداگرد شهر، چون سایر شهرها، دیواری عظیم کشیده شده که اکنون بعضی از ابواب و پایه های آن نیز دیده می شود. شهر حَماه همانند حِمص در سال هفدهم هجری به دست ابوعبیده بن جراح و با پرداخت خراج بهصلح فتح شد. جمعیت استان حماه بر اساس سرشماری ۲۰۰۲ م ۰۰۰، ۴۰۰، ۱ نفر است. در این شهر آثار متنوعی از دوران اسلامی و حتی قبل از اسلام وجود دارد. این آثار عبارتند از:

---

۱- حَماه در زبان مردم سوریه به معنی امْ یعنی مادر و حماه المرأه یعنی مادر همسر. آنان به وابستگان همسر احْماء گویند.

۲- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۲،ص ۳۰۰

۳- محمد علی پاشای مصری که این شهر را در قرن هیجدهم میلادی مورد بازدید قرار داده آن را بزرگتر از حمص دانسته و ساکنینش را بی نهایت در دینداری متعصب و جدی دیده است. انیس الابیض، رحلات فی بلاد الشام،ص ۶۹

## الف– مساجد تاریخی حماه

۱. جامع کبیر حماه

این مسجد که به جامع الاعلی نیز معروف است و درمرکز شهر واقع شده، قبل ازاسلام معبد بت پرستان بوده و سپس به کلیسا و در هفدهم هجری به مسجد تبدیل شده است.

جامع کبیرصحنی بزرگ ودو مناره از آثار دوره سلجوقی، ساخته (۵۲۹ ه) و (۸۲۵ ه) دارد که در ۵۲۹ و ۸۲۵ ق ساخته و دوران مهدی عباسی (۱۶۹ ق.) ممالیک بازسازی شده است.

۲. جامع ابی الفداء

این مسجد به دست مورخ مشهور سوریه یعنی ابوالفداء،صاحب تاریخ المختصر که در سالهای ۷۱۰ ه تا ۷۳۲ ه والی این شهر بوده ساخته شده است. جامع ابی الفداء همچنان زیبایی خود را حفظ کرده و مکان آن کمی بالاتر از جامع کبیر است.

۳. جامع نوری

جامع نوری به دستور نورالدین محمود زنگی در ۵۵۸ هجری بنا گردیده است.

داخل شبستان، منبر زیبایی از سنگ که ساخته دوره زنگیان (۵۵۹ هجری) است و در جنوب نیز مناره ای از آثار معماری قرن نهم به چشم می خورد.

۴. جامع حسنین

این جامع نیز به دستور نورالدین محمود زنگی همزمان با جامع نوری که در آن زمان به وسیله زلزله تخریب شد بود تعمیر گردید. جامع حسنین به جامع حسین نیز معروف و در جنوب قلعه حماه قرار دارد.

## ب– قلعه های حَماه

به علت موقعیّت خاص استراتژیکی شهر «حماه»، همواره برای دفاع از آن و یا

ایجاد پایگاههای نظامی، در دوران قبل و بعد از اسلام، قلعه های بسیار مستحکم و زیبایی در شهر و اطراف آن ساخته شده که تمامی آنها امروزه موجود است. این قلاع عبارتند از:

۱. قلعه حَماه

این قلعه سابقه ای بس دراز در تاریخ دارد. بنای آن به سه قرن قبل از میلاد یعنی حدود ۲۲۰۰ سال قبل باز می گردد. آن را می توان پس از قلعه مشهور حلب و بصری زیباترین قلاع سوریه دانست. خندقی بزرگ اطراف قلعه را محصور کرده که در گذشته از آب رودخانه «العاصی» پر می شده و دشمن را یارای دستیابی به آن نبوده است.

قلعه به وسیله پلی چوبی به بیرون مرتبط شده که امروزه پلی از سنگ بر جای آن قرار گرفته است. در داخل قلعه، همانند قلعه حلب، مرکزی برای فرمانروا و فرماندهی قلعه، حمام و خانه هایی ساخته شده بود که اکنون جز دیواره های آن باقی نمانده است.

قلعه حَماه در جنگهای با روم یکی از پایگاههای نیروهای سیف الدوله و در جنگهایصلیبی نیز مقر نظامی سپاه اسلام بوده است. این قلعه یک بار توسط هولاکو و بار دیگر به وسیله تیمور ویران گشته است.

۲. قلعه ابوقبیس

بنای آن از دوران رومی ها است و سلاجقه شام و ایوبی ها از آن به عنوان پایگاه نظامی خود در جنگهایصلیبی استفاده کرده و تغییراتی در آن انجام داده اند. این قلعه زمانی نیز در تصرف فدائیان اسماعیلی قرار داشته و به وسیله نجم الدین شعرانی در قرن هفتم هجری بازسازی شده است.

۳. قلعه شَیْزر

این قلعه در هیجده کیلومتری شمال غربی شهر حماه است که یکی دیگر از پایگاههای نظامی سیف الدوله در جنگ با ناکفور فوکاس بوده است.

. قلعه شمیمیس

در سی کیلومتری جنوب شرقی حماه قرار دارد. آثار این قلعه که در دوران مغول ساخته شده به طور کامل باقی مانده است.

۵. قلعهصفیق

قلعه مذکور درنزدیکی شهر، «افامیه» قراردارد که درقرن هفتم هجری بنا شده است.

۶. قلعه مصیاف

در چهل کیلومتری غرب حماه، در شهر مصیاف قلعه ای از آثار قرن پنجم هجری است. این قلعه که از پایگاههای اسماعیلیان بوده به دست هولاکو تخریب گشته و اکنون جز دیواره های آن باقی نمانده است.

۷. قلعه رَحیبَه

در ۵۲ کیلومتری شرق حماه است. بنای آن به نیم قرن قبل از میلاد می رسد.

## ج- قصرهای حماه

۱. قصرالعظم

یکی از کاخهای بسیارزیبایی است که دردوران عثمانی (۱۱۵۳ ق.) توسط اسعدپاشا همزمان با قصر العظم دمشق ساخته شده است. این قصر امروزه به موزه تبدیل شده است.

۲. قصر ابن وردان

این قصر در شصت کیلومتری شرق حَماه و از آثار رومیان است. قصر ابن وردان دو طبقه بوده و کلیسا و سربازخانه آن از بین رفته است.

۳. قصر اسرایا

این قصر در نزدیکی «قصر ابن وردان» بوده و از بناهای رومی است.

## د- سایر آثار تاریخی حماه

### ۱. دیر الصلیب

این دیر که از آثار قرن چهارم میلادی است در غرب حماه و در مسیر مصیاف واقع شده است. اکنون در آن دیر مخروبه است و آرامگاهی نیز در آن دیده می شود.

### ۲. آسیاب های آبی

در دوران اسلامی برای توسعه کشاورزی و آبیاری، شهر حماه دارای چندین آسیاب آبی بود که این آسیاب ها بر روی نهر الحامی استقرار یافته بود. در عصر حاضر هنوز یکی از آنها فعال است.

تصویر شماره ۵۷

### ۳. بیمارستان نوریه

در قرن ششم همزمان با بیمارستان نوری دمشق توسط نورالدین محمود زنگی ساخته شده است.

## ه. شهر باستانی افامِیَه: فامیه

یکی از شهرهای تاریخی استان حماه که سابقه ای بس دراز در تاریخ سرزمین شام دارد، شهر باستانی افامیه است. اکنون خرابه های آن در ۵۶ کیلومتری شمال غربی حَماه دیده می شود. شهر افامیه در تاریخ ایران قبل از اسلام جایگاه خاصی داشته است،؛ زیرا در دوران خسرو دوم ساسانی از تصرف رومی ها در آمده و از جانب ایران حاکمی بر آن جا گماشته شده است.

بنای اصلی شهر را به سلوکوس اول مؤسس سلسله سلوکیه- نسبت داده اند «(۱)». این شهر، در هفده هجری به دست سپاه مسلمانان فتح گردید. در قرن ششم هجریصلیبی ها

---

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱،ص ۲۲۶

آن را به تصرف درآوردند ولی نیروهای نورالدین محمود زنگی آن را آزاد کردند، اکنون بقایای این شهر بویژه ستون ها و سرستون های سنگی، پایه های دیواره ها موجود است.

ص: ۲۱۱

## فصل هشتم: استان حمص

### اشاره

الف: جامع و مقبره خالد بن ولید

ب: جامع و قبور فرزندان جعفر طیّار

ج: جامع و مقبره عمر بن عبدالعزیز

د: سایرصحابه مدفون در حمص

استان حمص

حِمْصْ یا در عرف مردم سوریه حُمْصْ یکی از شهرهای قدیمی سرزمین شام است که در ۱۴۵ کیلومتری شمال دمشق و بین راه دمشق و حلب قرار دارد. از حماه تا این شهر ۴۵ کیلومتر فاصله است. بنای آن را به مردی به نام «حمص بن مهر بن جان بن مکنف» یا «حمص بن مکنف عملیقی» نسبت داده اند. حمص جزو اقلیم چهارم است که قبل از اسلام در تصرف یونانیان بوده است. در دوران خلافت عمر بن خطاب پس از آنکه ابو عبیده بن جراح دمشق را فتح کرد، خالد بن ولید را به سوی حمص فرستاد و خود به دنبال وی آمد. مردم شهر تقاضایصلح کرده، امان خواستند؛ لذا طبق معاهدهصلح، ۱۷۰ هزار دینار جزیه مقرر شد «(۱)».

مردم حمص از ابتدا گرایش و تمایل شدیدی نسبت به بنی امیه داشتند. آنان در جنگصفین معاویه را یاری داده و عداوت سختی نسبت به امام علی علیه السلام و شیعه نشان دادند. با این حال عده ای از غُلات شیعه از فرقه نُصَیریه نیز در این شهر زندگی می کنند.

حمص در عصر حاضر که از لحاظ جمعیت سوّمین شهر سوریه است بیشتر اهالی آن سنی بوده و تعداد خیلی کمی نیز مسیحی و علوی دارد.

از آنجا که برای تبلیغ اسلام در این سرزمین، بسیاری ازصحابه و قراء به آن رو آورده و ساکن شدند، «(۲)» امروزه مشاهد و مزارات فراوانی از آنان در حمص وجود دارد که به آن اشاره می کنیم.

---

۱- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۲،ص ۳۰۴

۲- ملکه ابیض، التربیه والثقافه العربیه الاسلامیه فی الشام والجزیره،ص ۴۰۸

## الف: جامع و مقبره خالد بن ولید

یکی از آثار باشکوه و جذّاب حمص، مسجد خالد بن ولید و مقبره اوست. مسجد مذکور در محله خالدیه و در مرکز شهر- خیابان اصلی شهر حمص- قرار دارد و نمای زیبای آن چشمها را متوجه خود می سازد. از بنای نخستین آن اطلاعی در دست نیست لیکن چون این جا خالد بن ولید به سال ۲۱ هجری مدفون شده است باید جامع آن نیز همان زمان ساخته شده باشد. با این وجود روشن است که این مسجد در ابتدا توسط ملک ظاهر بندقداری به سال ۶۶۴ هجری و سپس به وسیله ملک اشرف قلاوون در ۶۹۱ هجری تجدید و ترمیم شد.

در دوران سلطان عبدالحمید عثمانی به وسیله ناظم پاشا- حاکم شام- بنای نخستین آن به کلی تخریب و سپس مسجد بسیار بزرگ و باشکوهی به جای آن ساخته شد. این جامع دارای پنج گنبد بسیار زیبا به رنگ خاکستری بوده و مأذنه ای بزرگ به زیبایی آن افزوده است. مسجد خالد را از لحاظ زیبایی و معماری می توان با مسجد ایاصوفیه در ترکیه مقایسه کرد که ترکیبی از معماری اسلامی و رومی است. در داخل مسجد و در شبستان بزرگ آن، مقبره خالد بن ولید فاتح این شهر قرار دارد که دارای قبه و ضریحی بزرگ با پایه ها و دیواره های مرمرین و ضریحی نقره ای است. قبر وی در گوشه شمال غربی شبستان با پوششی سبز و عمامه ای که بر آن نهاده شده دیده می شود. مقبره خالد را همانند مقام رأس یحیی در جامع اموی ساخته اند.

در همین مکان همسر خالد و پسرش عبدالرحمان نیز به خاک سپرده شده اند.

یاقوت حموی گوید: بعضی این قبر را از خالد بن یزید بن معاویه می دانند و خالد بن ولید در دو کیلومتری حمص به خاک سپرده شده است «(۱)». در ضلع شمال غربی شبستان مسجد، قبر عبیداللّه بن عمر دیده می شود. وی فرزند خلیفه دوم و همان کسی است که در قصاص خون پدر خود سه تن را به قتل رسانید و امام علی علیه السلام سوگند خورد که عبیداللّه را بخاطر قتل بیگناهان قصاص خواهد کرد لذا وی به هنگام حکومت علی علیه السلام از مدینه

---

۱- معجم البلدان، ج ۲،ص ۲۰۳

گریخت و نزد معاویه به شام رفت. سرانجام در جنگصفین در رکاب قاسطین و به دست امام به قتل رسید.

تصویر شماره ۵۸

### ب: جامع و قبور فرزندان جعفر طیّار

کمی بالاتر از جامع خالد بن ولید، در خیابان سمت چپ این جامع- حدود سیصد متر به سمت جنوب- جامع کوچکتری است که به جامع طیّار معروف است. در شبستان این مسجد دو قبر وجود دارد که تابلویی بر بالای آن نام عبداللّه و عبیداللّه را به عنوان دو شهید نشان می دهد تا آنجا که می دانیم جعفر طیار یک فرزند به نام عبداللّه داشته که در مدینه وفات یافته است ودر بقیع به خاک سپرده شده است. شاید این قبور نوادگان او باشد.

### ج: جامع و مقبره عمر بن عبدالعزیز

حدود دویست متر بالاتر از جامع طیّار در سمت چپ خیابان، جامع عمر بن عبدالعزیز قرار دارد که مقبره او نیز در داخل شبستان است. بنای آن از به دوران عثمانی برمی گردد. قبر عمر بن عبدالعزیز والی عادل اموی با سنگ و پوششی سبز، بدون ضریح و قبه در حجره ای قرار دارد. بعضی گویند قبر عمر بن عبدالعزیز در نزدیکی شهرک معره النعمان در اطراف حلب است که قبلًا در مورد دیر سمعان و آن شهرک سخن گفتیم «۱».

تصویر شماره ۵۹

### د: سایر صحابه مدفون در حمص

۱- عمرو بن عبسه.

۲- ابو امامه باهلی، (م ۸۱ ق.).

۳- عبداللّه بن بسرمازنی (م ۸۸ ق.).

۴- شداد بن شرحبیل.

۵- شرحبیل بن اوس کندی.

۶- عبدالرحمن بن عمیره مزنی.

۷- عبداللّه بن سفیان ازدیصحابی.

۸- سعید بن عامر بن حذیم (م ۲۰ هجری) «(۱)».

همچنین چند تن دیگر نیز در اینجا به خاک سپرده شده اند:

۹- قنبر غلام امام علی علیه السلام که به دست حجاج کشته شد.

۱۰- سفینه، مهران بن فروخ، غلام ایرانی پیامبر خداصلی الله علیه و آله.

۱۱- کعب الاحبار، یکی از راویان یهودی که در دوران ابوبکر مسلمان شد.

۱۲- هلال بن حرث معروف به ابو حمراء غلام ایرانی پیامبر خداصلی الله علیه و آله و از شیعیان علی علیه السلام که خزانه دار او نیز بوده است «(۲)».

۱۳- ثوبان، غلام پیامبر خداصلی الله علیه و آله متوفی ۴۵ هجری.

---

۱- بنگرید، یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲،ص ۳۰۴

۲- کَمّونه حسینی، آرامگاههای پاک خاندان پیامبر و ...ص ۱۰۳

# فصل نهم: استان های ساحلی

## اشاره



۱- استان طَرطوس

«طرطوس» یکی از استان های ساحلی سوریه است که در ۹۶ کیلومتری «مغرب حمص» قرار دارد. شهر طرطوس که در ساحل مدیترانه قرار دارد، و بر اساس آمار ۲۰۰۲ م، ۷۲۰ هزار نفر جمعیت دارد. بانضمام «لاذقیه» در آغاز قرن ششم هجری به تصرفصلیبی ها درآمد. در این شهر آثاری از دوران تسلطصلیبی ها موجود است، از جمله:

## ۱- استان طَرطوس

### اشاره

«طرطوس» یکی از استان های ساحلی سوریه است که در ۹۶ کیلومتری «مغرب حمص» قرار دارد. شهر طرطوس که در ساحل مدیترانه قرار دارد، و بر اساس آمار ۲۰۰۲ م، ۷۲۰ هزار نفر جمعیت دارد. بانضمام «لاذقیه» در آغاز قرن ششم هجری به تصرفصلیبی ها درآمد. در این شهر آثاری از دوران تسلطصلیبی ها موجود است، از جمله:

### الف- قلاع طرطوس

ص: ۲۱۹

۱- قلعه حصن

در ۳۵ کیلومتری جنوب شـرقی طرطوس است که در سال ۱۱۱۰ میلادی به تصرفصـلیبی ها درآمد. پنج سال بعد آلب ارسلان سلجـوقی آن را تصـرف و سـپس به دست ایوبی هـا افتـاد. قلعه مـذکور بارهـا بین مسـلمانان و رومیهـا دست به دست گشـته و سرانجام در سال ۱۲۷۰ میلادی «ملک ظاهر بیبرس» آن را از رومی ها باز پس گرفت.

۲- قلعه یحمور:

بین طرطوس وصافیتا قرار دارد.

۳- حصن سلیمان:

در شـرق طرطوس بوده و از آثـار قبـل از میلاد است. در قرن اول میلادی به معبـد الهه زنوس و در دوران روم به کلیسا تبـدیل شده است.

ص: ۲۲۰

۴- حصن طرطوس:

از آثارصلیبی ها در سال ۱۱۸۳ میلادی است که به دستصلاح الدین تسخیر گشت.

۵- قلعه الخوابی:

در شمال شرقی طرطوس قرار دارد.

### ب – سایر آثار طرطوس

#### ۱ – ارادوس:

جزیره ای است در سه کیلومتری مقابل ساحل طرطوس. این جزیره پایتخت فینیقی ها بوده و اکنون در آن آثاری از آن دوران موجود نمی باشد.

#### ۲ – تل الکزل:

مرکز شهر قدیمی «سمیرا» بوده و در فاصله ۲۲ کیلومتری جنوب شرقی طرطوس در مسیر حمص واقع است. آثاری از دوره قبل از اسکندر مقدونی در آن موجود است.

#### ۳ – موزه طرطوس:

در آن آثاری از دوره یونان، روم و اسلام نگهداری می شود «(۱)».

---

۱- عفیف البهنسی، شام الحضاره،صص ۱۳۲- ۱۲۸

## ۲- استان لاذِقّیَه

### اشاره

لاذقیه یکی از استان های ساحلی سوریه است «بندر لاذقیه» در ۳۴۸ کیلومتری شمال غربی دمشق و در ساحل مدیترانه قرار گرفته است. جمعیت آن بر اساس آمار ۲۰۰۲ م، ۰۰۰، ۸۸۰ نفر است. این شهر به همراه حمص در سال هفده هجری فتح گردید و در دوران ایوبی ها و زنگیان- در سال پانصد هجری- به اشغال نیروهای رومی درآمد.

هنگامی که درمساجد لاذقیه اذان بلند می شد، رومیان دستور می دادند کلیساها ناقوس خویش را بهصدا درآورند تاصدای اذان شنیده نشود «(۱)». سرانجام مسلمانان این شهر را دوباره فتح کردند. آثاری بسیار زیبا از دوران های مختلف در آن باقی مانده است که عبارتند از:

### الف: قلعه صلاح الدین

این قلعه که در ۲۲ کیلومتری شرق لاذقیه است به دست رومیان ساخته شده بود، در ۱۱۸۸ م توسطصلاح الدین ایوبی تسخیر شد. در داخل قلعه، آثاری از دوره بیزانس و دوره اسلامی مثل مسجد، مناره، حمام و ... موجود است. مسجد قلعه را سلطان قلاوون ساخته است.

تصویر شماره ۶۰

---

۱- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۵،ص ۶

ص: ۲۲۲

## ب: سایر قلاع لاذقیه

۱- قلعه کهف: در شصت کیلومتری جنوب لاذقیه.

۲- قلعه مهالبه: در جنوب قلعهصلاح الدین.

۳- قلعه بنی قحطان: در بیست کیلومتری شرق شهر جبله.

۴- قلعه مرقب: در شصت کیلومتری شهر لاذقیه و نزدیک بانیاس.

## فصل دهم: استان تدمر: پالمیرا

### اشاره

قوس النصر: باب النصر

معبد نبو

معبد بل

حمام های تدمر

## تدمر و آثار تاریخی آن

### اشاره

یکی از مناطق سرزمین شام که از هزاران سال پیش دارای تمدن و فرهنگی درخشان بوده و در تاریخ ایران نیز اهمیتی بسزا دارد تدمر است. این شهر که در ۱۶۰ کیلومتری شرق حمص واقع شده است درعصر ساسانیان در تصرف ایرانیان بوده است.

در حدود ۷۵ هزار سال پیش در سرزمین تدمر با مساحت شصت کیلومتر مربع، انسانهایی می زیستند که امروزه بقایا و آثاری از آنان در غارها و ... یافت شده است. بنای این شهر را به هزاره هفتم قبل از میلاد نسبت می دهند. در آغاز هزاره دوم قبل از میلاد، نام تدمر در متون آشوری دیده شده و تا عصر هلنی و رومی نیز این نام همچنان مشهور بوده است.

در این دوران اسم تدمر با پالمیرا، که مشتق از نخل بوده همراه گشته است؛ چون در شمال این سرزمین نخلهای خرما کاشته می شده است «(۱)».

گفته اند: تدمر، دختر حسان بن اذینه از نوادگان سام بن نوح علیه السلام، دارای عجیب ترین خانه بوده که بر ستون های سنگی و مرمر ساخته شده و مردم گمان می کردند این بنا به وسیله جنّیان برای «سلیمان» نبی علیه السلام ساخته شده است. گویند وقتی «مروان بن محمد»- آخرین خلیفه اموی- به تخریب دیوار تدمر پرداخته و مخالفین خویش در این شهر را می کشت؛ به شکافی بزرگ در کنار دیوار بر خورد و پس از داخل شدن در آن،صخره ای یافت که شبیه خانه بود. در آن جنازه زنی بر روی تختی که با هفتاد پارچه و حله پوشیده شده بود دیده می شد و بر کتیبه ای بالای آن نوشته بود به نام خداوند، من تدمر،

---

۱- المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری، ج ۱،ص ۱۳۲

دختر حسان هستم. خداوند کسی را که داخل خانه من گردد، دچار ذلّت و خواری کنید لذا مروان نیز آن جا را به حال خود باقی گذاشت و بازگشت «(۱)».

تدمر که در هزاره اول قبل از میلاد مسکن آرامی ها و دارای تمدن درخشانی بوده، در هفدهم هجری باصلح توسط خالد بن ولید بهصلح فتح شده است. «(۲)»

در شهر تدمر آثار فراوانی از دوران قبل از اسلام وجو دارد که بسیاری از آنها رو به ویرانی رفته است. آثاری که اکنون در این شهر تاریخی موجود هستند عبارتند از:

### قوس النصر: باب النصر

در ابتدای ورود به شهر تدمر، دروازه ای است که ما را به داخل شهر راهنمایی می کند. از اینجا خیابان اصلی شهر تدمر، آغاز می شود در اطراف این خیابان، رواقها و ستون هایی قرار داشته که بر روی آن، تصاویر بزرگان شهر حجاری شده و در سمت راست آن نیز چهار ستون عظیم دیده می شود که مجسمه ای از زنان ساقی بر آن ساخته شده قرار یافته است. مقابل آن ستون ها، «قوس نصر» قرار دارد. این باب یکی از دروازه هایی است که این خیابان از آن می گذشته و کنار آن دو دروازه کوچک دیگری نیز قرار دارد. این دروازه اکنون بطور سالم پای برجا مانده است.

تصویر شماره ۶۱

### معبد بل

یکی از بناهای اعجاب انگیز و جذّاب تدمر، معبد خدای بل، یعنی خدای خورشید مردم تدمر است. این معبدصحن مقدسی بهصورت چهار دیواری داشته که با چهار ستون و رواق احاطه شده و در وسط آن هیکل و مجسمه مرکزی قرار گرفته است. در حقیقت این بنا، خانه رب (بل) بوده که بت و مجسمه وی در آن قرار داشته است.

---

۱- احسان عباس، تاریخ بلاد الشام من قبل الاسلام حتی بدایه العصر الاموی،صص ۹۸- ۹۶

۲- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲،ص ۱۹

در معبد بل کشتارگاه و حوضی برای تطهیر نیز وجود داشته است. معبد یاد شده یکی از بزرگترین معابد جهان بوده و مساحت آن به حدود چهل هزار متر مربع می رسیده است. گفته می شود بیست معبد داخل آن بوده و هزاران گروه و دسته از قبایل سرزمین شام و شهرهای تابعه و همچنین از شبه جزیره در مراسم خاص طواف برگرد بت بَعْل در آن حضور می یافته اند. بنای ساختمان مرکزی آن در ۳۲ میلادی انجام شده و بنای سایر قسمتهای آن تا دو قرن بعد نیز ادامه داشته است «(۱)».

تصویر شماره ۶۲

## معبد نبو

کنار قوس النصر در قرن اول میلادی، معبدی مخصوص پرستش خدای «نبو» ساخته شده است. بر روی این معبد چهل کتیبه وجود دارد.

## حمام های تدمر

در سمت راست خیابان مذکور، حمام های تدمر قرار دارد که از قرن دوم میلادی است. این حمام ها هر کدام چهار درب داشته و داخل آن سالن استراحت و حوضی برای آب سرد و آب گرم اختصاص می یافته است. وجود حمام در قرن دوم میلادی حاکی از تمدن و فرهنگ مردم تدمر است.

تئاتر و مجلس شیوخ تدمر

در سمت مقابل این خیابان، «مسرح» یا «تئاتر تدمر» قرار دارد که در قرن دوم میلادی ساخته شده است. امروزه از این مسرح تنها ستون ها و بعضی از پلکان های آن بر جای مانده است. در جنوب غربی مسرح، «مقر مجلس شیوخ» شهر که آن را اداره می کردند بوده و سالنی برای نشستن مردان و سالنی برای شیوخ قبایل- که از اطراف تدمر

---

۱- المعجم الجغرافی للقطر السوری،صص ۱۳۳- ۱۳۲؛ احسان عباس، همان کتاب،ص ۸۹۸ و ۱۰۰- ۱۰۳

به این سـرزمین می آمدنـد- اختصـاص داشـته است. و بر دیواره هـای آن نیز تصـاویری است که گویـا از فرمانـدهان جنگی و رؤسای قبایل بوده است.

معبد بعل شمین

پس از مسرح و میـدان بازار تـدمر که اکنون آثار حجره ها و دکاکین آن دیـده می شود بنای «معبـد بعل شـمین»- که خـدای آسـمان در میان تـدمریان بوده- قرار دارد. این معبد در ۱۳۲ میلادی ساخته شـده و اهمیت فراوانی نزد اعراب ساکن در تـدمر داشته است.

قبور تدمر

آثـار بعضـی از قبور مردم تـدمر هم اکنون موجود است. این قبور یـا بصورت جمعی و یـا فردی بوده و هر خانـدانی برای خود مقبره و محلی خاص با تصاویر مخصوص داشـته است. قبور آنان یا در برجهای هندسـی که به وسـیله پلکانهایی به آنها راه می یافتنـد و یا در زمین و یا در خانه ها قرار داشـته و بیشتر آنان از قرن اول قبل از میلاد است. امروزه دهها برج هندسـی که داخل آن قبور مردم شهر بوده منظره جالبی به شهر تاریخی تدمر بخشیده است.

تصاویر شماره ۶۴

دیوار تدمر

بر گرد شـهر، دیواری به طول دوازده کیلومتر سـاخته بودنـد که اکنون آثـاری از آن پـا برجـاست. بر اطراف و گوشه های این دیوار هنوز برجکهای دیدبانی از آثار «ژوستینین»- امپراطور روم- ساخته قرن ششم میلادی موجود است.

موزه تدمر

در ۱۹۶۱ میلادی در میدان ملکه زنوبیا- مقابل ساختمان شهرداری کنونی- موزه ای

ساخته شد که بعضی از آثار هنری و معماری تدمر در آن نگهداری می شوند «(۱)». شایان گفتن است متأسفانه بسیاری از آثار تاریخی و فرهنگی تدمر در دوران تسلط فرانسویها از این شهر خارج شده است.

---

۱- المعجم الجغرافی للقطر السوری،صص ۱۳۴- ۱۳۲

## فصل یازدهم: استان سویدا

### اشاره

الف- بُصری و آثار اسلامی و تاریخی آن

ب- شهر تاریخی سویدا

ج- شهباء: فیلیوبولیس و آثار تاریخی آن

د- شهر کصَلْخَد یاصَرْخَد

ص: ۲۳۳

استان سویدا

یکی از استان های بزرگ جنوب سوریه است که شهرهایی چون سویدا، بُصری و شهبا در آن قرار دارند. هر یک از توابع آن، پیشینه تاریخی قابل توجه و جایگاه ویژه ای در تاریخ این سرزمین داشته اند و کوله باری از فرهنگ و تمدنی بس درخشان را در دهها قرن به دوش کشیده اند. یکی از شهرهای تابعه استان سویدا که اهمیتی بسیار ویژه در تاریخ اسلام و شخص پیامبرصلی الله علیه و آله دارد، شهر تاریخی بصری است.

## الف- بُصری و آثار اسلامی و تاریخی آن

### اشاره

بُصْری در ۱۳۲ کیلومتری جنوب دمشق است. قدمت بصری از لحاظ تاریخ و تمدن شهرنشینی به قرن ها پیش از میلاد می رسد و هم اکنون نیز آثاری از آن دوران بر جای مانده است. این شهر در قبل و بعد از اسلام، واسطه تجارتی شبه جزیره و شام بوده و کاروان هایی که از شبه جزیره برای تجارت به شام می آمدند، ابتدا توقف کوتاهی در شهر بُصری داشته و پس از انجام تجارت مقدماتی و استراحت لازم به سوی دمشق حرکت می کردند.

بُصری نزد مسلمانان و مورخان اسلامی نقش و موقعیتی ویژه دارد؛ زیرا حدود سی سال قبل از بعثت پیامبر خداصلی الله علیه و آله شاهد قدوم مبارک آن حضرت در سن نه یا ده سالگی بوده است. سر انجام این شهر در سیزده هجری توسط خالد بن ولید باصلح فتح گردید.

آثار شهر قدیمی بُصری، آن را بصورت ویرانه و یا مخروبه ای جلوه گر ساخته که این آثار خود بیانگر تمدنی درخشان در ورای قرنهاست. پس از قلعه و مسرح بصری که

از آن سخن خواهیم گفت، تا انتهای شهر چیزی جز ویرانه و آثار مخروبه باقیمانده از بازارها، حمام ها، معابد و ... عصر رومیها دیده نمی شود. در بعضی از همین ویرانه ها، مردمی بسیار فقیر، با قرار دادن سقفی از برگ درختان یا چوب و سنگ زندگی می کنند.

گویی وقتی انسان وارد شهر بصری می شود بنظر می رسد حداقل به هزار سال قبل برگشته است. اگرچه مردم آنجا خانه های محقری دارند اما قلبها و دلهایشان بزرگ و مهربان است.

در این شهر آثاری تاریخی و حائز اهمیت که کوله باری از قرنها حوادث، آنها را راست قامت تر نموده وجود دارند که به شرح آنها می پردازیم.

### ۱. دروازه اصلی و تاریخی شهر

این شهر در دوران رومی ها و قبل از اسلام دارای دیوار و استحکامی قوی بوده که اکنون بعضی ازقسمتهای خراب شده آن موجود و در سمت غرب آن دروازه بزرگ و اصلی شهر با بخشی ازدیوار قدیمی آن همچنان پابرجاست. دروازه یاد شده که از آثار قرن دوم قبل از میلاداست امروزه درحدود دویست متری داخل شهر واقع شده واطراف آن میدان کوچکی است.

### ۲. قلعه و تئاتر بُصری

یکی از آثارقدیمی شهر بصری، مجموعه ای است که دارای قلعه، حمام، ورزشگاه و تئاتر بوده و اطراف آن خندق نسبتاً بزرگی حفر شده است. این مجموعه در مرکز شهر قرار دارد و به وسیله پلی از سنگ که بر روی خندق ساخته شده با داخل مرتبط می شود.

در دو طرف این پل مجسمه های سنگی از آثار رومی ها نصب و از سمت راست با عبور از درب قلعه به مسرح یا تئاتر بصری راه می یابیم. پس از عبور از راهرویی بسیار تاریک- در سمت راست- سالنی بدون سقف دیده می شود که نیم ستون های سنگی از دوران روم در آن باقی است و گویا ستون های سقف را تشکیل می داده که تخریب شده اند. احتمال می رود این جا تالار بزرگ و میهمانسرای این قلعه بوده است. در سمت چپ این محل پلکان های بسیار باریک ما را به طبقه بالا راهنمایی می کنند که در حقیقت

به بالاترین نقطه ورزشگاه یا تئاتر قلعه مرتبط است. در بالای این مکان به یکی از اعجاب انگیزترین و جذاب ترین اثر تاریخی و هنری یعنی ورزشگاهی از دوران روم مُشرِف می شویم. محوطه و شکل این مکان مشابه ورزشگاههای کنونی است که پلکانهایی بصورت نیم دایره در حدود چهل ردیف از کف تا بالا داشته و محل نشستن تماشاچیان بوده است.

فضای میدان به طول ۱۰۲ متر و ارتفاع ۲۶ متر است. که حدود پانزده هزار نفر را در خود جای می داده است. در آن دوران، این جا عرصه رزم و تنازع بقا بوده است.

گلادیاتورها، در مقابل تماشاچیان بی عاطفه به طور بیرحمانه ای به جان یکدیگر افتاده و شرط آزادی خویش یعنی کشتن رقیب را با وحشیگری هر چه تمام تر تحقق می بخشیدند. آنان با ریختن خون یکدیگر ساعاتی از نشاط را برای مردمی که از دیدن جان دادن دیگران لذت می بردند فراهم می کردند.

در این میدان گاهی اسرا و بردگان به کام شیران گرسنه می افتادند و کمتر کسی بود که می توانست از این معرکه جان سالم بدر برد. در سمت جنوب ورزشگاه و در قسمت تحتانی آن، جایگاه اصلی و محل نشستن امرا، پادشاهان و بزرگان بوده است. در پشت این مکان یعنی در طبقه بالای سمت راست، سالن بزرگ دیگری است که اکنون بهصورت موزه ای مخروبه در آمده است. در این سالن نیم تنه ها و سرهای سنگی فراوانی از مجسمه های خدایان، بزرگان و اشراف برده دار رومی به نمایش درآمده ولی بیشتر آثار این سالن به سرقت رفته اند. در سمت راست این سالن، یک نقاشی دیواری بسیار زیبائی ازعصر روم و هزیزانی که از اتصال هزاران قطعه کوچک سنگی رنگین ایجاد شده به جلوه هنری این سالن افزوده است. بنظر می رسد از دوران رومی ها تاکنون در این مجموعه عظیم هیچ ترمیم و تجدد بناییصورت نگرفته باشد.

تصویر شماره ۶۵

### ۳. بازار، حمام ها و معابد بُصری

کمی پایین تر از قلعه و ورزشگاه بصری، ویرانه قدیمی شهر آغاز و ابتدای آن دروازه ای کوچک که تنها ستون های آن باقی مانده اند دیده می شود که دروازه بازار

بزرگ بصری بوده است. پس از آن بازار شهر قرار داشته که روزگاری همواره یکی از مراکز مهم اقتصادی سرزمین شام محسوب می شده است. در کنار بازار، بقایای چند حمام از قرون اولیه اسلامی که سالمتر از بقیه آثار است دیده می شوند. در کنار آن نیز بقایای ویرانه یک کلیسا و یا معبد متعلق به قرون دوم و سوم میلادی است.

تصویر شماره ۶۶

### ۴. جامع عُمَری

حدود دویست متر بالاتر از بازار و در انتهای قسمتی از شهر قدیمی بصری کلیسایی در قرن اول هجری به مسجد تبدیل شده است و در ۱۳۲۷ میلادی تعمیراتی بسیار جزیی یافته ولی ترکیب بنای آن از همان دوران تاکنون باقی مانده است. مسجدی است بسیار کوچک و مأذنه ای چهار گوش و کوچک دارد. هم اکنون اهالی در این مسجد نماز می گزارند.

### ۵. دیر و کلیسای بُحیرای راهب

در سمت راست مسجد عمری، در کوچه های باریک و قدیمی در حدود پانصد متر بالاتر- در سمت راست کوچه- به بنای مخروبه کلیسایی بر می خوریم که زمانی بُحیرای راهب در آن به عبادت و تهجد، روزگار می گذرانیده است. این مکان نزد مسلمانان اهمیت و قداست ویژه ای دارد؛ زیرا پیامبرصلی الله علیه و آله در دوران نوجوانی زمانی که برای انجام تجارتی همراه ابوطالب به شام آمده بود؛ مورد توجه راهب این دیر قرار گرفته وی با دیدن علائمی که در کتاب آسمانی خود از پیامبرصلی الله علیه و آله آینده دیده بود به ابوطالب گفت که وی را محافظت کن و من در ناصیه او پیامبری می بینم. این واقعه «(۱)»،صرف نظر از شاخ و برگهای فراوان و معجزات بدون دلیلی که اغلب از جانب مسیحیان و مستشرقان در منابع تاریخی آمده است، ارزش و قداستی ویژه به این مکان می بخشد.

کلیسایی که اکنون مخروبه آن دیده می شود به ظاهر در دوره بیزانس (قرن چهارم

---

۱- ابن هشام، سیرهالنبی، ج ۱،صص ۱۹۷- ۱۹۴؛ ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، ج ۲،ص ۱۰- ۶

میلادی) یعنی سه قرن قبل از اسلام ساخته شده و در دوران های بعدی از حیّز انتفاع خارج گردیده و تعمیراتی در آنصورت نگرفته است. مساحتی حدود یکصد متر دارد و در ورودی آن آهنی و اکنون مسدود است. در دیوار انتهایی کلیسا آثار محراب آن نیز باقی است. شایان گفتن است که سقف آن نیز به مرور زمان از بین رفته و امروزه تنها دیواره های مرتفع آن باقی مانده است. علامتصلیبی کوچک بر دیواره غربی یعنی بالای در ورودی کنده شده و کتیبه ای به زبان سریانی نیز بر آن دیده می شود.

تصویر شماره ۶۷

### ۶. جامع مبرک یا ناقه

در آخرین نقطه شهر یعنی حدود سیصد متر بالاتر از کلیسای بحیرا- در سمت راست- نمای مسجدی دیده می شود که دارای مناره ای کوچک و در ورودی بسیار کوتاهی است و برای ورود به آن باید خم شد و سپس داخل آن گردید. این جا جامع مبرک است. در این مکان ناقه و شتر پیامبرصلی الله علیه و آله بر زمین نشسته که بعدها مسجدی به جای آن ساخته اند و «مبرک» نیز یعنی محل نشستن شتر.

در داخل مسجد، شبستان کوچکی است که در عصر حاضر تعمیراتی در آن انجام شده و اکنون مردم محل در آن نماز می گزارند. در سمت راست این شبستان، حجره ای کوچک و تاریک است و داخل آن قطعه سنگی بر روی زمین به ابعاد ۱/۵ *۱ /۵ متر دیده می شود. نگارنده این سطور چهار گودال کوچک باندازه زانو و یا پای یک شتر که بر این سنگ فرو رفته را دیده است. ریش سفیدان محل می گفتند: این نشانه همان جای زانوی شتر پیامبر خداصلی الله علیه و آله است. «واللّٰه اعلم بالصواب».

تصویر شماره ۶۸

## ب- شهر تاریخی سویدا

شهر سویدا مرکز استان سویدا است که در فاصله ۱۰۶ کیلومتری جنوب دمشق قرار گرفته است. سویدا را به ابو محمد سویدانی، که فردی بزرگوار و خَیّر بوده و نزد ابو حامد

غزالی در بغـداد فقه می خوانـده نسـبت داده اند «(۱)». امروزه در این شـهر موزه بسـیار جـذاب و زیبـایی از آثار دوره یونان و بیزانس از جمله کتیبه هایی از قرن سوم میلادی به نمایش درآمده است. شـهر در حال حاضـر ترکیبی جدید داشته و اکثر بناها و خانه های آن جدید است. اهالی آن به علت موقعیت بسـیار مطلوب آب و هوایی و جغرافیایی آن، به زراعت مشغول و بیشتر زمین های آنان به کاشت زیتون اختصاص یافته است. قلعه ای از دوران بیزانس نیز در این شهر وجود دارد که بالنسبه کوچک و دیدنی است.

## ج- شهباء: فیلیوبولیس و آثار تاریخی آن

این شـهر نیز یکی از شهرهای قدیمی استان سویداست که در ۸۹ کیلومتری دمشق و کمی بالاتر از سویـدا واقع شده و بنای آن را به فیلیپ، امپراطور روم- در قرن سوم- نسـبت داده اند. شـهباء دارای چند اثر تاریخی و مهم از جمله «معبد فیلیبون» است که در پنجاه متری غرب میدان اصلی شهر قرار دارد. امروزه تنها چند ستون از آن باقی مانده است.

آثار مخروبه چند حمام، قنات و تئاتر نیز از قرن سوم میلادی در آن دیده می شود ولی بیشتر آثار تاریخی آن در موزه شهر که دو طبقه است نگهداری می شود.

## د- شهرک صَلْخَد یا صَرْخَد

شهرکصـرخد یاصلخد کنونی در بیست کیلومتری شرق بصری قرار دارد. در این شهرك قلعه ای از دوران رومی هاست که در قرون بعـدی به وسـیله ممالیـك و ایوبی هـا تجدیـد بنـا و بازسـازی شـده و به عنوان یـک پایگاه نظامی مهم در جنگهایصـلیبی استفاده می شده است.

از آثار تاریخی دیگر این شـهرك، مناره یکی از مساجد دوران ایوبی است که تنها برپا مانده و مسـجد آن مخروب شده است. امروزه اطراف این مناره میدان اصلی شهرك قرار دارد.

---

۱- یاقوت حموی همان کتاب، ج ۳،ص ۲۸۶

## فهرست منابع

### اشاره

## الف. منابع عربی

۱- قرآن کریم.

۲- آیبکصفدی،صلاح الدین خلیل بن آیبک (۷۶۴ ق.). تحفه ذوی الالباب فیمن حکم بدمشق من الخلفاء و الملوک و النواب. حققه احسان بنت سعید خلوصی و زهیر حمیدان الصمصام، دمشق، وزاره الثقافه ۱۹۹۱ م.

۳- ابن اثیر جزری الشیبانی، عزالدّین ابی الحسن علی بن عبدالکریم (۶۳۰ ق.). الکامل فی التاریخ. بیروت، دارصادر، دار بیروت ۱۹۶۵ م و قاهره ۱۲۹۰ ق.

۴-- اسدالغابه فی معرفه الصحابه. بیروت دارالاحیاء الترث العربی، [بی تا] و قاهره دارالکتب المصریه ۱۳۵۸ ق.

۵- ابن اعثم کوفی، خواجه احمدبن محمد (۳۱۴ ق.). الفتوح. هند، حیدرآباد دکن، دائرهالمعارف العثمانیه، چاپ اول ۱۳۸۸ ق و بیروت، دارالکتب العلمیه ۱۴۰۶ ق.

۶- ابن بطوطه، ابو عبداللَّه محمد بن ابراهیم (۶۸۳ - ۷۵۶ ق.). تحفه النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار: الرحله، بیروت، دارالکتب اللبنانی، مکتبه المدینه [بی تا] و دارالکتب العالمی ۱۹۹۱ م.

۷- ابن بکار، ابی عبداللَّه زبیر بن بکار بن عبداللَّه بن مصعب بن ثابت بن عبداللَّه بن زبیر (۱۷۲- ۲۵۶ ق.). الاخبار الموفقیات. تحقیق سامی کلی العانی، بغداد، مطبعه العانی ۱۹۷۲ م.

۸-- کتاب نسب قریش، تصحیح و تألیف لیفی. بروفنسال، مصر، دارالمعارف، چاپ دوم [بی تا].

۹- ابن تغری بردی (۸۷۴ ق.). النجوم الزاهره فی اخبار ملوک مصر و القاهره. قاهره، دارالکتاب المصریه ۱۹۲۹.

۱۰- ابن جبیر اندلسی، ابی الحسن محمد بن احمد. رساله اعتبار الناسک فی ذکر الاثار

الکریمه و المناسک، معروف به الرحله ابن جبیر، بیروت. دار مکتبه الهلال، چاپ دوم ۱۹۸۶ م.

۱۱-- الجامع الاموی بدمشق. تحقیق محمد مطیع الحافظ، بیروت، دار ابن کثیر، چاپ اول ۱۴۰۵ ق.

۱۲- ابن جوزی، یوسف بن حسام الدین قزاوغلی سبط. تذکره خواص الامه فی معرفه احوال الائمه. فی هامشه مطالب السئول، شافعی، به خط محمد باقر عبدالحسین اصفهانی، چاپ سنگی ۱۲۸۵ ش.

۱۳- ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییزالصحابه. مصر، مطبعه مصطفی محمد ۱۳۵۸ ق و بیروت، دارالکتب العلمیه [بی تا].

۱۴-- تهذیب التهذیب، هند، مجلس دائره المعارف النظامیه، حیدر آباد دکن ۱۳۲۵ ق.

۱۵- ابن حورانی، عثمان بن احمد السویدی الدمشقی. زیارات الشام. دمشق، مکتبه الغزالی ۱۹۸۱ م.

۱۶- ابن رجب حنبلی، عبدالرحمن بن احمد (۷۳۶- ۷۹۵ ق.). الذیل علی طبقات الحنابله. تصحیح محمد حامد الفقی، مصر، السنه المحمدیه ۱۳۷۲ ق.

۱۷- ابن سعد، ابو عبداللّه محمد بن سعد بن منیع زهری بصری (۱۶۸- ۲۳۰ ق.). الطبقات الکبری. بیروت دارصادر، داربیروت ۱۳۷۶ ق.

۱۸- ابن شاکر الدارانی،صلاح الدین محمد بن شاکر. فوات الوفیات. تحقیق محی الدین عبدالحمید، قاهره مکتبه النهضه، ۱۹۵۱ م.

۱۹- ابن شحنه، الدرالمنتخب من تاریخ الحلب. دمشق، دارالکتاب العربی، چاپ دوم ۱۴۰۴ ق.

۲۰- ابن شداد، عزالدین محمد بن علی بن ابراهیم. الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره. حققه یحیی زکریا عباره، دمشق، وزارهالتقافه ۱۹۹۱ م و تحقیق سامی الدهان و یحیی عباره ۱۹۵۶ م.

۲۱- ابن شهاب زهری، محمد بن مسلم بن مسلم بن عبیداللّه (۵۱- ۱۲۴ ق.). المغازی النبویه. تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر ۱۴۰۱ ق.

۲۲- ابن شهر آشوب، ابی جعفر رشید الدین (۵۸۸ ق.). المناقب الائمه: مناقب آل ابی طالب. قم، مطبعه العلمیه [بی تا].

۲۳- ابنصباغ مالکی، علی بن محمد بن احمد (۸۵۵ ق.). الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه. بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم ۱۴۰۹ ق.

۲۴- ابن طولون، القلائد الجوهریه فی تاریخ الصالحیه. تحقیق محمد احمد دهمان، دمشق [بی تا] ۱۹۵۶ م.

۲۵-- بهجه الانام فی فضل دمشق الشام، بیروت، بی تا.

۲۶- اعلام الوری بمن ولی نائباً من الاتراک بدمشق الشام الکبری. تحقیق احمد دهمان، دمشق، وزاره الثقافه ۲۸۳ ق.

۲۷- ابن طیفور، ابن ابی طاهر (۲۸۰- ۲۰۴ ق.) بلاغات النساء. بیروت، دارالنهضه الحدیثه ۱۹۷۲ م.

۲۸- ابن عبدربه اندلسی، احمد بن محمد (۳۲۸ ق.) العقدالفرید. تحقیق عبدالحمید استرحینی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم ۱۴۰۷ ق.

۲۹- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبداللّه ثمری قرطی اشعری (۳۶۸- ۴۶۰ ق.).

الاستیعاب فی معرفه الاصحاب. مصر، مطبعه مصطفی ۱۳۵۸ ق.

۳۰- ابن عبدالهادی، یوسف. ثمار المقاصد فی ذکر المساجد، تحقیق محمد اسعد طلس. بیروت، مکتبه لبنان ۱۳۶۱ ق.

۳۱- ابن عدیم (۶۶۰ ق.). زبده الحلب من تاریخ الحلب. تحقیق سامی الدهان، دمشق، معهدالفرنس ۱۹۵۹ م.

۳۲-- بغیه الطلب فی تاریخ الحلب. تحقیق سهیل زکار، دمشق، [بی تا] ۱۹۸۸ م.

۳۳- ابن عساکر، علی بن حسن الشافعی (۴۹۹- ۵۷۱ ق.). تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الامائل اواجناز بنواحیها. دمشق، مجمع اللغه العربیه ۱۳۹۸ ق و تحقیقصلاح الدین المنجد، المجمع العلمی العربی ۱۳۷۱ ق.

۳۴- ابن عماد حنبلی، ابوالفلاح عبدالحی. شذرات الذهب فی اخبار من ذهب. بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۹ ق.

۳۵- ابن عنبه، جمال الدین احمد بن علی الحسن (۸۲۸- ۷۴۸ ق.). عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، بیروت. دار مکتبه الحیاه [بی تا].

۳۶- ابن قلانسی، حمزه بن علی بن محمد (۴۷۰- ۵۵۵ ق.) ذیل تاریخ دمشق. قاهره، مکتبه المتنبی [بی تا] و تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارحسان، چاپ اول ۱۴۰۳ ق.

۳۷- ابن قیم جوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد. فهرسه محمد ادیب الجاور، بیروت، الرساله ۱۴۱۲ ق.

۳۸- ابن کثیر القرشی الدمشقی، عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۷۰۰- ۷۷۴ ق.).

البدایه و النهایه فی التاریخ. مصر، مطبعه السعاده ۱۳۵۱ ق و بیروت ۱۴۰۹ ق.

۳۹- ابن منظور، محمد بن مکرم (۶۳۰- ۷۱۱ ق.). مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر.

تحقیق ریاض عبدالحمید مراد، محمد مطیع الحافظ. بیروت، دارالفکر ۱۴۰۴ ق.

۴۰- ابن هشام، محمد بن عبدالملک بن ایوب حمیری (۲۱۸ ق.). سیره النبیصلی الله علیه و آله. تحقیق محی الدین عبدالحمید، قاهره ۱۳۵۶ ق و مصطفی البابی الحلبی ۱۳۵۵ ق.

۴۱- ابراهیم حسن. حسن. تاریخ الاسلام السیاسی و الدینی و الثقافی و الاجتماعی.

بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم ۱۹۶۴ م.

۴۲- ابیض، ملکه. التربیه و الثقافه العربیه- الاسلامیه فی الشام و الجزیره خلال القرون الثلاثه الاولی للهجره. بیروت، دارالعلم للملایین ۱۹۸۰ م.

۴۳- ابیض، انیس. رحلات فی بلاد الشام خلال القرون الثامن عشر و التاسع عشر و القرن العشرین. بیروت، دارالندوه الجدیده ۱۴۱۰ ق.

۴۴- احسان عباس. تاریخ بلاد الشام من ما قبل الاسلام حتی بدایه العصر الاموی.

عمان، مطبعه جامعه الاردنیه ۱۴۱۰ ق.

۴۵- ازدی بصری، محمد بن عبداللَّه. تاریخ فتوح الشام. تحقیق عبداللَّه عامر، بیروت، دارناصیف ۱۹۷۰ م. و تصحیح ولیام ناسولیس ایرلندی، کلکته ۱۸۵۴ م.

۴۶- اسدی، خیرالدین، احیاء حلب واسواقها. تحقیق عبدالفتاح رواس قلعه جی.

بیروت، دارقتیبه ۱۹۹۰ م.

۴۷- الامین، حسن. دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه. بیروت، دارالتعارف للمطبوعات ۱۴۱۰ ق.

۴۸- الامین، محسن. اعیان الشیعه. حققه حسن الامین، بیروت، دارالتعارف ۱۴۰۶ ق.

۴۹- باسمیل، محمد احمد. العرب فی الشام قبل الاسلام. بیروت. دارالفکر، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق.

۵۰- البحره، نصرالدین. دمشق الاسرار. دمشق. [بی نا [] بی تا].

۵۱- بدری، ابی البقاء عبداللَّه (قرن نهم). نزهه الانام فی محاسن الشام. بیروت، دارالرائد ۱۹۸۰ م.

۵۲- بـدیری، احمـد الحلاـق و حـوادث دمشـق الیومیه (۱۱۵۴ - ۱۱۷۵ ق.) تحقیق، احمـد عزت عبـدالکریم. مصـر، مطبوعـات الجمعیه المصریه والدراسات التاریخیه ۱۹۴۶ م.

۵۳- بلاذری، ابی الحسن احمد بن یحیی بن جابر (۲۷۹ ق.). فتوح البلدان. تعلیق رضوان محمد رضوان، مصر. المطبعه المصریه بالازهر ۱۳۵۰ ق.

۵۴-- انسـاب الاشـراف. حققـه محمـد بـاقر المحمـودی. بیروت، مؤسـسه الاـعلمی للمطبوعـات چـاپ دوم ۱۹۷۴ ق و مصـر، دارالمعارف ۱۹۵۹ م.

۵۵- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمان، سیده زینب، عقیله بنی هاشم. بیروت، دارالکتب

العربی ۱۴۰۶ ق.

۵۶-- سکینه بنت الحسین علیه السلام، بیروت، دارالکتب العربی ۱۴۰۶ ق.

۵۷- البهنسی، عفیف. الشام الحضاره. دمشق، وزاره الثقافه ۱۹۸۶ ق.

۵۸- بیشوف، تیودور. تحف الانباء فی تاریخ حلب الشهباء. تعریب و تحقیق، شوقی شعث. دمشق، دارالوسیم للخدمات الطباعیه، چاپ دوم ۱۹۹۲ م.

۵۹- جعفری، بشار. السیاسه الخارجیه السوریه (۱۹۸۲- ۱۹۴۶ م). دمشق، دارطلاس ۱۹۸۷ م.

۶۰- الجندی، محمد سلیم. تاریخ معره النعمان. دمشق، وزراه الثقافه ۱۳۸۳ ق.

۶۱- حافظ، محمد مطیع. حریق الجامع الاموی و بناوه (۱۳۱۱ - ۱۳۲۰ ق) نصوص و وشائق للقاسمی، واصف، کرد علی والعظمی، کویت، مکتبه دارالعروبه للنشر و التوزیع ۱۴۰۹ ق.

۶۲- حجاز، عبدالّله. معالم حلب الاثریه. حلب، جامعه حلب، جمعیه العادیات [بی تا].

۶۳- خمّاس، نجدت. الشام فیصدر الاسلام. (من الفتح حتی سقوط الخلافه بنی الامیه). دمشق، دارطلاس ۱۹۸۷ م.

۶۴- خوارزمی زمحشری، موفق الدین احمد بن محمد (۶۶۵ ق.) المناقب. خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شماره ۶۲۱.

۶۵- الخیمی،صلاح محمد. نزهه الرفاق فی شرح حاله الاسواق، من کتاب رسائل دمشقیه، بیروت [بی نا] ۱۹۸۸ م.

۶۶- دائرهالمعارف الاسلامیه، احمد الشنتاوی، ابراهیم زکی خورشید، عبدالحمید یونس. تهران، بوذرجمهری [بی تا].

۶۷- دارقیو، فارس. وصف دمشق فی القرن السابع العشر، من مذاکرات الرحاله الفرنسی. تعریب احمد ایبش، دمشق، دارالمأمون للتراث ۱۴۰۳ ق.

۶۸- دهمان، محمد احمد. فی رحاب دمشق. بیروت، دارالفکر، چاپ اول ۱۴۰۲ ق.

۶۹- زکی ابراهیم، محمد. مراقداهل البیت بالقاهره. مصر، مطبوعات العشیره المحمدیه، چاپ چهارم ۱۴۰۶ ق.

۷۰- زبیدی، ترویج القلوب فی ذکر الملوک بنی ایوب. تحقیقصلاح الدین المنجد.

بیروت دارالکتاب الجدید ۱۹۸۳ م.

۷۱- سابقی، حسنین. مرقد العقیله زینب علیها السلام بیروت [بی تا].

۷۲- سلطان، علی. تاریخ السوریه (۱۹۱۸- ۱۹۰۸ م). دمشق، دارطلاس ۱۹۸۷ م.

۷۳- سمهودی، ابوالحسن علی بن احمد (۹۱۱ ق.). وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی.

حققه محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، مطبعه السعاده، چاپ اول ۱۳۷۴ ق.

۷۴-- سوفاجیه، جان، الآثار التاریخیه فی دمشق. تعریب اکرم حسن العلبی.

دمشق، دار الطباع ۱۴۱۲ ق.

۷۵-- لمحه تاریخیه منذ العصور القدیمه حتی الانتداب. تعریب فؤاد افرام البستانی، دمشق، الوارف ۱۹۸۹ م.

۷۶- سید علیخان، سید عبدالکریم. مقتل سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام. بیروت، دارالزهرا، چاپ اول ۱۴۰۲ ق.

۷۷- سیل، پاتریک. الصراع علی سوریه (دراسه للسیاسه العربیه بعد الحرب ۱۹۵۸- ۱۹۴۵). تعریب سمیر عبده و محمود کلامه، دمشق، دارطلاس [بی تا].

۷۸- شریف القرشی، باقر. حیاه الامام حسین بن علی علیه السلام. بیروت، دارالبلاغه، چاپ اول ۱۴۱۳ ق.

۷۹- شهابی، قتیبه. اسواق دمشق القدیمه و مشیداتها التاریخیه. دمشق. وزاره الثقافه ۱۹۹۰ م.

۸۰-- مآذن دمشق، تاریخ و طراز. دمشق، وزاره الثقافه ۱۹۹۳ م.

۸۱- شوقی، ابوخلیل. اطلس التاریخی العربی، دمشق، دارالفکر ۱۴۰۴ م.

۸۲- شوقی، شعث. حلب، تاریخها و معالمها التاریخیه. حلب، جامعه الحلب ۱۹۹۱ م.

۸۳-- نقشه و راهنمای قلعه حلب، حلب، مطبوعات المدیریه العامه لاثار والمتاحف ۱۹۸۶ م.

۸۴- طباخ الحلبی، محمد راغب. اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء.صححه و علق علیه محمد کمال، حلب، دارالقلم العربی، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق.

۸۵- طبرسی، ابی منصور احمد بن ابی طالب (م قرن ششم). الاحتجاج علی اهل اللجاج.

تعلیق سید محمد باقر الموسوی الخراسانی. مشهد، نشر المرتضی ۱۴۰۳ ق و بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ۱۴۰۳ ق.

۸۶- طبری، محمد بن جریر بن یزید (۲۲۴- ۳۱۰ ق.). تاریخ الرسل و الملوک: تاریخ الطبری، قاهره، مطبعه الاستقامه ۱۳۵۷ و مطبعه الحسنیه ۱۳۲۴ ق.

۸۷- طبری، محب الدین احمد بن عبداللّٰه. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی. بیروت.

دارالمعرفه [بی تا].

۸۸- طبری، ابی جعفر محمد بن جریر بن رستم. دلائل الامامه. بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق.

۸۹- طلس، محمد اسعد. الآثار الاسلامیه و التاریخیه فی حلب. دمشق، مطبعه الترقی

۱۹۵۶ م.

۹۰- طنطاوی، علی. دمشق،صور ... من جمالها و عبر ... من نضالها، دمشق، دارالفکر چاپ دوم ۱۴۰۷ ق.

۹۱- طه حسین، علی و بنوه، مصر [بی تا]، [بی نا].

۹۲- عظیمی الحلبی، محمد بن علی. تاریخ الحلب (۵۵۶- ۴۸۲ ق) تحقیق ابراهیم ذعرور، دمشق [بی تا] ۱۹۸۴ م.

۹۳- العلبی، اکرم حسن. خطط دمشق، دارسه تاریخیه شامله، دمشق، دارالطباع ۱۴۱۰ ق.

۹۴-- دمشق بین عصر ممالیک و العثمانیین (۹۲۲- ۹۰۶ ق). دمشق، الشرکه المتحده للطباعه و النشر، چاپ اول ۱۴۰۲ ق.

۹۵- العمری، فضل اللّه. الجامع الاموی بدمشق. حققها و قدم لها محمد مطیع الحافظ، بیروت، دارابن کثیر ۱۴۰۵ ق.

۹۶- عیسی بک، احمد. تاریخ البیمارستانات فی الاسلام. بیروت، دارالرائد العربی، چاپ دوم ۱۴۱۰ ق.

۹۷- غزی البابی الحلبی، کامل. نهرالذهب فی تاریخ حلب، تحقیق و تصحیح شوقی شعث، محمود الفاخوری، حلب، دارالقلم العربی، چاپ دوم ۱۴۱۲ ق.

۹۸- قمی، عباس. سفینهالبحار و مدینه الحکم والاثار. تهران، کتابخانه سنایی [بی تا].

۹۹- کرد علی، محمد. غوطه دمشق. بیروت، دارالفکر، چاپ سوم ۱۴۰۴ ق.

۱۰۰-- خطط الشام. بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ دوم ۱۳۹۱ ق.

۱۰۱- کمال، منیر. الحمامات الدمشقیه، دمشق، ابن خلدون ۱۹۸۶ م.

۱۰۲- گیلانی، هیثم. الاستراتیجیات العسکریه للحروب العربیه الاسلامیه. بیروت، مرکز الدراسات الوحده العربیه ۱۹۹۱ م.

۱۰۳- لحام، ماجد. دمشق فی نصف قرن. بیروت، دارالفکر المعاصر ۱۴۱۰ ق.

۱۰۴- مجلسی، محمد باقر. بحارالانوار. تهران، اسلامیه [بی تا].

۱۰۵- محمد نرسی، محمد. الامارات العربیه فی بلاد الشام فی القرنین الحادی العشر و الثانی العشر للمیلادی، مصر، الهیئه المصریه العامه للکتاب ۱۹۸۰ م.

۱۰۶- محمد سالم، لطیفه. الحکم المصری فی الشام (۱۸۱۴- ۱۸۳۱ م). قاهره، مکتبه مدبولی، چاپ دوم ۱۴۱۰ ق.

۱۰۷- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۳۴۵ ق.). مروج الذهب و معادن الجوهر.

مصر، مطبعه البهیه المصریه ۱۳۴۶ ق و بیروت، دارالقلم ۱۴۰۸ ق.

۱۰۸- المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری، اشراف، العماد مصطفی طلاس، دمشق،

مرکز الدراسات العسکریه ۱۹۹۰ م.

۱۰۹- معروف الحسنی، هاشم. سیره الائمه الاثنی عشر، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات ۱۴۱۱ ق.

۱۱۰- مقدسی، طاهربن مطهر (۱۰۱۰ ق.). البدء و التاریخ. پاریس، تحت اشراف کلمان هوار فرانسوی ۱۹۰۷ م و تهران مکتبه الاسلامیه ۱۹۷۲ م.

۱۱۱- ملوجی، عدنان. الطریق الی دمشق. (مذاکرات)، کتاب الاول. دمشق، دارالطباعه والنشر، چاپ دوم ۱۹۹۲ م.

۱۱۲- منقری، نصر بن مزاحم بن سیار (۲۱۲ ق.). وقعه الصفین. حققه و شرحه عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتبه آیه اللّه المرعشی النجفی ۱۴۰۳ ق.

۱۱۳- موسوی المقرم، عبدالرزاق، مقتل الحسین او حدیث کربلا. قم، مکتبه بصیرتی ۱۳۹۴ ق.

۱۱۴- مهاجر، عبدالحمید. حجر بن عدی لایساوم فی الحق. بیروت، دارالکتاب و العتره ۱۴۱۳ ق.

۱۱۵- نزار ابساظه و محمد مطیع الحافظ. علماء دمشق و اعیانها فی القرن الثالث عشر الهجری. بیروت، دارالفکر المعاصر، چاپ اول ۱۴۱۲ ق.

۱۱۶- نسیم یوسف، جوزف. العدوان الصلیبی علی بلاد الشام، مصر، دارالمعرفه الجامعه [بی تا].

۱۱۷- نصراللّه، ابراهیم. حلب و التشیع. بیروت، دارالوفاء ۱۴۰۳ ق.

۱۱۸- نعیسه، یوسف جمیل، مجتمع مدینه دمشق (۱۱۸۶- ۱۲۵۶ ق). دمشق، دارطلاس ۱۹۸۶ م.

۱۱۹- نعیمی دمشق. عبدالقادر بن محمد (۹۷۸ ق.). الدراس فی تاریخ المدارس. تنظیم فهارس، ابراهیم شمس الدین. بیروت، دارالکتب العلمیه ۱۴۱۰ ق.

۱۲۰-- دور القرآن بدمشق. تحقیقصلاح الدین المنجد، بیروت، دارالکتاب الجدید، چاپ سوم ۱۹۷۲ م.

۱۲۱-- الجامع الاموی بدمشق، حققها و قدم لها مطیع الحافظ، بیروت، دارابن کثیر ۱۴۰۵ ق.

۱۲۲- واقدی، محمد بن عمر بن سعد بن کاتب (۲۰۷ ق.). المغازی. تحقیق مارس جونس، بیروت [بی تا].

۱۲۳-- فتوح الشام. بیروت، دارالجیل، [بی تا].

۱۲۴- یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبداللّٰه (۶۲۶- ۵۷۴ ق.). معجم البلدان. بیروت،

دارالفکر [بی تا].

۱۲۵- یوسف الدبس، مطران. تاریخ سوریا. بیروت، مطبعه العمومیه ۱۹۰۰ م.

## ب. منابع فارسی

۱۲۶- تلمسانی، ابوبکر محمد بن ابوبکر انصاری بری. جوهره در نسب و شرح احوال علی علیه السلام و آل او. ترجمه فیروز حریرچی، تهران، امیر کبیر ۱۳۶۱ ش.

۱۲۷- رابینوویچ، آینامار. جنگ برای لبنان (۱۹۸۵- ۱۹۷۰ م) ترجمه جوادصفایی و غلامعلی رجبی، تهران، سفیر ۱۳۶۸ ش.

۱۲۸- شیروانی، زین العابدین. ریاض السیاحه. به اهتمام آقاسی اوغلی، مسکو، ادبیات خاور ۱۹۷۴ م.

۱۲۹- فتال نیشابوری. روضه الواعظین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی ۱۳۶۳ ش.

۱۳۰- فهری زنجانی، سید احمد. مراقد اهل بیت در شام. تهران، امیر کبیر ۱۳۶۷ ش.

۱۳۱- قائدان، اصغر. تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، تهران، سازمان و زیارت، نشر مشعر ۱۳۷۲ ش.

۱۳۲- قزوینی رازی، عبدالجلیل نصیرالدین. بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض. ترجمه سید جلال الدین محدث ارموی، تهران [بی تا] ۱۳۷۱ ش.

۱۳۳- قمی، عباس. منتهی الامال. تهران، جاویدان [بی تا].

۱۳۴-- دمع السجود. ترجمه نفس المهموم. ابوالحسن شعرانی، تهران، علمیه اسلامیه ۱۳۷۴ ق.

۱۳۵- کمّونه حسینی، سید عبدالرزاق. آرامگاههای خاندان پاک پیامبرصلی الله علیه و آله و بزرگانصحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلیصاحبی، مشهد، آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ ش.

۱۳۶- گروه نویسندگان آکادمی شوروی. تاریخ معاصر کشورهای عربی. ترجمه محمد حسین روحانی، تهران، توس ۱۳۶۷ ش.

۱۳۷- گیتاشناسی کشورها. گرد آورندگان محمود محجوب، فرامرز زیارودی، تهران، گیتا شناسی چاپ اول ۱۳۶۲ ش.

۱۳۸- مطهری، مرتضی. تماشاگه راز. تهران،صدرا، ۱۳۶۴ ش.

۱۳۹- نویری، شهاب الدین احمد (قرن هشتم). نهایه الارب فی فنون الادب. ترجمه

محمود مهدوی دامغانی، تهران، امیر کبیر ۱۳۶۴ ش.

**ج. منابع انگلیسی.**

egdirbmaC -۱۴۱ .۱۹۷۴ ,asu ۱۷ .V ,acinatirb aidepolcycne wen eht -H .R .A -۱۴۰,

malsI fo yrotsiH ehT

, sserp ytisrevinueht ta .sdnal cimalsI lartnec ehT ۱۹۷۰.

۱۴۲Encyclopedia of Islam-

. H .A ,inaruoH -۱۴۳ .۱۹۸۷ nlok nvahneboR .kroy weN .nedieL .llirB .jE.

yasse lacitilop a nonabel dna airys

. sserp ytisrevinu drofxo ۱۹۸۶.

yelsmeh nehpets ,girgnoL -۱۴۴.

etadnom hcnert rednu nonabeL dna airyS.

sserp yt isrevinudrofxo ۱۹۶۸.

mailliW ,riuM -۱۴۵.

llaf dna enilceD ,esir sti etahpilac ehT.

suiluj ,nesuoh lleW -۱۴۶ .۱۸۹۱ ,nodnol,

llaf sti dna modgniK barA ehT.

nerp nezuc ,nodnol ۱۹۷۳.

## فهرست اعلام

### اشاره

ص : ۲۵۲

## ۱- فهرست اشخاص

ص: ۲۵۶

ص: ۲۶۰

ص: ۲۶۲

ص: ۲۶۴

ص: ۲۶۹

## ۱– فهرست اماکن

ص: ۲۷۶

ص: ۲۸۱

ص: ۲۸۶

ص: ۲۸۹

ص: ٢٩٢

يوسف العِظَمه، ٩٠، ١٢٠

يوسف العظمه، ١٢٩

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹